



فراز و نشیب های حکومت ملی
کردستان و آذربایجان
(۱۳۲۴ . ۱۳۲۵)

به کوشش: فاروق فرهاد
سوید: ۲۰۲۲

تقدیم به روح پاک شهید: پیشوا قاضی محمد، صدر قاضی و محمد حسین
خان سیف قاضی که در روز ۱۳۲۶/۱/۱۰ - ۱۹۴۷/۳/۳۱ در همان میدان
"چهار چراغ" مهاباد که حکومت ملی کردستان را اعلام کردند به دار
آویخته شدند.



عکس از بالا سمت راست : قاضی محمد . صدر قاضی
عکس سمت چپ: محمد حسین خان سیف قاضی

فهرست:

۱۳.....	مقدمه
۱۵.....	مشخصات روزنامه کردستان
۱۹.....	آقای فهیمی از کردستان چه گفتند
۱۹.....	بیانات آقای فهیمی در مجلس شورای ملی
۲۸.....	بیانات آقای آصف
۳۱.....	جریان واقعه مهاباد
۳۶.....	از سلدوز
۳۸.....	سرتیپ هوشمند افشار در کردستان چه می کند؟
۳۸.....	فرمانده تیپ
۳۸.....	در مجلس شورای ملی
۳۹.....	در مجلس شورای ملی
۳۹.....	برای اطلاع ستاد ارتش
۴۰.....	مخبر ما از مهاباد می نویسد
۴۱.....	شرکت در جشن ۲۵ ساله
۴۱.....	اخبار سقز
۴۱.....	خلع سلاح
۴۲.....	ستاد ارتش شهربانی کل
۴۲.....	مهاباد
۴۲.....	تلگراف روسای عشایر اورامان و مریوان

- ۴۵.....ورود فرمانده لشکر کردستان به تهران
- ۴۵.....دادگاه بی پایان
- ۴۷.....فرمانده لشکر ۴
- ۴۷.....از کرمانشاه
- ۴۷.....مهاباد جدا شدنی نیست
- ۴۸.....کوهستان
- ۴۹.....تکذیب
- ۵۱.....تکذیب
- ۵۱.....تکذیب مسافرت به بادکوبه
- ۵۲.....از تبریز
- ۵۳.....راجع به مسافرت بادکوبه
- ۵۴.....ک . ک . ک کومله کومنیستی کردستان
- ۵۵.....اما موضوع ک . ک . ک
- ۵۷.....اخبار کردستان
- ۵۷.....به مناسبت خبر رادیو پاریس
- ۵۹.....استاندار آذربایجان
- ۶۰.....برافراشتن پرچم مقدس کردستان در مهاباد
- ۶۱.....برافراشتن پرچم مقدس کردستان در بوکان
- ۶۴.....برافراشتن پرچم مقدس کردستان در نقده
- ۶۵.....برای رفع مشکلات اول تشریک مساعی لازم است

کردهای مسلح عراق در خاک ایران.....	۶۶
مهاباد.....	۶۸
در مجلس شورای ملی.....	۶۸
روزنامه شهباز.....	۷۲
مصاحبه جناب قاضی محمد.....	۷۴
یادداشت دولت ایران.....	۷۷
یادداشت سفارت شوروی.....	۷۹
اوضاع آذربایجان.....	۷۹
اوضاع آذربایجان.....	۸۰
اطلاعیه.....	۸۱
گردهمایی کمیسیون فرهنگی کردستان.....	۸۱
اطلاعیه.....	۸۲
فرمان کشتار از طرف ستاد ارتش ایران.....	۸۲
فرماندهی لشکر.....	۸۳
جنگهای اورامان چگونه پایان یافت.....	۸۳
سقوط پادگان رضائیه.....	۸۵
تلگراف از سقز.....	۸۵
میتینگ ۲۰ هزار نفری مهاباد.....	۸۶
جشن استقلال کردستان یا درخشیدن ستاره خوشبختی کردها.....	۸۸
عکس.....	۹۰

ایران در هفته گذشته.....	۹۲
نخست وزیر قوام السلطنه.....	۹۲
ارجاع قضیه آذربایجان به شورای امنیت.....	۹۳
اقدامات نخست وزیر.....	۹۳
نمایندگان مجلس.....	۹۴
از شمال.....	۹۵
معرفی دولت به مجلس.....	۹۵
هیئت اعزامی به مسکو.....	۹۶
رئیس ستاد ارتش.....	۹۶
تلگراف اهالی کردستان.....	۹۶
نخست وزیر و هیئت اعزامی در مسکو.....	۹۷
تخلیه ایران از نیروهای انگلیس.....	۹۸
سفیر کبیر جدید شوروی.....	۹۸
توجه آقای نخست وزیر جناب آقای قوام السلطنه.....	۹۸
در تهران خبری نیست.....	۱۰۰
اعلامیه در باره مذاکرات شوروی و ایران.....	۱۰۰
غرب دقایق دشواری را می گذرانند.....	۱۰۲
اخبار داخلی.....	۱۰۲
کنفرانس بانوان در انجمن فرهنگی کرد و شوروی.....	۱۰۳
تشکیل حزب دمکرات زنان از سوی زنان کردستان.....	۱۰۴

- ۱۰۵.....اخبار خارجی
- ۱۰۵.....خبر
- ۱۰۷.....موضوع کردستان کم کم مطرح می شود
- ۱۰۷.....یک حرف از دو دهان
- ۱۰۸.....رادیو آذربایجان آن شب چه می گفت
- ۱۰۸.....از روزنامه الجهاد شماره ۵۱ چاپ بغداد
- ۱۰۹.....مشکل آذربایجان چگونه حل می شود
- ۱۱۰.....باز هم شورای امنیت
- ۱۱۲.....اطلاعات تازه از عراق
- ۱۱۳.....ایستگاه رادیو تبریز
- ۱۱۳.....کردستان سخن می گوید
- ۱۱۴.....بیانات حضرت پیشوا کردستان در رادیو
- ۱۱۵.....اخبار
- ۱۱۵.....جنگ در کردستان
- ۱۱۶.....از تهران
- ۱۱۶.....تلگراف روسای عشایر از آذربایجان
- ۱۱۷.....پیمان دو جانبه حکومت ملی کردستان و آذربایجان
- ۱۱۹.....عکس تاریخی
- ۱۲۰.....وزارت جنگ تکذیب می کند
- ۱۲۰.....رادیو لندن

- ۱۲۰.....رادیو تبریز.
- ۱۲۱.....در کردستان چه خبر است.
- ۱۲۱.....یورش ارتجاع.
- ۱۲۱.....اخبار در جبهه سردشت.
- ۱۲۲.....سفر حضرت پیشوای کردستان به تبریز.
- ۱۲۳.....در ایران ما چه می گذرد.
- ۱۲۳.....خبرگزاری پارس تکذیب می کند.
- ۱۲۴.....تلگراف از مهاباد.
- ۱۲۵.....برای اطلاع ستاد ارتش.
- ۱۲۵.....در پیرامون نطق پیشه‌وری.
- ۱۲۶.....در مهاباد با اسیران چه می کنند.
- ۱۲۸.....گزارش محمد حسین خان سیف قاضی وزیر جنگ.
- ۱۳۰.....فرمایشات پیشوا و رهبر کردستان.
- ۱۳۲.....سفر نمایندگان کردستان به سقز.
- ۱۳۲.....هیئت های اعزامی به کردستان.
- ۱۳۲.....ما از آزادی مدافعه خواهیم کرد.
- ۱۳۳.....متن ابلاغیه ایران و شوروی.
- ۱۳۵.....نمایندگان کردستان و تهران در سقز.
- ۱۳۸.....پیام نویس آژانس فرانس.
- ۱۳۹.....اخبار داخلی.

- کرد ملی شجاع و شایسته زندگی کردن است..... ۱۴۰
- به مناسبت حل موضوع آذربایجان ماده ۱۳..... ۱۴۱
- مجلس ترحیم و عزاداری از طرف حکومت کردستان..... ۱۴۱
- ما اگراد چه می خواهیم..... ۱۴۲
- بخشنامه..... ۱۴۳
- قابل توجه آقای قوام السطنه و آزادیخواهان..... ۱۴۳
- رفتن پیشوا به سرا..... ۱۴۴
- در جبهه..... ۱۴۴
- سقز و جانوران موذی شن..... ۱۴۵
- سفر حضرت پیشوای کردستان به تهران..... ۱۴۵
- قاضی محمد رهبر فرقه دمکرات در تهران..... ۱۴۶
- تلگراف کردستان..... ۱۴۶
- مذاکرات ادامه دارد..... ۱۴۷
- از کردستان..... ۱۴۸
- در ایران ما چه می گذرد..... ۱۴۸
- اخبار داخلی خودمان..... ۱۴۹
- کرد و کردستان به دیدار ایشان شاد و زنده شدند..... ۱۴۹
- نتیجه مذاکرات را در سقز باید دید..... ۱۵۰
- مصاحبه پیشوا قاضی محمد با روزنامه رهبر..... ۱۵۲
- جناب قاضی هم رفت..... ۱۵۶

- سخنرانی پیشوای معظم کردستان..... ۱۶۱
- بازگشت پیشوا معظم کردستان..... ۱۶۴
- جشن و پذیرایی در فرمانداری مهاباد به مناسبت ۴۱ ساله مشروطیت. ۱۶۴
- بیانات پیشوای کردستان..... ۱۶۶
- قاضی محمد و دولت مرکزی (از روزنامه رهبر)..... ۱۶۷
- تلگراف قاضی محمد به نخست وزیر (۱)..... ۱۶۸
- جشن و چراغانی..... ۱۷۰
- بازگشت پیشوا قاضی محمد..... ۱۷۰
- حزب دمکرات کردستان..... ۱۷۱
- زدخوردهای سردشت..... ۱۷۳
- جبهه موتلف احزاب آزادیخواه..... ۱۷۳
- تلگراف قاضی محمد به نخست وزیر (۲)..... ۱۷۴
- در غرب چه می گذرد..... ۱۷۶
- گزارش از لشکر ۴ کردستان..... ۱۷۷
- حمله اشرار به کامیونهای ارتش..... ۱۷۷
- در موضوع بارزانیها دقت بیشتری لازم است..... ۱۷۹
- تلگراف قاضی محمد به نخست وزیر (۳)..... ۱۸۱
- تلگراف قاضی محمد به نخست وزیر (۴)..... ۱۸۳
- انتخابات شروع می شود..... ۱۸۵
- برنامه کردی از رادیو تهران..... ۱۸۵

۱۸۶.....	اعلامیه دولت
۱۸۸	تلگراف حزب دمکرات کردستان
۱۸۹.....	نخست وزیر به کردستان امیدوار است
۱۹۰.....	در ایران ما چه می گذرد
۱۹۱.....	از کردستان
۱۹۳.....	برنامه کردی شروع نشده موقوف گردید
۱۹۴.....	اخبار سنندج
۱۹۴.....	پیام ستاد ارتش به افسران مقیم آذربایجان
۱۹۶.....	در ایران ما چه می گذرد
۱۹۹.....	اخبار آذربایجان
۲۰۱.....	سرلشکر رزم آراء رئیس ستاد ارتش شاهنشاهی
۲۰۲.....	برای اطلاع اداره دارایی کردستان
۲۰۲.....	در ایران ما چه می گذرد
۲۰۳.....	بیانات آقای نخست وزیر در شب پنجشنبه
۲۰۵.....	خبر سقز
۲۰۵.....	سرنوشت بارزانیان
۲۰۸.....	قابل توجه جناب اشرف آقای نخست وزیر
۲۰۹.....	هفته پیش در ایران ما چه گذشت
۲۱۰.....	هیئت نمایندگان کردستانیان در تهران
۲۱۱.....	در کردستان چه می گذرد

دستگیری قاضی محمد.....	۲۱۱
هفته پیش در ایران ما چه گذشت.....	۲۱۳
انتخابات کردستان.....	۲۱۳
آبروی امضا خود را نبرید.....	۲۱۳
هفته پیش در ایران چه گذشت.....	۲۱۵
در کردستان چه می گذرد.....	۲۱۵
توجه دولت به ایلات و عشایر.....	۲۱۵
عکس.....	۲۲۰
بازگشت روسای عشایر.....	۲۲۱
کاندیدای نمایندگی مهاباد.....	۲۲۳
اظهار امتنان اهالی کردستان.....	۲۲۴
مسافرت آقای ناصر خان قشقائی به تهران.....	۲۲۴
پناهندگان.....	۲۲۵
ایران سرزمینی که دریای نفت همیشه خاک آنرا میلرزاند.....	۲۲۷
صدر قاضی را اعدام میکنند و صدرالاشراف سراز پا درازتر.....	۲۳۱
خون قاضی محمد بوی نفت میدهد.....	۲۳۴
کردستان مستقل! کردستان جمهوری.....	۲۳۷
درگذشت شادروان ستوان آیتی.....	۲۳۹
توقیف نامه کوهستان یا آرزوی مرتجعین سقز.....	۲۳۹
منابع.....	۲۴۰

مقدمه

نوشته: فاروق فرهاد

مشخصات نامه هفتگی کوهستان: این نام در وسط روزنامه در بالاترین بخش آن قرار دارد.

. صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر اسمعیل اردلان.

. سال اول و شماره اول دوشنبه ۷ اسفند ۱۳۲۳، ۲۶ فوریه ۱۹۴۵

. زبان: فارسی (گاهی همراه با قطعات شعر به زبان کردی).

. تعداد صفحات ۸ صفحه.

. به هیچ حزب دسته یا جمعیتی وابستگی ندارد.

. قیمت: ۴ ریال

. محل نشر: تهران

اهداف روزنامه: مدیر مسئول در سر مقاله اولین شماره تحت عنوان " نامه کوهستان برای چه بوجود آمده است؟" پس از تشریح اوضاع آشفته ایران در اواخر نیمه اول سده بیستم و اشاره به این موضوع که دشمنان کرد می خواهند از این وضع نابسامان سوء استفاده کرده ندای حق طلبانه مردم کرد را تجزیه طلبی قلمداد کنند، می نویسد:

. ما با انتشار " نامه کوهستان " می خواهیم نقشه های تبه کارانه را برهم زنیم، اطلاعات موثقی در معرض افکار عامه قرار دهیم تا از روی بصیرت برادران کرد خود را قضاوت نمایند.

. ما مصمیم بر علیه اقدامات بی رویه عناصر ناپاک خواه این عناصر نام مامور دولت بر سر داشته باشند و خواه از مردمان محلی باشند، جدا اعتراض کنیم و با تمام قوا بکوشیم تا آنان به کیفر اعمال خود برسند.

. ما می‌خواهیم توجه خاص دولت را به این نواحی جلب کنیم و از دولت بخواهیم که در انتخاب مأمورین نهایت دقت کند تا مأمورین پاک و بی آلایش وطن پرست و اصلاح طلب جایگزین مفسده جوین گردند.

. ما مصمیم ساکنین این مناطق را آگاه سازیم که اعمال ناروای مأمورین دولتی را خلاف میل و اراده دولت بدانند و در هر موقع ظلم یا تعدی از مأمورین دیدند آنرا تقصیر مسلم خود آنان بشناسند.

گویا قرار بر این بوده است که اولین شماره "نامه کوهستان" را در آغاز سال ۱۳۲۴ انتشار دهند. اما به علت قضیه مهاباد (حمله به شهربانی مهاباد و کشته شدن پنج پاسبان) و عزیمت وزیر مشاور آقای فهیمی و نماینده کردستان آقای آصف به کردستان، چند روز نشر روزنامه را به جلو انداخته‌اند.

محتوای روزنامه همچنانکه مدیر مسئول اشاره کرده است غالباً در جهت معرفی کردها و احقاق حق و حقوق آنها در ایران و خارج از ایران است. در هر شماره علاوه بر سرمقاله که بیشتر در مورد مسئله کردستان است، خلاصه سخنرانیهای نمایندگان کردستان در مجلس شورای ملی یا نمایندگان مناطق دیگر پیرامون مسائل کردستان و اخبار ایران و جهان شکایات و انتقادات و مطالب متنوعی پیرامون تاریخ و ادبیات و فولکور کرد، درج میشد و در شماره‌هایی هم مطالب گوناگونی در باره بهداشت و کشاورزی به چاپ میرسید، سلسله داستانهای پاورقی را هم می توان در آن مشاهده کرد.

بطور کلی روزنامه مرتب چاپ میشده است، اما شماره ۲۴ مورخ ۱۵ مرداد ۱۳۲۴ که مطالب آن افشاگریهائی است در مورد کارها و اقدامات ارتش در کردستان برای مدت یک ماه توفیف شده است. انتشار شماره ۳۵ هم به علت فنی یک روز به تأخیر افتاده است.

شماره ۴۹ را اشتباها ۴۷ نوشته‌اند و شماره ۵۸ را هم ۵۹ نوشته‌اند. شماره اخیر را متذکر شده‌اند ولی شماره ۴۹ را متوجه نشده‌اند. بعد از انتشار شماره ۶۶ مورخ ۷ مرداد ۱۳۲۵ به دلیل مسافرت مدیر مسئول به کردستان چاپ روزنامه به مدت یک ماه تعطیل می‌شود و شماره ۶۷ در تاریخ دوشنبه ۶ آبان ماه ۱۳۲۵ (۲۸ اکتبر ۱۹۴۶) منتشر می‌شود. آخرین شماره مصادف است با دوشنبه ۱۲ اسفند ماه ۱۳۲۵، ۳ مارس ۱۹۴۷.

عبدالله مردوخ

منبع: نامه هفتگی کوهستان، به کوشش صدیق صالح و رفیق صالح
سلیمانیه بنیاد ژین سال ۲۰۱۰

مشخصات روزنامه کردستان:

. روزنامه کردستان ارگان رسمی حزب دمکرات کردستان (۱۳۲۴ . ۱۳۲۵)

. سردیر روزنامه: سید محمد حمیدی

. سال اول و شماره اول ۲۰ دیماه ۱۳۲۴ در مهاباد چاپ و منتشر شده است.

. روزنامه کردستان مانند یک روزنامه از مشخصات آن معلوم نیست، روزانه یا در وسط هفته و یا هفتگی چاپ شده، در حقیقت هر چند روز دو یا سه روز ... چاپ و منتشر شده است.

. زبان: کردی (گاهی همراه با نوشتن مقالات به زبان فارسی)

قیمت : ۱ ریال، از شماره ۹۲ به ۳ ریال افزایش یافته است.

محل نشر: مهاباد چاپخانه کردستان (حکومت ملی کردستان)

. اهداف روزنامه: سردیر روزنامه در سر مقاله اولین شماره تحت " آرمان ما " پس از نوشتن و شرح اوضاع کردستان چنین می‌نویسد: برای ملت کوشش می‌کنیم و به زبان شیرین کردی می‌خوانیم و... ما هیچ وقت فکر

نمی کردیم که روزی صاحب چاپخانه و نشریات شویم به یاری خداوند متعال روزنامه‌ی کردستان را دایر کردیم و اولین شماره آن چاپ و منتشر شد. اهداف این روزنامه ساختن قعله آهنینی از اتحاد و برادری بر اساس بنیاد علمی و هنری است. **

سید محمد حمیدی

روزنامه کردستان حاوی مقالات سیاسی، اجتماعی، دینی و ادبی است. این روزنامه از نظر تاریخی جایگاه بسزائی برای تحقیق و بررسی رودیدادهای حکومت کردستان دارد. چون بیشتر سخنرانیهای و مصاحبه‌های پیشوا قاضی محمد و مسئولین حکومتی و اخبار سیاسی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی حکومت کردستان در آن یافت می شود.

روزنامه کردستان: از شماره ۱ تا شماره ۷۹ تماما در دسترس می باشد. شماره ۸۰ تا شماره ۸۴ در دسترس نیستند. شماره ۸۵ در دسترس است و شماره ۸۶ در دسترس نمی باشد. شماره ۸۷ و ۸۸ در دسترس هستند و از شماره ۸۹ تا ۹۱ در دسترس نیستند. شماره ۹۲ در دسترس است و از شماره ۹۳ تا ۱۰۰ در دسترس نمی باشد. شماره‌های ۱۰۱ و ۱۰۲ در دسترس می باشند.

روزنامه کردستان از شماره ۱ تا شماره ۱۰۲، ۱۷ شماره این روزنامه در دسترس نیستند. اظهار نظرهای متفاوتی در مورد تعداد شماره‌های این روزنامه به ۱۱۲ یا ۱۱۴ یا ۱۶۰ شماره وجود دارد.

روزنامه کردستان در قلمرو حکومت ملی کردستان و مناطقی از شهرهای کردنشینان آذربایجان مانند: نقده، ماکو، خوی، سوما، سندوس، شاپور، اورمیه، اشنویه، میاندوآب، بوکان و مهاباد پخش میشد و مسلما بطور پنهانی نیز به مناطق دیگر کردستان مانند کرمانشاه، سنندج و مریوان و کردستان عراق نیز رسیده است.

از فعالترین نویسندگان این روزنامه میتوان از: سید محمد حمیدی، محمدامین شیخ السلامی " هیمن"، عبدالرحمان شرفکندی " هه ژار"، حسن قزلبجی، ابراهیم نادری، محمد مجدی، عبدالرحمان ذبیحی، دلشاد رسولی، علی خسروی، قادر مدرسی، قانع، و... نام برد.

در اینجا باید به دو نکته اشاره کنم: این نوشته بر اساس رویدادها، خبر، تجزیه و تحلیل و بررسی روزنامه‌های " نامه هفتگی کوهستان"، " روزنامه کردستان"، " روزنامه " مرد امروز" و " روزنامه " ایران ما" جمع آوری و تدوین شده است. تنها عکسها و اطلاعاتی چند در مورد روزنامه‌ها از منابع دیگر گرفته شده است.

مطالبی ترجمه شده از روزنامه کردستان به زبان فارسی در کتاب جمهوری کردستان نوشته آقای حامید گوهری و ترجمه آقای حسن ماورانی (از زبان کردی به زبان فارسی) استفاده شده که با علامت (*) مشخص کرده‌ام.

بقیه مطالب که از روزنامه کردستان به زبان فارسی ترجمه شده است خود انجام داده‌ام و با علامت (**) مشخص شده است.

از همکاری دوست عزیز و ارجمندم آقای رشاد مصطفی سلطانی و خانم سیمین افتخاری بی نهایت سپاسگزارم.

۲۰۲۲/۳/۲۷

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

کوهستان

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان

تک شماره ۴ ریال

شنبه ۷ اسفند ۱۳۳۳

سال اول - شماره ۱۵

نامه کوهستان

برای چه بوجود آمده است

در این موقع تاریخی که کشور بیش از هر وقت به فکر آزادی
افراد نیازمند است،
در این هنگام که در اکثر کشورهای جهان مردم به تهیه
برنامه های بلند از جنگ و فراهم نمودن وسایل رفاه هم میبازانند
خود اشتغال دارند.
در این هنگام که مردم زنده جز عظمت میهن خود هدف
و آرزوی ندارند و شب و روز در راه موفقیّت تلاش می نمایند،
ما چه میکنیم؟
ما بجان هم افتاده آسایش صومعه را مغفل میکنیم،
ما جز بنام شخصی خود بهیچ چیز توجه نمیکشیم.

چگونه ممکن است فکر کرد
این هوس جدائی از ما در سر
باشد؟
چگونه ممکن است اندیشه کرد
آرزوی غیر ایرانیّت در فکر جای دهیم؟
چگونه ممکن است خیال کرد عشا بر
ایران خود را غیر ایرانی بدانند، یا قدمی
زبان میهن بر دارند؟
آنان که با میدی باین افکار خود
را مشغول داشته اند و نظریات سوسی
دارند باید نابود شوند.
هوس استقلال!!!!
خدا ای از ماجراجویان برای اینکه
از آب گل آلود شده ملای بگیرند، در
مواقع حساسی اشاعه میدهند و اگر دوس
استقلال دوس دارند، دولت و انبساط به
اگر اده نظنون میکنند و اگر ادر از دولت

طلب بخوانند:
در همین طهران، در این طهران
قشک، پایتخت مملکت مگر دزدی نمیشود؟
مگر در دو فوسهی همین طهران راهزن
دیده نمی شود؟ برانیکوبند این راهزنان
دهوی استقلال دارند؟ و چرا در بین افراد
اگر آرزوی نادانی با استیصال و بیاراستر
تحریر کنی چند راهزن بافت شد میگویند
> استقلال سکر در میخوانند برای اینکه
دو فرسخی طهران راه دوری نیست و
نمی توان برده های ضعیف بر حلق بوشانید
ولی کردستان از مرز کردور است و از این
مزیت محروم.
واقعاً شخص متعجب میشود و تکیه
می بیند یا می شود حد ای مامور استیها
با اهدا چنین نظاره ای بر تالان مصالح
عالیه کشور مبتلایند. آیا اتان راساً

آبونان	
به کاله	۳۰۰ ریال
شهر مانگه	۱۶۰ ریال
دانهی	۱ ریال

کوردوستان

کوردوستان له لایه
هیدیه تی تحریریه
دور ده چی

بلاو کوره وهی ییری حزبی دیمو کراتی کوردوستان

۱۱ - ژانویه ۱۹۴۶

پنج شنبه ۲۰ - ۱۰ - ۱۳۳۳

سالی یکم

ژماره ۱ -

آمانجی ایمه

ژنرال یسموس ستالین
(به بونهی نشست و شه شه
مین سالی له دایک بونی)

یوسف آستالین پیشوای کمورمی رتبه بران
و کارگهرانی کیتی و رهبری میله نه کانی اتحاد
جماهیری شوروی سوسیالیستی له ۲۱ دسامبر
۱۹۷۹ له شاری گوری گورجستان له دایک بووه
باوکی آستالین یابوکی کارگر بوو آستالین
له تمهنی ۱۵ سالوه تیکل نهفت انقلابی بوو و
له سالی ۱۸۹۸ تا ۱۹۰۰ ره رهبری محافلی مار -
کستی کارگهرانی ده کرد و هه وول کمیسر
بوو که له انقلابی مار کستی هه وول تیکل

و دهستی به سترا و مان کراوه جاوی نستوسان
وه خه ره هات . کومه لیک له لاوان و گه نهجانی
کوردوستان کو بونه دهستی برابری و به کیه تیان
دادس یهک بیوجان سه عیان به خه رج دا تا
حزبی دیمو کراتی کوردوستان به وجود هینا و
هه ره هه لست و خاتیک که له ناو کوردوستان ده
هه ره له نیویان هه لگرت ؛ حزبی دیمو کرات
له مه و دایه کی که مه دایه توانی لکی خوی له ته وای
شاره کانی کوردستانی ایران بکانه وه ، ایستا له
کوردوستان دا نیوی مهنگور و مامه ش و زه رزا
و دیو کوری و . . . و هه ره پیستی که بونی
جودایی لی بی نا کورتی . هه ره به یهک دهنگ
دملین ایمه کوردین کوردمان دوی ، ایرو
سهر کریمان به سهر بلندی و هه زارمان به
دوله مه ندی و دو باره کیمسان به یه کیتی
گور و نه وه .

له مگاهه دا که خاکی کوردوستان له هه ره و ختیک
زیاتر پیوستی ویداکاری کوره کانه تی .
له و آنه دا که هه ره نه ته وه کانی گیتی بو را گرتش .
بووه دس هینانی سهر بهستی و آزادی خوبان
وه بو وه دس حنتی و سالی پیش که وتنی هاو -
نیشانه کاتیان ده ته له لاوان .
له م و ختیدا که هه ره نه ته و کانی عالم غیر از
سه بهستی و گور و پی نیشانه کاتیان آمانجیکان
نی و به هه ره و به رز و بو گه ش به م آمانجانه
هه وول ده دس ؛ ایمه خه ریکی جن و آمانجانه چه ؟
پاش چندین سال دور به دیری و
سهر کزی و به ندو تی هه لدانی بی ژمار و فور
به سهری و هه زاری ، له پاش له و دی به اناری
دوژمان به نبوی مهنگور و مامه ش و زه رزا و
دیو کوری و گور و و هه لمانی و . . . کور -
تیوینه کاتیان و مالی به کتر خونی به کترمان
ده دیری و ددرشت و بو لایه تی شخصی خوبان

آقای فهیمی از کردستان چه گفتند؟

تا هنگامیکه آقای فهیمی وزیر مشاور گزارش خود را در مجلس شورای ملی بسمع نمایندگان نرسانیده بود نظر دولت راجع به کردستان بر اکثر مردم پوشیده بود. بیانات ایشان پرده از روی حقایق برداشت و سیاست دولت را در این منطقه روشن ساخت. نطق آقای فهیمی در مجلس علاوه بر بیان حقایق اهمیت بسزائی در تعیین سرنوشت کردستان داشته و این بیانات صریح امیدواریهائی در سکنه این مناطق ایجاد نموده است.

بیانات آقای فهیمی در مجلس شورای ملی

اما علت مسافرت بنده در کابینه آقای ساعد، یک شب رئیس ستاد ارتش آقای سرتیپ رزم آراء به هیئت وزراء تشریف آوردند با حضور آقای ساعد و بنده و آقای سروری وزیر کشور یک گزارش بسیار مفصلی از یک مأمور رسمی که در مهاباد بود قرائت کردند. خلاصه اینکه منطقه مهاباد کردستان را یکپارچه آتش و مجزی شده از دولت ایران معرفی کرده بود.

رئیس ستاد ارتش اسامی اشخاصی را هم برده بودند که آنها اسباب پیش آمده این قضیه شده‌اند که نسبت به آنها بنده سابقه زیادی داشتم و آنها را می شناختم. یکی از آنها آقای "قاضی محمد" بود. آقای قاضی محمد یک شخص محترمی است که در قضایای شهرپور که بنده رفتم به آذربایجان یکی از اشخاص بود که خودش تفنگ بر دوش انداخته بود و با یک عده از کسانشان مهاباد و آن حوزه را حفظ میکرد.

بعد هم در قضیه رضائیه بنده ایشان را با سید عبدالله نوه شیخ عبدالقادر مأمورشان کردم یکی از طرف شمال دریاچه و یکی از طرف جنوب دریاچه رفتند و قضایا را خاتمه دادند و بعد هم خدمات دیگری کردند و بعد هم به اتفاق ما آمدند تهران و کارهائی کردند که بنده هیچ نمی توانم در وطن پرستی ایشان تردید کنم.

این بود که همانجائی که تلگراف را می خواندم بنده تکذیب کردم گفتم این اشخاص را بنده می شناسم و گمان نمی کنم مرتکب یک همچو عملی شده باشند. اتفاقاً قسمت آخر تلگراف تا یک اندازه‌ای پیش بینی بنده را تأیید کرد. مع‌هذا البته یک مأموری که فعلاً در آن مکان است گزارش میدهد و اطلاعاتی را میدهد و اطلاعات بنده که تقریباً یکسال و نیم قبل، دو سال قبل در آنجاها بودم خیلی تفاوت داشت.

اینطور پیشنهاد کرده بود که در مهاباد حکومت نظامی برقرار شود و ضمناً به بنده پیشنهاد کردند با این اطمینانی که دادید خوب است که خود شما یک مسافرت به کردستان و مهاباد انجام دهید. گفتم: من حاضرم اگر خطر هم باشد برای بنده اشکالی ندارد. منتهی برای اطمینان خاطر از این قضیه یعنی اطمینان اینکه من حرفم صحیح است. گفتم: ما یک تلگراف مخابره میکنیم به این آقایان که بیایند تهران البته کسانی که تا این درجه متمرّد شده‌اند و خودشان را از مرکز جدا کرده‌اند به تهران نمی آیند.

گفتند: خیلی خوب یک تلگراف از طرف آقای ساعد شد یک تلگراف هم بنده کردم و گفتم: تا وقتی که اینها نیایند بنده حرکت نمیکنم. زیرا ممکن است یک مطلب تازه‌ای هم بفهمم اتفاقاً یک هفته نگذشت که تلگراف آقایان رسید که حرکت کردیم به میاندوآب رسیدیم و گفتم: ملاحظه بفرمائید کسانی که خودشان را بکلی از دولت مجزا کرده‌اند به این زودی حرکت نمیکنند بیایند.

در این ضمن و بعد از این وقایع یعنی ده روز بعد از این واقعه خبر شرارت محمد رشید اعلیحضرت همایونی امر فرمودند که خوب است شما زودتر بروید آقایان هم بعد حرکت کردند و آمدند و بنده هم رفتم به کردستان و سنندج از آنجا به سقز و بانه و میاندوآب و مهاباد و رضائیه و تبریز و برگشتم به تهران جا دارد از این مسافرت در قسمت کردستان خاطر آقایان را مستحضر نمایم.



در اینجا آقای فهیمی ابتدا اوضاع عمومی کردستان را شرح داده سپس اینطور بیان نمودند:

بنده اول به سنندج وارد شدم چند روزی که مشغول تحقیقات شدم دیدم از طرف اشخاصی پیغامهایی می آید مثل اینکه میخواهند بنده را ملاقات کنند ولی میترسند. من تعجب کردم دیدم من برای همین آمده‌ام که هر کس مطلبی دارد و هر کس حرفی دارد به بنده بگوید. آقای آصف که همراه بودند ایشان اعلامیه‌ای منتشر کردند و در حقیقت اشخاصی را دعوت کردند اشخاص را که هر کس حرفی دارد مطلبی دارد بگوید.

بعد از چندی بنده به سقز رفتم همانجا در اولین وهله آقای فرمانده لشکر را ملاقات کردم و به اتفاق رفتیم به بانه، البته بناهای آنجا در نتیجه عملیات محمد رشید آتش گرفته و سوخته بود و این احمق فکر نکرده بود که برای چه اینکار را کرده است.

تو که میخواستی فرار کنی پاشو برو. مردم بیچاره را بی خانمان کردن و خانه‌های آنها را به آتش زدن دیگر چه بود. تو که نه جنگی کردی نه دعوائی کردی میخواستی فرار کنی بکن اینطور اذیت کردن مردم بیچاره چه فایده داشت!!

بهرحال یک عده‌ای آمده بودند و مشغول تعمیر خانه‌هایشان بودند. بنده اینطور احساس کردم که به ایشان گفته شده است که بنده برای اصلاح کار محمد رشید آمده‌ام. نه برای اصلاح کار آنها چنانکه با یکی دو نفر از علما که صحبت شد اظهار میکردند که اگر دولت میخواهد به محمد رشید کمک کند پس ما چکاره‌ایم.

من خیلی تعجب کردم گفتم: شخص اعلیحضرت همایونی روزی که این واقعه را شنیدید مثل اینکه یکی از کسان خودشان مورد صدمه‌ای واقع شده باشد. همانطور متأثر شدند و به همین جهت هم بنده را شاه و نخست وزیر برای اصلاح کار شماها و دلجوئی شماها فرستادند نه برای

محمد رشید و به عقیده بنده باید جلوی همین بناها روی محمد رشید نفت بریزید و او را آتش بزنید. من چه اصلاحی در کار او می‌خواهم بکنم؟ و من فقط برای اصلاح کار شماها آمده‌ام.

این اسباب امیدواری آنها شد و فکر آنها تغییر کرد و اظهار تشکر میکردند و وعده دادم که به آنها وسایل لازم داده شود. شب رفتم به سقز و مقدار زیادی لوازم بنائی و آهن و غیره ذالک با بنا و نجار فرستادیم در بانه و چند روزی آنجا بودیم لوازم را بردند و مشغول تعمیرات بودند و چند نفر از ایلخانی زاده‌ها و غیره از جاهای دیگر جمع شدند.

بنده آمدم سقز آنها هم آمدند به سقز آنها را از سابق می شناختم تحقیقاتی کردم ببینم در موقعی که محمد رشید شروع به شرارت کرده است چه اشخاصی با او همراهی کرده‌اند و چه اشخاصی نکرده‌اند حتی شنیدم یک عده اشخاص که املاکشان در اطراف بانه و سیرده و آنجاها واقع است وقتیکه محمد رشید نوکر دولت بوده آنها هم سر املاک خودشان بوده‌اند و حالا املاکشان را گذاشته‌اند و رفته‌اند در بوکان و جای دیگر مانده‌اند که نگویند آنها طرف محمد رشید بوده‌اند.

خوب بنده هم اشخاصی را که خدمتگزار هستند و از مأمورین سابق دولت هم یک تصدیق‌هایی در خدمتگزاری دارند ناچار تکلیف بنده هم این بود که آنها را باز امیدوار به مراحم دولت بکنم و بگویم با آنها همراهی خواهد شد که بروند دنبال کار خودشان.

بعد برگشتم به سنندج در راه مراجعت به سنندج تک تلگرافاتی از تهران به بنده رسید که حس کردم آن حدسی که بنده زده بودم در رفتن به بانه صحیح است یعنی اشخاصی آنجا هستند که مایل و خوشوقت از آمدن این هیئت در آنجا هستند و اشخاصی را مورد اتهام قرار میدادند و می گفتند که اینها ملاقاتشان متناسب نیست یا خوب نبوده ولی بنده تکلیف خود را خود اجراء میکردم و تابع اراده دیگری نبودم.

بعد اشخاصی که میخواستند شکایت کنند، آمدند از جمله کسانی که مورد شکایت شهری و غیر شهری بود یک شخصی است به اسم محمود کانی سانانی که یکی از اشرار نظیر محمد رشید است و تا قبل از شهریور هم در زندان بوده است و بعد از شهریور آزاد شده است و رفته است.

این شخص را گذاشته‌اند آنجا که حفظ آن سر حد را بکند. محافظتی که از سر حد میکند اینست که اتباع عراق را بدون گذرنامه میگذارد می آیند یا اینکه خود او گذرنامه میدهد.

اموال قاچاق متصل وارد میکند که این اموال قاچاق در اطراف کردستان فراوان است. آن اجناس قاچاقی که به شهر می خواهند وارد کند و مینویسند برای مصرف داخلی است ممانعت نکنید و آن اجناس را هم که برای صدور میخرد می نویسد برای مصرف اورامان و مریوان است جواز لازم ندارد. املاک اشخاص را هم تصرف میکند یک عده را که ادعای مالکیت میکند یک عده را هم می گوید من مباشرم اما چه قسم مباشری؟

مثلا حاج معتمد کردستانی که اخیرا مرحوم شدند املاکی دارد در آن صفحات از قراری که می گفتند آن املاک صد هزار تومان عایدی دارد و آن املاک دست این شخص است و دو هزار تومان برایش فرستاده است و گفته است همین مبلغ عایدی این املاک است.

بعضی از صاحبان آن املاک آمدند من جمله آقای دکتر اردلان که یکی از ملاکین آنجاست یک حکمی از ستاد ارتش آوردند که املاکشان را بگیرند و پس بدهند. فرمانده گفت که من مأمور اجرا هستم اگر حکمی از دادگاه دارید قبول میکنم والا قبول نمیکم بنده خیلی خوش وقت و متشکر شدم که فرمانده این اندازه رعایت قانون را میکند. اما اتفاقا فردای آن روز یک دو سیه از ژاندارمری آورده بودند راجع به یکنفر دیگر دیدم که خودشان رأی داده‌اند که ملک او را بدهند و معلوم شد که اینکار را میکنند. حالا ایشان چه ملاحظاتی دارند چه عرض کنم؟

در هر صورت یک چنین مأموری ما در سر حد داریم. امور گمرگ جرأت نمی کنند حرفی بزند و این آدم فوق العاده در امور نروم مهاباد آقای سرهنگ علوی پرسیده بودند برای چه نروم، گفته بود برای اینکه خطرناک است. سؤال کرده بود چه خطری؟ میکشند؟ حبس میکنند؟ گفته بود خیر، اگر هیچکدام نباشد اقلاً آنها را بین راه متوقف میکنند و برمیگردانند.

سرهنگ گفته بود که فلانی از هیچیک از اینها ملاحظه ندارد. چون خودش داوطلبانه آماده است ترس و بیمی ندارد و خواهد رفت و ضمناً آنروز خبر آمد که پاسگاه شورویها پاسگاه ژاندارمری را خلع سلاح کرده است.

گفتم: ما میرویم چند تا ژاندارم همراه ما هستند. اگر اسلحه را هم گرفتند بگیرند. خلاصه آنروز رفتیم اتفاقاً پاسگاه شوروی نهایت احترام را کردند خیلی هم خوش رفتاری کردند و ابداً عملی برخلاف احترام از آنها دیده نشد. پاسگاه ژاندارمری هم مسلح در جای خودشان بودند و هیچیک از آن چیزهائی که گفته شده بود نبود.

مقصود آن مأمورین این بود که آن چیزهائی را که راپورت داده است حقیقت آن کشف نشود. بعد رفتیم دو شب هم در بوکان بودیم یک عده از اشخاصی که املاکشان را گرفته بودند آمدند پیش بنده و شکایت خودشان را می گفتند و ضمناً تصدیقهائی را هم ارائه دادند.

از مأمورین سابق سپهبد شاهبختی از مرحوم سرتیپ ارفع از گلشائیان و هر کس آنجا بوده که بعد از شهریور اینها همیشه خدمتگزار دولت بوده اند و خدمت کرده اند و بنده جز اینکه اسناد رسمی را که مأمورین دولت به آنها داده اند معتبر بدانم چاره ای نداشتم زیرا دیدم اینها وقتی خدمتگزار بوده اند وقتی که خلاف جدیدی از آنها سر نزنند نباید آنها را بی جهت ترسانید.

از آنجا شرحی نوشتم به فرمانده لشکر که این اشخاصی که گفتند سابقه شان اینست حالا آمده اند این جا و مدتی است مانده اند و اشخاصی هستند که املاکشان را ضبط کرده اند. حالا خوب است خود شما به آنها

اطمینان بدهید که امیدوار باشند بیایند سر املاکشان و خدمتگزار باشند. متأسفانه به این قسمت هم ترتیب اثر ندادند و گفتند اینها در شهریور خیلی شرارت کردند، غارت کردند اینها را نمیشود به آنجا فرستاد.

بنده از آنجا رفتم به مهاباد یعنی مرکز خطر و آتش!!! که تمام این شهرتها را داده بودند اول که وارد شدم یک عده از تجار و علمای آنجا برای استقبال آمدند. مثل اینکه شنیده بودند که یک وزیری از طرف شاه میآید. مثل اینکه بال ملکی است که از آسمان می آید. باری با یک ذوق فوق العاده استقبال کردند و اصرار میکردند که بنده سوار بشوم و آنها پیاده بیایند. بنده قبول نکردم گفتم خیر آقایان زحمت کشیده‌اند پیاده آمده‌اند خیلی دور از انصاف است که بنده سواره بروم و آنها را پیاده بگذارم.

بخصوص اینکه برای ابلاغ مراحم اعلیحضرت همایونی و دولت آمده، سزاوار نیست که من سوار شوم، پیاده رفتم تا منزل و بعد از ظهر هم تمام روسای اکراد دسته دسته آمدند جز اظهار اطاعت و تکریم به دولت هیچ چیز دیگر نداشتند و همه دلایلی می گفتند که انسان نمی توانست در مقابل آن صحبت بکند.

مثلا میگفتند که ما سلطنت ایران را از روی عقاید مذهبی و اسلام و مطابق اصول و سنن اسلامیة اطاعت میکنیم و برای صورت ظاهر نیست. ما عقیده‌مندیم ما ایرانی الاصلیم.

همه واقعا میگفتند که چرا یکعه را دعوت کردید به تهران و ما را احضار نکردید. ما باید شاه را ببینیم، مجلس را ببینیم. گفتم که تقصیر این با من است چون یکعه از آقایان را نسبتهای بهشان داده بودند آنها را خواستیم. البته شما را هم خواهیم خواست که بیائید به تهران به خدمت اعلیحضرت شرفیاب بشوید و دولت را هم ملاقات کنید. دولت هم شما را ببیند شما هم دولت را می بینید. حضور اعلیحضرت همایونی شرفیاب میشوید مجلس را می بینید.

شما ایرانی هستید در آن دو سه روزی که بنده آنجا بودم جزاینکه دسته دسته می آمدند و مطالب خودشان را میگفتند و اطاعت خودشان را اظهار میکردند صحبت دیگری در بین نبود. فقط شکایتشان از آن فرمانده بود که او همیشه قصد داشته است آنها را یاغی معرفی کند. مثل اینکه اول هم که رسیده بود به مهاباد با احترامی از او پذیرائی میکردند و خدمتگذاری میکردند و می گفتند که ما همیشه خدمتگذار و مطیع دولت بودیم.

ایشان در جواب گفته اند: که کی گفته است اطاعت بکنید دولت احتیاج به خدمت شماها ندارد و بعد هم میگفتند که باید شما اعدام بشوید. این وضع پذیرائی او بوده است و در مقابل خدمات اشخاص با اظهار اطاعت و انقیاد کسانی که تا این درجه خودشان را ایرانی میدانند مقتضی نیست که انسان به آنها فحش بدهد و با نظر بغض و بد حرفی صحبت بکند.

اینها خدمتگذار دولتند بطور مثال عرض میکنم، قرنی آقا امیر عشایر رئیس ایل مامش این یک آدمی است که همه میدانند که ایرانی متعصب است و همه میدانند که پیش او اسم ایران را سبک نمیشود آورد. یک پیرمرد محترمی است پسرش در آنجا با حضور فرمانده و رئیس ستاد مذاکره میکرد میگفت که من خودم سرباز بودم و پدرم سرباز بوده است و جدم سرباز بوده است. ما همه مان سرباز دولت بودیم و به دولت خدمت کرده ایم و خیلی کشته ها داده ایم.

حالا جواب این قسمت را میگویند آنقدر سرلشکرها خدمت کرده اند و توی قصرند همه باید بروند آنجا این چه حرفی است که باید به آنها بزنند که همیشه آنها را نسبت به دولت ظنین و دولت را نسبت به آنها بد گمان کنند. کدام سرلشکر به قصر رفته است و واقعا این عمل فوق العاده بد است و بلکه باید همراهی با آنها کرد.

کسی که افتخار میکند به ایرانیّت با او این طرز نباید رفتار کرد. نباید به این گفت که ایرانی نیستی آنهم از طرف کسی که خودش معلوم نیست جد و آبادش کی است.. از طرف اهالی مهاباد و کردستان بنده با کمال اطمینان عرض میکنم که اینها علاقه‌ای که به ایران دارند نظیر ندارد...

بیانات آقای آصف

آقای آصف نماینده کردستان پس از مراجعت از مسافرتی که به معیت آقای وزیر مشاور به کردستان نموده بودند. نظریات خود را در مجلس شورای ملی اعلام داشتند.

آصف: بطوریکه خاطر آقایان گرامی مستحضر است بنا به تقاضای دولت وقت و تمایل همکاران محترم چندی پیش به اتفاق آقای فهیمی وزیر مشاور برای سرکشی به کردستان رهسپار شدم. تمامی طبقات مردم آمدند به ملاقات ایشان و بنده با کمال خوشوقتی هر نوع مطالبی هم که داشتند و مقتضی بود با ایشان مذاکره کردند.

اما روسای عشایر و ایلات و آنهائیکه در بیرونها و قصبات هستند آنها تردیدی داشتند در آمدن و ملاقات ایشان، تردیدشان هم روی این اصل بود که خاطره‌های تلخی از مأمورین غیره محترم سابق داشتند. از مأمورین موذی که غیراز پر کردن جیب خودشان و بدبخت کردن مردم منظورشان چیز دیگری نبوده است.

آنها می گفتند: خوب ایشان هم وزیرند، بلکه وزیر چهار آتشفه هم هستند. چون چند دفعه وزیر بوده‌اند. باید یکسره شمشیر را بکشند و سر همه را ببرند. بنده دیدم که لازم است در این موقع این سوء تفاهم را رفع کرد، این بود که شرحی را نوشتم و در واقع یک سند امضاء شده‌ای را در تمام آن منطقه بنده پخش کردم.

شخص آقای فهیمی یکی از رجال مجرب و کار آگاه و نیک نفس هستند. از طرف دولت و اعلیحضرت همایونی مأموریت دارند برای اینکه مراجع شاهانه و توجه دولت را به مردم ابلاغ کنند که مردم بدانند آن نظرهایی که سابق بوده است حالا نیست. کرد و کردستانی همانطور که همیشه جزء لاینفک ایران بوده و هست طرف توجه مجلس و شاه و دولت هستند.

بعد از آنکه بنده از روانسر و پاوه و جوانرود و اورامان و مریوان و تپله کوه و خرخره و سقز و بانه تا برسد به مهاباد این سند امضاء شده را پخش کردم.

تمام روسای عشایر با کمال اطمینان و خوشوقتی یا خودشان یا پسرانشان آمدند به ملاقات این وزیر و مطالبی که داشتند و مقاصدی که داشتند تمام را به ایشان گفتند.

بعد از آنکه ما از شهر سنندج بیرون رفتیم هر جا قدم نهادیم تمام اشخاص با کمال خوشوقتی، با آغوش باز با کمال مسرت از ما استقبال نمودند و مطالب حقه خودشان را اظهار کردند. بنده از سقز به آن طرف بدو جهت خواستم بروم. یکی اینکه یک کسالت کربی پیدا کردم که حالم خوب نبود دوم اینکه گفتم: من برای منطقه کردستان که مرکز سنندج است آمده‌ام. ولی دو علت باعث شد که رفتم.

آقایان توجه بفرمایند یکی اینکه انتشاراتی که میدادند که شاید از سقز به آنطرف اگر ما برویم چندان بما خوش نمیگذرد و علیرغم این اظهارات در همان حینی که با آقای فهیم الملک مشغول مذاکره بودیم که بنده برگردم به سنندج و ایشان بروند به آنطرف دیدم از طرف " ایلخانی زاده " های مهاباد پسرانشان آمدند و از ما دعوت کردند.

من دیدم این از دو جهت ایجاب می کند که بنده هم با ایشان بروم. این بود که بنده هم رفتم به بوکان و حمامیان که مرکز این " ایلخانی زاده " های عشایر مهاباد، یعنی آقایان حاج " بایزید آقا " و " محمود آقا " باشد. یک نهار در بوکان و یک شب در حمامیان منزل آنها مهمان بودیم.

آنچه که بنده در آن بیست و چهار ساعت دیدم این بود که آنها را مردمانی متدین و متمدن و ایران دوست و نوع دوست و خدمتگزار خلاصه هرچه را که شنیده بودیم عکس آنرا دیدم و حالا هم چند نفر از آن آقایان برای ابراز خدمتگذاری آمده اند و مدتی است در تهران هستند.

بنده دیگر از حمامیان مراجعت کردم. آقای فهیمی از آنجا رفتند به طرف میاندوآب و مهاباد و دیگر آن قسمتها را خودشان میداند و به عرض رسانند. عرض کنم پس از رفتن ما از اینجا به سنندج گرچه از روی قرینه و قیاس معلوم بود ولی بعد فهمیدم که یک عده از مأمورین این رفتن ما به ذایقه شان بد آمد برای چه؟ برای اینکه سفره ای که برای بهره کشی گسترده بودند و منظوری که داشتند و نقشه ای که کشیده بودند برای بدبختی یک عده خنثی شد.

اصل غائله چه بوده، دو نفر رئیس قبیله یکی محمد رشید بانه ای و یکی محمود کانی سانانی. اینها سر جل و پلاس دیگران اختلاف داشتند. یعنی سر املاک که در مریوان است که آن املاک یک قسمتش مربوط است به خویشان بنده (نه خود بنده) و یک قسمت هم به چند نفر از عمو زاده های آقای اردلان نماینده محترم و چند نفر از ساکنین شهر بین دو نفر از روسای ایل اختلاف بوده است.

محمد رشید برادرش را به کمک یکی از آنها فرستاده و آن یکی دیگر هم آمده و به قوای دولتی متوسل شده و اینها هر دو یاغی و متمرّد قلمداد شده اند. پس از آنکه قوای دولتی حرکت می کند به طرف مریوان بین همان محمود

کافی سانانی و برادر محمد رشید یک زدو خوردی می شود. در عرض دو سه ساعت و هر کدام از یک طرف رفتند.

بعد از آنکه از طرف سقز هم یک ستونی آمد به بانه، محمد رشید عملیات جنگی نمی کند، منتهی یک حرکت بسیار زشتی می کند که هم به خود خسارت وارد می آورد و هم به بانه. یعنی اول خانه خودش را آتش زده است و بعد هم خانه های بانه را و بعد گذاشته و رفته است. این است که ما حقه این غارت و این جارو و جنجال و این قیام بر عیله دولت بود که اسمش را گذاشتند و مجبور کردند مدیران جرائد را که اینطور بنویسند.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۱ دوشنبه ۷ اسفند ۱۳۲۳ - ۱۹۴۴

جریان واقعه مهاباد

از شهریور ۱۳۲۰ به بعد که شالوده کارها از هم گسیخته شد و دولتهای وقت شرکت مطلعین و متنفذین محلی را در اداره امور و حوزه خود لازم دانستند. در هر شهرستان بنابه موقعیت از همکاری آنان استفاده نمودند.

در کرمانشاه آقای امیر کل، در سنندج آقای آصف نماینده مجلس، در سقز آقای مظفر السلطنه اردلان، در مهاباد آقای محمد قاضی و عده ای از روسای عشایر مأمور برقراری نظم و امنیت این مناطق گردیدند و هر کدام به سهم خود در مأموریتی که بر عهده داشتند آنچه لازمه جدیت بود به خرج دادند.

بعدها که دولت موفق شد، ادارات از هم پاشیده را جمع آوری نماید و تشکیلات خود را سر و صورتی دهد کم کم مأمورین رسمی عهده دار امور شدند. ولی مسئولیت برقراری امنیت شهر مهاباد همچنان به عده ای از روسای عشایر سپرده شد.

تا اواخر سال ۱۳۲۲ این مأموریت به قرنای آقا امیر العشایر، عبدالله آقا رئیس منگور، علی خان نوزری، بایر آقا منگور و بایزید آقای عزیزی رئیس

ایل گورک واگذرا شده بود. در این موقع آقای دکتر مرزبان استاندار رضائیه چنین صلاح دانست که دو نفر دیگر امیر اسعد، ابراهیم آقای منگور را نیز شرکت دهد و با این کیفیت امنیت در مهاباد برقرار بود.

بر اثر گزارشهایی که چند ماه پیش مأمورین نظامی داده بودند و منجر به مسافرت آقای فهیمی گشت. آقای محمد قاضی و عده‌ای از همان عشایر که مأمور حفظ و انتظامات شهر مهاباد بودند به تهران احضار شدند و در هنگام توقف آنان در مرکز بود که واقعه اخیر مهاباد پیش آمد.

از چندی قبل در مهاباد کشف شده بود که حسین فروهر معروف به حسین زرگری، رئیس جیره‌بندی اداره خواربار آنجا در توزیع کوپن به استناد شناسنامه‌های مجهول سوء استفاده‌های فوق العاده نموده است.

جریان امر مورد توجه ادارات مرکزی تبریز واقع شد از طرف فرمانده لشکر و اداره خواربار هیئتی برای رسیدگی اعزام شد. پرونده تشکیل گشت و دفاتر توقیف و تحویل شهربانی گردید.

حسین فروهر با استفاده از احضار روسای عشایر به تهران موقع را مغتنم شمرده، ابتدا دو نفر نوکر مسلح استخدام نموده سپس مبلغی در حدود چهار هزار ریال به عزیز خان نامی که گویا شریک او هم در عمل قلب در کوپنها بوده می دهد تا مقدمه انقلابی فراهم آورده بتوانند شهربانی را غارت کرده اسناد کشف قلب خود را از میان ببرند.

در حالیکه مهاباد در نهایت امنیت بود. این دو نفر مشغول تهیه مقدمات کار خود می کردند. پس از اینکه وسایل اجرای نقشه خود را فراهم می نمایند روز ۲۶ بهمن ماه عده‌ای از اشخاص متفرقه ولگرد را جمع نموده به شهربانی حمله می نمایند. این عمل به پیشوائی شخص حسین فروهر انجام می گیرد زدو خورد بین پاسبانها و این عده در می گیرد شهربانی غارت می شود. مدارک سوء استفاده از کوپنها از میان می رود.

پنج نفر پاسبان و سه نفر اشخاص متفرقه دیگر کشته می شوند. عمل به قدری سریع و غیرمترقبه بوده که فرصت جلوگیری را نمیدهد. خبر این ازدحام به عده‌ای از روسای عشایر، کسان همان اشخاص که به تهران احضار شده بودند و تصادفاً برای کارهای شخصی به مهاباد آمده بودند می رسد. اینان بدون درنگ به کمک مأمورین دولتی شتافته و در حینی که فروهر و دسته او باش می خواسته‌اند به فرمانداری و سایر ادارات حمله کنند سر می رسند و با زحماتی این عده را متفرق می سازند و مجدداً امنیت را برقرار می نمایند.

خبر این واقعه به محض اینکه به تهران میرسد از طرف دولت آقای محمد قاضی مأمور می شود که فوراً به مهاباد حرکت نموده تا از وقوع نظایر این قضیه جلوگیری کند و نیز اقدامات دیگری شروع می شود که سایر مسببین و همدستان حسین فروهر و عزیز خان که مخفیانه با آنها همکاری کرده‌اند تعین و دستگیر شوند.

طبق آخرین خبر فعلاً امنیت کامل در مهاباد برقرار می باشد.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۲ دوشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۲۳ - ۱۹۴۴



از راست: عزیز خان کرمانج - حسین فروهر، زندان ارومیه ۱۳۲۷.۱۹۴۷



5. The Mahabad Police Station (1961)

نمایی از شهربانی مهاباد در سال ۱۳۴۰ - ۱۹۶۱

در تاریخ ۱۳۲۳/۱۱/۲۷ از طرف آقای افشار پناه، تلگرافی از میاندوآب به شهربانی کل کشور و شهربانی رضائیه فرستاده می شود که حاوی همان مطالبی بوده که در گزارش روزنامه کوهستان درج شده است.

تلگراف قرنی آقا مامش از سلدوز به تاریخ ۱۳۲۳/۱۲/۱ به آقای فهیمی وزیر مشاور ارسال شده و این تلگراف نیز همان مطالب گزارش روزنامه کوهستان تکرار شده است.

در شماره ۵ روزنامه کوهستان تلگرافی از جانب عده‌ای از بزرگان شهر مهاباد که در آن اعضای کومله ژ.ک نیز دیده می شوند حائز اهمیت است. در این سه تلگراف نامی از حسین فروهر به میان نیامده است.

(فاروق فرهاد)

از سلدوز

رونوشت: جناب نخست وزیر

رونوشت: وزارت کشور

رونوشت: جناب آقای فهیمی وزیر مشاور

رونوشت: آقای صدر قاضی نماینده شهرستان مهاباد

رونوشت: روزنامه کوهستان

چون در اطراف واقعه اخیر مهاباد گزارشهایی که به مرکز رسیده که هیچ کدام حقیقت ندارد محض کشف حقایق جسارت مینمایند در تاریخ ۲۶ بهمن عده‌ای از اهالی مهاباد و غیره در اثر متینگ عزیز خان نمایشاتی داده چند نفر ماجراجوئیکه سابقه مأموریت دولت برای از بین بردن پرونده‌های پخش قند و چای و شکر بواسطه تقسیمات غیر عادلانه و تقلبات بسیار مهم که در شهربانی توقیف بوده، متینگ را به خیابان پهلوی برده پاسبانی برای جلوگیری از تجمع شلیک کرده و عبدالله نامی را مقتول و مفسدین از موقع استفاده کرده به شهربانی هجوم می‌برند در زدو خورد آن واقعه شلیک رخ داده و پرونده را که مورد نظر مفسدین بوده از بین برده بعد از طرف محترمین مهاباد و چند نفر از آقایان منگور و مامش و غیره جماعت را متفرق و امنیت را برقرار می‌نمایند.

چگونه بایست تصور شود اهل مهاباد که سه سال است با تحمل مخارج زیاد و برقراری کشیک و از جان گذشتگی بدون هیچگونه کمک خود و مامورین دولت را به حفظ مقررات اوامر دولت مطیع و وفاداری خود را ثابت نموده‌اند. همچنین کاری را راضی باشند.

اینک عموم از این قضیه متأسف و انقیاد را عرض می‌نمایند. می‌توان عرض کرد که هرگاه قاضی محمد در مهاباد حضور داشت چنین واقعه‌ای رخ نمیداد و بعد از مراجعه او آرامش بطور کامل برقرار گردید و نگرانی باقی

نیست ظاهراً قضایا آن بوده که به عرض رسید و دستهای مرموزی به قول روزنامه کیوان در کار بوده یا نه هنوز معلوم نشده است.

حسن محمدی، مصطفی داودی، علی حسینی، رحمت شافعی، مدرس، صالح زاده، مفتی، کریم خسروی، ابراهیمیان، احمد الهی، عبدالحی، احمد حسینی، حبیب داودی، محمد حسینی، عبدالله حکیم زاده، داودی، قادر مصطفی سلطانیان، غفور محمودیان، عزیز صدیقی، محمدامین شریفی، عبدالکریم.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۵ دوشنبه ۲۸ اسفند ۱۳۲۳ - ۱۹۴۴

در این هفته نامهای متعددی از مهاباد رسیده و موضوع واقعه غارت شهربانی را مشروحاً نوشته‌اند. اگرچه می‌دانیم دولت از اصل واقعه و جریان آن کاملاً استحضار حاصل نموده ولی اقدامی که در این باب تاکنون شده مثمر ثمر نبوده است.

اهالی مهاباد عموماً از این اتفاق ملول و از عدم توجه دولت به این موضوع بسیار متأثرند.

شایسته نیست چنین عملی که ساکنین حساس ناحیه‌ای را بی جهت لکه‌دار کرده همانطور مکتوم بماند، حقیقت کشف نشود و مسببین به کیفر نرسند.

نه تنها واقعه مهاباد بلکه مسائل مهم دیگری در غرب هست که هنوز از طرف دولت حل نشده و تصمیمی که با عمل توأم باشد راجع به آنها گرفته نشده است.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۶ دوشنبه ۱۳ فروردین ۱۳۲۴

سرتیپ هوشمند افشار در کردستان چه می کند؟

ما توجه ستاد ارتش را به وضعیت سرتیپ هوشمند افشار، فرمانده لشکر کردستان جلب می کنیم و انتظار داریم با اطلاع کاملی که ستاد ارتش از عملیات او دارد و با در نظرگرفتن اظهارات دولت در مجلس هرچه زودتر تکلیف او را یکسره کرده همانطوریکه سقز را از شر سرهنگ بایندر خلاص نموده کردستان را هم از وجود سرتیپ هوشمند افشار پاک کند.

فرمانده تیپ سقز

عملیات بی رویه فرمانده تیپ سقز مخصوصا سوء سیاست او باعث شد که از این پست برکنار شود. اصرار فرمانده لشکر کردستان به منظور تحمیل نظریات خود در نگهداری او به همان سمت بی نتیجه ماند. زیرا ستاد ارتش پس از تحقیقات او را شایسته فرماندهی تیپ این منطقه ندانست.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۳ دوشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۲۳ - ۱۹۴۴

در مجلس شورای ملی

جلسه روز یکشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۲۲

آقای دکتر مصدق گفتند: اگر به پیشنهاد من رأی نگیرید من دیگر در این مجلس نمی مانم.

در این هنگام جملات زننده‌ای از طرف وکلای رد و بدل شد:

فرهودی: بهتر، برو

جواد مسعودی: برو آقا

دکتر مصدق: اینجا مجلس نیست. اینجا دزدگاه است.

(همه‌ها نمایندگان درگرفت)

اقبال: دزد خودت هستی.

سنندجی: توهین میکنی.

در این موقع آقای دکتر مصدق با حالت تعرض از مجلس خارج شدند.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۳ دوشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۲۲ - ۱۹۴۴

در مجلس شورای ملی

جلسه روز یکشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۲۲

آقای دکتر مصدق نطقی ایراد نموده گفتند: یک سال از عمر مجلس میگذرد اگر سؤال کنند در این مدت چه کرد؟ جواب این است: که تمام وقت بکار دکتر " میلسپو " گذشت و بعضی از نمایندگان که لاستیک گرفتند و بعنوان موکلین قند و شکر و پارچه و نخ دریافت نمودند تا میتوانند از او حمایت کردند و مردم را از سیاست بین المللی ترسانیدند و کار مملکت را به صورتی درآوردند که وقتی دکتر رفت غیر از خزانه خالی و میلیاردها ریال قرض چیزی بجا تحویل ننمود.

دکتر مصدق نسبت به عمل فرمانداری نظامی و تبرئه گلشائیان از طرف رکن ۲ ستاد ارتش اعتراض کرده ، در اطراف پیشنهاد جلسه گذشته خود توضیحاتی داد.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۴ دوشنبه ۲۸ اسفند ۱۳۲۲ - ۱۹۴۴

برای اطلاع ستاد ارتش

سرتیپ هوشمند افشار به جای اینکه اسلحه از دست راهزنان بگیرد میخواهد اسلحه‌ای را که دولت برای حفظ و حراست دهات به مالکین داده و دارای جواز رسمی هستند جمع آوری کند.

این عمل مثل این است که در شهر پاسبانان را خلع سلاح نموده دزدان را به جان مردم بیاندازند.

باز هم می گویند که فرمانده لشکر کردستان بی تجربه است! انتظار داریم ستاد ارتش علت این عمل را از سرتیپ هوشمند افشار توضیح خواسته و تا هنگامی که ایشان را از این پست برکنار می کنند از این عملیات نسنجیده او ممانعت نمایند.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۵ چهارشنبه ۸ فروردین ۱۳۲۴
مخبر ما از مهاباد می نویسد:

۱. از مراجعت جناب آقای قاضی محمد از مرکز، اهالی استقبالی شایانی نموده و مشارالیه نیز هنگام ورود بیاناتی راجع به توجه مراحم دولت نسبت به کردستان بویژه شهرستان مهاباد ایراد فرموده که مایه امیدواری اهالی گردید.

۲. دوایر دولتی در نهایت منظمی برقرار، مشغول کار می باشند. ولی رئیس دارائی و حسابداری بعلت نامعلومی در تبریز توقف نموده‌اند و فعلا آقای علمی متصدی و کفیل دارائی بوده و اهالی کمال امتنان را از ایشان دارند.

۳. اهالی از انتخاب اخیر وزارت فرهنگ در موضوع تعیین آقای محمد کیوان پور رئیس فرهنگ مهاباد سپاسگزار بوده و امیدوارم که وضعیت فرهنگی خوبتر شود.

۴. بهداری شهرداری از لحاظ دارو و غیره رضایتبخش نبوده و انتظار داریم هئیت دولت در این خصوص توجه بیشتری مبذول فرمایند.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۶ دوشنبه ۱۳ فروردین ۱۳۲۴

شرکت در جشن ۲۵ ساله

بنابه دعوت دولت اتحاد جماهیر شوروی ۱۵ نفر از آذربایجان به اتفاق آقایان: ملک الشعرا بهار، گل گلاب، پیشه‌وری، سعید نفیسی و مهدی عدل ۲۸ آوریل ۸ اردیبهشت برای شرکت در جشنهای که به مناسبت بیست و پنجمین سال تأسیس جمهوری آذربایجان برپا خواهد شد به بادکوبه خواهند رفت، مدت مسافرت در حدود ده روز می باشد.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۹ دوشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۲۴

اخبار سقز

۱. وضع شهرداری بسیار خراب است نرخ نان و گوشت و غیره وضع بدی دارد. خیابانهای شهر نظافت ندارد. برق مدتی است خراب و مردم شبها از روشنائی چراغهای نفتی استفاده می نمایند.

۲. وضعیت فرهنگ رو به انحطاط است. روز به روز تعداد داوطلبان تحصیل کمتر می شود بطوریکه تعداد شاگردان از ۵۰۰ به ۱۲۷ نفر تغییر یافته کلاسهای اکابر اسمی بیش نیست.

وجهی که برای دبیرستان فرستاده می شود به مصرف تعمیر نرسیده بنای آن در شرف انهدام است.

تلگرافها و نامه‌های پستی اغلب پس از سانسور هم به مقصد نمی رسد. خلاصه سقز را محیط مرگباری احاطه کرده است.

خلع سلاح

بر اثر اقدامات ستاد ارتش و عملیات خلع سلاح لشکر ۴ کردستان تعداد ۱۶ قبضه تفنگ، پنج تیر و ۲۳۸ قطعه سلاح سیستم مختلف تاکنون جمع آوری شده و عمل خلع سلاح در کردستان ادامه دارد.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۱۲ دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۲۴

ستاد ارتش شهربانی کل

از سنندج اطلاع می دهند در این موقع که موضوع استقلال کردستان مورد بحث قرارید است. در سنندج از طرف لشکر و شهربانی مأمورینی در شهر پراکنده شده هر جا دو سه نفر با هم صحبت می کنند می خواهند به نام استقلال برای آنها پاپوش درست کنند.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۱۴ دوشنبه ۷ خرداد ۱۳۲۴

مهاباد

۱. سخنرانیهای اخلاقی و دینی جالب توجه از طرف علماء مخصوصاً جناب ملا حسین مجدی در مسجد بازار برقرار و نصایح دینی ایشان مورد استقبال شایان مردم واقع گردیده است.

۲. وضع شهرداری به علت نبودن اعتبار خراب و شهر مملو از زیاله و کثافت است.

۳. راه شوسه بین میاندوآب و مهاباد که تحت نظر آقای کریم بایزیدی دهبوکری است از حیث امنیت رضایت بخش است.

۴. جلسات انجمن روابط فرهنگی سخنرانیهای خود را روزهای پنجشنبه مرتباً ادامه میدهد.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۲۱ دوشنبه ۲۵ تیرماه ۱۳۲۴. ۱۹۴۶

تلگراف روسای عشایر اورامان و مریوان

ساحت مقدس مجلس، ریاست وزراء، نمایندگان دول متفق مقیم ایران، هیئت وزیران، ستاد ارتش، جناب آقای آصف، جناب آقای اردلان، جناب آقای سنندجی، جناب آقای قبادی، مستطاب آقای آیت الله مردوخ، جناب آقای صدر قاضی، جناب آقای مدیر محترم نامه کوهستان،

تقاضا نمودیم مقاله تقدیمی بدون حذف کلمات بدرج آن از بدو ورود در نامه محترم مبادرت فرمائید.

کرارا مقاصد شوم سرتیپ هوشمند افشار به وسایل مختلف فریاد نموده‌ایم. از بدبختی عطف توجهی نشد. مگر ما حق حیات و زندگی نداریم. کدام آئین قلع و قمع ما را تجویز می‌کند. در این موقع کسب و جمع آوری محصول و زندگی سالیانه سرتیپ هوشمند افشار بوسیله توپ و طیاره و مسلسل و اخطاریه‌های ارسالی مردم این دو بلوک مریوان و اورامان هر یک فرد فرد به مرگ تهدید از جمله تا حال بنا به اعلامیه منتشره سرتیپ هوشمند افشار ۳۵ نفر زارع را به اسم اشرار به مسلسل و توپ معدوم، لیکن شرم ندارد که زارع فلک زده در عین درو گندم و جو قریب ۱۲۰ به وسایل آلات قتاله معدوم ساخته است. کلیه ساکنین این دو بلوک از بیم جان خود و زندگی و وطن مالوف ترک و در شامخات جبال هراسان مخوف ویلان می‌باشند.

این ستمکار ضحاک روش با این مردم چه سوء قصدی دارد. استدعا مینمائیم با اعزام یک هیئت بازرسی منصف از شر این کافر کیش سرافراز و خلاصمان فرمائید.

رئیس طایفه حیدری، مریوان محمودکانی سانانی، رئیس طایفه فتحعلی بیگی مریوان علی و لژییری، رئیس طایفه مصطفی سلطانی، حسن رزایی رئیس طایفه اورامان تخت محمد سلطان سلطانزاده، رئیس طایفه حسن سلطانی اورامی برزو زاده، رئیس مشایخ کهنه‌پوشی مریوان، محمد صالح، محمد احمد بالکی، محمد علی بیله، فتاح خسرو زاده مریوانی، محمد شریف، عبدالله قلعه‌چی، محمد علی آزادوار، محمود کراآبادی.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۲۳ دوشنبه ۸ مرداد ۱۳۲۴



ردیف اول از راست به چپ: ۱. مجید خان باپیر ۲. ستارخان زنوری ۳. حسن خان رزایی ۴. محمد علی فیضه مرادی ۵. احمد پسر محمود کانی سانانی ۶. عبدالله مرادی ۷. عباس خان گلباغي ۸. یدالله مرادی ۹. عبدالله حیدری کانی سانانی ۱۰. محمد تاب فتحعلی بیگی (جاسوس شوروی)

ردیف دوم: ۱. علی خان وله‌زیر ۲. ؟ ۳. رئوف بگ قلعه جی ۴. محمد رشید بیگ آلمانه ۵. ؟ ۶. اسدالله خان رزایی ۷. محمود مصطفی سلطانی ۸. مجید بهرامی (پسر محمود خان رزایی) ۹. عزت خان دزلی

ردیف سوم: ۱. ؟ ۲. فرج بگ رستگار (اهل تفلی) ۳. ؟ ۴. ؟ ۵. فایق بگ (اهل برده سپید) ۶. مظفر خان رزایی ۷. رضا بگ بهرام آباد.

عکس : از کتاب " راهی که تاریخ پیمود " نوشته: رشاد مصطفی سلطانی ، سوید سال ۱۳۹۶. ۲۰۱۷.

ورود فرمانده لشکر کردستان به تهران

آقای سرتیپ همایونی فرمانده لشکر کردستان دو سه روز است به تهران وارد شده‌اند.

انتظار داریم هرچه زودتر کارهای ایشان در تهران به پایان رسیده به کردستان عزیمت نمایند و نیز امیدواریم ایشان در مأموریت جدید در کردستان بتواند خدمت واقعی به مملکت بنمایند.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۲۶ شهریور ۱۳۲۴. ۱۹۴۶.

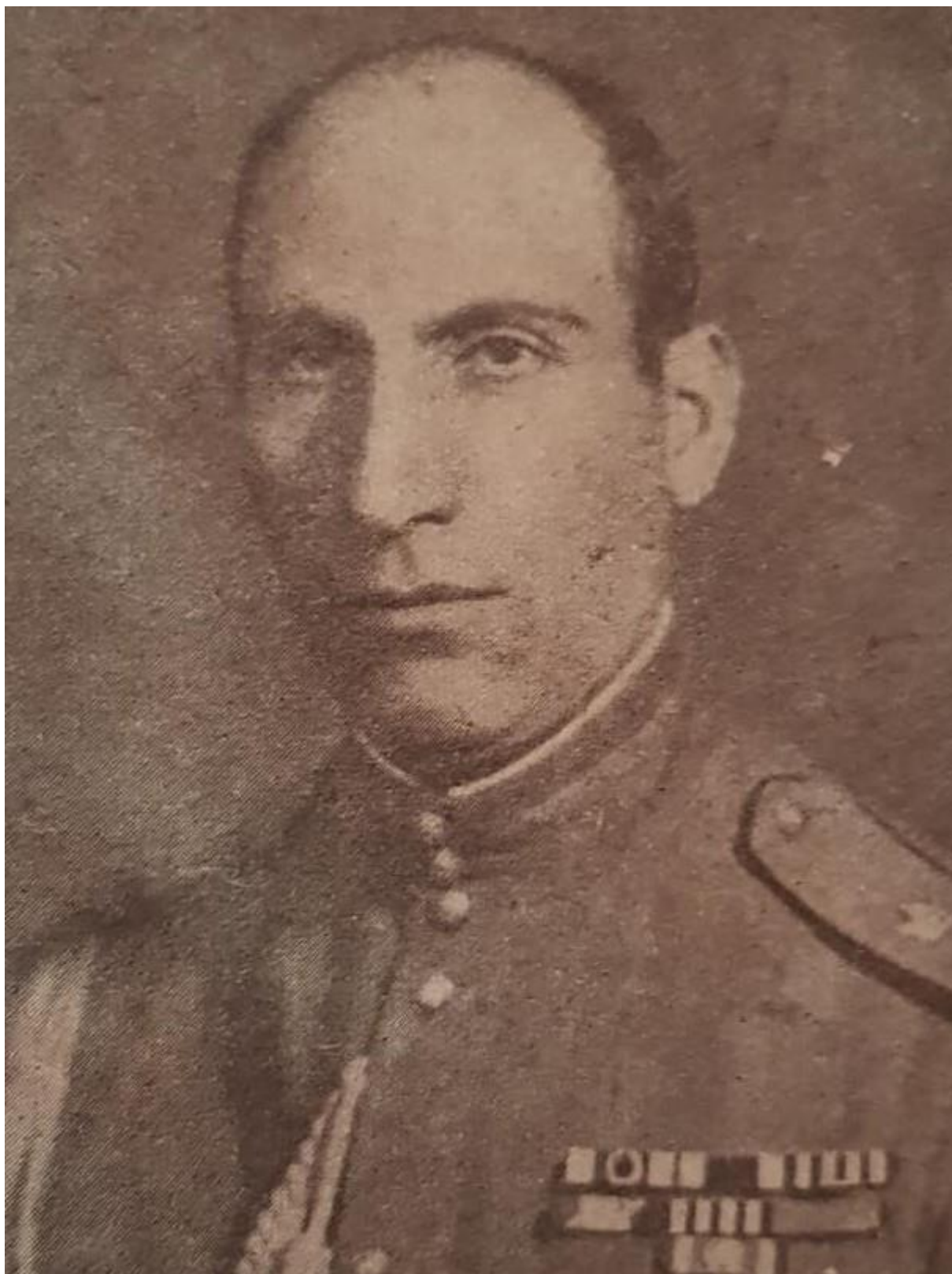
دادگاه بی پایان

انتظار داریم آقای سرتیپ همایونی هرچه زودتر به محل مأموریت خود حرکت نموده و به این بازار آشفته و خودمختاریها خاتمه دهند.

آقای سرتیپ همایونی اگرچه در مدت توقف خود در تهران چه در ستاد ارتش رسماً و چه بوسیله اشخاص مطلع از جریان اوضاع کردستان مسبق شده‌اند ولی اطمینان داریم با ورود به سنندج و بازدید قستمهای مختلفه منطقه مأموریت خود در اندک مدتی سوء نیت‌هایی را که در نهایت مهارت در طول این مدت در آنجا بکار رفته کشف و خیانتکاران را خواهند شناخت.

تمام آنهایی که در خرابکاریهای کردستان دست دارند باید آگاه و مطمئن باشند که هر قدر بر شدت عملیات خود و فشار بر مردم و بیچاره نمودن ملت بیافزایند به همان میزان ما هم بر شدت تعقیب و مفتضح نمودن آنان میافزاییم.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۲۷ دوشنبه ۲ مهر ماه ۱۳۲۴. ۱۹۴۶.



سرتیپ فضل اللہ ہمایونی

فرمانده لشکر ۴

آقای سرتیپ فضل الله همایونی فرمانده لشکر ۴ کردستان روز ۸ مهر جاری به کردستان وارد و مشغول کار شده‌اند، و به سقز و بانه با هواپیما سرکشی کرده‌اند.

از کرمانشاه

آقای ح. ن. می نویسند: گویا آقای سرتیپ همایونی در مدت توقف تهران اطلاعات کافی کسب کرده و سوابق عده هوچی را که در سنندج هستند به خوبی فهمیده‌اند. ولی تعجب اینجاست همان هوچیه‌ها و بادمجان دور قابها که نظری جز گمراه کردن مأمورین دولت ندارند، نگذاشتند لااقل آقای سرتیپ وارد خاک کردستان بشود عملیات خود را شروع کرده، همینکه آقای سرتیپ همایونی به کرمانشاه رسید بلافاصله آقایان:

علی اشرف مشیروزی، حبیب الله محیط، محی الدین رحیم زاده، مهدی سنندجی، علی رضا سنندجی، اشرف سنندجی، عطا الله حبیبی، یحیی مردوخ که سوابق درخشان !!! آنها بر هیچکس پوشیده نیست به کرمانشاه حرکت و به همراهی فرمانده جدید کردستان مراجعت کرده و از همان کرمانشاه خواستند آقای سرتیپ تازه وارد را هم گمراه نمایند.

آیا این آقای سرتیپ همایونی هم تحت تاثیر قرار میگیرند یا نه؟ و یا ناله‌های بنده و امثال بنده می رسد یا خیر؟

مهاباد جدا شدنی نیست

بطوریکه اطلاع حاصل شده است چند نفر کرد به نام قاضی محمد، ایلخانی زاده، محمد حسین سیف قاضی، علی ریحانی، حمزه آقا مامش، عبدالله پسر حاجی حمزه جلدیان، و چند نفر دیگر که خود را از روساء و متنفذن محلی اکراد منطقه مهاباد و موسسین حزب کومله قلمداد کرده‌اند

چند روز بیش به تبریز و ارد و بلافاصله بدون اطلاع مأمورین محلی و طی مراحل قانونی و بدون اخذ گذرنامه به طرف بادکوبه حرکت کرده‌اند.

بطوریکه اطلاع داده شده است حزب کومله حزبی است که اخیراً در مهاباد کردستان تشکیل یافته است و اساسنامه و مرامنامه‌اش شبیه حزب دموکرات آذربایجان می باشد یعنی طرفدار استقلال کردستان است.

به قرار اطلاع در خصوص طرز عزیمت افراد مزبور به خاک شوروی از طرف وزارت خارجه اعتراض گردیده و برای رجعت آنها اقداماتی نیز نموده‌اند.

نقل از روزنامه اطلاعات شماره ۵۸۷۱ دوشنبه ۹ مهرماه ۱۳۲۴

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۲۹ دوشنبه ۱۶ مهرماه ۱۳۲۴

کوهستان

این هفته نیز مجدداً کاغذهای شکایت از سردشت رسیده اظهار نموده‌اند چندی قبل حسن اسماعیلی نژاد اوراقی تهیه و بالاجبار به امضای مردم رسانیده که از سرهنگ جوانشیر اظهار رضایت نمایند مردم بیچاره هم از ترس امضا کرده‌اند.

ما توجه مقامات مربوطه مخصوصاً ستاد ارتش را به اینگونه اعمال جلب و انتظار داریم فرمانده لشکر فعلی کردستان سرتیپ همایونی تحقیقات کامل از اوضاع سردشت نموده مردم بیچاره را به این طریق گرفتار این دیو صفتان شده‌اند از چنگال آنان خارج نمایند.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۳۰ دوشنبه ۲۳ مهرماه ۱۳۲۴. ۱۹۴۶.

تکذیب

آقای مدیر محترم روزنامه اطلاعات

رونوشت: نامه کوهستان، رونوشت: قیام ایران، رونوشت: روزنامه
کیهان، رونوشت: کانون، رونوشت: کشور

در صفحه ۴ شماره ۵۸۷۱ روزنامه اطلاعات تحت عنوان " حرکت به
بادکوبه " که کلمه " ایلخانی زاده " را دیدم بی نهایت تعجب کردم. اینجانب
که یکی از افراد خانواده " ایلخانی زاده " هستم محض جلوگیری از
اشتباهات و آشوب شدن اذهان عمومی بدین وسیله اظهار میدارم که
خانواده ما یک خانواده چند صد ساله و سوابق درخشان مهین پرستی و
خدمات برجسته آن به کشور عزیز خود بر عموم معلوم و محرز بوده و
هیچ وقت کوچکترین گرد خیانتی بدامن هیچیک از افراد آن ننشسته و جز
خدمتگزاری وطن و صلح و امنیت طلبی قدم فراتر ننهاده، کسانی که به
نقطه آذربایجان علی الخصوص کردستان مختصر آشنائی داشته باشند
مادام از راه انصاف و وجدان خارج نشوند تصدیق دارند که شعار مهین
پرستی، ایران دوستی از قرون متمادی شعار خانواده ما بوده و هست و
خواهد بود.

بسیار متأسفم اکنون که می بینم از ناحیه پاره‌ای اشخاص مفرض و
ماجراجو به اغراض پست و پلید شخصی القاء شبهه گردیده و این افترا
نسبت به خانواده " ایلخانی زاده " بسته شده تا ما را در انظار بدنام و حس
حسادت بدبینی خودشان را فرو نشانند.

همه میدانند، ما خائن وطن فروش نیستیم. خیانتکار کسی است که مردم
شریف و مهین پرست را می خواهد بدنام کند. من به این قبیل یاوه‌سرایان
و مفت ریان اطمینان می دهم که اینگونه نغمه‌های شوم هیچوقت
نمیتوانند لکه به‌دامن مهین پرستی ما بنشانند و یا ذره‌ای از احساسات پاک
و وطنخواهانه ما بکاهد. آقای مدیر روزنامه اطلاعات این تهمت یک

اهانت بزرگی است به یک خانواده پاک و شریف و دیرینه ایرانی وارد شده و قابل هیچگونه اغماض و صرفنظر نیست.

خواهشمندم شخص مفتوی و تهمت گو را معرفی فرمائید که از طریق محاکم صالحه تعقیب و حقیقت امر کشف شده و خیانتکار به کیفر قانونی برسد. ضمناً خود اداره روزنامه نیز می بایست در صحت یا سقم این خبر دقت کرده دلیل و سند از اطلاع دهنده می خواست. البته درج اینگونه اخبار مجعول و عاری از حقیقت دور از رویه روزنامه‌نگاری به ویژه حملات ناروای بعضی از جراید مخالف موازین اخلاقی است.

اینجانب بدین وسیله از طرف عموم افراد " ایلخانی زاده " این موضوع را بکلی تکذیب نموده خواهشمندم طبق قانون مطبوعات دستور فرمائید مشروح بالا را در اولین شماره آن روزنامه ملی تحت عنوان " ایلخانی زاده تکذیب می کند " درج فرمائید که رفع اشتباه شده و بی جهت یک خانواده مهم ایران در انظار بدنام نشود. قاسم ایلخانی زاده



قاسم ایلخانی زاده

تکذیب

رونوشت: روزنامه اطلاعات، رونوشت: کوهستان، رونوشت: قیام ایران
خبریکه تحت عنوان " عزیمت به بادکوبه " درج و کلمه " ایلخانی زاده "
قلم داده شده بود اسباب شگفت کلی واقع گردید.

زیرا هیچ عقل سلیم و منطق صحیحی همچو حرکاتی را برای خانواده ما با
پیشینه میهن پرستی تجویز نخواهد کرد.

اینجانب قویا موضوع را تکذیب و تقاضای درج این تلگراف و رفع اشتباه
را دارم.

محمد امین ایلخانی زاده ۱۳۲۴ /۷/۱۸

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۳۰ دوشنبه ۲۳ مهرماه ۱۳۲۴. ۱۹۴۶.

تکذیب مسافرت به بادکوبه

خبر مسافرت عده‌ای از محترمین مهاباد به بادکوبه به حقیقت نتوانستیم
باور کنیم. اگرچه پس از آن تاریخ و تکذیبی که آقای قاسم ایلخانی زاده
نموده و جوابی که روزنامه اطلاعات به ایشان داده بود و خبری که هفته
گذشته در جراید چاپ شده بود و ما هم آنرا عینا در شماره گذشته نقل
نموده بودیم موضوع جنبه واقعی به خود گرفته بود ولی در مقابل تلگراف
ذیل جایز است مجددا راجع به مسافرت بادکوبه تردید داشت.

زیرا از یک طرف مقامات رسمی می گویند چنین مسافرتی انجام شده و از
طرفی کسانی را که مسافر معرفی شده‌اند این مسافرت را تکذیب مینمایند
و می گویند اگر ما خیال مسافرت میداشتیم دلیل نداشت بدون اجازه برویم
و در جای دیگر تلگراف می گویند:

اطمینان می‌دهیم ملت کرد وطن فروش نبوده، وطن پرستی و جانبازی خود را در راه افتخارات ملی به تمام دنیا ثابت کرده است. بنابراین لازم است اولاً اولیای امور متوجه این امر بوده که بزرگ کردن این موضوع و جنبه مهمی به آن دادن و این افکار را پرورش دادن صلاح مملکت نیست. ثانیاً در موقعیکه نظایر چنین اتفاقاتی گزارش میشود بهتر است اولیای دولت به جای مشوب نمودن اذهان عمومی در ماهیت امر رسیدگی نمایند نه اینکه رویه خصومت آمیز پیش گرفته به خیال تصفیه خرده حساب با عمر و یزید آتش را دامن زنند.

برای استحضار خاطر خوانندگان ذیلاً تلگراف وارده از تبریز را که صبح روز ۱۳۲۴/۷/۳۰ به دفتر روزنامه رسیده است درج می‌نمائیم:

از تبریز

تاریخ: ۱۳۲۴/۷/۲۶

تهران مجلس شورای ملی، کپیه آقای صدر قاضی، کپیه روزنامه اطلاعات، کپیه ارس، کپیه کشور، کپیه باختر، کپیه کوهستان، کپیه نوروز ایران، کپیه اقدام، کپیه کیهان.

امروز روزنامه اطلاعات خواندیم که گویا امضاء کنندگان ذیل این روزها به بادکوبه رفته‌ایم. لازم میدانیم جدا آنرا تکذیب کرده خاطر نمایندگان محترم و مدیران جراید را مستحضر داریم که مأمورین خائن از انتشار اینگونه افترا نظرشان این است ولایت مهاباد که در این مدت در کمال آسایش و افتخار زندگی کرده به خون آغشته نمایند و راه را برای مأمورین ظالم و خونخوار باز بکنند و سربازان و ژاندارم مثل سابق بر جان و مال ما مسلط کنند. والا هرگاه چنین مسافرتی در پیش باشد برای چه بدون اجازه اقدام می‌شود. مگر رفتن خارجه برای تمام ایران آزاد است و فقط برای مهابادی قدغن است.

اینک مجددا آنرا تکذیب کرده و اطمینان می‌دهیم ملت کرد وطن فروش نبوده، وطن پرستی و جان بازی خود را در راه افتخارات ملی به تمام دنیا ثابت کرده است.

اینگونه انتشارات فقط برای بدنام کردن اهالی این منطقه است. چندی است که می‌بینند در تمام ایران فقط مهاباد در این مدت در هرج و مرج و ناامنی و اختلاف و نفاق در امان بوده است.

محمد قاضی، محمد حسین سیف قاضی، علی ایلخانی، حمزه مامش، عبدالقادر جلدیان.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۳۲ دوشنبه ۷ آبان ۱۳۲۴. ۱۹۴۶.
راجع به مسافرت بادکوبه

بطوریکه از ستاد ارتش خبر می‌دهند. طبق اطلاع واصله از رضائیه عده‌ای از روسای اکراد منجمله: رشید بیگ، قادر بیگ. قاسم بیگ، هرکو بیگ، حسین حناره، عمر خان، سید خان بیگ، سید نورالدین در قریه آنیه اجتماع و در مورد مسافرت بادکوبه و نتیجه مذاکرات از نوری بیگ سئوالاتی می‌نمودند. او هم چگونگی حرکت و مذاکراتی که رئیس جمهور آذربایجان شوروی با آنها نموده شرح داده است و نیز ۵۳ نفر اطفال اکراد را که در نتیجه این مسافرت باید به بادکوبه اعزام شوند و اکنون در آنیه حاضر بعلت گریه و زاری و ممانعت مادرانشان و برای اینکه مامورین دولت ایران متوجه نشوند فعلا نفرستادند و قرار است که شبانه بدون اطلاع بفرستند. همچنین قاضی محمد در مراجعت از بادکوبه مقدار شش تن کاغذ و دو دستگاه ماشین تحریر همراه آورده است.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۳۱ دوشنبه ۳۰ مهر ۱۳۲۴



روز ۱۱ بهمن سال ۱۳۲۵.۱۹۴۶ دانشکده افسری سالیانسی باکو

عکس: از آلبوم آقای حاجی عزیز ابراهیمیان.

ک . ک . ک کومله کمونیستی کردستان !!؟

می گویند ک . ک . ک علامت اختصاری " کومله کمونیستی کردستان " است و می گویند جمعیتی به این اسم در مهاباد وجود دارد!!!

این روزها شایعاتی در این زمینه در بعضی از روزنامه‌های تهران دیده میشد و حتی در بعضی از جراید هم مطالبی به نام مرامنامه این حزب چاپ شده بود!!

اگر به جراید چند هفته قبل مراجعه کنیم اخبار حیرت آور دیگری راجع به مهاباد خواهیم یافت. مثلاً در یکی از روزنامه‌های هفتگی نوشته شده بود پرچم سرخ برفراز ادارات دولتی به اهتزاز درآمده، روسای ادارات را از مهاباد بیرون کرده‌اند و عکس شاه را از فرمانداری برداشته به جای آن عکس ستالین را گذاشته‌اند.

شنیدن این اخبار برای ایرانی قابل قبول نیست و هیچکس در برابر چنین نوشته‌هایی نمی‌تواند از تعجب خودداری کند. تعجب فوق‌العاده توأم با تردید و تأسف زایدالوصف ما را به تحقیق واداشت و قتیکه با دقت تحقیق کردیم معلوم شد: موضوع پرچم، برافراشتن پرچم‌های دول متفق در مهاباد بوده آنهم به مناسبت فتح برلن و این عمل در تمام ایران و تهران انجام شده و منحصر به مهاباد نبوده و مورد هیچگونه ایرادی نیست.

بیرون کردن روسای ادارات صحت نداشته بلکه تصادفا در عرض یک هفته چند نفر از روسای ادارات که تقاضای مرخصی کرده بودند و از طرف روسای مربوط به آنها اجازه داده شده بود از مهاباد خارج و به رضائیه، تبریز و تهران برای استفاده مرخصی رفته بودند.

این تصادف را بیرون کردن آنان اشاعه دادند. در صورتیکه نه تنها در آن موقع بلکه هم اکنون نیز ادارات دولتی در مهاباد دایر و روسای آن مشغول کار هستند.

موضوع برداشتن عکس شاه و نصب کردن عکس ستالین به جای آن اصلا حقیقت نداشته در ادارات دولتی مهاباد تمثال شاه مانند سابق در جای خود نصب و مورد علاقه تام و احترام تمام مردم است.

اگرچه آن مدیر محترم روزنامه هفتگی که این موضوع را با حرارت و شدت غربی نوشته بود بعدا متوجه اشتباه خود گردید. ولی جای تأسف است که اقلا این اشتباه بزرگ را تصحیح و جبران ننموده.

اما موضوع ک. ک. ک

یکی دو روزنامه هفتگی دیگر مطالبی در باره "کومله کمونیستی کردستان" نوشته با تصاویری آن را آرایش کرده بودند. یکی پشت جلد مجله نیشتمان بود که به نام "مدارک مرامنامه" معرفی شده بود و دیگری "پرچم کردستان" آزاد.

مجله نیشتمان که با چاپ خوب و کاغذ اعلا منتشر می شود معلوم نیست در کجا و کدام مطبعه چاپ می شود. از طرز چاپ آن گمان نمی رود در خاک ایران باشد.

عکس پرچم کردستان آزاد، آنطوری که در یکی دو روزنامه هفتگی تهران چاپ شده بود چیزی را جز یک قطعه پارچه گسترده نشان نمی داد و معلوم نبود این پرچم که اینقدر آب و تاب داده شده بود در کجا به اهتزاز درآمده زیرا اگر در محلی برافراشته شده بود قطعاً علاقمندان به اشاعه اینگونه مطالب عکسی از پرچم نصب شده و محل آن برمی داشتند و ذیل آن مینوشتند: "پرچم کردستان آزاد برقرار ...".

مرامنامه جمعیت: روزنامه‌های ناشر اعلام می کنند آن را از منابع موثق بدست آورده‌اند. ولی چون اسمی از این منابع نبرده بودند تردید در موجودیت چنین منابعی باقی است تا چه رسد به اصل خبر.

اینکه این مرامنامه یعنی اظهاراتی را که به نام مرامنامه چاپ کرده بودند متعلق به "کومله کمونیستی کردستان" دانسته و محل این حزب را مهاباد تشخیص داده بودند. آنهم به صرف ادعا قابل قبول نیست. زیرا در خارج از ایران هم کردستانهایی موجود است و در این کردستانها هم احزابی هست و ممکن است مرامنامه مورد بحث اگر واقعا وجود خارجی داشته باشد متعلق به یکی از این سازمانهای خارج از ایران باشد.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۳۲ دوشنبه ۷ آبان ۱۳۲۴. ۱۹۴۶.

اخبار کردستان

خبر تسخیر "دزلی" در هفته گذشته در جراید تهران منعکس شده، اگرچه هنوز از جزئیات جریان امر استحضار حاصل نشده، ولی آنطوریکه تا به حال خبر رسیده این است:

در تاریخ ۱۳۲۴/۷/۳۰ نماینده اعزامی آقایان سرلشکر جهانبانی و سرتیپ همایونی و اشراف کردستان که آقای "آیت الله مردوخ" بوده‌اند موفق به مذاکراتی با روسای عشایر شده و عموماً برای اطاعت دولت حاضر بوده‌اند حتی جشن و سروری هم در قریه دزلی برقرار گردید. ولی به علت نامعلومی در موقعیکه مذاکرات به نتیجه مطلوب می‌رسد صدای تیراندازی توپ که از طرف عده‌ای از قوای دولتی که از مریوان می‌آمده بلند و این عمل موجب سوء ظن روسای عشایر واقع گردید، ناچار "دزلی" را ترک نموده، سپس قوای دولتی وارد گردید. این جریان که هنوز تأیید نشده اطلاعات سر بسته‌ایست که تاکنون دریافت داشته‌ایم.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۳۳ دوشنبه ۱۳ آبان ۱۳۲۴

به مناسبت خبر رادیو پاریس

خبری را که هفته گذشته رادیو پاریس راجع به کردستان انتشار داده بود. روزنامه کیهان نقل کرد که مضمونش این بود:

"در منطقه کردستان ایران طغیان عظیمی برای استقلال این منطقه و تجزیه آن در ایران آغاز شده است. هنوز معلوم نیست که این شورش به کردستان ترکیه هم سرایت خواهد کرد یا نه. ولی ترکها قوای زیادی در مرز برای مواجهه با اوضاع متمرکز ساخته‌اند. اوضاع از آن جهت دشوار است که در شمال ایران نیز اکنون جنبش بزرگی برای تجزیه این منطقه از ایران و الحاق آن به اتحاد جماهیر شوروی بشدت کامل ادامه دارد".

این اخبار که معلوم نیست چگونه به دست آمده و به چه وسیله‌ای به رادیو پاریس رسیده و منظور از نشر آن چیست؟ اصولاً با حقیقت منطبق نبوده و از آن فرسنگها فاصله دارد:

. تاکنون طغیانی به منظور استقلال و تجزیه کردستان در هیچیک از نواحی کردنشین ایران بوقوع نپیوسته اگر جنگهایی هم در سالهای اخیر اتفاق افتاده باشد مانند، وقایع بانه در سال گذشته و جنگ اورامان در چند ماه قبل اصلاً ارتباطی به این موضوع نداشته و حتی نام طغیان، شورش یا جنبش بدان نمی‌توان گذاشت.

اینها وقایع محلی و کاملاً داخلی بوده و هیچگونه ربطی به استقلال کرد نداشته است. این وقایع هم مربوط به گذشته است.

چیزی که واضح است این است که تبلیغاتی چه در آذربایجان و چه در ناحیه شمالی کردستان در جریان است که در آذربایجان موجب اغتشاش و برهم زدن نظم عمومی شده ولی ناحیه مهاباد کردستان همان آرامش همیشگی خود را حفظ کرده است.

با توجه به تعهد تضمین استقلال و تمامیت ارضی ایران و با در نظر گرفتن موقعیت خاص مملکت ما و اینکه باید سیاست موازنه همیشه مورد نظر و عمل باشد و با توجه به وقایعی که در ماههای اخیر در نواحی شمالی پیش آمده و با منطبق نمودن آن با عملیاتی که دولتهای وقت کرده خواهیم دید که تمام این وقایع مربوط به همین موازنه بوده است.

بنابراین تبلیغاتی که در نواحی شمالی ایران و مثلاً منطقه مهاباد می‌شود برای اینگونه مواقع است والا به فرض آمدن چند کامیون اسلحه و یا یک دستگاه ماشین چاپ و چند تن کاغذ و حتی اسلحه‌های خودکار و مسلسل و توپ و تفنگ و غیره و غیره به مهاباد، اگر صحت داشته باشد کوچکترین تغییر در سرنوشت این ناحیه نداده و نمی‌تواند احساسات ایران پرستی ساکنین این منطقه را از میان بردارد و می‌توان اطمینان داشت که چند صد

کامیون و چند صد دستگاه ماشین چاپ و هزاران تن کاغذ و غیره و غیره قادر به جدا کردن مهاباد نخواهد شد.

بنابراین وظیفه سنگینی بعهدہ دولت است کہ این موازنہ سیاسی را حفظ کند. مطبوعات داخلی ہم باید تبلیغات شوم و حملات ناروا را موقوف کردہ تصفیہ خردہ حسابهای شخصی را بہ مواقع عادی موکول نمایند و بہ این نکته با دقت توجہ نمایند کہ حملات بی مورد علاوه براینکہ نتیجہ مفیدی عاید مملکت نخواهد نمود حس جدائی و تفرقہ را ایجاد کردہ و بر مشکلات مملکت خواهد افزود.

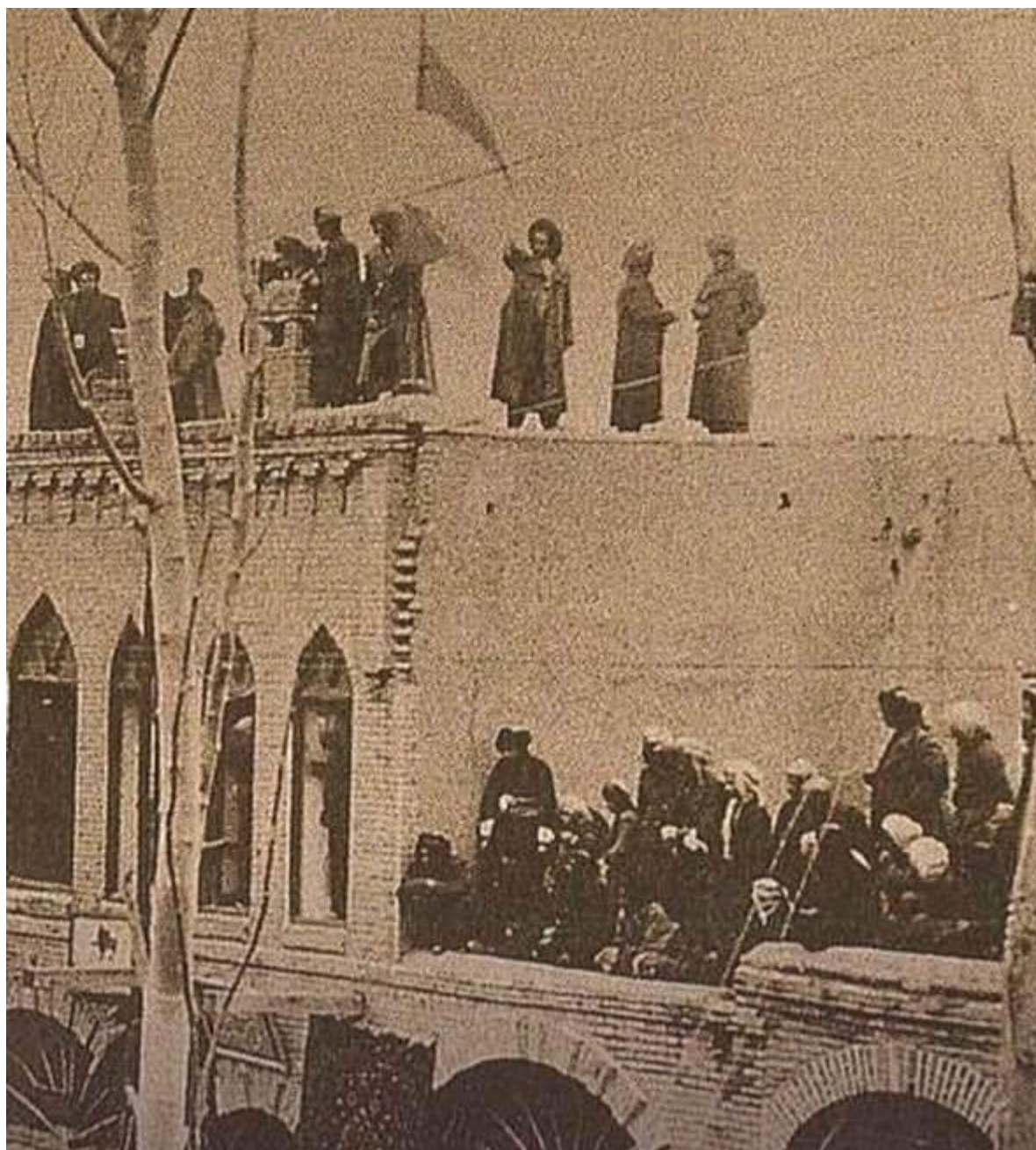
استاندار آذربایجان

آقای بیات (سهام السلطان) بہ سمت استاندار آذربایجان منصوب و در این دو سہ روزہ بہ تبریز حرکت خواهند نمود.

اتفاقاتی کہ چند روز اخیر در نقاط مختلفہ آذربایجان بوقوع پیوستہ و موجب نگرانی گردیدہ بود بر اثر اقدامات دولت تا حدی مرتفع و امید میرود بہ زودی اوضاع عادی و رضایت بخش گردد.

منبع: نامہ ہفتگی کوهستان شمارہ ۳۵ دوشنبہ ۲۸ آبان ۱۳۲۴

برافراشتن پرچم مقدس کردستان در مهاباد



برافراشتن پرچم کردستان در شهر مهاباد ۱۳۲۴/۹/۲۶ - ۱۹۴۵/۱۲/۱۷
روز ۲۶ آذر نمایندگان همه‌ی اقشار مردم کردستان در شهر مهاباد گرد آمدند. ساعت ده صبح پرچم کردستان از دفتر حزب با حضور نزدیک به ده هزار نفر به سمت دفتر هیئت رئیسه‌ی ملی کردستان حمل شد. در حالیکه گروه موسیقی مارش ملی را می نواخت و در سراسر خیابان وفایی لوله تفنگها، مسلسها و سرنیزه‌ها صف مسلحین کرد می درخشید و

گروه‌های جوانان و محصلین دختر و پسر کرد در سمت راست پرچم حرکت می‌کردند، مردم مهاباد، کوچک و بزرگ، پشت پرچم در حالیکه برای ادای احترام به آن سر تعظیم فرود می‌آوردند با کف زدن و هورا کشیدن در حرکت بودند. پیشوای معظم کردستان، جناب قاضی محمد سخترانی پر شوری در باره‌ی پرچم ایراد فرمودند و پس از آن با شلیک مداوم گلوله مراسم نصب پرچم برفراز ساختمان هیئت رئیسه‌ی ملی کردستان اجرا شد و جشن به پایان رسید.

منبع: مجله‌ی کردستان شماره ۳ سال ۱۳۲۴. ۱۹۴۵ *

برافراشتن پرچم مقدس کردستان در بوکان

بر اساس دستور کمیته‌ی مرکزی حزب دمکرات کردستان و فرمان جناب قاضی محمد، صدر اعظم و پیشوای کردستان تصمیم گرفته شد پرچم مقدس سه رنگ کردستان در بوکان نیز به اهتزاز درآید.

آقایان میرزا مصطفی سلطانیان، عبدالقادر مدرسی، حسین فروهر، میرزا محمدامین شرفی، علی خسروی، محمود ولیزاده، میرزا رحیم لشکری، اعضای هیئت حزب دمکرات کردستان و آقای شیخ الاسلامی (هیمن) شاعر ملی و نماینده هیئت رئیسه‌ی ملی و آقای نانوازاده فرمانده‌ی سپاه ملی با فرمانده‌ی گارد احترام و دسته موزیک همراه با آقای قاسم ایلخانیزاده نماینده کمیته‌ی محلی حزب دمکرات کردستان مأموریت برافراشتن پرچم مقدس را به عهده گرفتند.

ساعت یک بعدازظهر روز چهارشنبه ۱۳۲۴ / ۱۰ / ۵ به افتخار اعزام هیئت حمل پرچم در حیاط دفتر حزب مارش و سرود ملی کردستان نواخته و خوانده شد. در این موقع اتومبیل مخصوص در میان هزاران نفر از خواهران و برادران ارجمند مهابادی به در ورودی دفتر مرکزی حزب رسید. هیئت حمل پرچم که از ابراز احساسات مردم بدرقه‌کننده و فریاد زنده باد

کردستان و کف زدنهای ممتد به جوش آمده بودند به راه افتادند و ساعت دو و نیم بعد از ظهر به میاندوآب رسیدند.

همچنین در حدود چهار تا پنج هزار نفر از بوکان و اطراف به استقبال هیئت آمده بودند. اعضای هیئت از ماشین پیاده شدند و پرچم مقدس بسان خورشید که از پس ابرها بدر آید به اهتزاز درآمد و بالهای خویش را بر کردستان گستراند و به ملت کرد سعادت و خوشبختی را نوید داد، سرود ملی خوانده شد و موزیک نواخته شد و گارد احترام مهآباد و بوکان و سواران مسلح سه بار تیر هوایی شلیک کردند و مراسم قربانی کردن در پای پرچم به جا آمد و پرچم بر دوش جوان رشید ابوبکر آقای ایلخانی زاده با کف زدنهای مداوم و فریاد " زنده باد کردستان " به ده کیله‌شین رسیدند و در آنجا باز هم مراسم قربانی کردن گاو و گوسفند به جای آورده شد و با خوشی و مسرت و رقص و پایکوبی به شهر بوکان رسیدند و در میدان جلوی حوض بوکان گرد آمدند. *

در پای پرچم قاضی محمد و صادق قزلجی سخnerانی آتشی‌نی را همراه با شعر احساسات آمیز خود ارائه دادند. آقای احمد آقا ایلخانی زاده سخnerانی گرمی در مورد خود و فداکاری در راه آرمانهای کردستان و برافراشتن پرچم کردستان بیان کردند.

محمد امین ایلخانی زاده سخnerانی آتشی‌نی ارائه داد و هنگامی که نام سردار محمد حسین خان را آورد ادای احترام کرد. مارف آقای ایلخانی زاده سخnerانی خوبی را بیان کردند، خصوصاً که در مورد ظلم و ستم و اسیری برادران کرد جنوب به خوبی اشاره کردند و گفتن: برای ما غیرت نیست که این برادرانمان به این شیوه از حقوق ملی و انسانی بی بهره و زیر چنگال استبداد و ستمکار بنالند. جعفر آقا ایلخانی زاده در سخنان خود بعد از تبریک گفتن پرچم کردستان با بیانی شیرین گفتند: تمامی ملت کرد پیوسته در راه برافراشتن پرچم و بدست آوردن آزادی برادران دیگرمان جانهای

جوانان را در این راه فدا می کنیم. حاجی بایزآقا ایلخانی زاده در مورد نعمت بزرگ آزادی و برافراشتن پرچم مقدس کردستان سپاسگزاری خداوند متعال را کرد و رهنمودهای پر ارزشی برای برادران اعضای حزب دمکرات ارائه دادند و از فداکاری آنها ابراز تشکر کردند. در خاتمه قاسم آقا ایلخانی زاده سخنان بسیار آتشینی در مورد آزادی کردها ارائه دادند. ساعت یک بعدازظهر با نواختن مارش ملی و موزیک جشن به پایان رسید.

روزنامه کردستان: ما نیز به نوبه‌ی خود از فداکاری هیئت حزب دمکرات و اعضای حزبی بوکان و خصوصا از آقایان ایلخانی زاده که در راه آزادی و دمکراسی، سالهاست فداکاری می کنند و در جشن برافراشتن پرچم مقدس کردستان متحمل زحمت و مخارج زیادی شده‌اند، بی نهایت سپاسگزاریم و امیدواریم که انشاءالله در مرام مقدس خودشان موفق و سرافراز باشند.

روزنامه کردستان ارگان حزب دمکرات کردستان ۲۰ آذر ۱۳۲۴ - ۱۹۴۶ **



برافراشتن پرچم مقدس کردستان در شهر بوکان

از کتاب: حوسینی زیرینگه‌ران (فرووه‌هر) به ریوایه‌تی وینه، حه‌سه‌ن قازی

برافراشتن پرچم مقدس کردستان در نقده

بر اساس دستور کمیته‌ی مرکزی حزب دمکرات کردستان، برادران عزیز آقایان حسین فروهر و علی خسروی روز ۱۳۲۴/۹/۲۶ مأموریت یافتند پرچم مقدس کردستان را در نقده برافرازند. این نمایندگان فوراً وسایل حرکت را مهیا و به محل مأموریت حرکت کردند و روز ۱۳۲۴/۹/۲۷ به نقده رسیده و بدون اتلاف وقت دستور نصب پرچم را صادر کردند.

شور و شوقی بی‌مانند در میان اهالی نقده و اطراف برپا گشت و بعد از ساعت ۳ بعد از ظهر، اربابان و سکنه‌ی دهات دورترین حومه‌ی نقده نیز به شهر رسیدند و پیرامون حزب دمکرات جمع شدند.

روز چهارشنبه ساعت ۹ صبح جشن شروع شد و دانش آموزان کرد، ارمنی و آسوری در حال سرود خواندن به محل برگزاری جشن آمدند. برادران فروهر و خسروی پرچم را برای سواران مسلح آماده به خیابان بردند. وقتی پرچم نمایان شد هزار تیر به مناسبت آن شلیک شد. سواران پرچم را تحویل گرفته و به سوی دفتر حزب دمکرات حرکت کردند تا رسیدن آنان به ساختمان مرکزی حزب چندین رأس گاو و گوسفند قربانی کردند. مردم مداوم کف میزدند و هورا سر می دادند. در این هنگام دفعتاً هزار تن برای زیارت پرچم هجوم آوردند.

منبع: مجله‌ی کردستان شماره ۲ ص ۱ ۱۳۲۴/۹/۳۰. ۱۹۴۶ *



برافراشتن پرچم کردستان در نقده ۱۳۲۴. ۱۹۴۶

عکس: از کتاب "حوسینی زئیرینگه‌ران (فرووه‌هر) به ریوایه‌تی وینه"
حه‌سه‌ن قازی

برای رفع مشکلات اول تشریک مساعی لازم است

آقای فهیمی، شما با سوابق ممتدی که در امور مملکت دارید و با اطلاعات کافی که در مسافرت سال گذشته از نواحی مختلفه کردستان کسب کردید و با آنچه از وطن پرستی و علاقه مردم این سرزمین به شاه و مملکت بیان نمودند. امروز که در رأس وزارت کشور هستید آیا مجال خواهید داشت که آنچه را سال گذشته خود دیده‌اید از مد نظر بگذرانید و آنچه را که در این باب نوشته‌اید دوباره مطالعه کنید و آنچه را که گفته‌اید مجدداً تکرار کنید و از مجموعه آنها قدمی در عمل بگذارید.

آقای فهیمی، نمیدانم توقعات این و آن و گرفتاریهای روزانه وزارتخانه به شما فرصت خواهد داد که به پاس احترام و استقبال شایانی که مردم این ناحیه از شما کردند و علاقه‌ای که به وطن نشان دادند عملاً حق حیاتی برای آنان تأمین کنید.

از مسافرت سال گذشته شما که بنام وزیر مشاور و فرستاده شاه به کردستان عزیمت نمودید مردم انتظاراتی داشتند ولی متأسفانه تمام آن انتظارات بعکس نتیجه بخشید یعنی نه تنها سرباری از دوش مردم برداشته نشد بلکه بار ظلم و تعدی و اختناق عمومی سنگین تر شده چیزی نمانده بود که حتی آخرین رمق نیز گرفته شود و آخرین نفس هم قطع گردد.

کردهای مسلح عراق در خاک ایران

به قرار خبری که در جراید منعکس گردیده، ۲۰۰۰ نفر از اتباع ملا مصطفی بارزانی از چندی پیش به خاک ایران وارد و در قراء بچالو، لواسلو، سلدوز، لاجان، اشنویه، نقده و اطراف مهاباد در بین اکراد ایرانی سکونت داده شده‌اند.

افراد مزبور چون فاقد مایحتاج زندگی و بعلاوه عموماً مسلح هستند. اکراد ایرانی را از هنگام ورود مجبور به پرداخت اعانه و خواربار نموده‌اند و به قراریکه می‌گویند این نواحی دچار ناامنی و مردم نگران می‌باشند.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۳۴ دوشنبه ۲۱ آبان ۱۳۲۴



ملا مصطفی بارزانی و پیشوا قاضی محمد سال ۱۳۲۴. ۱۹۴۶
عکس: از صفحه فیسبوک آقای موحیب مهابادی گرفته شده است.

مهاباد

در شب ۳۰ آبان ماه دستور داده شده که چراغهای شهر خاموش شود و از ساعت ۱۰ شب کسی حق عبور و مرور ندارد.

در همان شب ساعت ۲۴ هفت دستگاه کامیون مملو از اسلحه به شهر وارد و همان شب تقسیم گردید.

به روسای اکراد و ایلات شفاها از طرف بعضی مقامات دستور داده شده که هر کدام سه نفر نماینده برای اخذ دستور و مذاکره بفرستند، آنهائیکه خودداری کرده بودند و نماینده نفرستاده مورد موأخذ قرار گرفته و حتی نماینده هم بنام آنها انتخاب و به محل اعزام شده است.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۳۸ دوشنبه ۱۹ آذر ۱۳۲۴

در مجلس شورای ملی

روز پنجشنبه گذشته موضوع خبر رادیو پاریس در مجلس منعکس و به ترتیب آقایان دکتر اعتبار، صدر قاضی، اردلان و دکتر زنگنه و سید ضیاء الدین طباطبائی توضیحاتی دادند.

دکتر اعتبار: اجازه بفرمائید عرض کنم در جراید یک چیزی منتشر شده است. به این مضمون که در منطقه کردستان ایران یک طغیان عظیمی برای استقلال آن منطقه و تجزیه آن از ایران آغاز شده است....

این خبر منتسب به رادیو پاریس است. ما می دانیم که یک عده ماجراجو از نبودن قوای دولت در شمال سوء استفاده می کنند و برای اجرای مقاصد شوم خودشان که از حدود مادیات تجاوز نمی کند هر روز یک نغمه شومی شروع می کنند. ولی این خبر سرتاپا جعل است. کردهای ایرانی و اصولاً تمام ایلات ایران مردمان وطن پرست و علاقه مند به آب و خاک و موطن اجداد خود هستند و به هیچوجه به این حرفها ترتیب اثر نمی دهند و علاقه برای سرکوبی این خائنین دارند.

این صحبتها همه فرع عده کافی قوای دولت در آن مناطق است. آن روزی که قوای شوروی از ایران بروند " که امیدوار هم هستم این خیلی به تعویق نیفتد " ممانعت نکنند از فرستادن قوای دولت به آنجا و به این مناطق که امنیت کامل برقرار بشود و تمام این جریانات بخوابد. ما واقعا از دوست خودمان فرانسه گله‌مند هستیم که چرا اجازه می دهند این خبرهای جعل و دروغ را در رادیوی آنجا گفته شود.

صدر قاضی: اجمالا می خواستم عرض کنم که این مزخرفاتی را که از رادیوی پاریس می گیرند. اجمالا به عرضتان برسانم و آن این است. حالا آقای دکتر اعتبار فرمودند که یک عده ماجراجو هستند ولی هیچ ماجراجویی نیست. چرا بیخود چیز می گوئید. اصلا صحبت تجزیه نیست و بعضیها گفتند که صد کامیون اسلحه به مهاباد آورده‌اند. اینها اساسا بکلی دروغ است.

آقا فایده این حرفها چیست؟ چرا تفرقه می اندازید بین ملت ایران، والله این حرفها بکلی دروغ است. کی اسلحه وارد شده‌است. کی اسلحه آورده است به ایران، والله بالله اینها همه دروغ است.

همین آقایانی را که اینها به این شکل متهمشان می کنند چندی پیش دولت به تهران احضار کرد. آنها آمدند اینجا سه، چهار ماه بودند اگر اینها متمرّد بودند با یک تلگراف از آنجا ۱۵۰ فرسخ پا نمی شدند بیايند اینجا و در مدت چهار، پنج ماه سی چهار هزار تومان خرج بکنند و متمرّد اینطور نمیشود. ولی البته بنده امروز صبح یک بیانیه‌ای بدست آوردم که در آنجا هم یک حزب دموکرات تشکیل شده است. (سید ضیاء الدین به زبان کردی هم چاپ شده)... بله به زبان کردی و فارسی و یک بیانیه دیگری هم هست که به عرض آقایان میرسد و بنده اجمالا عرض می کنم که صحبت تجزیه نیست و این صحبتها ابدًا در بین نیست و آن بیانیه را هم عرض کنم .

یک چاپخانه اینجا آورده‌اند برای انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی گمان می‌کنم که در جاهای دیگر هم هست و البته در جلسه آتیه بنده توضیح می‌دهم.

اردلان: عرض کنم همانطوری که نماینده محترم آقای دکتر اعتبار فرمودند ما ایرانیها خیلی متأسف هستیم که این نغمه شوم از رادیوی فرانسه، از آن جا بیرون آمده و اینطوری که همه میدانند اصلاً صحت ندارد و قسمت مهم کردها ساکن یک قسمت از ایران هستند که به نام کردستان نامیده میشود که بنده افتخار نمایندگی آنجا را دارم.

یک قسمت دیگر از کردها ساکن حوزه وسیع کرمانشاهان هستند و نمایندگان دیگری دارند در هیچ کجا اصلاً این صحبتها نیست و آنچه بنده خود در جرائد خارجه مطالعه کرده‌ام این سرچشمه‌اش از خاک عراق بود و دولت عراق هم یک عده قوا برای تاراندن آنها فرستاد و اینها یک چند نفری هستند که اصلاً ایرانی الاصل هم نیستند. ایرانی نیستند اینها آمده‌اند در یک زاویه کوچکی که سرحد عراق است یک همچو نغماتی آغاز کرده‌اند و هیچوقت کرد و کردستانی در مخیله‌اش اصلاً فکر تجزیه خطور نمی‌کند و خودش را وابسته مسلم به ایران می‌داند. وقتی حاضر است زنده باشد که با ایران باشد و بدون ایران حاضر نیست زنده باشد. آنچه رادیوی فرانسه گفته‌اند جدا تکذیب می‌کنیم. ما کردها شرافت و افتخارمان این است که جزء لاینفک ایران باشیم.

دکتر زنگنه: عرض کنم خیلی متأسفم که اساساً یک همچو صحبت‌هایی پیش بیاید و ما مجبور بشویم در مجلس ایران تکذیب بکنیم. بر خلاف البته چون بعضیها صحبت می‌کنند می‌گویم که منکر همچو صحبت‌هایی که بعضیها می‌کنند (صدر قاضی: صحبت تجزیه نیست). بنده نمیدانم صحبت تجزیه یا هر چه هست. صحبت استقلال علیحده کرد را بعضی اشخاص جاه طلب و خودخواه کرده و می‌کنند و بعضی اوقات در کردستان

عراق و کردستان ایران از این صحبتها شده است. ولی البته صحبت شده است. دو نفر، چهار نفر نشسته‌اند مجله نوشته‌اند، کاغذ نوشته‌اند، به کردی شعر گفته‌اند، کتاب نوشته‌اند. ولی حقیقت این است که غیر از این چند نفر کس دیگری وجود ندارد و بنده از طرف کرمانشاهان عرض می‌کنم که قسمت عمده کردستان که واقعا در آن یک نفر وجود ندارد که همچو فکری کرده باشد، هیچوقت همچو فکر نبوده است و نمی‌تواند باشد.

کرد یعنی چه؟ مثل اینکه اهالی شیراز هم یک همچو صحبتی بکنند. کرد و فارس و خراسانی و آذربایجانی همه بلاخره ایرانی هستند. گاهی هم البته برای تبلیغات صحبت شده است که کردها چه کرده‌اید؟ ولی کردها هیچوقت صحبت استقلال داخلی و از این حرفهای بیجا و بی ربط نگفته‌اند.

عرض کردم دو سه تا شخصیهای معین این حرفها را می‌زنند. امروز کردها در کارهای دولتی ما دخالت دارند و از پیش هم داشته‌اند دلیلش هم این است که الان وزیر دادگستری ما کرد است و هزار دلیل دیگر، خانواده خود بنده است که از زمان صفویه همیشه مقاماتی داشته‌اند در دولت چه محرومیت‌هایی برای کردها بوده است که اساسا یک همچو تبلیغات قاسد و غلطی بکنند. بنده نمیدانم اینکه ما بنام تمام رفقای خودمان و بنام تمام کردها با کمال جسارت می‌گوئیم که همچو صحبتی نیست و هر کس همچو صحبتی بکند واقعا خائن مملکت است.

سید ضیاء الدین طباطبائی: بنده معتقد هستم که اهالی کردستان مانند اهالی سایر نقاط ایران وطن پرست هستند. در مهین پرستی آنها هیچ تردیدی نیست ولی مهین پرستی تمام اهالی یک ایالت و یا ولایت مانع این نیست که چند نفری پیدا شوند تحت تاثیر یک متقاضیاتی یک زمزمه‌هایی را آغاز کنند. این نوع افراد در هر مملکتی هست. همه جای دنیا هست.

شما نمی توانید در دنیا یک جایی را پیدا کنید که اهالی آنجا صد در صد دارای یک فکر یا یک احساسات و عقیده باشند. ولی چیزیکه بر بنده شخصا مسلم است این است که نود و نه درصد اهالی کردستان علاقه شان به ایران کمتر از سکنه سایر نقاط ایران نیست (صدر قاضی: صد در صد) خوب ممکن است بنده عقیده خودم را عرض کردم و به این شایعات هم ابدا ما نباید اهمیتی بدهیم.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۳۵ دوشنبه ۲۸ آبان ۱۳۲۴

روزنامه شهباز

شماره ۱۲ دوره دوم

روزنامه شهباز

محمود هرمز

در مهاباد

مصاحبه با جناب قاضی محمد

ساعت سه بعد از ظهر روز یکشنبه بیست و پنجم آذر ماه به اتفاق آقایان: بزرگ علوی، نویسنده و نماینده روزنامه " رهبر " شاهنده مدیر " فرمان " و کریمی نماینده کردستان و جهانگیر تفضلی مدیر " ایران ما " از میاندوآب خارج شده و به سمت مهاباد حرکت کردیم. ساعت چهار و نیم بعد از ظهر بود که به مهاباد رسیدیم و پس از اندک تفریحی به خانه آقای قاضی محمد (یا به قول کردها...)

در شهر مهاباد همه با لباس کردی ملی بودند چه در گردش بدوی و چه در گردش بعدی کسی را ندیدیم که لباس غیر کردی داشته باشد. ضمناً این نکته را نیز باید بگویم که از میاندوآب تا مهاباد نه ژاندارم بود نه پاسبان. نه فدائی مسلح نه کرد تفنگ بدوش. نه نیروی سرخ نه قشون انگلیس. آرامش و سکوت در راه و شهر حکفرما بود در مهاباد به دو سه نفر... از سایت تیلگرام پیگه‌یه‌ک بۆ میژوو گرفته شده است.

شهر باز

شماره

۱۲

دوره دوم

بهای اشتراك صد
شماره ۳۵۰ ريال

محمود محمد

در مهاباد

مصاحبه با جناب قاضی محمد



جهانگیر تفضلی

قاضی

بروك علوی

در شهر مهاباد همه لباس کردی
مجلس بودند چه در گردش بدوی و چه
در گردش پیدی کسی را ندیدیم که لباس
غیر کردی داشته باشد ضمناً این نکته
را نیز باید بگویم که از میاندو آب تا
مهاباد نه زاندارم بود نه پاسبان - نه
فدائی مسلح نه کرد تفنگ بدوش - نه
لیروی سرخ نه قشون انگلیس
آرامش و سکوت در راه و شهر حکم
فرما بود در مهاباد به دو سه نفر کر

ساعت سه بعد از ظهر روز یکشنبه
پست و پنجم آفرماه با اتفاق آقایان بزرگ
علوی نویسنده و نماینده روزنامه رهبر
شاهنده مدیر فرمان و کریمی نماینده
کردستان و جهانگیر تفضلی مدیر ایران ما
از میاندو آب خارج شده و به سمت مهاباد
حرکت کردیم .

ساعت چهار و نیم بعد از ظهر بود که
به مهاباد رسیدیم و پس از اندک تفریحی
بهانه آقای مصلحت قاضی (با بقول کردها

زیر کشور

و ضایع شدت. در مقابل متجاوزین مقاومت
میکند و پنج روز بعد مینویسند درود بر
سرهنک زنگنه که متجاوزین و آثار و مار
کرد و درست هشت روز بعد از اینست
فضایا یکی از وزیران محترم این کابینه که
مورد احترام خود من هم میباشد و ملاقاتی
که با من کرد. از من استوال میکند:
«سرهنک زنگنه هنوز جنگ میکند؟»
از ضایع [چه خبر دارید؟] بعد از اینکه من
این بی اطلاعی جناب وزیر را (که همه وزیران
باقی در صفحه ۲

نویسنده: رومن

ای داخلی چین

ملی مرکب از تمام احزاب

و کرد، بهتر با اهمیت این مسلح و آشتی بی
میریم .
خوانندگان میدانند آنچه که کمونیست
های چین را برای ترک مخالفت حاضر
کرد تصمیمی است که در کنفرانس مسکو
گرفته شد و بر حسب آن دولتین شوروی
و امریکاموافق حاصل کردند که بکمونیست

روزنامه شهباز

مصاحبه جناب قاضی محمد

هیئتی از مدیران جرائد تهران: آقای تفضلی صاحب روزنامه " ایران ما " ، آقای عباس شاهنده صاحب روزنامه " قهرمان " ، آقایان بزرگ علوی و هرمو، نویسندگان دو روزنامه "رهبر و ایران ما " برای آگاهی از وضعیت کردستان خودمختار به مهاباد آمده و با جناب قاضی محمد رهبر ملت کرد دیدار کرده و مصاحبه‌ای با ایشان انجام دادند.

- در تهران می گویند کردها به رهبری شما جدا شده و خواهان استقلال کردستان هستید؟

- خبر درست نیست. به خاطر اینکه ما از دولت ایران اجرای قانون اساسی را داریم و می خواهیم با خودمختاری زیر پرچم ایران زندگی کنیم و ما خود مختاری خود را بدست آورده‌ایم.

- چند مدت است شما خودمختار هستید؟

- چهار سال است خودمختاری داخلی داریم.

- به چه روشی خودمختاری خوتان را اداره می کنید؟

- از آن زمانی که توانستیم خودمختاری خودمان را اداره کنیم با نمایندگان و بزرگان ملت کرد که مدتی پیش در مهاباد حاضر بودند انتخاباتی انجام دادیم و هیئتی ۹ نفره به نام " هیئت ملی " تشکیل دادیم و رئیس این هیئت به عهده من است.

- در تهران می گویند جنابعالی چند نفر را به باکو فرستادید و چاپخانه و کاغذ و اسلحه آورده‌اند و یک حزب کمونیستی را تشکیل داده‌اید، آیا صحت دارد؟

- این حرفها را مسئولین لشکری برای ما درست می کنند، اینها ابدًا صحت ندارد. کاغذ و چاپخانه را در تبریز خریده‌ایم و شما هم می توانید از همان

جایی که ما خریداری کرده‌ایم آگاه شوید. تشکیل حزب کمونیستی دروغ محض است. چیزی در کردستان هست که مانند قانون اساسی ایران اجازه می‌دهد که مردم به تمامی معنی آزادی عقیده داشته باشند و ما آشکارا یک حزب داریم و نامش فرقه دموکرات کردستان است.

. حزب دموکرات کردستان در تمامی کردستان تشکیلاتی دارد؟

. فرقه دموکرات کردستان در تمامی مکانهای که دولتهای دیکتاتور و ارتجاع اجازه داده باشند آشکارا شاخه حزبی دارند و در مکانهای دیگر بصورت پنهانی با همه‌ی کردهای ایران رابطه داریم.

- فرقه‌ی دموکرات کردستان با کردهای غیر ایرانی روابطی دارد؟ آیا اتحاد تمامی کردها را می‌خواهید؟

- خیر، به هیچ وجه!

- شما می‌گویید ما می‌خواهیم قانون اساسی در ایران اجرا شود، اگر خواسته‌های شما با قانون اساسی برابری نکند شما چکار خواهید کرد؟

- بله. فرقه دموکرات خواهان اجرای قانون اساسی و دموکراسی در ایران را دارد. هرگاه خواسته‌های ما در چهارچوب قانون اساسی که با خون شمار زیادی از بزرگ مردان آزادیخواه بدست آمده است پاسخ داده شود، ما در حفظ قانون اساسی خواهیم کوشید.

- فرقه‌ی آذربایجان در انتخابات حق رأی را به زنان داده بود، آیا شما نیز همین کار را انجام می‌دهید؟

- من این عمل آذربایجانها را درست می‌دانم و باید عرض کنم که ما هنوز این موقعیت برایمان فراهم نشده است.

- در این مدت چهار سال که شما خودمختاری خوتان را داشتید با دولت مرکزی در گفتگوی بوده‌اید یا نه؟ اگر بوده‌اید چگونه بوده؟

- من دوبار به تهران رفته‌ام و هر دو بار خواستهای مردم کردستان را به عرض ملوکانه رساندم و درخواست کردم به جای توپ و تانک بر سر کردها که خواهان حقوق خود هستند، دستور دهید بهداری و فرهنگ آنها بهتر شود اینها هیچ نتیجه‌ای نداشت. اگر دولت بخواهد بیشتر از این بیرحم تر باشد. ممکن است کار از اینجا سرچشمه بگیرد که ما بتوانیم آزادی و دموکراسی برای تمامی ملت ایران تأمین کنیم.

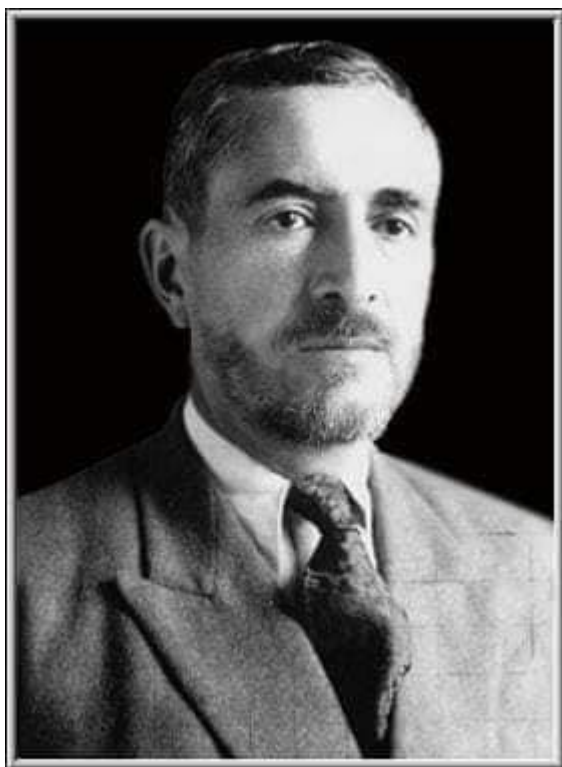
- می‌گویند عده‌ای از کردهای مسلح عراق به ایران آمده و تحت حمایت روس‌ها هستند و آذوقه برایشان تهیه می‌کنند آیا واقعیت دارد؟

- عده‌ای از عراق به ما پناه آورده‌اند و در این اطراف هم مأمور شوروی نیست تا به آنها کمک کنند.

- در کردستان حزب کومله وجود دارد؟

- کومله یعنی حزب و چیزی به این شکل در ایران نیست. فقط در عراق حزبی به این نام وجود دارد.

منبع: روزنامه کردستان ارگان حزب دمکرات کردستان شماره ۱ پنجشنبه ۲۰ دیماه و شماره ۲ شنبه ۲۲ دیماه سال ۱۳۲۴. ۱۹۴۶. **



قاضی محمد

آقای سید محمد حمیدی مدیر و سر دبیر روزنامه کردستان در سخنرانی روز تأسیس چاپخانه کردستان گفت: روز بیستم دی ماه ۱۳۲۴، روزی است که ستاره خوشبختی ملت کرد درخشیده و در نتیجه‌ی کوشش جوانان غیور و پیران با تدبیرمان توانستیم چنین چاپخانه‌ای را که می‌تواند با چاپخانه‌ی شهرهای بزرگ برابری کند بخریم و در مهاباد که امیدوارم در مدتی کوتاه به نخستین شهر تاریخی کردستان بدل شود به کار بیاوریم.

منبع: روزنامه کردستان شماره ۳ دوشنبه ۲۴ دی ۱۳۲۴ - ۱۹۴۶ *

یادداشت دولت ایران

روز ۲۶ آبان ماه یادداشتی از طرف وزارت خارجه ایران به سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی فرستاده شد که در آن از روی اطلاعات واصله به وزارت کشور و وزارت جنگ و وزارت دادگستری مطالبی یادآوری شده راجع به اوضاع کردستان می‌نویسد:

۱. عده‌ای از روسای کرد مقیمین در استان ۴ و مهاباد به تحریک دستجات محدودی که مقاصدی مخالف تمامیت خاک ایران در سر دارند. به فعالیت‌های شروع نموده و به وسایل مختلف تهیه اسلحه و مهمات مینمایند که خود را برای انجام منظور آماده سازند.

۲. روسای اکراد مزبور برای پیشرفت مقاصد خود و ایجاد بی نظمی و فتنه‌انگیزی در صدد برآمده‌اند از راه مطبوعات افکار کردهای صلحجو را مشوب نموده و دامنه اغتشاش را در کردستان ایران توسعه دهند و برای این منظور یک دستگاه ماشین چاپ و مقادیر زیادی کاغذ روزنامه از خاک شوروی بدست آورده‌اند.

۳. چند نفر از روسای کردهای مهاباد و ساکنین قسمت‌های باختری آذربایجان بدون رعایت مقرارت گذرنامه و روادید برای پیشرفت عملیات خود به بادکوبه رفته و مراجعت نموده‌اند.

۴. ملا مصطفی بارزان که از خاک عراق با کسان خود فرار اختیار و به ایران آمده است در نقاط کردنشین ایران سکنی نموده و چون مسلح هستند ظن قوی می رود دامنه بی نظمی را توسعه داده و با عناصر مفسدجو امنیت و انتظامات قسمت باختری استان ۴ و حدود مهاباد را مختل سازند.

در قسمت‌های دیگر یادداشت اشاره به اوضاع عمومی شمال شده و اشکالاتی که در آن نواحی فراهم گردیده خاصرنشان شده است و پس از ذکر چند مورد که دخالت‌های حزب دموکرات ناامنی‌هایی بوجود آورده و مأمورین شوروی از برقراری امنیت بوسیله مأمورین دولتی را ضروری دانسته و صریحاً تذکر داده شده و هرگاه دولت شاهنشاهی نتواند به جلوگیری از پیش آمدهای نامطلوب مزبور بعلت نداشتن آزادی عمل ارتش و قوای تأمینیه ایران موفق گردد بدیهی است آثار ناشیه از آنرا حقایق می تواند متوجه مأمورین نظامی شوروی بداند.

یادداشت سفارت شوروی

روز پنجم آذر سفارت شوروی جواب یادداشت ایران را تسلیم و در موضوع مساعدت به اکراد چنین نوشت:

موضوع مساعدت مقامات شوروی به کردها نسبت به فعالیتهای سیاسی کردها در آن نواحی بکلی بی اساس است و مخصوصاً مقامات شوروی هیچگونه رابطه با فعالیتهای روسای کردهای مقیمین استان ۴ مهاباد نداشته‌اند و نیز در امر عبور ملا مصطفی بارزان از خاک عراق به ایران که در یادداشت وزارت امور خارجه به آن اشاره شده هیچگونه دخالتی ننموده‌اند و راجع به سایر مطالب که یادداشت وزارت امور خارجه مورد بحث قرار داده همگی را تکذیب نموده در همه جا عدم مداخله مأمورین شوروی را اعلام داشته است.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۳۷ دوشنبه ۱۲ آذر ۱۳۲۴

اوضاع آذربایجان

آقای بیات پس از ورود به تبریز و مطالعات چند روزه بیانیه‌ای صادر نموده اعلام داشته که برای شروع به اصلاحات حاضرند با نمایندگان احزاب و عموم طبقات وارد مذاکره شده و به موجب اختیاراتیکه دارند برای اجرای اصلاحات عمومی و رفع نگرانیها و اضطراب با نهایت صمیمیت خدمتگزاری نمایند. چون اشخاص مفسده‌جو در مقام استفاده از موقع برآمده دست به عملیات مخالف انتظامات زده‌اند برای حفظ انتظامات عمومی دستورات لازم به مأمورین داده‌اند.

ولی به قرار اطلاعات واصله نمایندگان حزب دمکرات برای مذاکره با آقای بیات استاندار تبریز حاضر نشده‌اند.

از جمله وقایع تأسف آور هفته گذشته قتل روسای شهربانی - دارائی دادگاه و یک نفر بازپرس و دو نفر مالک مرند بوده و رئیس ژاندمری محل نیز مجروح گردیده است.

در سراب: قتل ستوان یکم ضیائی و ستوان یکم فاطمی و عده‌ای ژاندارم بود که از طرف حزب دمکرات دستگیر و به مسلسل بسته شده‌اند.

اردبیل: ژاندارمهای اطراف اردبیل خود را به پادگان آنجا رسانیده اطراف سربازخانه سنگر بندی شده.

تبریز: رئیس شهربانی در خیابان بوسیله طپانچه کشته شده.

مراغه: پادگان شهر تحت مراقبت اعضای حزب دمکرات آذربایجان میباشد.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۳۸ دوشنبه ۱۹ آذر ۱۳۲۴

اوضاع آذربایجان

روز چهارشنبه ۱۳۲۴/۹/۲۱ مجلس ملی آذربایجان با حضور قریب هشتاد نفر از نمایندگان افتتاح یافته، آقای پیشه‌وری به ریاست دولت و آقای شبستری به ریاست مجلس انتخاب شدند. بعد از ظهر همان روز آقای پیشه‌وری وزیران کابینه خود را معرفی ولی برای وزرات خارجه کسی را معرفی نکردند. دولت آذربایجان می تواند ۲۵ درصد مالیاتها را برای مخارج عمومی مملکتی به دولت مرکزی پرداخته بقیه را در آذربایجان مصرف نمایند. پادگان تبریز در هفته گذشته تسلیم و افسران بوسیله هواپیما و اتومبیل به تهران وارد شدند. آقای سرتیپ درخشانی فرمانده لشکر تبریز فعلا در باشگاه افسران تحت نظر می باشند. روزهای اخیر پادگانهای میاندوآب و اردبیل نیز تسلیم دمکراتها شده‌اند.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۳۹ دوشنبه ۳ دی ۱۳۲۴



پیشه‌وری و وزرای کابینه حکومت ملی آذربایجان

اطلاعیه

به تمای اهالی اعلام می کنیم که حمل اسلحه در داخل شهر غیر از اشخاصی که اجازه دارند اکیدا قدغن است. هر کسی در داخل شهر اقدام به تیراندازی نماید شدیداً تعقیب و سخت مجازات خواهد شد.

فرمانده لشکر دمکرات کردستان - محمد نانوازاده

منبع: روزنامه کردستان شماره ۲، ۲۲ دی ماه ۱۳۲۴ - ۱۹۴۶ *

گردهمایی کمیسیون فرهنگی کردستان

روز چهارشنبه ۱۳۲۴/۱۰/۱۲ در ساعت دو بعد از ظهر جلسه‌ی کمیسیون فرهنگی کردستان برگزار شد و در باره مدرسه و تعیین دو نفر بازرس برای مدارس گفتگوی لازم انجام گرفت.

۱. آقایان علی خسروی و رحیم لشکری به سمت بازرس فرهنگی انتخاب شدند و حکم مأموریتشان صادر گشت. همچنین قرار گذاشته شد کودکان بی سرپرستی که به گدایی مشغولند جمع آوری شوند و در بین مردم پخش شوند و روزانه در مدرسه گلاویژ به تحصیل مشغول گردند و برای گردآوری آنان به شهربانی دستور داده شده این بینوایان را جمع آورده و در اختیار آقایان حسین فروهر و مناف کریمی بگذارند تا آنها بین خانواده‌های ملت تقسیم کنند.

۲. با اکثریت آراء تصویب شد که آقایان فروهر و کریمی مردم بیسواد را برای درس خواندن به زبان کردی در مدرسه "گلاویژ" آماده کنند.

۳. تصویب شد که همه تابلوهای ادارات، مدارس، تجارتخانه‌ها و بناها را تغییر دهند و به زبان کردی بنویسند.

۴. تصمیم گرفته شد کودکان گردآوری شده نباید سنشان از ۶ تا ۱۴ سال بیشتر باشد.

۵. در آخر جلسه قرار گذاشته شد در جلسه‌ی آینده در باره‌ی لباس دانش آموزان تصمیم گیری کنند.

اطلاعیه

به همه‌ی اهالی عزیز مهاباد اطلاع داده می شود بر حسب فرمان پیشوای معظم و تصمیم حزب دمکرات کردستان، از این به بعد برای ترویج زبان کردی در مدارس به کردی تدریس می شود.

از این تاریخ به بعد تا ده روز دیگر هر کسی که فرزند دختر و پسر در سن مقتضای تحصیل دارد باید او را به مدرسه بفرستد. البته هر کسی که از این فرمان سرپیچی کند به شدیدترین وجهی مجازات می شود.

کمیته‌ی مرکزی حزب دمکرات کردستان

معاون حزب . طه‌زاده

منبع: روزنامه کردستان شماره ۱، ۲۰ دی ماه ۱۳۲۴ - ۱۹۴۶ *

فرمان کشتار از طرف ستاد ارتش ایران

بنابه دستور ستاد ارتش ایران دو ستون، یکی از طرف اصفهان و ستون دیگر از طرف اهواز برای سرکوبی "ابوالقاسم خان" که اصلیت او "کرد" است و از طوایف بختیاری می باشد مامور شدند تا املاک زارع و کشاورزان بیچاره را با تانک و توپ و طیاره محو و نابود کنند به قول یک پند کردی

" سگ هار سه روز عمر می کند." دستگاه دیکتاتوری به زودی با بازوی آزادیخواهان محو و نابود می شود.

منبع: روزنامه کردستان شماره ۴ چهارشنبه ۲۶ دی ماه ۱۳۲۴ - ۱۹۴۶**
فرماندهی لشکر

فرماناهی لشکر کردستان به اشخاص ذیل تأمین داده و به مسکن خود عودت نموده‌اند.

محمود کانی سانانی، محمود ضامنی، مظفر رزایی، محمد شریف و محمد رشید آلمانه.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۳۶ دوشنبه ۵ آذر ۱۳۲۴
جنگهای اورامان چگونه پایان یافت ؟

اوضاع رو به وخامت گذاشته بود، نیروی دولتی دیگر پیشرفتی نمی نمود. فشار حکومت نظامی و تهدیدهای بیجا سلب آسایش از مردم سنندج کرده روحیه ساکنین شهر بسیار خراب بود حتی عده‌ای هم شهر سنندج را از بیم اینکه مبادا پاپوشی برایشان بسازند و یا توهینهایی به آنها وارد آورند ترک کرده بودند.

دولت که تا آن هنگام توقف سرتیپ هوشمند افشار فرمانده لشکر را در کردستان، برای ادامه عملیات جنگی ضروری می دانست تغییر عقیده داده، هوشمند افشار تغییر یافت و به جایش سرتیپ همایونی منصوب شد. این تغییر نشان می داد که دولت متوجه شده‌است که باید تغییر رویه دهد. زیرا مسافرت قبلی سرلشکر جهانیانی هم شاید حقایق را که تا آن موقع دولت باور نداشت روشن کرد بود.

سرتیپ همایونی در میان استقبال کنندگان زیادی که از طبقات مختلفه بودند با عزت و احترام به شهر وارد شد. سرکشی‌های او به قسمتهای

مختلفه نیروهای اعزامی موجب شد که تقاضا نماید تحویل و تحول در حضور سرلشکر جهانبانی به عمل آید.

نیرو وضعیت رضایت بخشی نداشت. زیرا در شبیخون یکی در مریوان و دیگری در قزاقان که دومی بر اثر غفلت بی ترتیبی از دو طرف عشایر وارد آمده بود روحیه نظامیان را متزلزل ساخته علاوه بر تلفات مقداری اسلحه و مهمات هم از دست رفته بود.

سرلشکر جهانبانی مجدداً به کردستان آمد. در این موقع اردو از دره رزاب تجاوز نکرده بود قیام در بندهای سخت در دست عشایر و اردو از لحاظ آذوقه در تنگنا بود. چند روز اول وقت سرلشکر جهانبانی و سرتیپ همایونی صرف تهیه آذوقه برای واحدهای مختلفه شده.

اطلاعات معتبر بر این بود که عشایر خانواده‌های خود را به خاک عراق فرستاده و فقط سوار و پیاده‌های مسلح در نقاط مهم سوق الجیشی آماده دفاع سخت می باشد. هوا سرد شده بود، زمستان نزدیک بود توقف قوای دولتی هم از طریق حمله به نتیجه قطعی نمی رسید.

صلاح در این بود که از طریق تجیب و رسیدگی به تقاضاهای قبلی عشایر را به مراجع دولت امیدوار نمود. برای اینکار کمیسیونی از معتمدین محلی مامور مذاکره با عشایر و ابلاغ نظریات دولت شده این کمیسیون تحت سرپرستی پاسیار آصف وزیری و به عضویت وکیل السلطان عبدالعلی فرمانده هنگ سوار پهلوی معین و در معیت سرلشکر جهانبانی به رزاب حرکت کرد.

اقدام اول کمیسیون از لحاظ تاکتیک نظامی خارج نمودن اردو از دره‌ها و بدست آوردن ارتفاعات سروآباد و دورو بر بود. بدین ترتیب ارتفاعاتی در مقابل ارتفاعات دیگر که در دست عشایر بود بدست قوای دولتی درآمد سپس کمیسیون بهرام آباد که در جلو دربند دزلی واقع است رفته از آنجا پاسیار آصف وزیری به روسای عشایر پیغام داد که برای بیان مطالب خود

حاضر شوند کلیه خوانین و بیگ زاده‌گان: محمود خان دزلی، محمد خان کانی سابانی، محمد کانی سامانی، حسن بیگ زرایی، مظفر زرایی، محمد شریف آلمانه، عبدالله فله‌چی، محمد علی تفلی، محمد رضا بیگ دمو، محمود کرابادی و سایر خوانین و بیگ زادگان شهر اورامان و اورامان تخت در بهرام آباد حاضر شدند.

هنگامیکه کمیسیون به بهرام آباد می رفت خوانین و بیگ زادگان تا یک فرسخی به استقبال آمده شب را کمیسیون در بهرام آباد متوقف و مذاکرات آغاز شد.

سقوط پادگان رضائیه

اطلاعات درستی راجع به چگونگی سقوط پادگان رضائیه در دست نیست ولی به قرار اطلاعات واصله آقای سرهنگ زنگنه فرمانده تیپ آنجا در تبریز در توقیف دمکراتها می باشد.

تلگراف از سقز

ساحت مقدس مجلس شورای ملی، رونوشت جناب آقای نخست وزیر، رونوشت آقای محیط نماینده سقز و بانه، رونوشت اطلاعات، رونوشت مهر ایران، رونوشت کوهستان، رونوشت کیهان.

مراتب شاه پرستی و میهن پرستی ما جامعه و مردم سقز در پیشگاه دولت ازهر من الشمس و محتاج به تذکر نیست. چنانچه همیشه روساء غیور عشایر و افراد اهالی سقز در ردیف سایر سربازان در حفظ امنیت کوشش و در موارد لازم جانفشانی نموده‌ایم.

کرد و فارس و ترک کلیه ایرانی و در تحت لوای پرچم مقدس اسلام بوده و کلام الله مجید را رهبر خود می دانیم و هر نوع مخالفتی که بشود ناشی از اغراض محض بوده و منظوری جز جدائی این برادران ایرانی ندارند.

ما خواهان استقلال و سعادت ایران عزیز خود بوده و حاضریم تا آخرین مرحله حیاتی جان و مال خود را فدای میهن شاهنشاه محبوب خود بنمائیم.

پاینده باد ایران

امام جمعه، سیف الله اردلان، قاضی ماجدی، علائی، امامزاده، ملا وهاب امام زاده، حاج طاطائی، حسین وکیلی، قاضی شیخ لاسلام، اسعدی، حاج صالح فتحی، رحمت الله نصراللهی، احمد فلاحی، حاجی محمد خان وکیلی، ابریشم چی.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۴۰ دوشنبه ۱۰ دی ماه ۱۳۲۴. ۱۹۴۶
متینگ ۲۰ هزار نفری مهاباد

دیداری که در ۲ بهمن ماه سال ۱۳۲۴ از طرف بیست هزار نفر نمایندگان تمامی اقشار و طبقات مردم در کردستان شمالی در متینگ در شهر مهاباد مورد قبول واقع شد.



روز ۲ بهمن ماه سال ۱۳۲۴. ۱۹۴۶ میدان چهار چراغ مهاباد

ما نمایندگان تمام اقشار و طبقات و کردهای شمالی کردستان در متینگی که در شهر مهاباد سازمان داده شد و بیست هزار نفر در آن شرکت کردند. امروز خواسته‌های خودمان را اظهار می‌داریم و از کمیته مرکزی حزب دمکرات و انجمن خودمان می‌خواهیم و اختیار می‌دهیم:

۱. در نقاطی که در حال حاضر کردها در آنجا زندگی می‌کنند به استقلال کامل برسند.

۲. انتخابات مجلس شوراها را آغاز کنند.

۳. حکومت ملی کردستان و وزیران و وزارتخانه‌ها را تأسیس کنند.

۴. نیروی ملی و نظامی کورد را تشکیل دهند.

۵. با دولتهای همسایه رابط تجاری و اقتصادی برقرار کنند.

۶. با برادران آذربایجانی همکاری و رابط دوستانه را محکم تر کنید.

پاینده باد کردستان آزاد

زنده باد حزب دمکرات کردستان

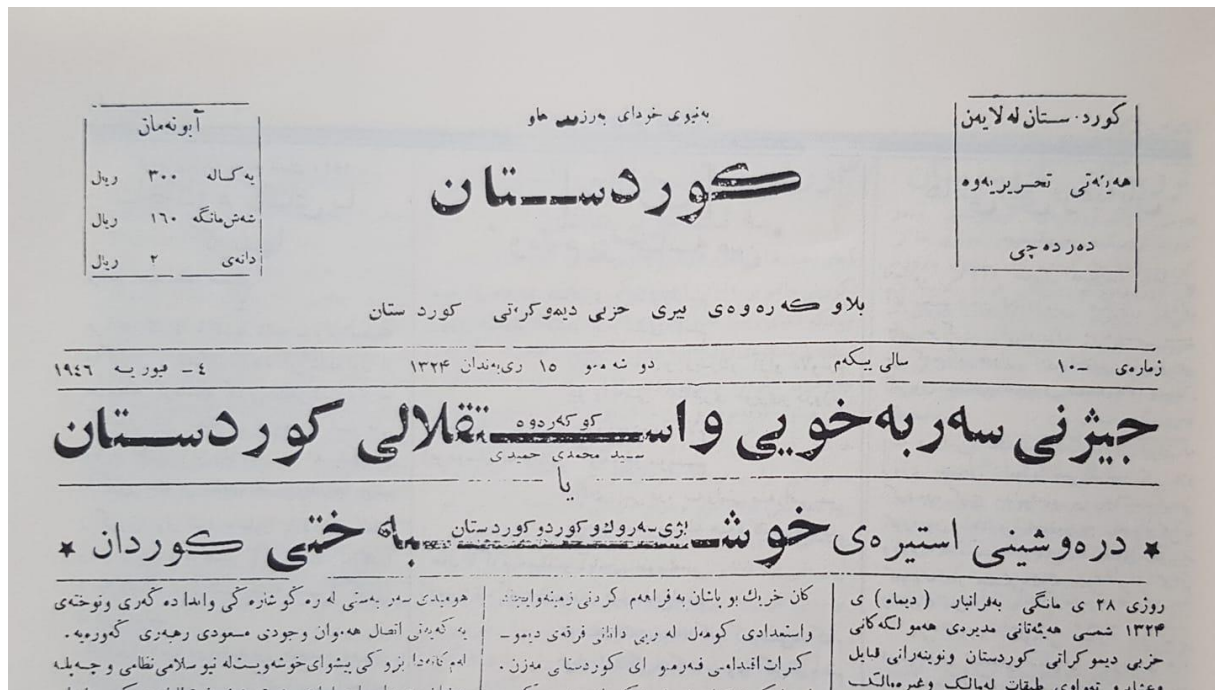
زنده باد رهبر مردم کردستان جناب قاضی محمد

منبع: روزنامه کردستان شماره ۳ دوشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۲۴. ۱۹۴۶ *

سوگند پیشوای کردستان قاضی محمد در روز ۲ بهمن میدان چهار چراغ

من به خدا، به کلام عظیم خدا، به میهن، به شرافت ملی کرد، به پرچم مقدس کردستان قسم می‌خورم که تا آخرین نفس حیاتم و ریخته شدن آخرین قطره‌ی خونم با جان و مال در راه حفظ استقلال و برافراشته نگاهداشتن پرچم کردستان تلاش کنم و نسبت به جمهوری کردستان و وحدت کرد و آذری مطیع و وفادار باشم.

جشن استقلال کردستان یا درخشیدن ستاره‌ی خوشبختی کردها



روزنامه کردستان شماره ۱۰ دوشنبه ۱۵ دی ماه ۱۳۲۴

خلاصه‌ای از سخنرانی پیشوا و رئیس جمهوری معظم کردستان

ملت رشید و غیور کرد در همه‌ی ادوار و زمانها، بر علیه همه‌ی کسانیکه سودای اشغال میهنشان را داشته‌اند مبارزه کرده و از هیچگونه فداکاری دریغ نکرده‌اند و تسلیم نشده‌اند. بعد از از بین رفتن استقلالشان نیز هزاران قربانی داده‌اند و به دلیل اینکه همواره در مبارزه و تلاش بوده‌اند دچار انواع ستمها و اذیت و آزارها قرار گرفته‌اند.

تا در شهریور ۱۳۲۰ فرشته‌ی آزادی دستگاه دیکتاتوری رضا خانی را درهم شکست و کردها از همه‌ی فشارها و آزارها رها گشتند و احساس کردند که چگونه باید از این فرصت استفاده کرد و درک کردند که راه درست دست یافتن به آزادی این ملت چیست و چه باید کرد. افراد خردمند و شرافتمندی که از دیرباز خون دل می‌خوردند و از دیدن اسارت ملت درونشان شعله‌ور بود دریافتند که زمان دست بکار شدن است و از فرصت پیش آمده باید استفاده کرد و این همان روزی است که نسل به نسل در انتظار آن

بوده‌ایم. همه با هم دست به کار شدند و حزب دمکرات کردستان را تأسیس کردند و با جدیت به مسله‌ی ملی پرداختند. با دقت و بردباری نیازهای ضروری کرد را تشخیص دادند و آنرا برآوردند.

زبان مادری را که با شیر مادر آمیخته‌ی خون و گوشتان می‌گشت و در دوره دیکتاتوری ممنوع کرده بودند و به جای آن فارسی را بر ما و کودکان ما تحمیل کرده بودند و این خود بیشتر موجب عقب ماندگی کردها میشد. آزاد ساخته و به آن رسمیت دادیم.

مدارس پسرانه و دخترانه‌ی متعددی بر اساس سبک متداول در جهان تأسیس کردیم و مدارس شبانه را دایر کردیم و کتابها به کردی ترجمه شدند و صدها مرد و زن و دختر و پسر کرد در مدارس روزانه و شبانه درس میخوانند و به جای آنکه شش تا هفت سال به یاد گرفتن زبان فارسی مشغول گردند، در عرض یکی دو ماه خواندن و نوشتن را یاد میگیرند و همه چیز را می‌خوانند و می‌نویسند.

برای شناساندن لیاقت ملی و احیای حیات ادبی و فرهنگ کرد و برای رساندن فریاد عدالتخواهانه خود به جهان بشریت و عدالت، به چاپخانه نیاز داشتیم. چاپخانه بسیار مدرن تأسیس شد و دست بکار شد و در شهر خویش به زبان خود مجلات و روزنامه‌هایی منتشر کردیم که فکر و خواست ما را در جهان انتشار دهد.

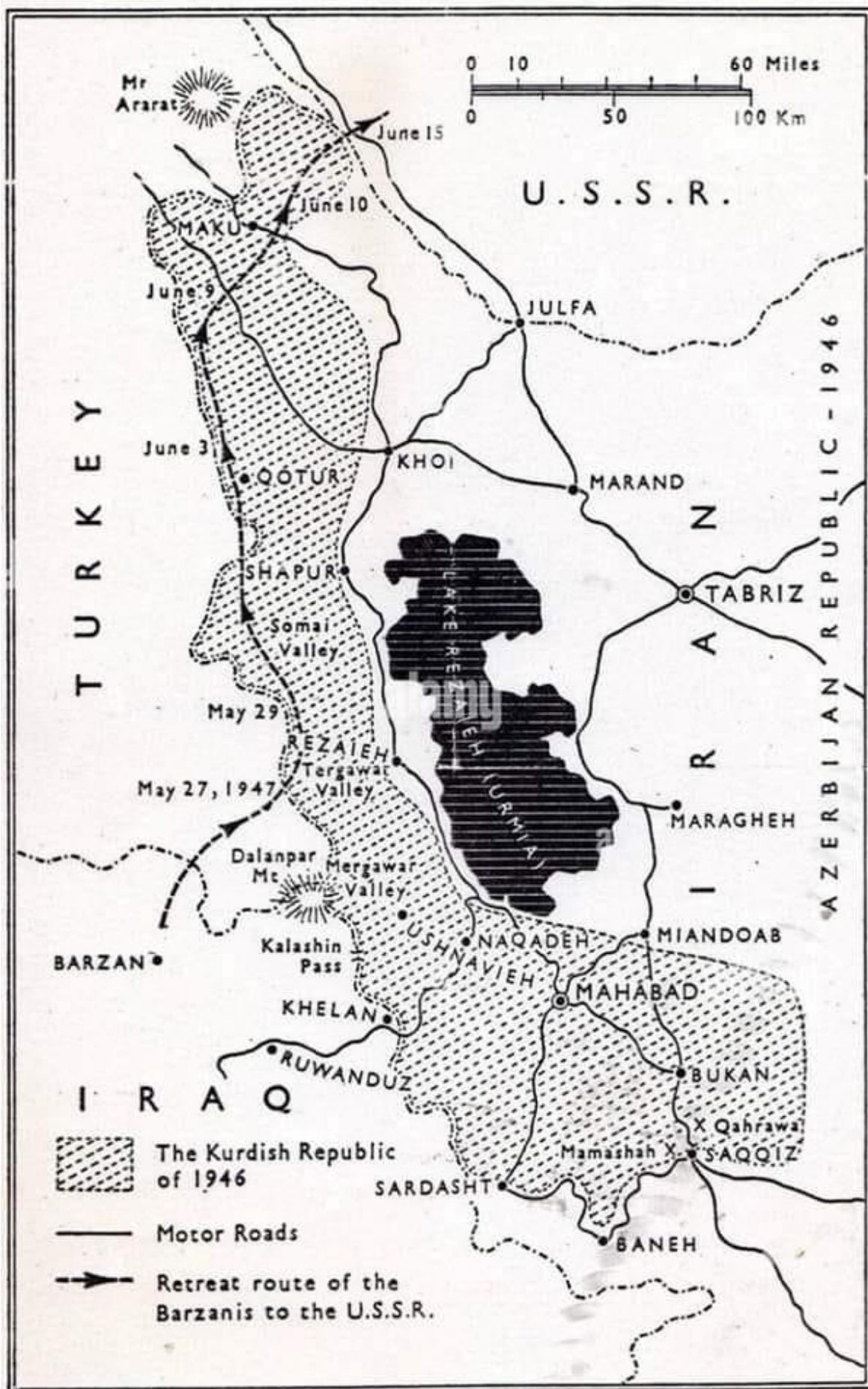
در زمان دیکتاتوری که همه‌ی انواع مالیاتها را از ما می‌گرفتند، نه به بهداشت و تندرستی و نه به معالجه و دکتر و درمان و بیمارستان برای ما اهمیت می‌دادند. ما بزودی بیمارستان مجهزی دایر میکنیم و برای تندرستی کشور برنامه‌ریزی کرده‌ایم. نیروی ملی تشکیل داده‌ایم که با شجاعت تمام حاضر به دفاع از میهن است.

منبع: روزنامه کردستان شماره ۱۰، ۱۱ - ۱۵ و ۱۷ دیماه ۱۳۲۴ - ۱۹۴۶.

*

عکس (صفحه‌ی بعدی ۹۱)

نقشه قلمرو حکومت ملی کردستان در سال ۱۳۲۴ . ۱۹۴۶ از جانب
"توما بوا" نویسنده و کردشناس فرانسوی ، که در ۳۲ صفحه در روزنامه
"روز هه‌لات" در پاریس چاپ و پخش شده است.
عکس از صفحه فیسبوک جمال نجاری گرفته شده است.



ایران در هفته گذشته

موضوع محاکمه سرتیپ درخشانی فرمانده پادگان تبریز است که به دموکراتها تسلیم شد. با توجه به اصول و مقررات ارتش با محاکمه ایشان عده‌ای موافقت هستند و جمعی با استناد به گفته‌های آقای وزیر جنگ در مجلس بعنوان جلوگیری از برادرکشی با آن مخالفند.

دیگر از اخبار کشور تهیه مقدمات تشکیل دو لشکر از طرف وزارت جنگ است که قانون مربوط آن از تصویب مجلس گذشت و به صحنه همایونی موشح گردیده.

دیگر از اوضاع هفته گذشته که مورد توجه است موضوع استعفای دولت است که مورد بحث است و به قرار آخرین اطلاع آقای قوام السلطنه تاکنون ۵۱ رأی موافق دارند و شانس ایشان برای نخست وزیری از همه بیشتر است.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۴۲ دوشنبه ۲۴ دیماه ۱۳۲۴ - ۱۹۴۶

نخست وزیری قوام السلطنه

در جریان روز شنبه چیزیکه جلب توجه می شود " ۱ " رأی آقای موتمن الملک بود. زیرا به کرات شنیده شده که ایشان حاضر به قبول هیچ پست و هیچ مسئولیتی نیستند بنابراین به نظر محافل مطلع نام ایشان را به میان آوردن فقط به منظور ایجاد عدم موفقیت آقای قوام السلطنه بوده به هرحال آقای قوام السلطنه با دو رأی علاوه اکثریت را برده و فرمان نخست وزیری ایشان از طرف اعلیحضرت شاه نیز صادر گردید.

از ۱۰۵ وکلای حاضر در مجلس ۵۳ نفر به آقای قوام السلطنه، ۵۱ نفر به آقای موتمن الملک و یک نفر به آقای حکیمی رأی دادند.

از مسائل مهم هفته گذشته موضوع طرح مسئله ایران در سازمان ملل متفق است. به قرار آخرین خبر، پس از مذاکرات پر جوش و خروش قرار

است امروز این موضوع مطرح شود و جهانیان به انتظار آخرین تصمیم در این باره می باشند.

موقعی که این موضوع مورد بحث جراید داخلی و خارجی بود سفارت کبرای امریکا در تهران اعلامیه‌ای در جراید پایتخت منتشر نمود و نوشت: بعضی جراید اخیرا اینطور وانمود کرده‌اند که دولت امریکا با هرگونه اقدامی از طرف دولت ایران برای اینکه شکایت خود را به سازمان ملل متفق عرضه بدارد مخالف بوده است این مطلب به هیچ وجه صحت ندارد.

ارجاع قضیه آذربایجان به شورای امنیت

قضیه آذربایجان که یک مسئله داخلی و ملی بود به شورای امنیت واگذار و ارجاع گردید و امروز در شورا جزو مسائل جاری مطرح خواهد گردید. تقاضای ایران و دادخواست دولت شوروی و اوکراین که از یک طرف اختلاف بین دو دولت همسایه و از طرف دیگر اختلاف بین دو کشور بزرگ است وضع دشواری برای شورا پیش آورده همه معتقدند که بهتر است این قبیل مسائل در خارج از شورا بین دول ذینفع حل و شورا در مقابل تصمیم مشترک سه کشور قرار گیرد و طبق آخرین اخبار ویشینکی جدا خواستار مذاکرات دوجانبه بین شوروی و ایران است و نامه در این مورد به شورا نوشته است.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۴۴ دوشنبه ۸ بهمن ۱۳۲۴

اقدامات نخست وزیر

پس از صدور فرمان نخست وزیری آقای قوام السلطنه اقدامات اساسی خود را برای برقراری مذاکرات مستقیم با دولت شوروی آغاز نمودند و با در نظر گرفتن نتیجه مذاکرات روز چهارشنبه شورای امنیت بزودی مذاکرات در مسکو و تهران آغاز خواهد گردید.

آقای قوام السلطنه هنوز راجع به کابینه خود تصمیمی اتخاذ ننموده و نام کلیه اشخاصی را که برای شرکت در کابینه ایشان برده می شود نمی توان مبنی براساس دوستی دانست.

تلگرافات آقای قوام السلطنه به ژنرال یسم استالین و مسترایی و مستر بونس و جوابهای رسیده رضایتبخش و موجب امیدواری محافل مطلع است. دولت در نظر دارد یک هیئت نمایندگی عالی تعیین و به مسکو اعزام دارد. تحویل قسمتی از راه آهن که در دست مأمورین شوروی بود در این هفته انجام شد.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۴۵ دوشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۲۴

نمایندگان مجلس

بیش از دو هفته بود جلسات علنی مجلس تشکیل نمی شد و نمایندگان باج بگیر در کمین دولت بودند که برای معرفی به مجلس آیند تا در پشت تریبون مو شکافی ها آغاز گردد، اشکال تراشی ها شروع شود و با نطق های طولانی و خسته کننده و بی سرو ته خود کام دل بگیرند، تا شاید از این راه در مقابل موفقیت های نخست وزیر کارشکنی کرده و دولت را از کار اساسی خود باز دارند و بنمایانند که از دولت قوام هم کاری ساخته نیست.

خودداری نخست وزیر از معرفی وزرای خود آتش بی تابی و کلا را شعله ور ساخته آمدند و نشستند برخواستند و جلسه کثیف روز پنجشنبه را از خود به یادگار گذاشتند و برای بار دیگر به مردم ثابت کردند که خطرناکترین وسایل خانمان برانداز ایران همانا وجود آنان است. جلسه علنی روز پنجشنبه افتضاح و کلا را علنی تر نمود و آتش بغض و کینه ملت را نسبت به آنان افروخته تر کرد.

خود شیرینی های سید محمد طباطبائی ، گفت و شنوهای وکلای توده، خروج و دخول وکلای دست راست، و تعارفات نیم رسمی آنان، واقعا دیگر

حیثی برای مجلس نگذاشته، کار را به جایی کشانید که نایب رئیس مجلس نتوانست نظم جلسه را حفظ کنند ناچار از جای برخاست و جلسه تعطیل گردید.

از شمال

از آذربایجان خبر می رسد که به تجهیز قوا مشغول شده اند و از اخبار واصله از زنجان و منتشر شده در جراید چنین بر می آید که اوضاع دموکراتها وخیم است و برای دفاع در مقابل ذوالفقاری ها مشغول جمع آوری قوا می باشند اعلامیه هائی از طرفین صادر شده اعلامیه دموکراتها، ذولفقاری ها را دزد و بی وطن خوانده و اعلامیه ذولفقاری پس از ذکر خدمات خانوادگی ذوالفقاری ها، دموکراتها را تشویق به تسلیم نموده و جوایز و مقرری برای تسلیم شدگان با اسلحه معین ساخته است.

در دو سه روز اخیر قریب یکصد و پنجاه نفر از مأمورین شهربانی آذربایجان به تهران وارد شده اند.

آقای مظفر فیروز مدیر روزنامه رعد امروز از طرف آقای نخست وزیر به سمت معاونت سیاسی نخست وزیری و مدیریت کل تبلیغات انتخاب شده اند.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۴۶ دوشنبه ۲۲ بهمن ۱۳۲۴

معرفی دولت به مجلس

دیروز آقای نخست وزیر کابینه خود را به مجلس معرفی نمود و ضمن نطق خود اظهار داشت:

" بطوریکه خاطر نمایندگان محترم مستحضر است رسم بر این بود که پس از تشکیل دولت برنامه تهیه و به مجلس شورای ملی تقدیم شود. از بدو مشروطیت تا حال که شاید در حدود ۵۰ دولت تشکیل شده متأسفانه کمتر دیده شده که برنامه های تقدیمی عملی شده باشد و حال آنکه ملت

ایران از تکرار الفاظ و عبارات به تنگ آمده و تشنه عمل و کار است. به جای آنکه بگوئیم در آتیه چه خواهیم کرد بهتر است در اسرع وقت نشان دهیم چه نموده و چه خدماتی به انجام رسانیده‌ایم."

هیئت اعزامی به مسکو

برای مذاکره در امور سیاسی و بازرگانی با مقامات شوروی هیئتی به ریاست آقای نخست وزیر عزیمت می نمایند.

رئیس ستاد ارتش

تیمسار سرلشکر آن اولی به جای سرلشکر حسن ارفع به ریاست ستاد ارتش منصوب و از روز یکشنبه شروع بکار نموده‌اند.

تلگراف اهالی کردستان

حضرت اشرف آقای قوام السلطنه نخست وزیر، رونوشت نامه کوهستان قبول مسئولیت زمامداری از طرف آن جناب در این موقع خطیر و بحرانی و اقدام در حفظ عظمت و امنیت کشور و بسط آزادی موجب سپاسگزاری و امیدواری قاطبه اهالی کشور خصوصا مهین دوستان کردستان گردیده است.

توفیق آن حضرت را در انجام آمال ملی و اصلاح کشور خواستاریم عطف توجه مخصوص آن جناب نسبت به جبران خرابیهای کردستان مورد استدعا است.

امضاء ۱۱۵ نفر از اهالی کردستان

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۴۷ دوشنبه ۲۹ بهمن ماه ۱۳۲۴ .
۱۹۴۶

نخست وزیر و هیئت اعزامی در مسکو

روز دوشنبه صبح هیئت اعزامی ایران به مسکو تحت ریاست آقای نخست وزیر از تهران حرکت و ساعت هشت و نیم صبح به بادکوبه رسیدند، چون هوا مساعد نبود حرکت آنها به روز بعد موکول گردید.

روز سه‌شنبه ساعت ۱۴ و ۳۰ دقیقه هواپیمای حامل هیئت اعزامی در فرودگاه مسکو فرود آمد. مولوتف کمیسر امور خارجه، کانوزوف معاون کمیسر امور خارجه و معاون کمیساریای بازرگانی خارجی و ژنرال سیمونوف نماینده ارتش سرخ و رجال دیگر شوروی در فرودگاه حضور داشتند.

فرودگاه با پرچمهای ایران و شوروی زینب یافته بود. خانم آهی همراه اعتصامی رایزن سفارت شاهنشاهی ایران و سایر کارمندان وزارت خارجه برای استقبال به فرودگاه آمده بودند.

نمایندگان سیاسی با لباس تمام رسمی حضور داشتند. در میان گروه بیشماری که در فرودگاه حضور داشتند. سفرای کبار و وزرای مختار دولتهای ترکیه و افغانستان و لهستان و یوگوسلاوی و فنلاند و بلغارستان و حبشه و هلند و بلژیک و مکزیک و لوگزامبورک و سوئد و کارداران سفارتخانههای انگلیس و امریکا و زلاند جدید و کانادا و رایزنان سفارتخانههای فرانسه و چکواسلواک و غیره مشاهده میشد.

مراسم احترام از طرف گارد شوروی بعمل آمد و موزیک سرود ملی ایران و شوروی را نواخت. نخست وزیر نطق مختصری در برابر میکروفون ایراد نموده گفت:

" اینجانب بسیار خرسندم که به عنوان یک نفر دوست صمیمی به پایتخت کشور بزرگ دوست قدم می گذارم. هیئت نمایندگی ایران منتهای کوشش را در راه تقویت و تحکیم ریشه‌های مودت که از دیر زمانی بین ایران و همسایه بزرگ شمالی وجود داشته بکار خواهند برد.

روز پنجشنبه آقای نخست وزیر در قصر کرملین از ژنرال‌یسم استالین ملاقات نمودند در این ملاقات آقای مولوتف کمیسر خارجه اتحاد جماهیر شوروی حضور داشت. مذاکرات و ملاقاتهای آقای نخست وزیر در مسکو در محیط صمیمانه‌ای جریان دارد. آقای قوام السلطنه در اثر ملاقات با ژنرال‌یسم استالین عده‌ای از کارمندان عالیرتبه دولت شوروی را ملاقات و مذاکرات لازمه بعمل آورده‌اند.

تخلیه ایران از نیروهای انگلیس

ماژور ژنرال ساوری فرمانده نیروهای انگلیسی در ایران و عراق که به تهران آمده بود به نمایندگان مطبوعات اظهار داشته که ۲ مارس نزدیک است و در روز ۱۱ اسفند آخرین نیروی انگلیسی خاک ایران را ترک خواهد کرد.

سفیر کبیر جدید شوروی

دولت شوروی در نظر دارد آقای سادچیکف سفیر کبیر خود در یوگسلاوی را به سمت سفیر کبیر آن دولت در ایران تعیین و اعزام دارد.

نامه هفتگی کوهستان شماره ۴۸ دوشنبه ۶ اسفند ۱۳۲۴

توجه آقای نخست وزیر جناب آقای قوام السلطنه

اگر نطق مستر "پوین" را بخاطر بیاوریم که گفته: چون کردستان منطقه نفت خیزی است لذا سه دولت شوروی، انگلستان و امریکا بدان علاقمند هستند. متوجه خواهیم شد که هنوز موضوع کردستان آفتابی نشده و عبارت از همان خودمختاری مه‌آباد که اعلام شده نمی‌باشد. اگر دولت هم موضوع کردستان را ساده تلقی کند دیر یا زود به اشتباه خود واقف خواهد گردید.

یکسال و چندی قبل موضوع کردستان بسیار ساده بود و دولتهای وقت می‌توانستند با اقدامات اصلاحی به تقاضاهای مردم مه‌آباد ترتیب اثر بدهند ولی افسوس آنقدر فریاد شنیده نشد که ناچار خودشان در صدد

اجرای تقاضاهای خود برآمدند و تقویت هم شدند. اکنون کار به اینجا رسیده که دیگر نفوذی برای دولت در ناحیه شمالی کردستان باقی نمانده است.

ورود ملا مصطفی بارزانی و اتباعش با اسلحه و مهمات کافی و آمدن محمد رشیدخان به نزدیکی سقز بیشتر منطقه مهاباد را تقویت کرده و اگر روزی سقز و بانه هم مورد هجوم آنها قرار گیرد شک نیست که مقاومت قشون دولتی مشکل خواهد بود و آنچه را که رادیو لندن فعلا بنام خبر دایر بر تهدید سنندج به گوش ما می رساند حتمی الوقوع خواهد بود.

امروز مردم کردستان در تمام نواحی که دولت اقتدار دارد ناراضی هستند. درست است که تمام مملکت از نتیجه عمل دولتهای گذشته دچار عدم رضایت شده است ولی این نارضایتی در کردستان و بخصوص در نواحی مجاور منطقه و شهرستان مهاباد اثرات فکری غربی تولید می نماید و این اثرات فکری را با برقراری حکومت نظامی و تقویت نیروهای دولتی و ممانعت مردم و حبس و تهدید، محو نمیتوان نمود بالعکس تقویت میگردد.

امروز در پستخانه‌های کردستان سانسور برقرار است تصدیق داریم که از لحاظ وضعیت فعلی رویه دولت احتیاطی دولت برقراری سانسور است ولی آیا چه کاغذهائی را می گیرند، کاغذهائی که شکایت از فلان مأمور منتفذ شده، فلان کاغذ را به مقصد نمی رسانند که ممکن است حقایق را از خرابکاریهای مأمورین اطلاع داده باشد.

هنوز در بعضی نواحی کردستان مردم را مجبور می کنند که بر خلاف دیده اظهار قدردانی از فلان مأمور کثیف کنند، تا در سایه آن رضایت نامه خوبتر مردم را بچاپند.

از این اوضاع اولیای مرکزی خوب اطلاع ندارند. اگر مأمور عالیرتبه‌ای هم برای بازرسی برود مردم امیدواری و اطمینان ندارند که به او مراجعه کرده

و شکایت خود را بگویند. زیرا تاکنون نتیجه مثبتی از کار این مأمورین عاید مردم نگردیده است.

در تهران خبری نیست.

مردم همه این روزها حالت انتظار نسبت به جریانات اخیر پیدا کرده‌اند. آقای والاس مری و آقای سادچیکف با آقای نخست وزیر روز چهارشنبه پیش ملاقات و تا مدتی راجع به مسائل جاریه مشغول مذاکره بودند. شاهی و بابل و گرگان نیز تخلیه گردید. یک شورای اقتصادی برای مشاوره و اتخاذ تصمیم در باره امور اقتصادی تحت ریاست آقای نخست وزیر تشکیل گردیده است. دو نفر از نمایندگان پارلمان انگلستان برای دیدن وقایع اخیر آذربایجان به تهران وارد شدند و سید ضیاء به دستور جناب آقای نخست وزیر دستگیر گردید.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۴۹ دوشنبه ۱۲ فروردین ۱۳۲۵. ۱۹۴۶

اعلامیه در باره مذاکرات شوروی و ایران

مذاکراتی که از طرف نخست وزیر ایران در مسکو با اولیای دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی آغاز و در تهران پس از ورود سفیر کبیر شوروی ادامه یافت در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۲۵ مطابق با ۴ آوریل ۱۹۴۶ به نتیجه ذیل رسید و در کلیه مسائل موافقت کامل حاصل گردید.

۱. قسمتهای ارتش سرخ از تاریخ ۲۴ مارس ۱۹۴۶ یعنی شنبه ۴ فروردین ۱۳۲۵ در ظرف یک ماه و نیم تمام خاک ایران را تخلیه می نمایند.

۲. قرارداد ایجاد شرکت مختلط نفت ایران و شوروی و شرایط آن از تاریخ ۲۴ مارس تا اقتضای مدت هفت ماه برای تصویب به مجلس پانزدهم پیشنهاد خواهد شد.

۳. راجع به آذربایجان چون امر داخلی است ترتیب مسالمت آمیزی برای اجرای اصلاحات بر طبق قوانین موجوده و با روح خیرخواهی نسبت به اهالی آذربایجان بین دولت و اهالی آذربایجان داده خواهد شد.

نخست وزیر دولت شاهنشاهی ایران - احمد قوام

سفیر کبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی مقیم تهران - ساد چیکف



قوام السلطنه و سادچیکف هنگام امضاء قرارداد

عکس: از کتاب "میرزا احمد خان قوام السلطنه" تحقیق و نگارش: دکتر باقر عاقلی، انتشارات جاویدان چاپ دوم سال ۱۳۷۷

غرب دقایق دشواری را می گذراند

در اطراف تصادفهای که بین اکراد و قوای دولتی اخیرا روی داده تعداد مبالغه آمیزی از کشته و تلفات نقل گردیده و معاون نخست وزیر در مصاحبه خود با خبرنگاران جراید خارجی راجع به کردستان اینطور اظهار نظر نمود: اخبار کردستان فوق العاده اغراق آمیز است. دولت بر اوضاع این ناحیه کاملا مسلط است. ولی اظهارات معاون نخست وزیر مانع از این نیست که بگوئیم " غرب دقایق دشواری را می گذارند ".

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۵۰ دوشنبه ۱۹ فروردین ۱۳۲۵-۱۹۴۶

اخبار داخلی

جناب ملا مصطفی فرمانده کرد فرزند بارزان روز ۱۳۲۴/۱۲/۲۴ ساعت ۵ بعدازظهر وارد مهاباد شد. زمانیکه به باغهای کنار شهر رسید، اعضای کمیته مرکزی به استقبال ایشان رفتند. وقتی جناب ملا مصطفی از رودخانه می گذشتند به احترام اعضای کمیته مرکزی پیاده شدند و در این زمان اعضای کمیته مرکزی به شتاب خود افزودند و در کنار رودخانه به هم رسیدند.

برادر گرامی صدیق حیدری مراسم خیرمقدم گفتن را به جای آورد و همه اعضای کمیته مرکزی را به ملا مصطفی معرفی کرد و او نیز به آنان دست داده و در نهایت مسرت به سوی دفتر حزب آمدند و در سالن انجمن فرهنگی مستقر شدند. در ساعت ۶ بعدازظهر حضرت پیشوای کردستان به مرکز حزب تشریف آوردند و با ایشان ملاقات کردند. در این هنگام محمد افندی خطاب به حضرت پیشوا سخنانی که منعکس کننده احساسات قلبی ملا مصطفی بود، در مورد فداکاریهای کردهای بارزان و دربردی این قوم نجیب در راه استقلال کردستان ایراد کردند.

جناب پیشوا در جواب به آنان سخنانی ایراد فرمودند و آنان را بی اندازه به حکومت جمهوری کردستان و حزب دمکرات کردستان امیدوار کردند. سپس حضرت پیشوا به سالن ویژه‌ی خود رفتند و ملا مصطفی به حضور وی شرفیاب شدند و به مدت دو ساعت با هم گفتگو کردند. ملا مصطفی سیاستمدار و رهبر کردهای بارزان است که در راه استقلال کردستان بسیار رنج کشیده، دشمنان کردستان همه‌ی ایل و عشیره‌ی او را به جرم آزادیخواهی دربردار کرده‌اند و از وطن عزیزشان بیرون رانده‌اند. این شخصیت علاوه بر اینکه فرماندهای بزرگ است، انسانی دانا و فهمیده و متمدن و میهن پرست است و سنش ۴۵ سال است.

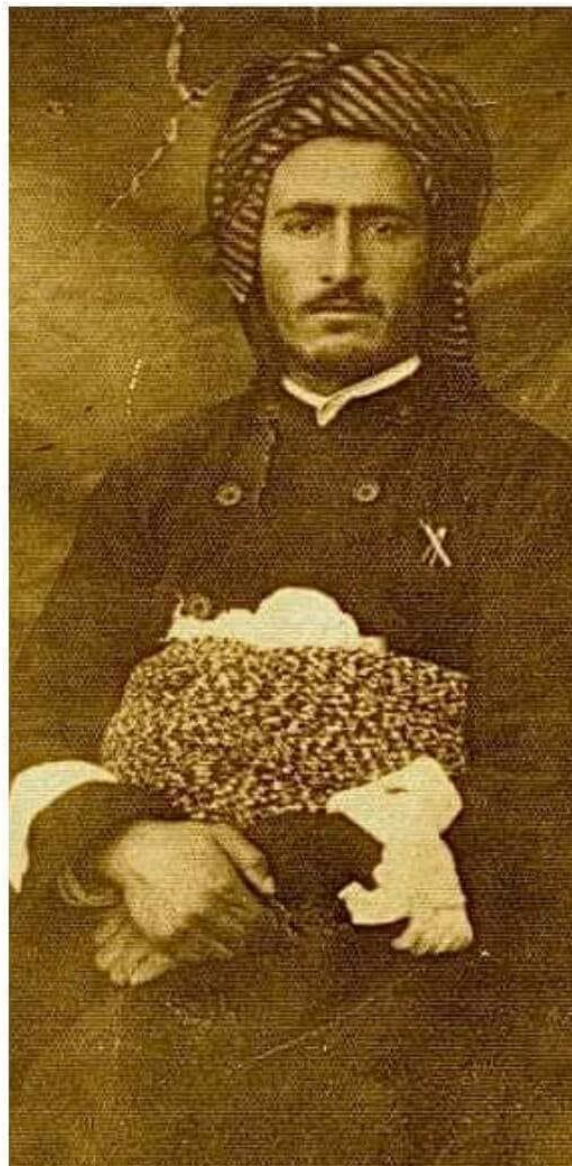
منبع: روزنامه کردستان ژماره ۲۱ شنبه ۱۱ اسفند ۱۳۲۴ - ۱۹۴۶ *

کنفرانس بانوان در انجمن فرهنگی کرد و شوروی

روز جمعه ۱۳۲۴/۱۲/۱۷ از طرف همسر پیشوای کردستان کنفرانسی به مناسبت علنی شدن حزب زنان کردستان از طرف انجمن فرهنگی کرد و شوروی برپا شد. در این کنفرانس شمار زیادی از بانوان و اعضای کمیته مرکزی و آموزگاران و شاگردان مدارس دخترانه و مسئولین حزب دمکرات و ادارات حکومتی و تجار و کسبه که قبلاً دعوت شده بودند برپا شد.

قبل از هرچیز پیشوای کردستان از اهمیت خواندن زنان و دختران و پیشرفت اتحادیه زنان شوروی و اهمیت آشنائی با آنها سخنانی ایراد فرمودند. کنفرانس که از ساعت ۲ بعدازظهر شروع شده بود در ساعت ۵ بعدازظهر به پایان رسید.

منبع: روزنامه کردستان شماره ۲۴ چهارشنبه ۲۲ اسفند ۱۳۲۴ - ۱۹۴۶ **



پیشوا قاضی محمد. مینا خانم (همسر پیشوا)

تشکیل حزب دمکرات زنان از سوی زنان کردستان

روز جمعه ۱۳۲۴/۱۲/۲۴ از سوی همسر پیشوای کردستان عده زیادی از بانوان کردستان دعوت شدند که ساعت ۳ بعد از ظهر در انجمن فرهنگی جلسه بگیرند و به ریاست همسر پیشوا قاضی محمد خانم مینا قاضی حزب دمکرات زنان تأسیس شد و عده زیادی از بانوان در آن نام نویسی کردند و حق عضویت ماهانه از یک تا ده تومان را تقبل کردند.

منبع: روزنامه کردستان شماره ۲۵ یکشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۲۴. ۱۹۴۶. **

اخبار خارجی

رادیو بیروت: از خبرهایی که به دستمان رسیده و از قاهره گرفته شده است. دولت جمهوری کردستان در آذربایجان تشکیل شده است.

رئیس جمهور کردستان جناب قاضی محمد و پایتخت کردستان آزاد شهر مهاباد تقاضا دارند که کردستان عراق و ترکیه ضمیمه جمهوری کردستان شود و مرام و آروزی آنها استقلال کردستان بزرگ است.

ملا مصطفی بارزانی فرمانده جنگهای بارزان هم اکنون در دولت جمهوری کردستان هستند و از قدر و احترام فراوانی برخوردار میباشند.

رادیو بیروت: خبری که از مکتب سیاسی واشنگتون به ما رسیده، می گویند که مسئله ایران در موقعیت دشواری قرار گرفته است. حتی کردها هم اکنون درخواست استقلال خودشان را کرده اند و به احتمال زیاد این حرکات باعث اتحاد همه کردها و رسیدن به استقلال کردستان بزرگ شود.

منبع: روزنامه کردستان شماره ۲۷ دوشنبه ۵ فروردین ۱۳۲۴ - ۱۹۴۶

خبر

روز ۱۳۲۵/۱/۱۹ حاجی محمد رشید خان فرمانده بزرگ کردستان که ۲۵ سال در راه آزادی کردستان مبارزه کرده و در این راه مینت و زحمت زیادی کشیده اند وارد مهاباد شدند و از طرف جمعی از اعضای کمیته مرکزی حزب دمکرات با احترام و سلام نظامی در قرارگاه حزب مورد استقبال قرار گرفتند، خیر مقدم عرض کرده و موفقیت وی را از خداوند متعال خواستاریم.

منبع: روزنامه کردستان شماره ۳۴ سه شنبه ۱۷ فروردین ۱۳۲۵ - ۱۹۴۶ **



از راست: شهید احمد فاروقی، شهید ژنرال محمد حسین خان سیف قاضی، مجید خان (فرزند محمد رشید بانه)، ژنرال محمد رشید قادرزاده، مجید بیگ گلی، محمدامین خان شیوه گويزان، محمد صالح بگ، محمدامین بگ ناهید.

عکس: از صفحه فیسبوک دوست ارجمند موحیب مهابادی

موضوع کردستان کم مطرح می شود

روزنامه داریا در سر مقاله روز شنبه ۱۴ فروردین ۱۳۲۵ می نویسد:

اکنون مسئله کردستان در سیاست ایران عرض وجود می کند. پس از آنکه در آذربایجان حکومت دمکرات برقرار شد کردها نیز برای نهضت خودمختاری فعالیت خود را شروع کردند.

این نهضت بستگی تام با جریان آذربایجان داشت و چون به آنها تکلیف شده بود که تابع حکومت تبریز شوند آنها ترجیح دادند که اگر نباید از تهران تمکین کنند خودمختاری خویش را اعلام نمایند.

سپس راجع به عدم رضایت اکراد و موضوع زبان می نویسد:

اجرا نشدن قانون اساسی تا امروز موجب گلایه مردم ایران در تمام نقاط گردیده و بنابراین دولت ناچار از اجرای قانون اساسی خواهد بود. دعاوی دیگر کردها دایر به تدریس زبان چیزیت که باید مجلس موسسان حل کند. این دعاوی حتی نمی تواند شبیه دعاوی ترک زبانان آذربایجان باشد، زیرا "کردی" یکی از لهجه‌های خاص فارسی است در صورتی که "ترکی" با زبان فارسی متداول ما فرق بسیار زیاد دارد.

یک حرف از دو دهان

چندی قبل در مصاحبه‌ای که نمایندگان مطبوعات با "سراج اوغلو" نخست وزیر ترکیه نموده بود راجع به موضوع کردستان گفته بود:

"شورش اخیر کردها جنبه مذهبی دارد نه جنبه استقلال سیاسی".

نخست وزیر عراق "نوری سعید" نیز در قاهره اظهارات مشابهی در مصاحبه با نمایندگان مطبوعات مصر نموده و گفته بود:

"جنبش ملا مصطفی بارزانی یک جنبش و قیام شخصی و ناشی از معتقدات مذهبی است" "مذهب بارزانی" یک مذهب نزدیک به طریقه

اسمعیلیه است و مورد مخالفت کردهاست و کوشش بعمل می آید که این جنبش را به رنگ ملی درآورند.

رادیو آذربایجان آن شب چه می گفت:

مسئله آذربایجان که میبایستی از راه مسالمت و برادری بین خودمان فیصله یابد هنوز به جائی نرسیده و معلوم نیست آیا دولت فعلی درخواستهای ملت آزاد آذربایجان را چطور پاسخ میدهد.

پیشه‌وری آن شب می گفت: ما تا نفس آخر نبرد می کنیم. هزارها ارتش فدائی و منظم دموکرات هر روز در میدان (ملی) تبریز صفوف خود را مستحکم و پا برجاتر می کنند.

بهرصورت مشکلات داخلی سدهای عظیمی است که در برابر راه حکومت فعلی گسترده شده است و پس از قضیه آذربایجان سرفصل مشکلات اخیر را می توان در صفحات غرب جستجو کرد.

سیل اسلحه به اکراد عراق میرسد

از روزنامه الجهاد شماره ۵۱ چاپ بغداد

قاهره: نمایندگان اتحادیه مطبوعات در بغداد می گویند: مسافرتی که از مناطق کردستان عراق وارد این شهر شده‌اند می گویند: " طوایف اکراد تعداد زیادی تفنگ و ذخیره جنگی دریافت میدارند ". دولت عراق کاملاً اوضاع را درک نموده و خود را برای مواجه شدن با قیام اجتماعی کردها که از ایران شروع و به عراق و ترکیه سرایت می نماید آماده کرده است.

اسمعیل نامق رئیس ستاد ارتش عراق اظهار داشت: با کمال دقت اوضاع را زیر نظر دارد. اما ملا مصطفی بارزانی که در سال ۱۹۴۵ قیام اکراد عراق را اداره میکرد حال به منطقه تحت اشغال روسها در ایران متواری شده و گزارشهایی که تا به حال از عراق رسیده حاکی از قیام نزدیک و حتمی الوقوع اکراد عراق می باشد.

اما دولت عراق تمام احتیاط های لازمه را در سرتاسر کردستان عراق و مخصوصا در مجاورت سرحدات ایران به عمل آورده و اوضاع آنجا را تحت مراقبت شدید قرار داده است.

نماینده اتحاد مطبوعات می گوید: دولت عراق تقاضای استرداد ملا مصطفی بارزانی را از ایران نموده، ولی دولت ایران در پاسخ اظهار داشته که مشارالیه در منطقه اشغالی روسها بوده و دسترسی به او ندارند. اما روسها آنها را تکذیب کرده می گویند ملا مصطفی در ایران است اما نه در منطقه شورویها.

ملا مصطفی بارزانی در حینی که از عراق متواری شده بود به یاران خود اظهار داشته بود " بزودی به وطن خود مراجعت خواهم کرد ".

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۵۱ دوشنبه ۲۱ فروردین ۱۳۲۵. ۱۹۴۶
مشکل آذربایجان چگونه حل می شود؟

در اعلامیه دولت اختیار چند اداره محلی به خود اهالی واگذار شده و ضمنا زبان آذربایجانی و پارسی را زبان ملی و همنیطور فعالیت سازمانهای دموکراتیک در حدود قانون اساسی مجاز شناخته شده است.

در هرحال پس از صدور این اعلامیه فوراً آقای فتحعلی ایبکچیان نماینده سابق مجلس (۱۴) برای مذاکره با آقای پیشه‌وری به تبریز رفتند. روز گذشته نیز آقای پیشه‌وری به نمایندگی مردم آذربایجان به تهران وارد شدند. بهر صورت حل مسالمت قضیه آذربایجان که شامل قسمتی از تقاضاهای اهالی کردستان نیز می باشد مورد تقاضای ما است.

در این هفته سفیر کبیر جدید دولت بریتانیا با تشریفات لازم استوارنامه خود را در کاخ گلستان به حضور اعلیحضرت تقدیم و مراسم معمولی اجرا گردید.

ارتش سرخ اغلب نقاط را تخلیه کامل کرده‌اند و کمیسیونی برای اجراء قانون انتخابات دوره پانزدهم تشکیل شد و مشغول بررسی کامل برای اجراء منظور صحیح فوق هستند. انتخابات دوره پانزدهم نزدیک می شود و تهران منتظر شنیدن اخبار خوش در زمینه حل اختلافات موجود از منابع رسمی است.

باز هم شورای امنیت

شورای امنیت پس از یک سلسله مذاکرات مفصل بالاخره تصمیم گرفت که مسئله ایران تا ششم ماه مه در دستور شورا باقی بماند. پس از اخذ این تصمیم "گرومیکو" نماینده شوروی به حالت اعتراض از جلسه خارج و اظهار کرد: که در مذاکرات آینده راجع به ایران شرکت نخواهد نمود و گفت: هرگونه کوشش به منظور اینکه ایران بصورت پول رائج و وسیله مبادله درآید با شکست قطعی مواجه خواهد شد.

اعلامیه دولت راجع به آذربایجان

از بدو تشکیل دولت فعلی که امور آذربایجان محل اعتنا و توجه مخصوص قرار گرفت و اصلاحات آن سامان جلب نظر نمود پس از غور و مطالعه در منویات آن هموطنان گرامی هیئت وزیران تصمیم گرفت تا حدی که قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه به قوه مجریه اجازه میدهد آمال ساکنین آن استان برآورده شده و با آغوش باز آن هموطنان عزیز را پذیرفته و به وحدت و اخوت دعوت نماید.

اینست که تصویب نامه هیئت دولت که در این موضوع صادر شده برای اطلاع عامه ذیلا نشر می شود. اختیاراتی که در قانون مصوب الثانی ۱۳۲۵ قمری به موجب اصل ۲۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ متمم قانون اساسی برای انجمن های ایالتی و ولایتی تصویب شده در آذربایجان به طریق ذیل تصریح و تائید میگردد.

۱. روسای کشاورزی و بازرگانی و پیشه و هنر و حمل و نقل محلی و فرهنگ و بهداری و شهربانی و دو ائر دادرسی و دادستانی و ناظر دارائی بوسیله انجمن های ایالتی و ولایتی انتخاب و مطابق مقررات احکام رسمی آنها از طرف دولت در تهران صادر خواهد شد.

۲. تعیین استاندار با جلب نظر انجمن ایالتی با دولت خواهد بود و نصب فرماندهان قوای نظامی و ژاندرمری از طرف دولت بعمل خواهد آمد.

۳. زبان رسمی آذربایجان مانند سایر نواحی کشور ایران فارسی می باشد و کارهای دفاتر در اداره های محلی و کارهای دوائر دادگستری به زبانهای فارسی و آذربایجانی (ترکی) صورت می گیرد. اما تدریس در پنج کلاس ابتدائی در مدارس به زبان آذربایجانی صورت میگیرد.

۴. هنگام تعیین عایدات مالیاتی و اعتبارات بودجه کشور دولت در باره آذربایجان ضرورت بهبودی آبادی و عمران شهرها و اصلاح کارهای فرهنگی و بهداری و غیره را در نظر خواهد گرفت.

۵. فعالیت سازمانهای دموکراتیک در آذربایجان و اتحادیه ها و غیره مانند سایر نقاط کشور آزاد است.

۶. نسبت به اهالی و کارکنان دموکراسی آذربایجان برای شرکت آنها در نهضت دموکراتیک در گذشته تضييفات بعمل نخواهد آمد.

۷. با افزایش عده نمایندگان آذربایجان به تناسب جمعیت حقیقی آن ایالت موافقت حاصل است و در بدو تشکیل دوره پانزدهم تفنینه پیشنهاد لازم در این باب به مجلس تقدیم خواهد شد که پس از تصویب کسری عده برای همان دوره انتخاب شود.

نخست وزیر - قوام السلطنه

اطلاعات تازه از عراق

روزنامه المصری چاپ مصر راجع به وضع عراق چنین می نویسد:

کشور عراق در همسایگی ایران با مراقبت کاملی اوضاع کردستان شمالی را مینگرد. زیرا اقدامات اکراد در این ناحیه رابطه بسیار نزدیکی با قیام کردهای عراق دارد چیزی که بیش از حد مورد نگرانی دولت عراق است مساعدتهای دولت شوروی به اکراد می باشد.

یکی از جهانگردان که چند روز پیش از این وارد بغداد شده اظهار میدارد که ملا مصطفی بارزانی فرمانده انقلابیون اکراد عراق که اکنون از کردستان عراق متواری شده خود را برای حمله‌ای به خاک عراق و ناحیه‌ای که مسکن اجدادی اوست آماده نموده تا دوش به دوش تمام اکراد عراقی حمله شدید خود را بر مرکز حکومت عراق یعنی بغداد آغاز نماید.

طبق قراینی که بدست آمده و قیام اکراد را تأیید می نماید تقویت هائی است که از طرف شورویها بعمل می آید. بطوریکه کردها توانسته‌اند مقدار زیادی اسلحه از آخرین سیستم بدست آورند. ملا مصطفی در قیام اخیر خود بر علیه دولت عراق در سال ۱۹۴۵ توانست قسمت بزرگی از اکراد عراقی را با خود موافق سازد ولی دیپلماتهای عراق تا حدی عملیات او را خنثی و از پیوستن عشایر و طوایف اکراد به او جلوگیری نمودند.

ملا مصطفی که ناگزیر به متواری شدن به خاک ایران شد وعده داده است که بزودی به کردستان عراق مراجعت کند.

قیام اکراد برای عراق بسیار زیان آور شده زیرا تشکیل کردستان مستقلی باعث خواهد گردید که سرزمین وسیع و منابع گرانبھائی از دست دولت عراق بدر رفته و معادن نفت نیز از حیطة اختیارش خارج گردد.

محافل رسمی اظهار میدارند که دولت عراق تا آخرین لحظه سعی و کوشش خواهد نمود که از بوجود آمدن کردستان مستقلی جلوگیری کند و از هر

وجب خاک خود با کمال جدیت دفاع خواهد کرد. اگر شورویها در نظر داشته باشند که بر خلیج فارس دست یابند شکی نیست که از هر قیامی که آنها را به این منظور نزدیک سازد پشتیبانی خواهند کرد خواه قیام از طرف اکراد ایران یا اکراد عراق و خواه بوسیله دست چپی های هر یک از دو کشور باشد.

این امر نیز در نظر اولیای دولت عراق قطعی است که دولت انگلستان جدا برای جلوگیری از پیشرفت نفوذ شوروی خواهد کوشید.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۵۳ دوشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۲۵. ۱۹۴۶.
ایستگاه رادیو تبریز

ایستگاه رادیو تبریز هر شب در ساعت ۹:۴۵ دقیقه به وقت مسکو به زبان کردی سخن می گوید.

منبع: روزنامه کردستان شماره ۴۰ سه شنبه ۷ اردیبهشت ماه ۱۳۲۵ - ۱۹۴۶ **

کردستان سخن می گوید

روز شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۲۵ ایستگاه رادیوی مهاباد پایتخت حکومت ملی کردستان با پنج دستگاه بلندگو ۱. در حیاط دفتر مرکزی حزب دمکرات ۲. در ستاد پیشمرگان ۳. روبروی شهربانی ۴. روبروی منزل حضرت پیشوا ۵. روبروی مسجد عباس آقا نصب شدند. رسماً در مراسم باشکوهی افتتاح شد.

آقای مایور علیزاده که وسایل را از سوی دولت با شهامت اتحاد شوروی آورده بود و آقای دلشاد رسولی از جانب وزارت فرهنگ در برابر میکروفون قرار گرفتند و بیانات گرمی ارائه فرمودند و مراتب سپاسگزاری خود را نسبت به اتحاد شوروی که ایستگاه رادیوی و دستگاه سینمای سیار و

وسایل دیگر را به نام انجمن روابط فرهنگی به کردستان بخشیده بود به جای آوردند.

در اینجا بی مناسبت نیست که مختصری راجع به نشانه‌های مهر و محبت باطنی مردم شوروی به عرض خوانندگان برسانم: ساکنان میهن شوروی یعنی مملکت بزرگی که در شمال کردستان و شرق اروپا واقع است، همه چیز و همه توان خود را برای نجات دادن و سربلندی ملت‌های درمانده و آشنا کردن آنان به تمدن و بالا بردن سطح زندگی ملت‌های فقیر فدا کرده‌اند و هنوز هم فدا میکنند. این است شعار مقدس و پاکی که مردم شوروی دارند.

سید محمد حمیدی

منبع: روزنامه کردستان شماره ۴۳ شنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۵ - ۱۹۴۶ *

بیانات حضرت پیشوای کردستان در رادیو

در روز ۱۳۲۵/۲/۱۲ ساعت ۶ بعدازظهر حضرت محمد قاضی پیشوای معظم کردستان سخنرانی زیر را از رادیو به اطلاع اهالی کردستان رساند: برادران عزیز تأسیس رادیو موفقیتی را که کسب کرده‌اید به شما تبریک میگویم. چون در زمان افتتاح رادیو در اینجا نبودم اکنون احساس خود را نسبت به این پیشرفت شما اظهار می‌کنم. امیدوارم که از این به بعد روز به روز بتوانیم بیشتر در مسائل مدنی ترقی کنیم.

بهترین چیز برای ما اینست که بتوانیم خواستهای خود را به گوش جهانیان برسانیم و شما نیز تصدیق میفرمائید که هر کاری آرام آرام پیش میرود و به آن ترقی داده می‌شود.

همچنین می‌توانیم به وسیله این دستگاه درسهای اخلاقی، کشاورزی و غیره به برادران عزیزمان بدهیم و در آینده نیز برنامه‌های مناسبی برای رادیوی خودمان آماده میکنیم.

این را هم بدانید که ما آقای محمد حسن خان سیف قاضی و آقای صدر قاضی را به نمایندگی کردستان همراه با هیئت نمایندگی آذربایجان به تهران فرستاده‌ایم و مذاکرات دوام دارد، تا زمانیکه در تبریز بودم هر روز از جریان مطلع بودم. برای اینکه از مذاکرات بی خبر نباشم در این روزها ناچاراً دوباره به تبریز می‌روم. از آنجایی که برخی خبرها را از کشور خودمان دریافت داشته‌ام اجباراً برای در جریان امور قرار گرفتن برگشتم.

دولت کردستان امروز بسیار قدرتمند است. کسانی را که اکنون می‌خواهند با دشمنان کردستان متحد شوند به خوبی می‌توانیم چاره کنیم، اما من تا آنجا که ممکن است از روش مسالمت آمیز دست نمی‌کشم و اگر علاجی نبود حکومت کردستان با نیروی خود سر آنان را به خاک می‌مالیم.

اخبار

روز پنجشنبه ۱۳۲۵/۲/۵ حضرت پیشوای کردستان همراه با جناب نخست وزیر و باقی وزراء آذربایجان و اعضای فرقه دمکرات از شاه‌گلی و ستاد لشکر بازدید کردند.

منبع: روزنامه کردستان شماره ۴۴ دوشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۲۵ - ۱۹۴۶
**

جنگ در کردستان

هواپیماهای دولت دهات و مواضعی چند را در خاک مهاباد بدون مقدمه و بدون سابقه بمباران کرده، متعاقب آن قوای دولتی از سردشت و سقز به حمله بر اکراد ناحیه مهاباد پرداخته ولی به نتیجه موفقیت آمیزی نرسیده‌اند. تلفات زیادی به نیروهای دولتی وارد آمده، مقداری اسلحه و مهمات و چند دستگاه بی سیم بدست اکراد افتاده و در نتیجه عقب نشینی قوای دولتی در دهکده به تصرف اکراد درآمده است.

این است خبر تأسف آوری که این هفته از غرب رسیده اگرچه منبع خبر مؤثق است ولی امیدواریم صحت نداشته و از طرف دولت رسماً تکذیب گردد.

از تهران

پس از ورود آقای پیشه‌وری و سایر نمایندگان مردم آذربایجان به تهران مذاکرات بلافاصله شروع و با اینکه صحبت‌هایی حتی آژانس‌های بیگانه دائر به عدم موافقت شنیده می‌شود معهذا آنطور که معلوم است مذاکرات آن به آن نتیجه مثبت و قطعی‌تر نزدیک گردیده و می‌گردد.

تلگراف روسای عشایر از آذربایجان

آقایان صدر قاضی و محمد حسین خان سیف قاضی، نمایندگان محترم کردستان، رونوشت نمایندگان محترم آذربایجان، رونوشت روزنامه‌های کوهستان و....

ملت کرد که سالهای سال در راه آزادی هزاران هزار قربانی داده کوه‌ها و دشتهای کردستان را با خون رنگین کرده و هر گلی از خاکش یک نفر شهید راه آزادی را مجسم می‌نماید. این موقع که مقدرات خودش را به آن هیئت محترم سپرده است و برای اینکه بتواند با برادران ایرانی دیگر همکاری کند انتظار دارد این امنیت که تاریخ نظیر آنرا در کردستان نشان نمیدهد و قوه قشون که تا حال حدود کردستان چنین پاسبانهای را به خود ندیده و مدارس که با خون جگر و صرف تمام دارائی خود به زبان کردی تأسیس نموده است برایش رسماً برقرار و نام خود را در تاریخ ابدی کند.

رئیس شکاک عمر شریفی، سید عبدالله گیلانی، روسای هرکی رشید جهانگیری، زیرو بهادری

پیمان دو جانبه حکومت ملی کردستان و آذربایجان

روز سه‌شنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۲۵ ساعت ۵ بعدازظهر در شهر تبریز در عمارت ملی آذربایجان با حضور سران حکومت ملی کردستان و آذربایجان برای تحکیم دوستی بین ملت آذربایجان و ملت کردستان و برای پایداری روابط صمیمانه بیشتر در بین این دو ملت تصمیمهای زیر گرفته شد که طرفین در آینده از آن در عمل پیروی میکنند.

۱. در نقاط معینه نمایندگان دو ملت با هم تماس لازمه را بعمل آورده و نمایندگان خود مبادله خواهند کرد.

۲. در نقاطی از آذربایجان که از ملت کرد سکونت دارند و بالعکس در محلهائی از کردستان که اهالی آذربایجان اقامت دارند حکومتهای دو ملت موافقت می نمایند که وسایل آسایش آنها را فراهم آورده و در امور دولتی مداخله دهند.

۳. اشکالات و سائلی که مربوط به دو ملت مزبور پیش می آید بوسیله کمیسیونهای مختلفه حل خواهد شد.

۴. به منظور ایجاد همکاری نظامی بین دو حکومت طرفین متعهد می شوند که در مواقع لازمه با قوای نظامی خود کمک های لازمه را به طرف متعاقد بنمایند.

۵. هر نوع مذاکره‌ای که با دولتها و حکومت تهران لازم باشد با تبادل نظر دو ملت آذربایجان و کردستان باید بعمل آید.

۶. حکومتهای آذربایجان و کردستان برای توسعه و ترقی مدنیت و زبانهای ملی دو ملت سعی بلیغ مبذول خواهد داشت.

۷. کسانی که در دوستی و برادری و دموکراسی هر دو ملت اخلال کنند و سبب ایجاد تیرگی روابط آنها باشند به مجازات سختی خواهند رسید.

آقای حاج میرزا علی شبستری رئیس مجلس ملی آذربایجان، آقای سید جعفر پیشه‌وری نخست وزیر، آقای صادق پادگان معاون صدر فرقه‌ی دمکرات، آقای دکتر سلام الله جاوید وزیر کشور آذربایجان، آقای محمد بیریا وزیر فرهنگ آذربایجان.

قاضی محمد رئیس حزب دمکرات و رئیس حکومت ملی کردستان، محمد حسین خان سیف قاضی وزیر قوای ملی حکومت کردستان، سید عبدالله گیلانی عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان، عمر خان شریفی عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان و رئیس ایل شکاک، رشید بگ جهانگیری عضو کمیته‌ی مرکزی حزب دمکرات کردستان و نماینده ایل هرکی، زیرو بگ بهادری عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان و نماینده ایل هرکی.

منبع: روزنامه کردستان شماره ۴۴ دوشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۲۵ - ۱۹۴۶



عکس تاریخی: این عکس قاضی محمد و پیشه‌وری را در کنار هم نشان می‌دهد. پیشه‌وری در آن هنگام در رأس هیئتی برای مذاکره با دولت مرکزی رهسپار تهران بود و در فرودگاه تبریز قاضی محمد او را بدرقه کرد. در عکس در کنار پیشه‌وری معاون او جهان‌شاه‌لو و پس از قاضی محمد به ترتیب شبستری رئیس مجلس حکومت آذربایجان و جاوید استاندار قرار گرفته‌اند.

روزنامه هیوا شماره ۷ شنبه ۹ تیر ۱۳۵۸ شمسی ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹ میلادی

(منبع: از آرشیو شخصی آقای کمال عبدالحی)

عکس: از کتاب ساوجبلاغ مکرری مهاباد در آئینه‌ی اسناد تاریخی تألیف: فریدون حکیم زاده

وزارت جنگ تکذیب می کند

چون در بعضی از روزنامه‌های مرکز خبری راجع به بمباران دهات و مواضع خاک مهاباد بوسیله هواپیماهای دولتی و حمله نیروی زمینی به این نقاط درج شده بود که به کلی ساختگی و کذب محض و پادگانهای ارتش در همه جا وظایف نظامی خود را طبق دستور دولت انجام داده و میدهند. علیهذا با تکذیب این خبر اعلام میدارد اشخاصی که مرتکب انتشار این قبیل اخبار کذب می شوند طبق مقررات قانون مورد تعقیب واقع خواهند شد.

وزیر جنگ، سپهبد امیر احمدی

(روزنامه اطلاعات شماره ۶۰۵۲ شنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۲۵)

رادیو لندن

رادیو لندن ساعت ۷ و نیم بعدازظهر دیروز به زبان فارسی اظهار داشت که در کردستان ایران زдохوردهائی روی داده و ۳۸ نفر از سربازان حکومت مرکزی بدست کردها اسیر شدند.

(روزنامه داد شماره ۷۳۵ یکشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۲۵)

رادیو تبریز

عصر روز جمعه ۲۰ اردیبهشت از ۳۴ نفر اسیر که کردها در جنگ سردشت از قوای دولتی گرفته‌اند ۱۷ نفر از اهالی آذربایجان جزء سرباز وظیفه در قشون دولتی ایران بودند.

(روزنامه نجات ایران شماره ۶۶۴ یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۲۵)

در کردستان چه خبر است؟

اعلامیه منتشره از طرف ستاد ارتش وقوع زدوخوردهای محلی را در بعضی از قسمتهای کردستان تکذیب میکند در حالیکه رادیو تبریز و بعضی از رادیوهای بیگانه حتی تعداد اسرائی را که به دست اکراد افتاده‌اند اعلام میدارند.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۵۵ دوشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۲۵.
۱۹۴۶

یورش ارتجاع

مطابق گزارشات رسیده روز ۱۳۲۵/۲/۲۸ از سردشت، سپاه فارسیهای مرتجع که عده‌ای بانه‌ای با آنان همراه بودند به نیروهای تحت فرماندهی آقا زیرو بگ و گورک حمله کردند. در نتیجه دفاع مرتجعین شکست فاحشی خورده و تلفات بسیاری داده‌اند: ۳۰ نفر از مهاجمین اسیر شده‌اند و دو ارباب و نوکرانشان کشته شده‌اند و ۱۴ قبضه تفنگ و ۴ قبضه اسلحه‌ی کمری و یک دوربین و ۶ اسب به غنیمت گرفته شده‌اند. آنان سراسیمه گریخته‌اند. از همین رو معلوم میشود که خداوند یار ماست. بکوشید پیروزی شوید.

منبع: روزنامه کردستان شماره ۴۹ شنبه ۴ خرداد ماه ۱۳۲۵. ۱۹۴۶ *

اخبار در جبهه سردشت

طبق خبر رسیده شب چهارشنبه سربازان ارتش ارتجاع به مدار سردشت که پست نگهبانی کردستان در آنجا واقعند یورش برده و آنرا محاصره میکنند. به خیال خود از فرصت استفاده کرده و به بلبل آزادی گورک حمله میکنند که کاک الله آقا فرمانده آنان است. پس از جنگی شدید از نیروی ارتجاع و فرزندان به زور آورده شده‌ی ایران، ۴۴ نفر کشته و بیش از ۴۰ نفر زخمی به‌جا میماند و با آشفته‌گی شکست خورده و فرار میکنند. از

نیروهای کردستان ۵ نفر زخمی شده‌اند و سعید بگ از افراد محمد حسین آقا به درجه شهادت رسید و روح پاکش با ارواح شهدای آزادی همدم شد. دوباره نیروی حق نیروهای دروغگوی ارتجاع را فراری داده و تاکنون خبر دیگری نرسیده است.

منبع: روزنامه کردستان شماره ۵۰ دوشنبه ۶ خرداد ۱۳۲۵ - ۱۹۴۶ *

سفر حضرت پیشوای کردستان به تبریز

روز یکشنبه ۱۳۲۵/۲/۱۵ حضرت پیشوای معظم کردستان، قبل از عزیمت به تبریز در میان سران عشایر منگور، مامش، دهبکری، زرزا، قره‌پایاغ و گورک و افسران بیباک نیروهای دمکرات فرمودند: برادران عزیز، زمانیکه ارتش سرخ در میان بود، دشمنان ما شایع میکردند که ادعاها و خواسته‌های ما از سیاست خارجی که مقصودشان ارتش سرخ بود برخاسته است اما امروز برای همگان آشکار شده است که کردها خواهان آزادی هستند و از مرام خود دست بردار نیستند و امروز وجود عشایر کرد که آماده‌اند با جان و مال آخرین قطره‌ی خون خود را در راه این مرام فدا کنند، شاهی بزرگ برای آزادیخواهی کردهاست که در راه خود استوار هستند و برای بدست آوردن آزادی فقط به خودشان اعتماد و اتکاء دارند و... برادران عزیز بارزانی که در راه بدست آوردن آزادی کردستان بزرگ، میهن و مال و فرزندان خود را فدا کرده و همه را در راه این خواسته‌ها نهاده و مردانه کوشش می‌کنند باعث افتخار است. آزادیخواهی و آگاهی آنان به فنون عملیاتی جنگی و فداکاری که از صفات معجزه کردهاست در جبهه صالح آباد آشکار شد که عده‌ای ۷۰۰ نفری فرستاده شده از فارسها که میخواستند به سمت " سرا " بیایند ۱۷۰ نفر جلوی آنها را گرفتند ۱۱۰ نفر از آنها کشته و ۴۰ نفر اسیر می‌شوند و تلفات زیادی به آنان وارد می‌شود. ولی از بارزانیها حتی یک نفر نیز خون از دماغش نمی‌آید.

منبع: روزنامه کردستان شماره ۴۹ شنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۲۵ - ۱۹۴۶ *

در ایران ما چه میگذرد؟

در خصوص آذربایجان اصولاً تفاهمی حاصل نشد. چون دولت حاضر نبود به ۷ ماده که طی اعلامیه به ملت آذربایجان داده شده چیزی اضافه کند و نمایندگان آذربایجان نیز در دو سه موضوع زیر: ارتش، بودجه، اراضی که عمل انجام شده است جدا پافشاری میکردند و بالاخره بعد از یکی دو هفته که مذاکرات فیما بین ادامه داشت آقای پیشه‌وری و همراهان او بدون کوچکترین اخذ نتیجه تهران را ترک میگویند.

در هر حال پس از این مذاکرات یأس آور وضع آن منطقه چه خواهد شد معلوم نیست ولی وضع آینده را در سه مسئله زیر می توان جستجو کرد:
۱. وقوع جنگ خانگی!!

۲. سقوط کابینه فعلی یا تشکیل مجلس موسسان و یا شروع انتخابات و افتتاح مجلس پانزدهم که هر دو سه جزو قضایائی است که تصور انجام و عملی شدن آن کمی مشکل است.

۳. باقیماندن وضع آذربایجان و کردستان به همین ترتیب تا روشن شدن وضع کامل سیاست جهان یعنی تسویه شدن حسابهای سیاسی موجود بین انگلیس و امریکا از یک طرف و شوروی از طرف دیگر.

خبرگزاری پارس تکذیب می کند

شایعه اینکه آقای نخست وزیر اظهار داشته‌اند: " اگر نمایندگان آذربایجان از دعوی خودمختاری و سایر درخواست خود چشم‌پوشد به قوه قهریه بر عیله آنها متوسل خواهند شد " از طرف خبرگزاری پارس رسماً تکذیب شده است.

تلگراف از مهاباد

جناب آقای قوام السلطنه نخست وزیر ایران، آقای پیشه‌وری نخست وزیر آذربایجان، کپیه جناب ابوالقاسم صدر قاضی و محمد حسین سیف قاضی نمایندگان محترم کردستان، کپیه روزنامه کوهستان...

با نهایت احترام معروض میداریم چنانچه نمایندگان معظم استحضار دارند سطح زندگی ملت کرد امنیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی سالها در زیر پنجه فاشیست های خونخوار واقع گردیده بود که چیزی در برنداشت. ملت نجیب کرد را به دره نیستی سوق داد ناچار ملت کرد با پیروی کردن حرکات و مبارزه آزادی که سرمشق نیاکان کرد بوده قیام الحمدلله بطور احسن توانست مملکت خود را از قید اسارت و خون مکیدنهای زالوی فاشیست نجات و امنیت و امان که در سرتاسر مملکت حالیه حکمفرماست تاریخ نشان نداده و مامورین و تشکیلات حالیه کرد شاهراه ترقی می پیماید و ملت را به سعادت ابدی خواهد راند.

بنابراین استرحا ما برای استقرار وضعیت فعلی و پیشرفت مرام این ملت تمنا داریم همه افکار خود را فقط و فقط برای پیشرفت مقاصد عمومی مصروف فرموده و انتظار داریم با تمام معنی از جریحه دار گشتن احساسات پاک این ملت جلوگیریهای لازمه را معمول فرمایند.

مهاباد، هیئت کمیته شهری حزب دمکرات کردستان، وهاب بلوریان، احمد الهی، مناف کریمی، حسین زرگری، سید محمد طه زاده، محمود ولی زاده، صدیق حیدری، محمد یاهو.

(لازم به ذکر است که دو تلگراف دیگر از طرف بازرگانان و کسبه مهاباد و همچنین از طرف سران عشایر به نخست وزیر فرستاده شده که به خاطر تکرار مطالب از نوشتن آن صرف نظر شد. فاروق فرهاد)

برای اطلاع ستاد ارتش

جناب آقای نخست وزیر، رونوشت وزارت جنگ، رونوشت ستاد ارتش،
رونوشت نامه هفتگی کوهستان...

در "لیلہ" چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت یک ساعت از شب گذشته دو نفر
افسر در سون خواجه نو و نورآباد در اثر استعمال مشروب به اتفاق ۴
سرباز در اثنائی که خود اینجانب در خانه نبوده‌ام و درب حیاط باز بوده به
منزلم ریخته اول یدالله نام فرزند ۸ ساله‌ام را کتک کاری و آنچه مایه بی
شرفی و هتاک‌ی نسبت به عائله‌ام باشد نموده‌اند. در حدود ۵۰ نفر زن و مرد
و بچه از اهل محل حضور داشته‌اند. تقاضای قرار رسیدگی و تعقیب
قانونی نامبردگان را خواستارم.

ابو محمد چاوش نژاد

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۵۵ دوشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۲۵

در پیرامون نطق پیشه‌وری...

آقای پیشه‌وری جریان مذاکرات هیئت نمایندگی مردم آذربایجان را بیش و
کم تشریح کرد و منشأ حوادث منطقه مزبور را بیان نمود و در نطق مفصل
خود به بعضی مقامات غیر مسئول اشاره کرد و صریحاً اظهار کرد که اگر
این مقامات در این کارها آنقدر اصرار به خرج میدهند تا حوادث بزرگی
روی دهد. ولی معلوم نیست این حوادث به نفع آنها تمام شود یا خیر؟

پیشه‌وری می گفت: اصلاحاتی را که ما شروع کرده‌ایم نمی توانیم از بین
ببریم. تهران نیز باید حق حاکمیت کلیه ملت ایران را تصدیق نموده و برای
رهایی تمام مملکت اقدام جدی بعمل آورد و نباید درخواستهای کند که
برای ما مسئله حیات و ممات داشته باشد با وجود همه اینها پیشه‌وری
میگفت از حل مسئله به طریق صلح و مسالمت مأیوس نیست و تکرار
میکرد که با سلاح به آذربایجان آمدن به منزله آتش بازی است.

در مهاباد با اسیران چه می کنند

ستونی از هنگ ۲۷ مرکز به هر عنوانی ۸ کیلومتری سقز را اشغال نمود، غفلتا یا علنا جنگ خونینی در گرفت و تلفات زیادی داده شد. ۳۴ اسیر و چند دستگاه مسلسل و چند قبضه تفنگ هم جزء غنایم شد.

ما نمیدانیم اصولا این حرکت از کجا سرچشمه گرفت، بعضیها می گویند که محمد آقا عباسی چون عائله و اطفالش از سرا طرد شده تحریکاتی نموده و چنین وانمود کرده که با یک گروهان بدون مخصصه میتوان سرا را تسخیر کرد.

در موقعی که با شدت هرچه تمامتر زد و خورد از طرفین ادامه داشت و تانک و سواره نظام در زمین و هواپیما برفراز آسمان در آمدورفت بود، اهالی مضطرب سقز برای شنیدن اخبار تازه به سرا راه سربازان در محلی که بیماران ستون قرار داشتند، شتافتند در این موقع چند نفری از رعایای قراء مجاور که برای تأمین مایحتاج زندگی خود به شهر آمده بودند در حین مراجعت از طرف نیرو دستگیر و با یک جوخه سرباز مسلح به شهر عودت داده شدند.

تأسف آورتر اینست که در شهر در فاصله هر ده قدم یک سرباز مسلح بنام مأمور انتظامات ایستاده و این عده بیچاره و از همه جا بی خبر را به باد فحش و ناسزا گرفته و با کلماتی که شرم دارم ذکر کنم با جریحه دار نمودن عقاید مذهبی آنان را بدرقه می نمودند. چند روز بازداشت این عده طول کشید بالاخره آزاد شدند.

یک نفر از آنها را یافته وضعیت بازداشتگاه را پرسیدم از خشونت و بدرفتاری حکایتها کرد که ذکرش جزء تأثر و تأسف هم برای نگارنده موهم برای خوانندگان محترم نتیجه ای ندارد.

همان روز خسرو را دیدم که از طرف صابری مأمور ستاد ارتش برای بدست آوردن اطلاعاتی به آذربایجان اعزام شده بود و تصادفا در آنجا دستگیر و بازداشت شده و بعدا آزاد گردیده بود. او آنچه را خود دیده بود برایم باز گفت.

خسرو گفت: غروب ۱۳۲۵/۲/۶ با ماشین چند نفر اسیر را که از سربازان گرفته شده بود به مهاباد آوردند. فورا دستور استحمام آنها داده شد. چند نفر زخمی و بیمار که همراه داشتند فورا تحت معالجه قرار گرفتند و در بیمارستان مخصوص خوابانده شدند لباسهای آنان را شستشو کرده و به هر یک یکدست لباس جداگانه دادند.

فردای آن روز از طرف قاضی محمد آنان احضار نمودند پس از تحیب و نوازش پدران به آنها اطمینان دادند که به محض اینکه رفقایشان بهبود حاصل کنند با ماشین از طریق آذربایجان به تهران اعزام خواهند شد. شام و نهار و صبحانه کافی در اختیار آنها گذاردند. دستور تسهیل حمام و سلمانی آنها داده شد و نیز روزی ده ریال مقرری برای هر یک از آنان معین گردید. خسرو میگفت فعلا اسرا در مهاباد، در نهایت راحتی و آسایش زندگی میکنند و منتظر بهبود رفقای بیمار خود می باشند.

خسرو اظهار می داشت که یکی از سربازان را ملاقات کردم از او جریان را پرسیدم گفت ۳۴ نفر مزبور با چند قبضه تفنگ و مسلسل مشغول دفاع بودیم ناگاه سواری پیدا شد با خنجر برهنه به ما روی آورد هر قدر به طرف او تیراندازی نمودیم اعتنا ننمود پیش آمد ما ناچار تسلیم شدیم او ما را اسیر کرد و اسلحه‌ها را هم به غنیمت برد.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۵۶ دوشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۲۵ - ۱۹۴۶



پیشوای کردستان قاضی محمد و مسئولین حکومت ملی کردستان سال
۱۳۲۴-۱۹۴۶

عکس: از کتاب ساوجبلاغ مکرری، مهاباد در آئینه‌ی تاریخ، تالیف: فریدون
حکیم زاده

گزارش محمد حسین خان سیف قاضی وزیر جنگ

جناب محمد حسین خان سیف قاضی که همراه با هیئت مذاکره کنندگان
و به نمایندگی از سوی مردم کردستان در این مذاکرات شرکت کرده بود در
تاریخ ۱۳۲۵/۲/۲۳ به مهاباد بازگشت. او در گزارشی به شرح چگونگی
مذاکرات و شکست آن پرداخت.

بعد از گفتگو و مجادله‌ی بسیار زیاد و چند روز مذاکره به استناد دروغ و
یاوه‌های بی اساس قانون اساسی موافقت نکردند. آشکار شد که قانون
اساسی به تعبیر دولت تهران، عبارت است از پایمال کردن حقوق ملت و

دست پای آن را بستن و عده‌ای محدود را به عناوین مختلف مأمورین لشکری و کشوری و ژاندارم به جان آنها انداختن تا در پایمال کردن حق و عدالت که مطابق قانون اساسی حقیقی به (حقوق) همه ملت‌های ایران اعتراف کرده است کوتاهی نکنند.

همچنانکه خودتان شاهد بوده‌اید در تعرض به جان و مال و ناموس ملت‌های ایران خصوصاً ملت کرد، در کمال بیشرمی و بی‌آبرویی در مدت ۲۰ ساله‌ی دیکتاتوری رضاخان مضایقه نکردند و آنان تنها تهران را، ایران به حساب می‌آورند. تهران هم چه تهرانی، مرکز و پایه‌ی فساد، لابی‌گری، بی‌علاقگی و بیخبری از حقیقت، مرکزی بسیار کثیف با قصر و قصور باشکوه و مجلل که با خون و زحمت و عرق تن رنجور هزاران هزار زحمتکش ایرانی پی‌ریزی شده‌اند و آراسته گردیده‌اند.

پیشنهاد‌های خود را در ۱۴ ماده به آنان دادیم، تا اندازه‌ای موافقت حاصل شده بود اما بنا به گفته‌ی پیشه‌وری چند تن از وزراء که از قانون منع تریاک در آذربایجان ناراضی و عصبانی بودند، نگذاشتند دولت آقای قوام از این فرصت استفاده نماید و مسئله دوستانه خاتمه یابد.

به همین دلیل ناچار شدیم بدون گرفتن نتیجه‌ای روز دوشنبه ۲۳ اردیبهشت (هیئت نمایندگی آذربایجان و کردستان) ساعت ۷ و ۵ دقیقه از تهران بازگردیم. بعد از بازگشت ما دولت قوام السلطنه در تاریخ ۱۳۲۵/۲/۲۳ اعلامیه‌ای منتشر کرد. این نیز عرض می‌شود که آقای پیشه‌وری از جانب هیئت در تبریز به آن جواب داده‌اند و من نمی‌خواهم در مورد این موضوع با جدیت صحبت کنم.

منبع: روزنامه کردستان شماره ۵۰ دوشنبه ۶ خرداد ۱۳۲۵ - ۱۹۴۶ *

فرمایشات پیشوا و رهبر کردستان

اینک به خوبی متوجه کارکردان نشده‌اند " ما که استقلال تمام و تام خود را بدست آورده‌ایم. برای اینکه به حکومت مرکزی نشان دهیم و به آنها ثابت کنیم که این کارهای که کرده‌ایم نه از اینروست که ما از برادری ملت فارس دست کشیده یا به ایرانی‌ت افتخار نکنیم". بلکه فقط محض مخالفت با دستگاه استبدادی حکومت تهران است چون آنچه بر سر ما آورده‌اند چون قبل رضاخان و چه در زمان او و چه بعد از آن تا حال چنگیز و مغول بر سر کسی نیاورده‌اند.

کیست نشنیده باشد که در زمان قاجار جعفر آقا شکاک و حمزه آغای منگور و هزاران امثال ایشان را با چه حيله و نیرنگ و نامردی کشتند و در زمان رضاخان پهلوی نیز علاوه بر هزاران چنین نیرنگ بزرگترین نامردی که قلب هر کردی را جریحه‌دار کرده آن بود در وقتی که کردان آزارات سرگرم دعوا با ترکها بودند قشون شاهنشاهی ناجوانمردانه از پشت به زن و بچه ایشان ریختند و به این جهت مردان مجبور به تسلیم قوای ایران گشتند.

برای اینکه نشان بدهم که در این ادعای خود صادق هستیم با وصف اینکه با ملت آذربایجان هیچ چیز ما یکی نبود چونکه ایشان نیز آزادیخواه گشته و مسلک دموکراسی را قبول نموده بودند. هر دو ملت اتحاد کرده بطوریکه مردن و زندگی ما یکی است. چو بادام دو مغز در یک پوست برای اینکه بهتر ادعای ما ثابت شود و پیش ملت‌های دیگر ایران نیز آن را معلوم بکنیم. دو نفر نماینده معین کرده که در آستانه‌ی دولت مرکزی حاضر شود و بگوید هرگاه شما نیز تشکیلات خودتان را تبدیل به اصول دموکراسی کنید برای برادری حاضر هستیم و هرچه می‌گوئید اطاعت میکنیم. نزاعی با شما نداریم ما هم بشیریم و حقی در بشریت داریم و سال‌های سال است برای این حق در مبارزه هستیم. برای خاطر خدا این حق را از دست ما نگیرید و بیشتر از این با تانک و توپ و طیاره به ما حمله نکنید. ببیند چه ملت غیر

از ما در اسارت مانده و بیشتر از این پرده روی چشم ما نیدازید و پنبه در گوش ما نگذارید.

بگذارید ما هم تکانی به خود دهیم و از ظلم و جور فقر هولناک و بیماری و دزدی و رشوه و محیط فاسد خود را نجات دهیم. بگذارید دنبال علم و فرهنگ و صنعت شخم و فلاحه خودمان را مثل مردمان دیگر عمل کنیم و کارخانه‌ها را بیاوریم و به بیکاری خاتمه بدهیم و شغل برای بیکاران خود که شش ماه تمام ملت ما بیکار هستند پیدا کنیم و از پشم خود فاسونیا ببافیم و چغندر و توتون خود را خودمان بکار بیاوریم فرصت بدهید معادن خود را استخراج بکنیم و مملکت خود را با منافع آنها آرایش بدهیم. یکی از نمایندگان ما آقای محمد حسین خان سیف قاضی برای اینکه نشان دهد که به همه نوع به سازش حاضر است ملت کرد که در ایران اکثریت دارد در آخرین اعلامیه دولت ایشان را به اقلیت آذربایجان چون ارمنی و آسوری حساب کردند اعتراضی نکرد.

ای ملت کرد بگوئید تکلیف چیست و چه مصلحت است؟ آیا حق نداریم به تهران بگوئیم این همه قصر و قصوری که با خون ما ساخته‌اید برایت بس است. بگذارید ما هم فکری برای خانه‌های خود که به غارهای حجر بهتر شبیه هستند بعمل بیاوریم.

(قسمتی از سخنرانی پیشوا قاضی محمد)

منبع: روزنامه کردستان شماره ۵۱ چهارشنبه ۸ خرداد ۱۳۲۵. ۱۹۴۶

سفر نمایندگان کردستان به سقز

روز ۱۳۲۵/۳/۸ ساعت ۴ بعداز ظهر جناب حاجی بابا شیخ سیادت رئیس هیئت رئیسه ملی کردستان و آقایان مناف کریمی و احمد الهی برای گفتگو با نمایندگان تهران برای حل مشکلات مابین هر دو حکومت به سقز سفر کردند. امیدواریم نمایندگان کردستان با موفقیت بازگردند.

منبع: روزنامه کردستان شماره ۵۲ سه‌شنبه ۱۱ خرداد ۱۳۲۵ - ۱۹۴۶ **

هیئت های اعزامی به کردستان

حملات سخت رادیو تبریز، اعلام حکومت نظامی در آذربایجان تفسیرهای گوناگون رادیوهای بیگانه و بالاخره اظهار عدم اطلاع دولت موضوع را بسیار پیچیده و شایان دقت و تأمل ساخته بود.

تلگراف آقای نخست وزیر به آقای پیشه‌وری یعنی رونوشت امریه صادره به لشکر ۴ و متعاقب آن اعزام هیئتی برای رسیدگی از هرگونه تصادم بین قوای دولتی و نیروهای دموکرات در آذربایجان و کردستان شمالی بار دیگر حسن نیت و کاردانی آقای قوام السلطنه را ثابت نمود.

شاید در ضمن مذاکرات نمایندگان آذربایجان با دولت در تهران اینطور تصور رفته باشد که باید موضوع کردستان را با آذربایجان حل کرد ولی همانطور که به کرات تذکر داده‌ایم مسئله کردستان و آذربایجان کاملاً از هم جدا و شاید فقط در کلیاتی با هم تشریک مساعی و همکاری داشته باشند.

ما از آزادی مدافعه خواهیم کرد

ساعت ۵ بعداز ظهر ۲۹ اردیبهشت بطور ناگهانی و یک مرتبه رادیو تبریز اعلام نمود که قوای دولتی در منطقه "سوراک" و "باچه میشه" به حمله پرداخته و فدائیان جدا به دفاع مشغول شده‌اند. این خبر مانند بمب در تهران ترکید و احساسات سیاسی مردم بوضع عجیبی به غلیان آمد. همه

از شنیدن این خبر عجیب می گفتند ارتش بدستور مقامات غیر مسئول برای حمله به آزادی موضع گرفته است.

ولی اعلامیه و تکذیب وزیر جنگ و معاون سیاسی نخست وزیر از التهاب مردم کاست ولی معلوم شد جهات افتراق و چند دستگی عجیبی در دستگاه دولتی و حکومتی و حتی کارگردانان این دستگاه موجود می باشد. در این میان تلگرافهای متعددی بین آقای نخست وزیر و پیشه‌وری رد و بدل گردید.

متن ابلاغیه ایران و شوروی

در نتیجه تحقیقاتی که بوسیله مأمورین اعزامی آذربایجان بعمل آمده و تخلیه آذربایجان را از ارتش سرخ تصدیق نموده و گزارشی که طبق تحقیقات مزبور تلگرافی به سفارت کبرای دولت شاهنشاهی در واشنگتن داده شده است که به استحضار شورای امنیت برساند. اینک نامه‌ای هم که از سفارت کبرای شوروی به این جانب رسیده است عین آنرا برای مزید اطلاع عامه ذیلا نقل مینمایم.

جناب آقای قوام السلطنه نخست وزیر ایران - تهران

آقای نخست وزیر محترم در تعقیب اظهارات شفاهی که این جانب موافق دستور دولت شوروی در ۲۲ ماه مه سال جاری کرده است بدین وسیله محترماً تایید مینماید که تخلیه قشون شوروی از ایران مطابق نقشه تخلیه که از طرف ستاد ناحیه نظامی قفقاز در اواخر ماه مارس سال جاری اعلام گشته است ۹ ماه مه کاملاً انجام یافت. خواهشمند است صمیمی‌ترین احترامات این جانب را قبول فرمائید.

امضاء: سادچیکف

نخست وزیر ایران: قوام السلطنه

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۵۷ دوشنبه ۶ خرداد ۱۳۲۵ - ۱۹۴۶

هفته گذشته خبر مسافرت آقای سرلشکر رزم آرا و هیئت اعزامی از مرکز را برای جلوگیری از حوادثی که ممکن است در صفحات غرب روی دهد به اطلاع خوانندگان رسانیدیم و نیز اطلاع دادیم که هیئتی از کردستان شمالی هم برای مذاکره و همکاری خواهد آمد.

علاوه بر هیئت نظامی مرکز، آقایان امیر اسعد دهبوکری و علی عیسی زاده که چندی بود در تهران اقامت داشتند به همراهی آقای سرهنگ پزشکیان چند روز بعد از حرکت آقای سرلشکر رزم آرا به طرف کردستان عزیمت نمودند.

به قرار خبری که از سقز رسیده است هیئت اعزامی مهاباد به سقز وارد و مذاکراتی هم نموده سپس مراجعت کرده‌اند ولی از چگونگی مذاکرات و نتایج آن اطلاعی در دست نیست.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۵۹ دوشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۲۵ - ۱۹۴۶



سرلشکر رزم آراء

نمایندگان کردستان و تهران در سقز

روز یکشنبه ۱۳۲۵/۳/۵ هیئت نمایندگی حکومت کردستان به سقز رسیدند. هنگام عصر سرلشکر رزم آرا نیز همراه سه نفر نمایندگان آذربایجان، آقای جودت وزیر کار، آقای علیزاده بازرس ویژه‌ی جناب پیشه‌وری و آقای آذر آبادگان فرماندار مراغه وارد سقز شدند. ساعتی از شب گذشته جلسه در منزل سرتیپ همایونی تشکیل شد. مذاکره تا ساعت سه و نیم طول کشید:

۱. سرهنگ دوم عزت عبدالعزیز برای افتتاح جلسه به زبان کردی بیاناتی بسیار خوب که جمله به جمله به زبان فارسی ترجمه می شد ارائه کرد. محتوای سخنان وی بر این محور بود که بسیار جای خوشبختی است که با برادران آذربایجانی دوستی و برادری کاملی برقرار کرده‌ایم و در این جلسه نیز پیدا است که برادران فارس نیز تمایل به حسن نیت دارند که تقاضا کرده‌اند ما به سقز بیائیم و آقای سرلشکر نیز برای مذاکرات از تهران به اینجا تشریف آورده‌اند. تاکنون دو برادر کرد و آذربایجانی دست بدست هم داده‌اند و امیدوارم که با برادران فارس نیز بر اساس اصل برادری توافق حاصل شود و به سه برادر تبدیل شویم.

۲. آقای سرلشکر رزم آراء بعد از بیانات برادر عزیز سرهنگ دوم کاک عزیز، هدف از جلسه را بیان کرد: به دلیل اینکه بزودی مذاکره بین دولت مرکزی تهران و نمایندگان آذربایجان و کردستان آغاز می شود، برای اینکه مذاکره بر اساس حسن تفاهم صورت گیرد، مصلحت در این بود که این جلسه در اینجا برگزار گردد و کاری بکنیم که در سراسر جبهه تا بعد از مذاکرات آرامش باقی برقرار شود.

۳. سرهنگ دوم کاک عزت به ایشان جواب داد که: اساس آمدن ما به اینجا اعتبار نامه‌ای است که به ما داده شده است و آن اینکه ثابت بشود در جنگ قادر آباد (قادر آوا) به تاریخ ۹ اردیبهشت، اولین حمله از سوی شما صورت گرفته است.

بر این اساس چند دلیل را بیان کرد که یکی عبارت بود از طبق همه قواعد نظامی همیشه تلفات مهاجمین بیشتر خواهد بود. چون تلفات قوای نظامی ایران بسیار زیاد بود و از نیروهای ما کسی حتی یک تن مجروح نگشته، این خود دلیلی است که قوای ایران حمله کرده‌اند. به همین خاطر نیز تلفات داده‌اند.

اما چون قوای ما که در سنگرهای خود بوده‌اند مورد اصابت گلوله واقع نشده‌اند. دلیل دیگر این است که می‌توانید از اسرای خودتان که در مهاباد و تبریز هستند پرسید تا بر شما معلوم گردد که ارتش ایران حمله کرده است.

سرتیپ همایونی گفت: من عده‌ای را به شمال سقز فرستادم اما آنها نرفته بودند خاک مهاباد را اشغال کنند. در این صورت این حمله به حساب نمی‌آید.

سرهنگ دوم کاک عزت جواب داد: سقز و مهاباد جدا از هم نیستند و هردو خاک کردستان هستند. هر کجا کرد در آنجاست ما آنرا خاک کردستان میدانیم.

در این میان کاپیتان سعید زاده به خاطر چند مطلب دیگر از قبیل پرواز هواپیماها و غیره به جدل با سرتیپ همایونی پرداخته و چون سرتیپ همایونی دلیلی در دست نداشت ناچار شد جلسه را ترک کند و دیگر به جلسه باز نگشت.

در آخر سرلشکر رزم آراء اقرار کرد که قوای نظامی از سقز به سوی قوای کردستان فرستاده شده‌اند. بدینوسیله موضوع حمله‌ی قوای ایران در جلسه‌ی رسمی پذیرفته شد.

۴. در مورد برقراری آرامش در جبهه پس از گفتگو زیاد و مطالعه‌ی نقشه‌های نظامی به اتفاق آراء تصمیم گرفته شد که تا پایان مذاکرات، آرامش جبهه‌ها حفظ شود و هیچکدام از نیروها حق پیشروی و شلیک به همدیگر را نداشته باشند.

سرلشکر رزم آراء تقاضا کرد قوای کردستان ۱۰۰۰ متر از سقز دور شوند و سه هزار متر از جاده سقز. بانه عقب نشینی کنند تا نظامیان ایران بتوانند برای قوای خود در بانه و میرده آذوقه ارسال کنند و علاوه بر آن سه نفر نمایندگان ما در سقز، بانه و سردشت ناظر کار آنان باشند که از سوی دولت ایران نفرت و مهمات برای این سه منطقه ارسال نگردد. اما اگر به دلیل خاتمه‌ی خدمت نفرت عوض شوند، ممانعتی به عمل نیاید.

این موضوع به عرض مقامات بالای مرکزی خودمان رسید. جواب داده شد که بر اساس اصل احترام متقابل ما هر مقداری عقب نشینی کنیم قوای ایران نیز باید به همان اندازه عقب بنشینند. اینکار به شکل یکطرفه غیر ممکن است. ما هر جایی را که تصرف کرده‌ایم حفظ می‌کنیم و جاده را نیز رها نمی‌کنیم. به همین نحو هم به آقای سرلشکر رزم آراء جواب داده شد.

۵. در مدت ۳۸ ساعت که ما در سقز بودیم فرماندهان نظامی ایران چندین بار از ما خواستند که در میرده جنگ شده بیائید از آن جلوگیری کنیم و یا جاده سقز سنندج را بسته‌اند بیائید نگذاریم جنگ و درگیری شود. نمایندگان کردستان در ماشینی که پرچم کردستان بر آن به اهتزاز درآمده بود از سقز به طرف بانه حرکت کردند و در پشت سر آنها نظامیان ایران که یکی از نمایندگان ما و دو سرهنگ ایرانی نشسته بودند و در پناه و حمایت

پرچم کردستان بر روی تموغه در بله‌جار و در عقب کوهها به چشم خود دیدیم گروههای منظم پیشمرگان و فرماندهان کرد چگونه با شهامت و بیباکی این نقاط را به تصرف درآورده و منتظرند به محض صادر شدن قلب دشمن را هدف قرار دهند.

یکی از اعضای هیئت نمایندگی

ابراهیم صلاح

منبع: روزنامه کردستان شماره ۵۳ دوشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۲۵ - ۱۹۴۶ *

پیام نویس آژانس فرانس

روز جمعه ۱۳۲۵/۳/۳ ساعت ۹ صبح آقای زیگیل ناپلیون پیام نویس آژانس فرانس از راه تبریز وارد مهاباد شدند. هنگام ورود از طرف مردم شهر از این پیام نویس خارجی استقبال شایانی شد.

رویا بود که فرشته آزادی و آزادیخواهی وارد این شهر شود و حق هم داشتن، چون این شخص از میهن زیبای فرانسه آمده بود که یکی از دولتهای آزادیخواه و موسس آزادی در دنیا است.

شخص نامبرده از جوش و احساسات این ملت به هیجان آمده و بدون اختیار به زبان فارسی (که بسیار کم هم میدانست) گفت: "زنده باد آزادی و دمکراسی".

در این هنگام مردم شهر و بزرگان و سران عشایر به افتخار و سربلندی ملت آزادیخواه و متمدن فرانسه فریاد می کشیدند و احساسات خود را بروز میدادند.

آقای زیگیل ناپلیون در مدت ماندگار خود در مهاباد با پیشوای بزرگ و سران و نمایندگان کردستان ملاقاتی داشتند. آقای ناپلیون می گفتند: چرا باید به چنین ملتی شجاع و میهن پرست و با احساس و نجیب اینقدر ظلم

و ستم شده و تا امروز از آزادی بی نصیب شده باشد. بسیار تأسف خوردم که بعضی از دولتهای حرف نشنو نهضت آزادیخواهی کرد را به راهزن و شرارت قلمدا می کنند و در دنیا طوری پخش می کنند که ملت کرد شایسته زندگی و استقلال نیست.

هم اکنون که از نزدیک خودم میهن پرستی و استعداد و استقلال این ملت را می بینم تصدیق می کنم که این ملت تا به امروز، به آنها ظلم شده و از حقوق بشریت و دموکراتیک بی بهره بوده اند.

در روز دوم از ادارات و وزارتخانه ها و اداره روزنامه و چاپخانه دیدن کردند و روز ۱۳۲۵/۳/۵ ساعت ۱۰ بامداد با شادمانی میهن ما را ترک کردند و خاطرات آزادیخواهی از ملت فرانسه را در دل ما به جا گذاشت و هنگام رفتن گفتند: امیدوارم که تمامی ملتهای ضعیف زیر سایه دموکراتیک راستین به آسودگی برسند.

منبع: روزنامه کردستان شماره ۵۲ شنبه ۱۱ خرداد ماه ۱۳۲۵. ۱۹۴۶.**

اخبار داخلی

بنابه اخباری که به دستمان رسیده، آقای علیار و سیف الله اردلان به همراهی سرهنگ پزشکیان وارد سقز شدند. خیانت این خائنین به مهین بر کسی پوشیده نیست. در همان ایام که حکومت ملی کردستان اعلام شد این مرتجعین آنی از مخالفت و مبارزه علیه حکومت ملی دریغ نکرده اند و به خیال خام خودشان مشغول دسیسه علیه حکومت مقتدر کردستان هستند. ولی رفتار این وطن فروشان غیر از محو و آبروریزی خودشان نسبت به حکومت مقتدر کردستان تأثیر دیگری ندارد.

این برادران بعد از چند بار عفو و بخشش از جانب حکومت کردستان، باز دست نکشیده اند و این چند نفر فقط میخواهند خود زندگی کنند و تمامی

ملت مظلوم کرد محو و نابود شوند. ولی بی خبر که خداوند همراه با حق است و هزاران ناحق تأثیری در ما نمی کند.

امروز ۵ نفر از برادران سرباز فارس خود را تسلیم نیروی های حق و آزادی کردستان کردند و با احترام و شادمانی وارد مهاباد شدند.

منبع: روزنامه کردستان شماره ۵۴ چهارشنبه ۱۵ خرداد ۱۳۲۵ - ۱۹۴۶ **
کرد ملتی شجاع و شایسته زندگی کردن است.

بعد از ۲ بهمن ماه ۱۳۲۴ بعضی از ملتهای دیگر دنیا، به ملت کرد، میهن کرد، با وضع زندگی کرد و چگونه زندگی می کنند آشنا نبودن ولی امروز تاریخ ۲ بهمن کرد خود را به دنیا آشنا کرد و این ملت قهرمان در میان ملتهای دنیا جایگاه شایسته ای و محترمی را برای خود ایجاد کرده و راستی و حقانیت خود را اثبات کرد و به دنیا نشان داد که کرد از خواسته های خود کسی را پشتیبان نمی داند و خود و با دست خود آرمانهای خود را بدست خواهد آورد. چهار ماه قبل ما سازمان حکومت ملی کرد را بنیاد نهادیم و مقرارتی عادلانه در میهن خود را بکار بردیم. ولی حکومت ایران کارهای ما را به هیچ میپنداشت و از حکومت ملی کردستان تنقیدی بیجا می کرد و با کلمات زشت کردها را یاد میکرد. ولی امروز هوشیار شده اند و فهمیده اند که امکان ندارد چرخش تمدن دنیا به عقب برگردد و نباید بیش از ۳ میلیون کرد ایرانی زیر یوغ و بردگی قرار دهند.

سید محمد حمیدی

منبع: روزنامه کردستان شماره ۵۴ چهارشنبه ۱۵ خرداد ۱۳۲۵ - ۱۹۴۶ *

به مناسبت حل موضوع آذربایجان ماده ۱۳

قرارداد منعقدہ بین دولت و نمایندگان آذربایجان کہ به امضای آقایان مظفر فیروز و پیشه‌وری رسیدہ، تصویب به اتفاق آراء آن از مجلس ملی آذربایجان و استعفای آقای پیشه‌وری از ریاست حکومت ملی آذربایجان ثابت نمود کہ مردم این ایالت جزء حقوق مسلم کہ لازمہ زندگانی در دنیای امروز است و جزء بدست آوردن امتیازاتیکہ در سایہ آن بتوانند وسایل ترقی و رفاه مردم آن سامان را تأمین کنند خواستہ‌ای نداشته‌اند.

وضعیت اکراد مقیم آذربایجان به موجب ماده ۱۳ قرارداد تثبیت و چنین مقرر گردید:

ماده ۱۳- دولت موافقت دارد کہ اکراد مقیم آذربایجان از مزایای این موافقت نامہ برخوردار بوده و طبق ماده ۱۳ ابلاغیہ دولت تا کلاس پنجم ابتدائی به زبان خودشان تدریس نمایند.

منبع: نامہ ہفتگی کوهستان شماره ۶۰ دوشنبہ ۲۷ خرداد ۱۳۲۵. ۱۹۴۶.
مجلس ترحیم و عزاداری از طرف حکومت کردستان

میخائیل ایوانویچ کالین رئیس سابق ہیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماہیر شوروی سوسیالیستی و عضو ہیئت سیاسی کمیٹہ مرکزی حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی کہ یکی از بلشویکهای سابق و ہمکار وفادار لنین و استالین و مردی بزرگ اتحاد شوروی بود بعد از پنجاہ سال مبارزہ در راہ آزادیخواہی در سن ۷۱ سالگی در روز ۱۳/۳/۱۳۲۵ ساعت ۵ و ۲۰ دقیقہ بعد از ظہر از دنیا رفت و آزادیخواہان را غمناک کرد.

به همین مناسبت روز ۱۳۲۵/۳/۱۵ مجلس ترحیم و عزاداری از جانب حکومت کردستان ترتیب دادہ شد و پرچم کردستان در تمامی ادارات کردستان به حالت نیمہ افراشتہ درآمد.

منبع: روزنامہ کردستان شماره ۵۶ دوشنبہ ۲۰ خرداد ۱۳۲۵. ۱۹۴۶. **

ما اگراد چه می خواهیم..؟

در این موقع که نمایندگان ما در تهران مشغول مذاکرات بودند تمام آزادیخواهان ایران انتظار داشتند بزودی اختلافات فیما بین از طریق صلح و مسالمت حل شود. ناگهان ارتش متمرکز شده در محور سقز در سقز و کردستان مرکزی که آلت دست اجرای مقاصد شوم امپریالیزمها هستند و تحت قدرت نوکرهای حلقه بگوش آنان اداره میشود بر علیه قوای ملی ما با عده زیادی از سرباز و چند تانک و هواپیما حمله نموده انتظار داشتند شاید بزودی قوای غیور و دلیر ما را از پا درآورده و در نتیجه به آمال و مقاصد شوم خویش نائل شوند.

ولی به محض روبه رو شدن با قوای ملی ما پی به اشتباه خویش برده بعد از تارومار شدن عقب نشینی اختیار کردند.

ما ملت کرد از کشته شدن آن سربازان بیگناه که برادران ما بوده و از فرسنگها راه با قوهی سرنیزه برای حفظ و حراست موقعیت استعمار و عمال مزدور آنان آورده شده اند.

از آنجائیکه ما ملت کردستان از اوامر پیشوای محبوب خویش اطاعت نموده و انتظار حل مسالمت آمیز مشکله خود را داریم وضع تدافعی به خود گرفته و از هرگونه تعرض همانطوریکه تا بحال خودداری شده خودداری خواهیم کرد و مخصوصا اعلام میداریم در صورت تعرض به قوای ما هرگونه مسئولیت از عهده ما خارج است.

ابراهیم نادری

منبع: روزنامه کردستان شماره ۵۷ چهارشنبه ۲۲ خردادماه ۱۳۲۵. ۱۹۴۶.

بخشنامه

بنابه فرمان ۲۹۴ - ۱۳۲۵/۳/۱۸ پیشوای معظم به تمامی پیشمرگان و افسران کردستان اطلاع دادند که از این تاریخ احترامات نظامی نسبت به افسران آذربایجان همانند افسران و درجه داران حکومت ملی کردستان بعمل آید و مراعات شود.

معاون وزیر وزارت جنگ کردستان - جعفر کریمی

منبع: روزنامه کردستان شماره ۵۹ دوشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۲۵. ۱۹۴۶. **

قابل توجه آقای قوام السلطنه و آزادیخواهان

دوباره حمله مرتجعین!!!

براساس خبرهای رسیده از جبهه، برای چندمین بار روز ۱۳۲۵/۳/۲۵ سربازان مرتجعین و ظالمان در جبهه‌ی سقز با نیروهای پیاده و تانک و توپ حمله سختی را به نیروهای دموکرات کردستان آغاز کردند و سپاه کردستان هم در برابر این تجاوز دفاع کرده و جنگ حالتی راستین به خود گرفت.

در نتیجه به ناچار قوای کردستان به ضد حمله اقدام کرد و پس از جنگی سخت، نیروهای فاشیست با برجا گذاشتن کشته و زخمی بسیار زیاد با رسوایی فرار کردند. و زیانهای وارد شده برای آنان عبارت بوده از:

۱. در حدود هزار کشته و زخمی.

۲. دو تانک منهدم شدند.

۳. دو هواپیما سقوط و آتش گرفته‌اند.

۴. مقدار زیادی تفنگ، فشنگ و مسلسل بدست نیروهای کردستان افتاده و تنها ۱۱ نفر از نیروهای کردستان زخمی شده‌اند. این عدم تعادل زیانها نشان می‌دهد که حمله از طرف مرتجعین بوده است.

همه جهان می داند که مدت سه ماه است که سپاه کردستان برای پاسداری از مرزها در اطراف سردشت و بانه و سقز مستقر شده است. در این مدت تا به امروز نیرویهای کردستان سرخود دست به کوچکترین حمله‌ای نزده‌اند. اما این بیشرمان علیرغم اینکه در این مدت مداوماً با کردستان و آذربایجان در مذاکره بوده‌اند به قوای دمکرات کردستان حمله کرده‌اند.

رفتن حضرت پیشوا به "سرا"

روز ۱۳۲۵/۳/۲۶ رادیو کردستان اعلام کرد که حضرت پیشوای کردستان از تبریز رهسپار دهکده "سرا" شدند و با سرلشکر رزم آراء گفتگو کردند. فعلاً به بازدید جبهه‌ها رفته و دستورات لازم را صادر فرموده‌اند.

در جبهه

براساس خبرهای رسیده از جبهه، در جنگی که در تپه دهکده "مامش" روی داده دشمن با ۳ هزار نفر حمله کرده و با تانک و توپ و هواپیما از زمین و آسمان پشتیبانی از دشمن کرده‌اند. تنها ۳۰ نفر از برادران بارزانی به فرماندهی برادر قهرمان مصطفی خوشنا و جواب داده شد و دشمن با کشته و زخمی زیادی عقب نشینی کردند.

از جانب حضرت پیشوا دستوری صادر شده که به ۱۱ نفر از جنگجویان که یکی از آنها برادر محبوب ما "محمد قادری" است مدال قهرمانی اهدا شود.

منبع: روزنامه کردستان شماره ۶۰ چهارشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۲۵. ۱۹۴۶. **

سقز و جانوران موذی آن

مسافرینی که در این دو سه روز از سقز آمده‌اند اوضاع آن منطقه را اینگونه بیان می نمایند.

از هنگامی که بین آقای قاضی محمد رهبر حزب دمکرات کردستان و تیمسار سرلشکر رزم آراء ملاقات شد آرامشی در اطراف حکمفرما گردید از آن هنگام از فشار و زحمت مأمورین بر مردم کاسته شد و در کمیابی و گرانی اجناس تخفیف محسوسی بوجود آمد. زیرا تا قبل از این ملاقات زارعین و ده‌نشینان بقدری در فشار و مزاحمت مأمورین بودند که کمتر فکر آمدن به شهر و عرضه داشتن آذوقه را می نمودند ولی از آن به بعد که از فشار کاسته شد مراجعه زارعین به شهر زیادتر شد و خواربار بیشتر گردید و تقریباً نرخ خواربار به نسبت ۵۰ تا ۷۰ درصد تنزل نمود.

عده‌ای از مردان پست و ننکین شهر که مدتها در مکتب عبدالقادر صابری "قاله مود" به چاپیدن و پاپوش سازی برای مردم اشتغال داشتند اکنون که این عنصر کثیف از آن منطقه رانده شده می خواهند بهر وسیله شده مرثیه بلند آن عنصر بی نظیر را بدست آورند.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۶۳ دوشنبه ۱۷ تیر ۱۳۲۵. ۱۹۴۶.

سفر حضرت پیشوای کردستان به تهران

رادیو تبریز: حضرت پیشوای کردستان جناب قاضی محمد روز ۱۳۲۵/۴/۵ ساعت ۸ صبح به همراهی جناب آقای محمد حسین خان سیف قاضی و هیئت وزیران حکومت ملی آذربایجان و عده‌ای از محترمین حضور داشتند با هواپیما از تبریز به سوی تهران پرواز کردند.

بنابه گفته رادیو تهران ساعت ۱۰ صبح حضرت پیشوا و رهبر کردستان از جانب روسای احزاب آزادیخواه و شمار زیادی از آزادیخواهان و رجال و محترمین مورد استقبال قرار گرفت و فوراً از جانب آقای قوام السلطنه

نخست وزیر ایران دعوت شدند و با احترامات فراوانی مورد استقبال قرار گرفتند.

منبع: روزنامه کردستان شماره ۶۵ سه‌شنبه ۱۴ تیر ۱۳۲۵ - ۱۹۴۶ **

قاضی محمد رهبر فرقه دمکرات در تهران

طیاره آقای قاضی محمد در میان احساسات انبوه مردم تهران که در فرودگاه مهرآباد اجتماع کرده بودند در میدان هواپیمائی به زمین نشست. استقبال سران اکراد مقیم تهران و ابراز احساسات مردم قدم به قدم این میهمان عزیز را دنبال میکرد.

آقای قاضی محمد تا موقعیکه در تهران هستند مهمان دولت بوده و در ویلای شماره ۵۰ مهمانخانه دریند سکنی دارند.

اولین ملاقات ایشان با رئیس محترم دولت در محیطی از صمیمیت برگزار شد. مذاکرات اساسی در این هفته آغاز و امید می‌رود با حسن نیتی که طرفین دارند موضوع کردستان به وضع بسیار رضایت بخش و مطلوبی خاتمه یابد.

تلگراف کردستان

روشنفکران کردستان " شهرستان سنندج " از آقای نخست وزیر تقاضا دارند از مزایای موافقت نامه اخیر برخوردار گردند.

جناب اشرف آقای قوام السلطنه نخست وزیر

در این موقع که دولت آن جناب با حل مسالمت آمیز مسئله ایالات شمال غرب، قدم برجسته در راه اجرای اصول دموکراسی برداشته و علیرغم آرزوهای مخالفین آزادی با این اقدام شایسته محبوبیت و افتخارات خاصی بدست آورده‌اند.

مردم محروم و رنج‌دیده کردستان سنج نیز انتظار دارند مانند برادران شمالی خود از مزایای موافقت‌های اخیر که بی شک شهره تحولات دموکراتیک است بهره‌مند گردیده حقوق اجتماعی خویش را بدست آورند. ما امضاء کنندگان که مانند بیش از یک‌کروار دیگر از سکنه این خطه فکر می‌کنیم ضمن تبریکات حسن نیت آن جناب امیدواریم مراتب آزادیخواهی و تدبیر شخص آقای نخست وزیر در تأمین آروزهای مشروع ما اثر پرافتخاری باقی‌گذارد.

امضاء بیش از ۹۰ نفر از روشنفکران کردستان

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۶۲ دوشنبه ۱۰ تیر ۱۳۲۵ - ۱۹۴۶

مذاکرات ادامه دارد

نزدیک به دو هفته است آقای قاضی محمد رهبر حزب دمکرات کردستان برای مذاکره در باره اوضاع آن سامان به تهران آمده‌اند. جلساتی چند با اولیای دولت مذاکرات جریان داشته و چنین پیش‌بینی می‌شود که تا حصول نتیجه قطعی نه اظهار از ناحیه دولت و نه مصاحبه‌ای از طرف آقای قاضی محمد بعمل آید.

چیزی که مسلم است این است که دولت مایل است موضوع کردستان بطرزی که موجب امیدواری آزادیخواهان باشد حل گردد و پیش‌بینی می‌شود که جریان مذاکرات تقریباً یک هفته دیگر هم ادامه داشته باشد. در خلال این مدت که مذاکرات در محیطی صمیمانه انجام شده سمپاشیهای بعضی از جراید همچنان ادامه داشته، دسته‌ای به نام مصاحبه واقعی اظهارات زننده و تأسف آوری منتشر ساخته و دسته دیگر آنرا عیناً و با عناوین زننده‌تر اقتباس و نقل کرده و قهرمان یاوه‌سرائی خبرنگار گمنام روزنامه اطلاعات هم هر روز مجعولات خود را بر صفحات این روزنامه عصر تهران منعکس می‌نماید.

از کردستان

در انتظار نتیجه مذاکرات آقای قاضی محمد رهبر حزب دمکرات کردستان با دولت، فعلا در منطقه کردستان آرامش برقرار است. ولی هنوز معلوم نیست مذاکرات در چه زمینه و نتیجه‌ای که تا بحال بدست آمده تا چه اندازه راضی کننده باشد. بهر حال برای روشن شدن در این موضوع باید به انتظار هفته آینده بود.

در ایران ما چه می گذرد؟

آنچه از لحاظ سیاست داخلی مهم است تدبیر سیستم سیاسی مخصوص رئیس دولت فعلی می باشد و نباید از انصاف گذشت که در عین اینکه آقای قوام یکی از ورزیده‌ترین عناصر سیاسی زمان کنونی ایران می باشند. ولی اغلب اعمال ایشان با ابهام مخصوصی توأم است که حتی برای افراد واقع بین نیز اقدامات سیاسی ایشان کمی تولید دلوآپی میکند.

انتقاداتی که از طرف روزنامه‌های طرفدار دولت نسبت به حزب دمکرات که منشی کل آن خود آقای نخست وزیر است می شود با سعی و کوششی که از طرف یک تیپ دیگر برای تحکیم این طفل نوزاد می‌گردد بطور کلی دو نوع فکر مختلف در نزد دو نیرو و دو تیپ مختلف ایجاد نموده است.

عده‌ای شدیداً معتقدند که بدست این حزب که طرفدار اصلاحات قطعی و رفورمهای حساس اجتماعی است بیشتر مشکلات فعلی حل خواهد شد و چون مطابق مقتضیات اجتماعی و فلسفه مخصوص زمان و مکان ما ایجاد شده نضج خواهد گرفت و ارتجاع و سیاستهای قدیمی را یکباره در پس پرده فراموشی خواهد انداخت و ضمناً این نقطه منفی را که محملی برای اعتراض بر عیله این حزب است با منطقی روشن بدینطریق رد میکنند که به هیچ وجه از نظر اصول ایرادی نیست که حزب از بالا تشکیل شود.

اما نظر گروه مخالف این است که این جوش و خروشها نتیجه ندارد و این حزب مامن افراد واخورده و عناصر محرک خواهد گردید و در واقع حریفی است که در مقابل نهضت‌های طبیعی و واقعی دیگر و برای انتخاب تراشیده شده است.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۶۳ دوشنبه ۱۷ تیر ۱۳۲۵. ۱۹۴۶.

اخبار داخلی خودمان

سفر وزیر جنگ به جبهه و اعطای درجه‌ی سروانی

روز ۱۳۲۵/۴/۱۴ ساعت ۸ صبح جناب آقای محمد حسین خان سیف قاضی وزیر جنگ و جناب ملا مصطفی بارزانی با عده‌ای از پیشمرگان به جبهه عزیمت کردند. در نتیجه فداکاری که آقای "محمد قادری" در جنگ ۱۳۲۵/۳/۲۴ در جبهه با برادران بارزانی انجام داده بودند از طرف جناب وزیر جنگ به درجه سروانی مفتخر شدند.

منبع: روزنامه کردستان شماره ۶۶ سه‌شنبه ۱۸ تیر ۱۳۲۵. ۱۹۴۶. **

کرد و کردستان به دیدار مبارک ایشان شاد و زنده شدند...

حضرت پیشوا از بازگشت سفر خود از تهران چند روزی در تبریز توقف کردند و روز ۱۳۲۵/۴/۲۶ که خبر به مهاباد رسید، هیئت مرکزی و سران حکومت ملی و فرماندهان ارشد کردستان و محترمین تا میاندوآب و همچنین شاگردان مدارس و نزدیک به ۱۰ هزار نفر زن و مرد بزرگ و کوچک از تمامی اقشار ملت تا یک فرسخی مهاباد به استقبال پیشوای محبوب خود رفتند. ساعت ۶ بعدازظهر روز ۱۳۲۵/۴/۲۷ در میان شور و شوق و گل باران به مهاباد رسیدند و کرد و کردستان به دیدار مبارک ایشان شاد شدند.

منبع: روزنامه کردستان شماره ۶۹ یکشنبه ۳۰ تیر ۱۳۲۵. ۱۹۴۶. **

نتیجه مذاکرات را در سقز باید دید

صبح روز سه‌شنبه گذشته آقای قاضی محمد پس از قریب دو هفته توقف در تهران با هواپیما به سوی تبریز عزیمت نمودند و با وجود اینکه قریب یک هفته از عزیمت ایشان می‌گذرد هنوز از طرف دولت راجع به مذاکرات و نتایج آن اظهاری نشده است.

آنچه مسلم است آمدن آقای قاضی محمد و مذاکرات ایشان با دولت برای بحث در اطراف وضع مهاباد و کردستان شمالی نبوده، زیرا سرنوشت این ناحیه را دولت ضمن موافقت نامه‌ای که با ایالت آذربایجان امضاء نموده تعیین و تثبیت کرده و جزء اقدامات و توافق نظرهای محلی مذاکرات مرکزی ضرورتی نداشته است.

از این قسمت که بگذریم اوضاع سقز و بانه و سردشت و تمرکز قوای دولتی در این نواحی جلب توجه می‌نمایند. سرو صدها و تصادفهای که اخیراً اهمیت نهضت کردستان شمالی را روشنتر نموده از همین ناحیه و از تماس نیروهای دولتی با قوای دموکرات سرچشمه میگیرد و قطعاً یکی از مسائلی که مورد علاقه دولت بوده و خواسته به‌نحو رضایت بخش حل شود همین موضوع بوده است.

اگر به ابتدای امر برگشته توجه نمائیم خواهیم دید که در تمرکز قوا در این ناحیه دولت پیشقدم بوده و در مواقعی که دموکراتهای کردستان قوای در قسمتهای شمالی ناحیه سقز و بانه و سردشت نداشته‌اند با شتاب عجیبی لشکر کردستان تقویت میشد و سیل سرباز و مهمات بود که به این نواحی اعزام می‌گردید.

در همان موقع به دولت وقت تذکر دادیم که تمرکز قوا در منطقه سقز موجب خواهد شد که از کردستان شمالی هم در مقابل نیروهای اعزامی مرکز قوای برای مدافعه احتمالی فرستاده شود و طولی نخواهد کشید که اوضاع این ناحیه به وخامت خواهد رفت. ولی مانند تمام پیش‌بینی‌های

که راجع به کردستان نموده و به موقع راه چاره آنرا به دولتها پیشنهاد کرده‌ایم و گوش نداده‌اند به این تذکر هم توجهی نشد و عاقبت دیدیم نتایج حاصله چه بود.

اگرچه باز هم تلاشهای مختصرانه برای کتمان حقایق ادامه دارد و کسانی که مدت بیست سال "خاطر مبارک آسوده باد" را شعار خود قرار داده به جای تذکر معایب و نواقص ثناخوانی را به منظور اغفال دولت و مردم هنوز پیشه خود دارند.

وضعیت منطقه سقز شاید به این طریق حل شود که رفته رفته دولت قوای نظامی متمرکز در این ناحیه را از آنجا فرا خوانده و دموکراتهای کردستان هم کم کم و به همان نسبت از نیروی خود بکاهند تا آن منطقه دارای پادگانهای ماند قبل از ۱۳۲۰ گردد.

در مهاباد نهضتی بوجود آمده بود که مورد بغض و نفرت دولتهای گذشته بود. بیم آن میرفت که این نهضت هم به جنوب سرایت کرده بدو در منطقه سقز و بعدا به طرف شهرستان سنندج و بعد هم قدری پائین تر بیاید. دولت وقت برای جلوگیری از این سرایت بهترین راه را این تشخیص داد که با سدی از آهن و فولاد و توپ و تفنگ مانع گردد تا در موقع مقتضی هم اگر توانست از همین وسیله برای محو و نابودی این نهضت استفاده نماید.

از همین ساعت هزینه اردوکشی به کردستان در بودجه وزارت جنگ عرض اندام نمود و ارقام آن روز به روز رو به افزایش رفت و قطعا از میلیونها تومان هم گذشته ولی اگر پیرسیم این رقم تا به حال به چه میزان بالغ شده قطعا فرمان قطع زبان ما صادر خواهد گشت. بنابراین نه ما سؤال را میکنیم و نه اگر هم سؤال کنیم حقیقت را بما خواهند گفت.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۶۴ دوشنبه ۲۴ تیر ۱۳۲۵. ۱۹۴۶.

مصاحبه پیشوا قاضی محمد با روزنامه " رهبر "

. قلمرو کنونی نهضت کردستان تا کجاست؟

. دشوار است منطقه‌ی نفوذ حزبی را که در میان جامعه‌ای وسیع پخش شده است تعیین کرد. اما نهضت ما مستقیماً کردهای حومه ماکو، شاپور، خوی، رضائیه، اشنویه، سندوس، سقز و سردشت را که در حدود ۷۰۰ الی ۸۰۰ هزار نفرند با شایستگی رهبری میکند.

. مختصری در باره‌ی سابقه‌ی تاریخی نهضت خودتان شرح دهید؟

. آغاز (فعالیت) حزب دمکرات از مظلومیت و نارضایتی قدیم و دیرینه نشئت گرفته است، اگرچه سابقه‌ی آن زیاد است اما از ۹ ماه قبل فعالیت عملی خود را آغاز کرده است. (کمیته مرکزی حزب در مهاباد است) شروع مجدد فعالیت حزب ما، عکس العمل فشار آوردن دول مرتجع سابق است که قبل از این دولت بر سر کار بوده‌اند و میخواستند با همه‌ی نهضت‌های طرفدار آزادی و استقلال ایران مقابله کنند.

. چه اقداماتی تاکنون در ناحیه و منطقه انجام گرفته است؟

. کار بسیار برزگی که نهضت ما در منطقه‌ی تحت سلطه‌ی خویش انجام داده است، ایجاد روی صمیمیت و همبستگی و وحدت بی نظیر صدها هزار نفر از برادران ایرانی شماس. امنیت و آرامشی که در این منطقه است بیسابقه است و ملت ما از جانب خود در ایجاد و ابداع و دفاعی شرافتمندانه از حیثیت ملی ایران شاهکارهای زیادی انجام داده است. با این مدت زمان کوتاه و نبودن وسایل ساختن راهها، با تأسیس مدارس و چاپخانه و منتشر شدن روزنامه و مجله و تربیت سیاسی و نظامی که کردهای هم میهن شما را به سوی پیشرفت و ترقی برده است.

. از اوضاع کردهای جنوب که مستقیماً تحت تأثیر نفوذ معنوی شما نیستند اطلاع دارید؟

. در این نقاط از هر گونه جنبش دمکراتیکی جلوگیری شده است. اما ما میدانیم در همه جا همه کردهای تحت ستم و عاشق آزادی طرفدار نهضت متری ما هستند.

. وضع کنونی کردهای جهان را برای ما شرح دهید؟

. غیر از کردهای ساکن ایران، در حدود ۲،۵ میلیون کرد در ترکیه هستند. از شیوهی برخورد و رفتار فعلی دولت ترکیه نسبت به کردهای ساکن آنجا خبری ندارم، اما پیش از این کشتار و اذیت و آزار آنان برقرار بود و اینکه دولت ترکیه ادعا میکند که مسئله کرد را حل کرده، مورد قبول من نیست، مگر اینکه تصور کنیم به کمک فشار و سرکوب آروزیهای ملی آنان صورت گرفته باشد... علاوه بر این قریب یک میلیون و دویست هزار کرد در عراق زندگی میکنند، رفتار حکومت عراق از فرار و پناه بردن جمعی کردهای عراق به منطقه‌ی دمکراتیک ما روشن می‌گردد. اما باید گفت که رفتار دولت فرانسه با قریب صد هزار کردی که در سوریه ساکن هستند خوب بوده است.

. چه روابط معنوی میان نهضت آذربایجان و کردستان در میان است؟
. هر دو طرف ما برای آرمانیکه آزادی و استقلال حقیقی ایران است فعالیت میکنیم.

. میتوانید ما را از گفتگو تهران و یا از کلیاتی از آن آگاه سازید؟

. من چند جلسه با آقای مظفر فیروز معاون سیاسی آقای قوام السلطنه نخست وزیر و آقای سرلشکر رزم آراء و دو بار با جناب نخست وزیر ملاقات کرده‌ام. نیت جناب نخست وزیر را آمیخته به تفاهم دیدم. متأسفانه مانعی گفتگوهای ما را به عقب انداخت و آن بیماری جناب قوام السلطنه بود. از خداوند خواهان سلامتی سریع ایشان هستم تا مذاکرتمان را با خیر و خوشی و به نفع آزادی به پایان برسانیم.

. آیا در این میان توطئه‌های مرتجعین و عقب نشینها قابل توجه و تعمیق نیستند؟

. وقتی اراده‌ی ملت و دولتی براساس کاری درست و خوب هماهنگ باشند، هیچ چیز نمی تواند از آن ممانعت کند. من آینده‌ای خوب پیش بینی میکنم و امیدوارم دولت مرکزی بتواند دموکراسی را در سرتاسر ایران گسترش دهد. . نهضت دموکراتیک کردستان تا چه اندازه‌ای به دموکراسی آینده‌ی ایران یاری میرساند؟

. نهضت ما از آزادیخواهان تهران الهام گرفته است. ما شاعری ملی و معروف داریم به نام هزار که قصیده‌ای از او در روزنامه رهبر چاپ شده بود. او در این قصیده گفته: " ما با شمشیر، آنان با قلم "، من این سخن را چنین بیان میکنم که قلم شما در تهران کار صد شمشیر منطقه‌ی ما را انجام میدهد. ملت ما به نهضت آزادیخواهانه‌ی ایران بسیار امید دارند. روزنامه‌های آزادیخواه تهران را با اشتیاق میخوانند و روزنامه‌های ارتجاع و استبداد را تف و لعنت میکنند.

. آیا در این ماههای آخر بین دولت مرکزی و نهضت دموکراتیک کردستان مانعی وجود داشته که از نزدیکی طرفین و توافق جلوگیری کند یا نه؟

. قبل از دولت جناب قوام السلطنه چنین موانعی زیاد بودند، اما پس از روی کار آمدن این دولت، دولت مرکزی برای توافق و سازش تلاش کرده است.

. چرا فرانسویها راجع به مسائل کرد بسیار ابراز علاقه میکنند و آیا این خبر خبرنگار فرانسه که از قول شما گفته است که: " ما هر زمانی که بخواهیم کرمانشاه را به دست میگیریم " درست است یا نه؟

. من فکر میکنم که فرانسویها نظر بدی نسبت به کردها ندارند. در سوریه تا آنجا که توانسته‌اند به کردها کمک کرده‌اند. راجع به خبرنگار فرانسه که

از من نقل قول کرده، نخست اینکه این سخن به حال که ما طرفدار حل مسئله به شیوه‌ی مسالمت آمیز حل شود هستیم، ارتباط ندارد. دوم هدف ما امپریالیستی نبوده بلکه مقصود آزاد کردن بخشی از هموطنانمان و کمکی بیشتر به آزادی سراسر ایران بوده است. باز هم تکرار میکنم که دولت کنونی چنین نظریاتی را که متعلق به زمان حکومت‌های ارتجاعی پیشین است از بین می‌برند.

منبع: روزنامه کردستان شماره ۶۹ یکشنبه ۳۰ تیر ۱۳۲۵ - ۱۹۴۶ *



از راست: سعید خان همایون، قاضی محمد، مصطفی سلطانی

تهران روستای مبارک آباد روز جمعه ۷/۴/ ۱۳۲۵ - ۱۹۴۶

عکس : از صفحه فیسبوک آقای موحیب مهابادی

جناب قاضی هم رفت

" وقتی که باران باریده است چاره جز نوشیدن آب باران نیست "

جناب قاضی محمد که برای مذاکره با نخست وزیر و دولت مرکزی به تهران آمدند. پس از چند روز اقامت و ملاقات با نخست وزیر و اعضای دولت بعمل آورد به سوی کردستان بازگشت.

هنگامیکه جناب قاضی به تهران آمد ما در اطلاعیه‌ای در " ایران ما " به این مناسبت انتشار دادیم و کوشش کردیم که کردها انتظارشان را از دولت تا آنجا که اطلاع داشتیم در اینجا منعکس ساختیم.

تا اندازه‌ئی اوضاع کردستان با آذربایجان را مقایسه کردیم و یادآوری میکنیم نهضت دموکرات کردستان به رهبری قاضی محمد در کمال شایستگی رهبری میکند به اندازه نهضت دموکراتیک آذربایجان برای تحول و اجرای دموکراسی واقعی اهمیت دارد.

هنگامیکه جناب قاضی تازه وارد تهران شده بود و هنوز مذاکرات با مقامات دولتی شروع نکرده بودند. خوشبختانه ملاقات با ایشان مثل ملاقات با نمایندگان آذربایجان ممنوع و منحصر به اشخاص مخصوصی نبود چند تن از نویسندگان " ایران ما " با جناب قاضی ملاقات کردند.

در این ملاقات خصوصی که عده‌ئی دیگر از دوستان قاضی و روزنامه‌نگاران هم حضور داشتند یکی از حاضرین از جناب قاضی در باره درخواستهای کردها سئوالاتی کرد که ما امروز بیجا نمیدانیم قسمتهائی از آنها را منتشر کنیم.

در جواب این سئوال که کردها چه می‌خواهند؟ قاضی با کمال خوشروئی پاسخ داد: که ما فقط دموکراسی و اجرای عدالت اجتماعی و آزادی در راه ترقی و پیشرفت صلحجویانه را برای تمام ملت ایران می‌خواهیم. امروز خواه ناخواه مقتضیات دنیا عوض شده است و مردم دنیا با روشها و عقاید

تازه‌ئی آشنا شده‌اند و درخواستهای تازه‌ئی دارند که باید با ایشان موافقت کرد.

در اینجا قاضی یک تمثیل حساس و شیرین را نقل کرد.

قاضی چنین گفت: " زمانی در کشوری، پادشاهی با وزیرش حکومت میکردند. یک وقت پادشاه با علم مطلقه‌اش دریافت که بزودی بارانی خواهد بارید که هر کس از آن باران بیاشامد فکرش تغییر خواهد کرد و دیوانه خواهد شد. به این مناسبت به وزیر خود دستور داد که مراقبت کند تا کسی از رعایای مطیع او از آب این باران نیاشامد.

اما باران بارید و تمهیدات وزیر بکار نیامد و مردم بتدریج از آب باران نوشیدند، فکرشان تغییر کرد و به نظر پادشاه و وزیر دیوانه شدند و نافرمانی آغاز کردند.

اینبار وقتی که اکثریت مردم بر اثر آب باران دیوانه شده بودند، همه پادشاه و وزیر را که با آنها سازگار و همراه نبودند دیوانه میدانستند و اصرار داشتند که پادشاه و وزیری عاقل که با آنها سازش داشته باشند برای خود انتخاب نمایند.

پادشاه وزیر خود را خواست و با او تبادل نظر کرد و چاره‌جویی نمود. وزیر گفت: پادشاه‌ها اکنون مردم همه دیوانه شده‌اند ممکن نشد که از آمدن باران و نوشیدن مردم جلوگیری کرد اما من برای احتیاط یک جام از آب باران ذخیره کرده‌ام و اگر میخواهید بر این مردم حکومت کنیم باید ما هم از این آب بنوشیم و با آنها همراه شویم و پادشاه و وزیر ایشان بمانیم."

اما هر کسی که این داستان را بشنود می‌فهمد که امروز واقعا بارانی که تغییر دهنده افکار است در کشور ما هم باریده است و هیئت حاکمه ما برای اینکه باز هم بتواند با مردم سازگاری داشته باشد و برایشان حکومت کند ناچار باید از این باران دموکراسی بیاشامد و صمیمانه همراه مردم شود.

قاضی با این تمثیل می خواست مقتضیات زمان و مکان و ضرورت اجرای دموکراسی واقعی را که مورد تقاضای او و تمان آزادیخواهان ایران است متذکر شود.

در جواب سؤال دیگری که راجع به محمد رشید (حمه رشید) و ملا مصطفی بارزانی از او شد. قاضی گفت: محمد رشید یک نفر کرد است. خانواده او و پدران او و خود او قرن‌ها و سال‌ها در بانه سکونت داشته‌اند و به این مملکت خدمت کرده‌اند. در زمان حکومت رضا شاه او بر اثر فشار طاقت فرسا به کردهای عراق پناهنده شد و پس از شهریور ۱۳۲۰ به ایران بازگشت. اما ملا مصطفی هم از آزادیخواهان بنام کرد در عراق است که سالیان دراز بر علیه استعمار و برای کمک به ملت عراق مبارزه کرده است و امروز بر اثر فشار استعمارطلبانی که بر عراق مسلط هستند به خاک ایران پناهنده شده است و اکنون وظیفه دولت ایران است که از او که یک آزادیخواه معروفی است حمایت و نگاهداری کند.

" ایران نه تنها باید مهد آزادی باشد بلکه باید یکی از پناهگاههای مبارزین و آزادیخواهان تمام دنیا باشد ".

یکی از حاضرین می‌گفت: که مطبوعات دست راست و وابسته به دولت فعالیتهای نظامی را که در کردستان میشود بر علیه ملا مصطفی که به نظر آنها بیگانه است و محمد رشید وانمود مینمایند و نه بر علیه کردهای دموکرات.

قاضی گفت: که ما چنین تصور نمیکنیم یعنی خیال میکنیم که کردها در هر جای دنیا که باشند ایرانی هستند و خواهند بود. اگر کسانی هستند که افرادی از کردها را غیر ایرانی و خارجی میدانند و اینطور تصور میکنند که ممکن است کرد غیر ایرانی باشد در واقع به ایران و اجتماع ایران خیانت میکنند. اگر دولتهای گذشته در طول تاریخ بر اثر بی‌لیاقتی عده‌ای از بهترین افراد ملت ایران را در پشت مرزهای قراردادی خود گذارده‌اند. این سلب

ملیت آنها را نمیکند و در حقیقت آنها تغییر ملیت نمیدهند و نباید آنها را غیر ایرانی دانست.

اینهاست نمونه‌هایی از افکار قاضی محمد رهبر دموکراتهای کردستان در هرحال قاضی محمد با ایده‌آل‌های بسیار روشن و صریح برای دموکراسی ایران و خوشبختی تمام ملت ایران به تهران آمده بود.

اکنون که ایشان به کردستان بازگشته‌اند اطلاع رسمی از مذاکرات تهران و نتایجی که از آن حاصل شده است در دست نیست. آنچه مسلم است امروز ظاهراً اوضاع در مرکز ایران تغییر کلی یافته است و نخست وزیر ایران آقای قوام السلطنه سعی هستند که موازین دموکراتیک را در سرتاسر ایران تعمیم دهند و عملی نمایند و به این دلیل به نظر ما توافق میان ایشان و آقای قاضی محمد به سهولت حاصل خواهد شد.

ما تصور میکنیم که عزیمت و بازگشت آقای قاضی محمد در دنباله مذاکرات دوستانه‌ئیکه به توافق نظر طرفین منتهی شده است می باشد و باید انتظار داشت که نتایج این توافق به ظهور برسد. بطوری که گفته میشود اکنون چنین توافق حاصل شده است که دولت نیروهای نظامی اعزام شده به کردستان را فراخواند، حکومت نظامی را لغو کند و اوضاع را به شکل پیش از شهریور ۱۳۲۰ درآورد و دموکراتها هم نیروهای مسلح خود را مرخص نمایند. آنچه که باید در نظر داشت اینست که واقعا برای حل شدن تمام مشکلات ایران با کمال حسن نیت به اجرای جدی و دقیق دموکراسی همت گماشت در واقع باید هیئت حاکمه ما هم جام آب باران را سر بکشد و با آزادیخواهان بیدار ایران صمیمانه همراه و هم آهنگ شود فقط در اینصورت است که هر مشکلی به آسانی حل میکند.

منبع: روزنامه ایران ما شماره ۵۷۷ دوشنبه ۲ تیرماه ۱۳۲۵. ۱۹۴۶.

از صفحه فیسبوک آقای حسن قاضی گرفته شده است.

شماره ۵۷۷

سال چهارم

پایه هفتم

روزنامه ایران

روزنامه ایران

روزنامه ایران

روزنامه ایران

خواب قاضی هم رفت

نشیند آب باران دست چاره جز

خواب قاضی هم رفت
نشیند آب باران دست چاره جز

خواب قاضی هم رفت
نشیند آب باران دست چاره جز

خاطری که حزب دموکرات ایران را تهدید نمی‌کند، و دهران می‌زاید با کمال دشمنان آزادها

از داخل مغز فشن و طرد کنند

خاطری که حزب دموکرات ایران را تهدید نمی‌کند، و دهران می‌زاید با کمال دشمنان آزادها

از داخل مغز فشن و طرد کنند

منبع: روزنامه ایران ما شماره ۵۷۷ دوشنبه ۲ تیرماه ۱۳۲۵. ۱۹۴۶

160

سخنرانی پیشوای معظم کردستان

روز ۱۳۲۵/۵/۴ ساعت ۱۱ پیشوای معظم کردستان حضرت قاضی محمد برای سفر به ارومیه و کردستان شمالی خود آماده کرده بود، قبل از سفر در دفتر مرکزی حزب دمکرات با سران عشایر مامش، زرزا و اعضای کمیته مرکزی و جمعیت زیادی از اهالی شهر سخنرانی مهمی ایراد کردند.

برای کرد سه چیز بسیار با اهمیت و ضروری هستند

۱. آموزش ۲. تربیت درست ۳. فداکاری، اما متأسفانه فاصله ما با آنها همانند زمین و آسمان است. باید معنی تربیت را یاد بگیریم و فرماندهانمان باید معلومات نظامی فراوانی کسب کنند. شهرهایمان را پاکیزه نگهداریم تا ملت در اثر بیماری و فقر نمیرند. باید کار و ادعاهایمان با هم مطابق باشند و....

عزیزان من، زمانی ملت کرد خوشبخت می شود که ما از منابع شخصی خویش صرف نظر کنیم. همچنانکه کارهای خود را انجام میدهیم کار دیگران را نیز به راه بیاندازیم. به کار شخصی در مقابل کارهای عمومی ارجحیت ندهیم. درستکار کسی است که در اندیشه پول و ملک و مقام نیست.

از شما میخواهم که به فکر منافع شخصی خود نباشید، در دهات خود مدرسه باز کنید، بیمارستان بسازید به فقرا کمک کنید، کارخانه بخرید .. دنیا چهار پنج روزی بیش نیست، پول نام آدمی را پرآوازه نمی سازد، بلکه خدمت به ملت و میهن ستاره‌ای بر دوش انسانهاست.

شما میدانید که من برای کسب حقوق ملت کرد شب و روز کوشیده‌ام و این تلاش نیز مایه‌ی مباحثات من است. تا روزی که در این جهان هستم دست از فداکاری نکشیده و به همه جهان اثبات میکنم که کرد شایسته‌ی زندگی است.

شما خودتان میدانید که ما در آغاز به هیچ وجه ادعای تجزیه‌ی ایران را نداشتیم و تنها حفظ خواستار دموکراسی و آزادی خودمان بودیم. اما قبلاً کاربدستان ایران نه تنها به ما جواب نمیدادند، بلکه خواست ما را مسخره هم میکردند و ناچار شدیم حکومت ملی خود را برقرار کنیم و نیروی خود را در برابر آنان بیازمائیم.

هنگامی که آنها خواستند به ما تعرض کنند ما نیز به آنان یورش بردیم. اکنون آنها می‌خواهند در مقابل ما عقب نشینی کنند، ما نیز آماده هستیم عقب نشینی کنیم. وقتی آنان مردانه با ما رفتار کنند ما نیز آماده‌ایم به آنان گوش دهیم.

در سفر تهران با آقای قوام السلطنه بسیار گفتگو کردم. آقای قوام نظر مساعدی نسبت به کردها دارد. روزی آقای قوام به من گفت: حال ما هم دموکرات شدیم و حزب دموکرات ایران را تشکیل داده‌ایم. خوب است که شما هم اسم " حزب دموکرات کردستان " را عوض کنید و آنرا حزب دموکرات ایران بنامید.

من هم به او جواب دادم که بدون تصمیم کمیته‌ی مرکزی من هیچ کاری نمیکنم، زیرا دموکراسی بدین معنی است که شخص نمی‌تواند مصلحت ملت را بدون مشاوره بدست خود بگیرد.

آقای قوام به این اعتراف کرد که کردستان شایان تقدیر است و ملت کرد آماده‌ی همه نوع فداکاری برای رسیدن به آزادی است و امیدوارم بوسیله‌ی شما آزادی در همه ایران برقرار شود.

اکنون در عراق هم مبارزه را شروع کرده‌اند تا دست زورداران را از سرخویش کوتاه کنند ما آماده‌ایم به همه‌ی ایران کمک کنیم و اگر آزادیخواهان عراق نیز از ما یاری بخواهند، به آنان کمک می‌کنیم و بلکه آماده‌ایم برای کمک به همه آزادیخواهان جهان فداکاری کنیم.

اگر می خواهید هدف سفر اخیر مرا بدانید، همچنانکه آگاهید، آذربایجانیها برادر و پشتیبانان ما هستند. در روزهای اخیر شنیده‌ام که در اطراف اورمیه برخی از برادران کرد ما، مزاحمت‌هایی برای برادران آذربایجانی فراهم آورده‌اند و کدورت‌هایی بین آنان به وجود آمده است. اینکار ناشایستی است. تعدی به حقوق هر فردی از آذربایجان و کردستان برخلاف پیمان کرد و آذری و خیانت به افراد آذربایجانی و افراد کرد است. من می‌روم که ببینم منظور آنان از اینکارها چه بوده است؟

برادران من، چنانکه شنیده‌ام کسان زیادی هستند که رشوه‌خواری میکنند، کمک جمع‌آوری میکنند و به اداره‌ی دارایی تحویل نمیدهند. خریدهایی را انجام داده و جنسی را که یک تومان خریده‌اند با حکومت دو تومان حساب میکنند. خیانت و دزدی کردن کثیف‌ترین دردهای یک ملت هستند، باید از این خصائل بدون معطلی دوری کرد و امیدوارم که همه با هم شبانه‌روز برای مصالح ملت فعالیت کنیم و پول را مد نظر نداشته باشید و کینه‌ها و اختلافات را به کنار گذاشته تا بتوانیم در جهان امروز که پیشرفت بدانجا رسیده که به غیر از برق، میخواهند از اتم برای روشنائی کشوری استفاده کنند، یا به وسیله‌ی آن بمب بسازند و میهنی را از بین ببرند.

منبع: روزنامه کردستان شماره ۷۲ سه‌شنبه ۸ مرداد ۱۳۲۵. ۱۹۴۶ *

(خلاصه‌ای از سخنرانی پیشوا قاضی محمد)

بازگشت پیشوا معظم کردستان

روز ۱۳۲۵/۵/۱۸ ساعت ۱۲ خبر به ما رسید که حضرت پیشوای بزرگ کرد که چند روزی بود با جناب حاجی سید باباشیخ سیادت برای دیداری به شهرهای ارومیه، شاپور، خوی، ماکو و نقاطی از کردستان شمالی رفته بودند به مهاباد بازگشتند. **

جشن و پذیرایی در فرمانداری مهاباد به مناسبت ۴۱ ساله مشروطیت.

شب دوشنبه ۱۳۲۵/۵/۱۴ به مناسبت چهل و یکمین سالگرد انقلاب مشروطه‌ی ایران مراسمی برپا شد. در این جشن مطابق برنامه‌ی از قبل آماده شده و بر اساس دعوتی که از مردم به عمل آمده بود، همه‌ی طبقات و اهالی به ترتیب زیر در این جشن شرکت کردند:

۱. از ساعت ۲۰:۰۵ تا ساعت ۲۱:۰۵ از نمایندگان خارجی، هیئت مدیره‌ی روابط فرهنگی، آرامنه و یهودیها و معاونینشان، اعضای کمیته مرکزی و کمیته‌ی شهر و اعضای سازمان جوانان و روسای ادارات، اعضای شورای فرهنگ و دبیران و دکترها و مدیران جراید، افسران ارشد، اعضای شهرداری، مهندسین و قضات پذیرایی شد.

۲. از ساعت ۲۱:۰۵ تا ۲۲:۰۰ علما، روحانیان، تجار، اعیان و صاحبان اصناف برای عرض تبریک حضور یافتند.

۳. از ساعت ۲۲:۰۰ به بعد بقیه‌ی طبقات شهر حضور یافتند و تبریکات خود را به فرماندار محبوب عرض کردند.

از جانب آقای محمد حسین خان سیف قاضی و بقیه‌ی کارمندان فرمانداری از همه طبقات و اهالی پذیرایی گرمی میشد و هر طبقه‌ای در زمان تعیین شده پس از تبریک و تهنیت گفتن و صرف چای و شربت صندلیهای خود را برای دیگران ترک میکردند.

جناب ژنرال سیف قاضی سخنرانی پرشوری راجع به مشروطیت و قانون اساسی ایران کردند و پس از او آقای علی خسروی، آقای ابراهیم نادری، آقای جعفر کریمی، آقای عبدالقادر دباغی هر کدام نطقی درباره مشروطیت و آزادی ملت ایران ارائه دادند و در پایان آقای ابراهیم صلاح فرمانده سپاه مرکزی کردستان ابتدا مقاله‌ای را درباره نطقی مشروطیت به زبان کردی قرائت کرد و سپس همان سخنرانی را به زبان انگلیسی تکرار کرد. جشن در ساعت ۲۴ با خوشی و شادمانی پایان یافت.

منبع: روزنامه کردستان شماره ۷۵ یکشنبه ۲۰ مرداد ۱۳۲۵. ۱۹۴۶ *



پیشوا قاضی محمد

بیانات حضرت پیشوای کردستان

سفرهائی که این اواخر من انجام داده‌ام و در ضمن از شهرهای ارومیه، شاپور، خوی، ماکو دیدن کردم، با کردها و مناطق کردستان را بازدید کردم به‌خاطر این بود که برادران خودم را از نزدیک ببینم و با روحیه آنها آشنا شوم و به آنها گفتم، همانطور که خودتان میدانید ما نهضت بزرگی را برپا کردیم و زحمت زیادی کشیده‌ایم و خیلی فداکاری کرده‌ایم.

در شهرستان خوی و ارومیه با آقای پیشه‌وری رهبر فرقه دمکرات آذربایجان ملاقات کردم. آقای پیشه‌وری راجع به دوستی و همبستگی کردستان و آذربایجان دستوراتی فرمودند و گفتند: که حاضریم هرچه از ما بخواهید برای کمک و همکاری در اختیار شما قرار دهیم و آذربایجانیها آماده هستند که به خاطر کردها جان خود را فدا کنند.

آقای پیشه‌وری از بعضی کردهای اطراف ارومیه گله‌مند بود من نیز در جواب به ایشان گفتم: که کردها نیز آماده‌اند با جان و مال از آذربایجان دفاع کنند و هیچ تفاوتی بین کرد و آذربایجان وجود ندارد. چند ماه است که نیروهایمان را در اطراف سقز و بانه و سردشت نگه داشتیم این لشکر تنها برای حفاظت از کردستان نبود بلکه برای حفاظت و دفاع از مرزهای کردستان و آذربایجان بود. حدودات خارجی کردستان و آذربایجان امروز از جانب کردها محافظت میشود.

دوباره آقای پیشه‌وری فرمودند: قطعاً ما نیز برای همکاری و خدمتگزاریهای لازم به کردها آماده‌ایم. **

خلاصه‌ای از بیانات پیشوای کردستان

قاضی محمد و دولت مرکزی (از روزنامه رهبر)

در روزنامه‌های " اطلاعات و داد " خبری راجع به کردستان به خط درشتی چاپ شده است. روزنامه اطلاعات خوشبین است که رویه آقای قاضی محمد نسبت به دولت مرکزی تغییرات محسوسی کرده و در گفتگوهایش با سران کردها از دولت تجلیل کرده است. ولی روزنامه "داد" اعتقاد دارد که جابجا کردن نیروی نظامی کردها به مهاباد به خاطر نارضایتی قاضی محمد در گفتگو با تهران است.

ولی تا آنجایی که ما اطلاع داریم آقای قاضی محمد در مصاحبه‌ای که در روزهای آخر خود در تهران با پیام نویس روزنامه " رهبر " انجام داده‌اند از اینکه دولت مرکزی میخواهد که ایران را به کانون آزادی خاورمیانه (استناد به یکی از نطقهای رئیس دولت) تبدیل کند تبریک گفت. ولی به نظر میرسد که مریضی آقای نخست وزیر خصوصا در این روزها مانع ادامه گفتگوها شده و به تنها قاضی محمد هم از این مریضی ناراضی نبوده بلکه همه آزادیخواهان ایرانی در هفته‌های اخیر نگرانند که توطئه گران برعکس نظریه رئیس دولت از مریضی وی سوء استفاده کنند و از کلیه جریانات دشمنی با دمکرات در این اواخر به جدی دست داشته‌اند.

ما انتظار داریم که آقای نخست وزیر در وهله اول مسئله کردستان را در رأس برنامه‌های سنگین خود که به عهده گرفته‌اند قرار دهند. چون تمام جریانهای بعدی نشان میدهد که یک توطئه سخت دشمن استقلال و آزادی ایران است و میلیونها نفر در مملکت به شعله‌های کردستان ایران اهمیت ویژه‌ای میدهند.

منبع: روزنامه کردستان شماره ۷۶ سه‌شنبه ۲۲ مرداد ۱۳۲۵. ۱۹۴۶. **

تلگراف قاضی محمد به نخست وزیر (۱)
وزارت پست و تلگراف و تلفن

جناب آقای نخست وزیر

رونوشت: ستاد ارتش

رونوشت: آقای صدر قاضی نماینده کردستان

رونوشت: نمایندگان آذربایجان

پیرو تلگراف های پیش سقز و بانه و سردشت که در تقسیمات کشور با گروس جزو آذربایجان بود. سردشت اکنون جزو آذربایجان است. دولت آنجاها چند لشکر با مقدار زیادی طیاره، تانک زرهپوش و توپ تمرکز داده و هر روز تجهیزات و عده می افزاید و مشغول دسایس و تحریکات و نماینده ما را جواب داده اند که یک نفر از عده خودمان را کم نمی کنیم و این همه تانک و طیاره و زرهپوش ما خواهند ماند.

پس معلوم می شود دولت که قول داده بود فوری دستور می دهد اوضاع ارتش در نقاط مزبور به وضعیت قبل از شهریور بیست در خواهد آمد تا نتیجه مذاکرات تصمیم قطعی اتخاذ خواهد شد برای این بوده که کردها عده خودشان را پراکنده کنند که ارتش شاهنشاهی بتواند کماکان برای برادرکشی آزادی کامل داشته باشند. والا چرا باید رعایت قول و قرارداد پیمان به عمل نیاید.

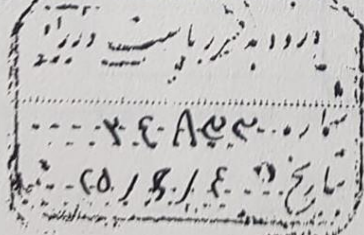
محمد قاضی

۱۳۲۵/۵/۳۱

شماره کتاب
 وزارت پست و تلگراف و تلفن
 تلگراف

ملها باد	شماره ما قبل از	عدد کلمات	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول	نام گیرنده
به ط	شماره تلگراف	۱۷۳	۳۱		روز / ماه	
					۶ / ۱	

جناب آقای نخست وزیر رونوشت سناد ارتش و نوشتنای صدر قاضی -
 نمایندگ کرد سنان رونوشت نمایندگان از رایجان پیرو تلگراف های پیش
 سفر و بانه سرد شد که در تقسیمات کشور با گروس جزیره از رایجان بود -
 سرد شد اکنون جزو از رایجان است دولت اینجاها چند لشکر با مقدار
 زیاد ی طیاره تانک زره پوش و توپ شمرکز داده و هر روز بر تجهیزات و -
 عده میافزاید و مشغول دسایس و تحریکات و نمایندگ ما را جواب داده اند
 که یک نفر از عده خود مان را کم نمیکنیم و این همه تانک و زره پوش میخواهند
 ما پس معلوم میشود دولت که قول داده بود فوراً دستور میدهد اوضاع
 ارتش در نقاط مزبور به وضعیت قبل از شهرپور بیست در خواهد آمد تا
 در نتیجه مذاکرات تصمیم قطعی اتخاذ خواهد شد برای این بوده -
 که کردها عده خودشان را پراکنده کنند که ارتش شاهنشاهی بتواند -
 کماکان برای برادر کشی ازادی کامل داشته باشند والا چرا باید رعایت
 قول و قرار داد پیمان بعمل نیاید ۱۳۲۴ - ۲۵ / ۵ / ۳۱ محمد قاضی



۲۵۵۰۰۰۰
 ۲۴۸۸
 ۲۵۵۰۰۰۰

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
 IRAN NATIONAL ARCHIVES

شماره این سند در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران ۱۴۹۸-۱۵-۱۱۶۰۰۷ می باشد.

تلگراف قاضی محمد به نخست وزیر ۱۳۲۵/۵/۳۱
 از کتاب : اسرار محاکمه قاضی محمد و یارانش گرفته شده است

جشن و چراغانی

روز ۲۵ مرداد به مناسبت پنجمین سال تأسیس حزب دمکرات کردستان در حیاط و عمارت پیشوا جشنی برگزار شد. در این جشن تمام اهالی شرکت کردند و با شیرینی و چای و میوه از مهمانان پذیرای شد.

این جشن از ساعت ۱ بعد از ظهر شروع شد، اطراف عمارت با پرچم سه رنگ کردستان و عکس پیشوای معظم تزیین شده بود. شب ساعت ۷ برنامه جشن آغاز شد و به همین مناسبت از طرف آقایان غنی خسروی، سید محمد طه زاده، دلشاد رسولی، سید محمد حمیدی، جعفر کریمی، وردی، عزیز صدیقی، سید عبدالله طه زاده، عثمان دانش، محمد امین قادری، محمد امین شرفی، سخnerانی و مقالات و اشعاری خوانده شد و در میان سخنرانیها مرتب موزیک ملی و سرود ملی کردستان نواخته می شد. جشن در ساعت ۱۲ شب به پایان رسید.

روزنامه کردستان شماره ۷۹ سه شنبه ۲۹ مرداد ۱۳۲۵. ۱۹۴۶. **

بازگشت پیشوا قاضی محمد

شب ۱۳۲۵/۶/۱۹ حضرت پیشوای معظم کردستان که ۸ روز بود به تبریز رفته بودند به مهاباد بازگشتند.

منبع: روزنامه کردستان شماره ۸۵ پنجشنبه ۲۱ شهریور ۱۳۲۵. ۱۹۴۶. **

حزب دموکرات کردستان

توجه جناب اشرف نخست وزیر را به زحمتکشان لشت نشاء جلب مینماید.

جناب اشرف آقای قوام السلطنه

در اثر وحدتی که میان تمام ایرانیان ایجاد فرموده‌اید همه مثل اعضای یک بدن، اگر به یکی دردی رسید " دیگر عضوها را نماند قرار " در این موقع که به زحمتکشان املاک " لشت نشاء " تعدیاتی شده عموماً شریک درد و مثل این است که به عموم آزادیخواهان ایران تعدی شده باشد. اینک محبوبیتی را که جناب اشرف در میان عموم ملت ایران به ویژه طبقه رنجبر پیدا فرموده‌اید شفیع قرار میدهیم که زارعین " لشت نشاء " را نیز از ظلم زالوهای اجتماعی خلاص فرموده و بر حسن ظن حزب دموکرات کردستان نسبت به جناب اشرف بیفزاید.

۵۲۹۱ کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان

مناف کریمی، وهاب بلوریان، خلیل خسروی، محمدامین، عبدالرحمن

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۶۷ دوشنبه ۶ آبانماه ۱۳۲۵. ۱۹۴۶



مهاباد سال ۱۳۲۵ شمسی ستاد فرماندهی حکومت کردستان

نشسته از راست: خلیل خسروی، عبدالرحمان ذبیحی، شکری قدری بیگ،
قاضی محمد، غنی خسروی، حمزه نالویسی، مناف کهریمی

ایستاده از راست: بکر عبدالکریم حویزی، مصطفی سلطانیان، سروان
روشنفکر، ستوان وهاب قاضی، علی خسروی، سروان ناظمی، دلشاد
رسولی، رشید خسروی، محمود ولزاده، مصطفی خوشناو

(منبع: متن فارسی کتاب جمهوری ۱۹۴۶ کردستان، ویلیام ایلگتون، سید
محمد صمدی)

زدوخوردهای سردشت

اخبار روز پنجشنبه عصر از زدوخورد شدیدی در سردشت حکایت میکرد در روز جمعه تلگراف ذیل از مهاباد دریافت شد.

جناب اشرف آقای نخست وزیر

کپیه: کوهستان

پرو ۲۹۶۱ در سردشت سرهنگ آیرم با تانک و توپ و عده زیادی سرباز به پستهای دمکرات حمله کرده دو روز جنگ است تکلیف چیست؟
۱۳۱۸۱. ۱۰/۸/۱۳۲۵ قاضی محمد

این تلگراف بر خلاف تفسیر بعضی از جراید نشان میداد که اولاً موضوع دنباله تلگراف قبلی مورخ سوم آبان است و ارتباطی با ائتلاف احزاب نداشته ثانیاً باز هم مهاباد روح همکاری و نزدیکی با دولت را از دست نداده کسب تکلیف می نماید.

جبهه موتلف احزاب آزادیخواه

احزاب آزادیخواه که به مسئله انتخابات و موقعیت حساس و تاریخی کنونی عطف توجه کرده‌اند در هفته گذشته به نتیجه قابل اهمیتی رسیده‌اند که کمک موثری به نفع جبهه دمکراسی خواهد نمود.

الحاق ۴ حزب، حزب دمکرات آذربایجان، حزب دمکرات کردستان، حزب سوسیالیست، حزب جنگ (اجتماعيون) به جبهه موتلف احزاب آزادیخواه وحدت بی نظیری در کشور ایجاد خواهد نمود. زیرا تمام این احزاب به یک صدا و یک آهنگ در راه آزادی و دمکراسی مبارزه میکنند و وحدت ملی ما را تقویت خواهند کرد.

تلگراف قاضی محمد به نخست وزیر (۲)

وزارت پست و تلگراف و تلفن

مستقیم جناب اشرف آقای نخست وزیر

کپی: تیمسار سرلشکر رزم آراء

پیره ۳۳۵۱. ۲۵/۸/۱۷. قریب پانصد نفر سرباز به دهات فیلسون و الکو و داشا لوحه حمله و رعایا متواری و یک عده سوار نظامی نیز به قریه ثوبهارو اطراف آن رفته موجبات وحشت اهالی آن منطقه فیض اله بیگی را فراهم نموده‌اند و آقایان فیض اله بیگی عضو حزب دمکرات کردستان را تحت فشار شدید قرار داده و اخطار کرده‌اند هرگاه عموم در سقز نزد فرماندهی قوا حاضر نشوند مورد حمله قوای نظامی قرا خواهند گرفت.

بنابراین آقایان خانوارهای خود را به اطراف کوچانیده‌اند برای ایجاد حسن تفاهم کامل.

استدعا داریم مقرر شود از تعرض به دهات و آزار مردم به جرم دمکرات بودن خودداری شود.

محمد قاضی

۲۵/۸/۱۹. ۳۴۴۶

۲۴

شماره ۳۶۵

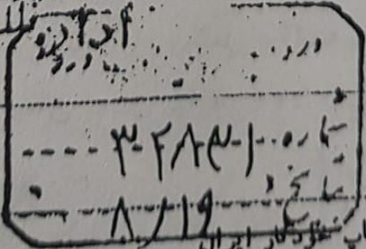
سال ۱۳۲۰


 وزارت پست و تلگراف و تلفن
 تلگراف

شماره کتاب

نام گیرنده	تاریخ و ساعت ارسال	توضیحات	تاریخ اصل	عدد کلمات	شماره قبض	انتهای باب
	۸/۱۹		۱۹	۱۵	۲۶۳	
					شماره تلگراف	ط
					۲۵	

مستقیم جناب اشرف انای نخست وزیر کیه بهسار سرلشکر رزم آراء
 پیرو ۳۳۵۱ - ۲۵/۸/۱۹ قریب پانصد نفر سربا زبیه دهات
 نهایسون والکلود و انما لوحه حمله رجاها متواری و یک عدد سوار نظامی
 نهمیه نریه نوبهار و اطراف ان رفتن صوجبات وحشت اهالی ان منطقه
 فیض اله بیگی را فراهم نموده اند و انانان فیض اله بیگی عضو حزب
 دمکرات کوردستان رانعت فشار میدهند فرار دهاد مواخضار کرده اند
 هرگاه عموم در مسفر نزد فرماندهی قوا حاضر نشوند مورد حمله نوا
 نظامی قرار خواهند گرفت بنابراین انانان خانوارهای خود را با اطراف
 کوچا نموده اند برای ایجاد حسن تفاهم کامل استعداد ابرم مفسر
 شود از تعرض به دهات و ازار مردم بهریم دمکرات برون خود داری
 ۳۴۴۶ - ۲۵/۸/۱۹ محمد قاضی


 ۳۴۸۸-۱۰۰
 ۸/۱۹
 ۲۴/۷-۵۰۰۰ دست چاپ مطبوعه ایران

شماره این سند در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران ۲۵۲۵-۱۰۹۰۸۶ می باشد.

IRAN NATIONAL ARCHIVES

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

تلگراف قاضی محمد به نخست وزیر و سرلشکر رزم آراء
 از کتاب: اسرار محاکمه قاضی محمد و یارانش..

در غرب چه میگذرد

زدخوردهائی در سردشت بوقوع پیوسته و جراید تهران هر یک به دلخواه خود آنرا تعبیر می نمایند ولی تا این ساعت هنوز حقیقت و ماهیت امر معلوم نگردیده همینقدر مسلم است که باز هم در این نقطه حساس سرحدی عده ایرانی به جان عده دیگر ایرانی افتاده‌اند.

واقعه سردشت از نظر جراید پایتخت

شنبه ۱۱ آبان روزنامه " اطلاعات "

در حمله‌ای که از طرف کردها در راه بانه . سردشت به سربازان وارد آمده به موجب آخرین خبری که بدست آورده‌ایم یک افسر مجروح و پنج سرباز شهید شده‌اند.

از میزان تلفات کردها خبر قطعی در دست نیست ولی ظاهراً تلفات آنها سنگین بوده است.

پس از این واقعه تماسهای جدیدی بین نیروهای دولتی و کردها روی داده است.

چند کامیون در راه سقز . بانه بدست کردهای مهاباد افتاده خبر تلگرافی خبرنگار ما از سقز حاکی است که چند دستگاه کامیون کامل خوار و بار را کردهای مهاباد در راه سقز و بانه تصاحب کرده و به طرف مهاباد حرکت داده‌اند. ستون کوچکی مرکب از افسران و سربازان برای برگرداندن کامیونها به سرعت حرکت نموده‌اند.

گزارش از لشکر ۴ کردستان

طبق گزارش واصله از لشکر ۴ کردستان اطراف پادگان کله و سردشت و پریسو و بزیله و رودخانه بوسیله اشرار اشغال و بین قوای نظامی و متمرдин زدو خوردی واقع میگردد. فوراً از طرف لشکر واحدهای کمکی برای ایجاد امنیت اعزام گردیده است پس از زدو خورد زیادی متمردين عقب رانده شده‌اند.

حمله اشرار به کامیونهای ارتش

طبق گزارش واصله از لشکر ۴ کردستان در حدود ۸۰ نفر از اشرار که با ۴ کامیون با اسکورت تحت سرپرستی ستوان یکم وطن بوده حمله نموده و زدو خوردی روی میدهد ۸ نفر از اشرار مقتول میگرددند. اینک کامیونها به کله وارد شده‌اند و نتیجه این زدو خورد یک سرباز شهید شده است.

عصر شنبه ۱۱ آبان، روزنامه "کیهان"

سرهنگ آیرم به اشرار کردستان تلفات سنگین وارد ساخته است. بطوریکه تلگراف میکند بعد از ائتلاف احزاب دموکرات آذربایجان و دموکرات کردستان شب ۸ آبان ماه اشرار کرد حمله غیر مترقبه شدیدی به سردشت که یک نقطه مهم لشکرکشی و پایگاه بزرگ نظامی کردستان است و در محل تقاطع جاده‌های مهاباد و سقز واقع است می‌برند. لکن سرهنگ آیرم فرمانده پادگان سردشت با زبردستی بی نظیری به حمله متقابل پرداخته و چنان ضربتی به اشرار میزند که تا چند فرسنگ متواری می‌شوند.

یکشنبه ۱۲ آبان، روزنامه "رهبر"

به قرار اطلاعی که بدست رسیده است از مدتی پیش سرهنگ پزشکیان فرمانده قوای نظامی در سردشت به تحریک بر علیه نیروهای دموکرات کردستان مشغول بوده است تا در ۳ آبان برای تکمیل نظریات و نقشه‌های خود سرهنگ آیرم به چند پست نگهبانی دموکراتهای کردستان حمله میکند

و این جریان را آقای قاضی محمد رهبر فرقه دمکرات کردستان در همان روز تلگرافا به اطلاع آقای نخست وزیر و مقامات صلاحیتدار میرسانند. ولی متأسفانه به جای دستور عدم تجاوز موضوع با خونسردی تلقی میگردد و سرهنگ آیرم هم به عملیات خود ادامه میدهد.

آقای قاضی محمد مجدداً تلگرافی به تاریخ ۱۰ آبان مخابره نموده در برابر این تجاوز کسب تکلیف می نمایند. به قرار اطلاع هنوز زدو خورد خاتمه نیافته است. ممکن است این موضوع با بعضی قسمتهای موافقت نامه اخیر میان آذربایجان و تهران که ظاهراً مورد رضایت بعضی از مقامات ارتشی بوده ارتباط داشته باشد.

یکشنبه ۱۲ آبان، روزنامه ایران ما

حقایق را وارونه جلوه میدهند. دمکراتها به نظامیها حمله کرده‌اند یا نظامیها به دمکراتها.

اخیراً در کردستان زدوخوردهائی میان دستجات ارتش و دمکراتهای کردستان روی داده است و اخباری از آنها در روزنامه‌های اطلاعات و کیهان منتشر شده است که اگر خوانندگان ما آن اخبار را ملاحظه کرده باشند متوجه شده‌اند که در این اخبار سعی شده است که نیروی دمکرات کردستان را متجاوز و مهاجم قلمداد کنند.

در حالیکه به قرار اطلاعات کافی که بدست آورده‌ایم وقایع درست برعکس آن است که نوشته شده است. زیرا این حوادث بر اثر تحریکات سرهنگ پزشکیان و سرهنگ آیرم بوده است و قاضی محمد پیشوای حزب دمکرات کردستان در ضمن دو تلگرافی که در تاریخ سوم و دهم آبان به نخست وزیر و مقامات صلاحیتدار مخابره کرده است جریان آنرا اطلاع داده است و در باره تجاوز مقامات نظامی کسب تکلیف کرده است.

بعضی محافل که به امور این منطقه آشنا هستند اظهار عقیده می کنند که ممکن است این حوادث با موافقتنامه اخیر میان آذربایجان و تهران ارتباط داشته باشد. زیرا در این موافقتنامه قسمتهائی است که مورد رضایت مقامات ارتشی نیست از جمله اینکه حدود فعالیت لشکر کردستان کمی محدود شده است و مقامات نظامی باید از حمله و تجاوز به کردستان و آذربایجان خودداری نمایند وقتی شخصی این نوع تجاوزات را از ناحیه مقامات ارتشی می بیند به یاد گفته آن وزیر کابینه قبل می افتد که در جلسه دولت گفت:

" شما نظامیها حاضر نیستید که خانهای هوسباز جنوب را بسر جای خود بنشانید ولی اگر از شما خواسته شود که به آذربایجان حمله کنید شمشیرها را تیز میکنید و توپها را آماده می نمائید و عوض پا با سر میروید... زیرا منافع شما از آن سو در خطر است..."

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۶۸ دوشنبه ۱۳ آبانماه ۱۳۲۵. ۱۹۴۶
در موضوع بارزانیها دقت بیشتری لازم است

وقایع سردشت در شرف پایان است، هیئتی که برای رسیدگی تعیین شده بود کار خود را خاتمه داد، آقای صدر قاضی که از مهاباد آمده بودند مراجعت کردند و آقای سرهنگ فیوضی رئیس ستاد نیروی کردستان هم برای ملاقات آقای قاضی محمد رهبر حزب دمکرات کردستان به مهاباد رفتند رسیدگی همچنان ادامه دارد.

در اخبار دیروز روزنامهها خوانده میشد که پیشنهاد شده برای اینکه روابط بین مهاباد و پادگانهای سقز و بانه و سردشت بنحو رضایت بخشی ادامه داشته باشد خوب است افراد بارزانی از آن حدود به داخل شهر مهاباد منتقل شده دستهجات دیگری به جای آنها مامور گردند. زیرا افراد بارزانی دارای انضباط درستی نیستند و عملیات آنهاست که اغلب ایجاد اخلال میکند.

تا آنجائیکه ما اطلاع داریم و گمان هم نمیکنیم در اشتباه باشیم، افراد بارزانی عموماً افرادی بسیار با انضباط هستند و در اجرای دستورات مافوق فوق العاده جدی و فداکاری می باشند و تحت تأثیر هیچ عاملی قرار نمیگیرند.

این افراد اگرچه به ظاهر دارای اونیفورم نظامی نیستند ولی نمونه بهترین سربازان با انضباط می باشند. توقف آنها در نقاطی که مأموریت دارند کوچکترین عدم رضایتی در ساکنین آن نقاط ایجاد نکرده و غیر از اجرای دستورهای مافوق به هیچ امری دخالت نمی نمایند.

اگر سوابق این افراد و رشادتهای آنان را در جنگهای بارزان بخاطر بیاوریم ناچاریم قبول کنیم که اینها مردان فداکار با انضباط و جنگجویی هستند که پس از یک سلسله نبردهای خونین، که در راه دفاع از حق خود با دولت عراق نمودند به ایران پناهنده شدند.

آری دست تقدیر بالاخره عده ۱۵۰۰۰ نفری اکراد ایرانی الاصل را به ایران بازگردانید و در میان برادران دیرین خود جای داد.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۷۰ دوشنبه ۲۷ آبان ۱۳۲۵. ۱۹۴۶.

تلگراف قاضی محمد به نخست وزیر (۳)

شماره کتاب: ۲۶۵۸

وزارت پست و تلگراف و تلفن

جناب اشرف آقای نخست وزیر

هرچند صریحا طی شماره ۲۹۱۷ امر به صادر فرموده بودید که به تجاوزات پادگان سردشت و قتل و غارت ها که راه انداخته رسیدگی شود متأسفانه هنوز به امور رسیدگی نکرده‌اند.

دهات کلو سردشت در اثر عملیات قوای تأمینیه دولتی خالی سکنه چند ده غارت سوزانده‌اند. عده زیاد از اهالی سردشت کماکان در حبس و شکنجه باقی هستند.

از تهران که جداً امر شده بود لشکر ۴ عملیات تجاوزکارانه را موقوف کند متأسفانه هنگ سوار تاکنون در دهات بیگ زاده فیض اله بیگی باقی به سقز عودت نکرده اغلب مالکین یا اهل عیال متواری دهات شهرستان مهاباد پناهنده شده‌اند.

رعایای بدبخت ضمن تجاوزات زیاد گویا سیصد پنجاه تن کاه از ایشان گرفته وسیله الاغ رعیتی به سقز حمل کرده چون در بهار در اثر لشکرکشیها علف شان نمانده ممکن است گرفتن کاه اصلا باعث تلف شدن حیوانات ایشان گردد. تقاضای بذل توجه مینماید.

محمد قاضی

۲۵/۹/۷۰ ۴۲۰۴

نموده ۳۶۵

شماره کتاب ۱۸۵۸

وزارت پست و تلگراف و تلفن
تلگرافی

گیرنده _____

سال ۱۳۲۲

از مهاباد	به ط	قبض ۹۳۶	تعداد کلمه ۱۴۸	تاریخ اصل ۷	توضیحات	تاریخ وصول
						روز
		تلگراف ۱۲				۷ ۹

جناب اشرفا قای نخست وزیر هر چند صریحاً طی شماره ۲۹۱۷ امریه صادره -
گرموده بودید که به تجاوزات پادگان سردشت و محل غارت ها که راه انداخته
رسیدگی شود متأسفانه هنوز بامور رسیدگی نکرده اند دهات کلو سردشت در اثر
عملیات قوای تامینییه دولتی خالی سکه چند ده غارت سوزانده اند عده زیاد از
اهدالی سردشت کماکان در حبس و شکنجه باقی هستند از تهران که جدا امرو شده
بود لشکر عملیات تجاوزکارانه راموقوف کند متأسفانه هنگ سوار تاکنون در -
دهات بیک زاده بیس اله بیکی باقی بسقز حمل نکرده اغلب مالکین با اهل -
عیال متواری دهات شهرستان مهاباد پناهنده شده اند رعایای بد بخت -
ضمن تجاوزات زیاد گویا سیصد پنجاه تن گاه از آب شان گرفته وسیله اغریتی
بسقز حمل کرده چون در بهار در اثر لشکر کشی ها علف شان نموده ممکن است -
گرفتن گاه اصلاً باعث تلف شدن حیوانات ایشان گردد تقاضای بذل توجه مینماید

۴۲۰۴-۲۵/۹/۷ محمد قاضی

در دفتر پست وزارت
۳۵۱۱
اداره تلگراف تهران

شماره این سند در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران ۱۵۰۱-۱۵-۱۱۶۰۰۷ می باشد.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
IRAN NATIONAL ARCHIVES

تلگراف قاضی محمد به نخست وزیر

از کتاب: اسرار محاکمه قاضی محمد و تارانش گرفته شده است

تلگراف قاضی محمد به نخست وزیر (٤)

وزارت پست و تلگراف و تلفن

مستقیم جناب اشرف آقای نخست وزیر

کپی: ستاد ارتش

پیرو شماره ٤٢٠٤ تا حال مکرر از تجاوزات لشکر ٤ و تاخت تاز دواره نظام شکایت به عمل آمده با وصف این ظاهر از طرف ستاد ارتش امر اکید داده شده از عملیات دست بردارند به جای خود برگردند اطاعت نکرده‌اند. گویا اخیراً به پست نگهبانی کردستان نزدیک شده‌اند. اینک حس می‌کنم لشکر ٤ در صدد ایجاد جنگ و جدال است.

در این صورت بودن نماینده‌گان حزب دموکرات کردستان در سقز موجب ندارد.

استدعا دارم اجازه بدهید ایشان را به مهاباد برگردانیم برای رفع مسئولیت از خود عرض گردید.

محمد قاضی

١٣٢٥/٩/١١.٤٢٣٤

شماره ۳۶۵


 وزارت پست و تلگراف و تلفن
 تلگراف

کهرتبه _____

شماره کتاب _____

سال ۱۳۲ _____

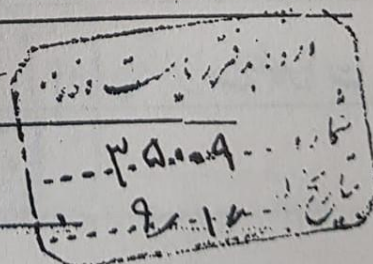
تاریخ وصول		توضیحات	تاریخ اصل	تعداد کلمه	قبض ۱۵۲	تلفگراف ۱۴	از مهاباد به ط
روز	ماه						
۹	۹		۹	۹۱			

مستقیم جناب اشرف آقای نخست وزیر کیه ستاد ارتش پرو شماره ۴۲۰۴ تا
 حال مکرر از تجاوزات لشکر و تاخت تاز سواره نظام شکایت بعمل آمده با وصف
 این ظواهر از طرف ستاد ارتش امرا کیده شده از عملیات دست بردارند
 بجای خود برگردند اطاعت نکرده اند کما اخیراً به پست تکبانی کردستان
 نزدیک شده اند اینک حسن می گم لشکر آمد و رسیده ایجاد جنگ وجدال است
 در این صورت بودن نماینده کان حزب دموکرات کردستان در سقز موجب
 ندارد استدعا ارم اجازه بدید ایشان راه مهاباد برگردانیم برای رفع
 مسئولیت از خود عرض گردید ۴۲۳۴ محمد قاضی

وزارت گزینش و تفریح

فردا عهده گزینش و تفریح

۱۵/۹/۱۱



تلگراف قاضی محمد به نخست وزیر
 از کتاب: اسرار محاکمه قاضی محمد و یارانش

انتخابات شروع می شود

باید کردستان شمالی و جنوبی را بهم نزدیک کرد

بخشنامه صریح رئیس دولت اعلام داشت که انتخابات از ۱۶ آذر شروع شده و باید کلیه نواحی مملکت قوای از مرکز اعزام گردد و شروع انتخابات در هر حوزه موکول به موقعی است که نیروهای اعزامی به آنجا وارد گریده باشد. در قبال این بخشنامه اجرای قانون انتخابات در نواحی کردنشین به شرح ذیل خلاصه خواهد شد:

۱. نواحی که باید در شانزدهم آذر انتخابات را شروع نمایند.

۲. کردستان آذربایجان که عبارت است از شهرستان مهاباد و نواحی کردنشین آذربایجان غربی.

۳. منطقه سقز فصل مشترک بین این دو قسمت.

در کردستان جنوبی و در منطقه سقز قوای نظامی همیشه مستقر بوده و اکنون هم پادگانهای مهمی در آنجاها تمرکز دارد.

کردستان آذربایجان فاقد قوای دولتی است. شهرستان مهاباد و سایر نواحی کردنشین شمالی جزو ایالت آذربایجان شناخته شد و بدین ترتیب کردستان شمالی مشمول موافقتنامه آذربایجان گردید و کردستان جنوبی به همان حال سابق ماند.

برنامه کردی از رادیو تهران

امروز ساعت هفت و ربع بعدازظهر رادیو تهران برنامه خود را به زبان کردی آغاز خواهد نمود. این برنامه که فعلا هفته‌ای دوبار دوشنبه و پنجشنبه پخش میشود کرد زبانانی را که در خارج ایران سکونت دارند با اوضاع ایران آشنا خواهد نمود.

این اقدام اداره رادیو که برحسب دستور جناب اشرف آقای قوام السلطنه انجام گرفته عموم محافل کرد را خشنود خواهد ساخت و می توان آنرا یکی از اقدامات اساسی دولت دانست.

اکراد جهان که متأسفانه امروز هر قسمتی در زیر لوای مملکتی هستند عموماً ایرانی و گران بهاترین یادگار عظمت ایران می باشند. این افراد با ایمان کانون سعادت خود را در ایران جستجو میکنند و لازم است ایران هم این دورافتادگان را از خود بی خبر نگذارد. به امید آروز

اعلامیه دولت

از بدو عهده‌داری حکومت و قبول خدمت به ملت تا امروز سعی نمودم که کلیه اشکالات موجود مخصوصاً جریانات آذربایجان با حسن تفاهم کامل حل و سوء تفاهمات موجود با اصول پسندیده و رویه مطلوبی مرتفع شود جهت نیل به این مقصود از هیچ فداکاری و موافقتی تا حدی که قوانین اساسی اجازه میداد کوتاهی ننموده، ضمن مذاکراتی که با نمایندگان آذربایجان شد مقرر گردید منطقه خمسه و زنجان را بکلی تخلیه و افراد فدائی و قوای مسلح خود را از آنجا خارج نمایند تا تدریجاً سوء تفاهمات مرتفع و حکومت مرکزی بهتر موفق به اجرای نقشه اصلاحی خود بشود.

با آنکه قرار بود از ششماه قبل این منطقه بکلی تخلیه شود هر موقع به عذرهای جدیدی عمل تخلیه معمول نگردید و اشکالات جدیدی بوجود آمد تا بالاخره طبق مذاکراتی که با هیئت اعزامی آذربایجان در تهران بعمل آمد قرار شد در تاریخ ۱۳۲۵/۸/۲۳ منطقه زنجان تخلیه و به این عمل خاتمه داده شود و طبق همان قرارداد هیئتی از افسران مطلع و طرف اعتماد به زنجان اعزام شد که این منظور را با دقت کامل بدون تولید کوچکترین اشکالاتی حل نماید.

متأسفانه با تمام مذاکرات و قولها ملاحظه شد روز ۲۷ آبان در شهر زنجان بوسیله یک نفر از افسرهای آذربایجان تیری بطرف سرهنگ بواسحق

رئیس هیئت اعزامی از تهران انداخته شد و با آنکه سوء قصد یقین و مشخص و انتظار میرفت فوری مرتکب دستگیر و تنبیه شود اقدامی نشد در همان روز عده‌ای از فدائیان غفلتا به شهربانی که عده‌ای از افراد نگهبانی در آن جا بودند ریخته نسبت به افسران هیئت اهانت و حتی آنها را بازداشت و با کمال خشونت و خارج از هرگونه اصولی با آنها رفتار نمودند.

در همین موقع گزارشاتی از سایر مناطق خاصه از طرف کرسف بشرح زیر: (دموکراتها در مدت اقامت خود در زرین آباد از هیچگونه تعدی و تجاوز به مردم حتی ناموس آنها دریغ نداشته و پنج نفر از زنان را که بنا به اظهار تمام اهالی با زور به عقد خود درآورده و در موقع تخلیه دو نفر از آنها را به اسامی صفیه و صدف همراه خود به زنجان برده‌اند و سه نفر از آنها فعلا در قریه زرین آباد هستند. ضمنا در موقع ورود به زرین آباد زن الله وردی نام را پس از فشار و اذیت زیاد چهار روز بازداشت و کلیه اموال منزل نامبرده که بالغ بر پنجاه هزار ریال بوده به غارت برده‌اند) رسیده و ضمنا بطوریکه سابقا نیز گزارشاتی رسیده بود فدائیان عده‌ای از زن های اهالی را برده و به مال و ناموس آنها دست درازی می نمودند که طبعا تحمل این جریانات و دیدن رفتارهای ناپسند مقدور نبوده برای آنکه از این جریانات به فوریت جلوگیری و این قسم حیثیت و شرافت افسران میهن پرست و کارمندان دولت و اهالی منطقه مورد تعرض قرار نگیرد.

شب گذشته دستور داده شد که ستون نظامی تحت فرماندهی سرهنگ هاشمی به زنجان حرکت و در آنجا استقرار یافته در تمام منطقه زنجان حکومت نظامی اعلام و نظم و انتظامات منطقه را برقرار و از هرگونه تعدی و دستبرد و تا تعرض و سوء رفتاری در آن منطقه جلوگیری نمایند و قوای نامبرده طبق گزارشات واصله ساعت ۷ صبح امروز ۱۳۲۵/۹/۲ به زنجان وارد و مشغول انجام وظیفه شده‌اند و برای مدید استحضار عامه توضیح میدهد که در صدور امریه دولت راجع به اعاده امنیت و حفظ انتظامات زنجان هیچگونه خدعه و فریبی در کار نبوده.

زیرا حضورا اینجانب به جناب آقای دکتر جاوید در کمال صراحت تاکید کرده بودم که چنانچه از روز مراجعت ایشان در ظرف ۱۰ روز تخلیه و تحویل زنجان عملی نشود بوسیله قوای اعزامی از مرکز حکم اشغال را صادر خواهم نمود و چون روز ۲۳ آبان آخرین روز وعده مقرر بود و با تکرار تذکرات نه فقط تخلیه زنجان صورت نگرفت بلکه وقایع خلاف انتظاری که کاشف از عدم صمیمیت و حسن نیت بود به ظهور رسید.

ناچار قوای کافی به زنجان فرستاده شد تا موجبات نظم و امنیت و جلوگیری از تجاوزات نامطلوب را برقرار نموده و اهالی زنجان را به عواطف دولت امیدوار سازند.

۲ آذر ۱۳۲۵ - نخست وزیر. احمد قوام

تلگراف حزب دمکرات کردستان

نظر به ائتلاف شش گانه احزاب آزادیخواه ایران افراد حزب دمکرات کردستان که آنهم یکی از صفوف موتلفه به شمار است تریکات خود را تقدیم و خود را مفتخر میدانند که موفق شده به اکثر از هموطنان خود دست اتحاد داده و می تواند دوش بدوش آنان در راه آزادی ایران عزیز کوشش و فداکاری نماید و نظر به اینکه مدت شش ماه است ارتجاع وسیله بمب و تانک و توپ ما را به آتش گرفته و به مبارزات خونین سرگرم بوده ایم تاکنون نتوانسته راجع به همکاری در راه آزادی با هموطنان آزادیخواه خود صحبت کنیم پوزش می طلبیم و امیدواریم از این به بعد چنانچه شاید و باید لیاقت خود را در این ائتلاف که به منظور آزادی مهین محبوب است کاملاً نشان دهیم و در قلع و قمع ریشه ارتجاع سهم بزرگی را دارا باشیم.

از طرف کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان - کریمی

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۷۱ دوشنبه ۴ آذر ۱۳۲۵. ۱۹۴۶.

نخست وزیر به کردستان امیدوار است

هفته گذشته آقای نخست وزیر تلگرافی به مضمون ذیل به آقای قاضی محمد رهبر حزب دمکرات کردستان مخابره نمود:

آقای قاضی محمد

نظر به اینکه تصمیم اینجانب، انتخابات بایستی با حضور قوای تامینیه اعزامی از مرکز انجام شود و بایستی انتخابات منطقه کردنشین آذربایجان با همکاری صمیمانه و علاقمندی تام شما صورت گیرد لذا لازم است تعیین نمائید در خوی، شاهپور، رضائیه و مهاباد که مناطق کردنشین است چگونه شما با قوای تامینیه همکاری خواهید کرد که دستورات مشخصی صادر شود.

با همکاری صمیمانه و علاقمندی خاصی که در این مدت از شخص شما ملاحظه شده منتظرم در این قسمت که موضوع اکراد در بین است علاقمندی کامل خود را در پیشرفت امور عملاً ارائه دهید.

نخست وزیر. قوام السلطنه

در این تلگراف آقای نخست وزیر ضمن اظهار اعتماد و اشاره به صمیمیت و همکاری آقای قاضی محمد برای اولین بار خواسته‌اند حساب مناطق کردنشین آذربایجان را از سایر نقاط آن ایالت جدا نموده و با یادآوری اینکه در این قسمت که موضوع اکراد در بین است. در مورد تلگراف آقای نخست وزیر هم رادیوهای بیگانه نمک پاشی کردند و تفسیرهایی به میان آوردند تا شاید آن صمیمیتی که آقای نخست وزیر بدان اشاره کرده بودند جای خود را به تردید و بدبینی بدهد.

ولی برای اینکه دامنه این تبلیغات شوم قطع شود و برای اینکه نیات خیرخواهانه جناب قوام السلطنه به ثبوت برسد لازم است دولت قدمی هم به سوی عمل برداشته شود. لازم است دولت به حقیقت اوضاع

مهاباد و سایر نواحی کردنشین آذربایجان آنطوریکه باید واقف شود. لازم است لزوم نزدیکی کردستان آذربایجان و کردستان جنوبی در عمل به مردم نشان داده شود.

سابقاً رسم اینطور بود برای برقراری نفوذ دولت از ایجاد نفاق در میان روسای عشایر و سران طوایف استفاده میشد. گاهی یکی را خلعت میدادند و بر علیه دیگری تحریک می نمودند. گاه یکی را مورد مرحمت قرار داده مخالف را غضب میکردند. گاه یکی را چیره و دیگری را زیر دست مینمودند و گاه ورق را برمیگردانیدند آنگاه این دو به تلافی بر میخواستند و بدین ترتیب به جای اینکه یک قدم در راه ترقی این مردمان غیور بردارند آنها را به این وسایل به دوران بدویت هدایت مینمودند.

در ایران ما چه میگذرد

تلگرافاتی بین آقای نخست وزیر و آقای دکتر جاوید و آقای قاضی محمد رهبر حزب دمکرات کردستان با مضمون مشابه که مفاد آن اینست که نیروی اعزامی میبایستی برای حل جریان انتخابات و منطقه (آذربایجان و کردستان شمالی) رهسپار کردند و شایسته نیست انتخابات کشور بدون شرکت آذربایجان صورت گیرد رد و بدل شده است.

نامه سرگشاده جبهه موتلفه احزاب آزادیخواه و مانند دکتر مصدق نیز تأثیر عجیبی در افکار مردم بخشیده‌اند. بهرحال سرنوشت انتخابات به هیچ وجه معلوم نیست. ولی شروع انتخابات در روز مقرر گویا قطعی است مسئله اعطاء نفت به شرکتهای امریکائی یک قضیه جاندار و بینهایت قابل تعمقی است. عده‌ای تصور میکنند، دخالت بیمناسبت امپریالیستی امریکا در امور نفت ایران برای خنثی کردن قولنامه نفت دولت به شوروی است رشد میل‌تاریسم در گوشه و کنار کشور بخصوص در این تنگنای سیاسی غالب مسائل دیگر را تحت الشعاع قرار داده است.

از کردستان

مذاکرات سقز پایان یافته و سرتیپ علوی به تهران مراجعت کرده است. کردستان ظاهراً آرام و هیچگونه تغییری در اوضاع آنجا بوقوع نه پیوسته است. ولی با این حال مردم سخت نگرانند. گویا حوادث شومی در انتظار میباشد.

تلگرافهای آقای نخست وزیر به استاندار آذربایجان

تلگراف اول

جناب آقای دکتر جاوید استاندار آذربایجان

بطوریکه قبلاً هم تذکر داده شده برای انتخابات بایستی قوای تأمینیه از مرکز به مناطق مختلف کشور اعزام گردد جهت اجرای این نظر و برای آنکه انتخابات آن استان نیز مانند سایر نقاط کشور بر وفق قانون عملی گردد.

بایستی قوای تأمینیه مرکز به استان آذربایجان حرکت کند و اگر حرکت قوای تأمینیه مصادف با هرگونه اشکالاتی شود به حسن نیت و مسئولیت اینجانب و انجام انتخابات لطمه کلی وارد خواهد ساخت.

اظهارات رادیوی تبریز و بیاناتی که اشخاص غیر مسئول در تبریز می نمایند باعث تأخیر انتخابات و اشکالات دیگر خواهد گردید که احتراز از آن فریضه آزادی خواهی و وطن پرستی است و با حسن تفاهمی که تاکنون در پیشرفت امور منظور بوده تعقیب این رویه بی نهایت موجب تأسف است وظیفه جنابعالی است از هرگونه امری که موجب بی ترتیبی و نافرمانی است جلوگیری نموده از تبلیغات مضر جلوگیری نمائید تا با حسن نظر و علاقمندی خاص انتخابات نمایندگان انجام یافته و از هرگونه تعبیر و عدم رضایت مصون و محفوظ ماند.

تلگراف دوم

جناب آقای دکتر جاوید استاندار آذربایجان . پیرو

تلگرافهای قبل راجع به اعزام قوای تأمینیه به آذربایجان برای حسن جریان انتخابات از قراری که از زنجان اطلاع میدهند در حدود قافلانگوه برای جلوگیری از قوای اعزامی سنگربندی شده و مانع از رسیدن قوا به تبریز و سایر نقاط آذربایجان هستند.

چون این اخبار در صورت صدق، خلاف مصلحت و منافی مسئولیت دولت و موجب وقفه امر انتخابات است لازم است تذکر دهم که:

اولا تصمیم اعزام قوا برای جنگ و مصادمه با اهالی آذربایجان نبوده و سلامت و سعادت برادران آذربایجانی را همیشه دولت منظور داشته است.

ثانیا تأخیر امر انتخابات و دوام فترت اشکالاتی را تولید خواهد کرد که علاوه بر وظایف مسئولیت تکلیف و جدالی و وطن پرستی در تسریع افتتاح مجلس و حسن جریان انتخابات در تمام اطراف و اقطاع مملکت است.

ثالثا مسلم است که نه اینجانب و نه جنابعالی و نه سایر خیرخواهان و وطن پرستان نمی توانند قبول کنند که آذربایجان از ایران مجزی و آنچه در سایر ایالات و ولایت مجری میشود در آذربایجان موقوف و مشروع باشد.

در تمام نقاط ایران انتخابات تحت کنترل دقیق و آزادی عموم بوسیله قوای اعزامی از مرکز باید جریان پیدا کند و البته تجزیه آذربایجان از این امر کلی و قانونی مخالف وحدت کشور و منافی حدود مسئولیت دولت و بالاخره موجب اعتراض و عدم قبول اهالی مملکت و رد شدن نمایندگان آذربایجان از مجلس است و امروز چشم ایران و ایرانیان متوجه آذربایجان است که نمایندگان آنجا طبق قانون تحت کنترل دقیق قوای تأمینیه مرکز صورت گرفته و از هرگونه ایراد و اعتراض قانونی مجلس و مردم محفوظ

باشد و بنابراین نظریات است که لازم است از هرگونه اشکال در رسیدن قوای مرکز احتراز شده و یقین بدانند که هیچ نظری جزء جریان قانونی انتخابات منظور نبوده و انتظار من این است با اطمینان کامل قوای اعزامی یعنی برادران ایرانی خود را پذیرفته توصیه اکید نمائید از هر نوع تولید اشکال جلوگیری شود تا هرچه زودتر امر انتخابات شروع و خاتمه یافته در اصلاح امور بواسطه نگرانیهای بی اساس تأخیر و تعطیلی حاصل نگردد.

نخست وزیر. احمد قوام

برنامه کردی شروع نشده موقوف گردید

هفته پیش خبر دادیم که دو روز در هفته دوشنبه و پنجشنبه برنامه مخصوصی به زبان کردی در رادیو تهران پخش خواهد شد و اظهار خوشبینی نمودیم که این عمل موجب خرسندی و توجه کرد زبانان دنیا خواهد بود. ولی پس از انتشار این خبر روز دوشنبه ساعت ده مستحضر شدیم که برنامه هنوز شروع نشده موقوف گردیده است!!

این خبر برای ما تعجب آور بود زیرا صحبت فراهم نمودن برنامه‌ای به کردی از چند ماه قبل در میان بود و رئیس دولت موافقت خود را با آن اعلام فرموده و کمیسیونهای مختلفی هم با چنین برنامه‌ای موافقت نموده بودند.

روی همین مندمات و تصمیمات هم بود که رادیو تهران شروع برنامه را برای روز دوشنبه گذشته اعلام داشت و در اخبار رسمی روزنامه‌ها هم نوشته شد.

وقتی علت موقوف نمودن را از اداره کل تبلیغات سوال کردیم آنرا برحسب دستور جناب آقای فرمانفرمایان وزیر کار و تبلیغات اظهار نمودند. تعجب ما بیشتر شد زیرا آقای وزیر کار و تبلیغات قبل از احراز مقام وزارت با آن

کاملاً موافق بود و در اوایل دوره وزارت هم دستورات چند و پی در پی برای شروع برنامه صادر فرمودند.

در ملاقاتی که از ایشان بعمل آمد جواب صریح و پاسخ قانع کننده اظهار فرمودند فقط برای خالی نبودن عریضه شروع مجدد آن را موکول به نتیجه تصمیم کمیسیون خاصی فرمودند که آن هم انتظار نمیرود به این زودیه‌ها تشکیل شود و یا اصولاً وجود خارجی داشته باشد.

اخبار سنندج

. گرانی نرخ اجناس روزافزون است و مردم سخت در فشار و ناراضی میباشند.

. برحسب دستور مرکز، شکر و چای به عشایر داده شده ولی مردم شهر از نرسیدن سهمیه خود نگرانند و قند و چای هم بهمین جهت روز بروز گرانتر میشود.

. نظر به بدی محصول در نواحی مرزی وضع ازراق عمومی در این مناطق چندان رضایت بخش نیست.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۷۲ دوشنبه ۱۱ آذر ۱۳۲۵. ۱۹۴۶.

پیام ستاد ارتش به افسران مقیم آذربایجان

قضایای آذربایجان روز به روز بر شدت خود می افزاید و دولت با کلیه وسایل موجوده مصمم است نیروهای خود را با وجود مقاومت فرقه دموکرات آذربایجان به آن ایالت گسیل دارد. از این رو علاوه بر اعزام قوا بیانیه هائی بوسیله هواپیما بر شهرهای آذربایجان ریخته می شود و مردم به همکاری با دولت دعوت میگردند. ستاد ارتش نیز از رادیو ارتش پیام ذیل را به افسران مقیم آن ایالت فرستاده است.

همقطاران گرامی:

اینک که ارتش، همان ارتشی که شما در کانون مهر و محبت آن برای فداکاری در راه میهن تربیت شده‌اید با کمال تأسف مجبور گردیده که برای حفظ وحدت " ایران عزیز " به اسلحه متوسل گردد. لازم است نکاتی چند به اطلاع همقطاران مقیم آذربایجان رسانده شود، روی کلام با عالیتین احساسات شما است:

مخاطب افسران و جوانان شرافتمندی هستند که در عروق آنان خون ایرانی و غرور ملیت در غلیان می باشد.

آنانکه معنی استقلال را میدانند، آنانکه به عظمت و تمامیت ایران عزیز علاقمند هستند و دیعه داریوش و نادر را دارا میباشند. شما دیروز در نتیجه سوء تفاهمات یا بر اثر پاره‌ای تضییقات ناچار دست به اقداماتی زدید که ثمره و تراوش احساسات ساده شما بود.

یا خود صلاح ایران عزیز را در آن تشخیص دادید که با نوای آذربایجان هماهنگی نمائید. لیکن امروز بر شما محقق شده که این نوا از حلقوم میهن پرستان و علاقمندان این کشور نیست، این نوا رنگ ایرانیست ندارد، این صدا، صدای تجزیه ایرانست.

ایرانی شرافتمند هزاران فشار و تضییق را بر بندگی و بیگانه پرستی ترجیح میدهد. دستهای ما هنوز برای در آغوش کشیدن شما با نهایت اشتیاق باز است. با توجه به اعلامیه‌ایکه چندی قبل از طرف ارتش صادر گردیده هرچه زودتر خود را به ستاد ارتش یا نزدیکترین قسمت نظامی معرفی نمائید تا حسن نیت و پاکی عقیده و میهن پرستی شما تأیید شود و با شرکت در تجدید عظمت ایران باستان به آسودگی روح و وجدان و درک افتخارات بیشتری نائل آئید والا چنانچه در مخاصمه یا بعد از آن دستگیر شوید عمل شما قیام مسلحانه بر علیه استقلال کشور و یاغیگری مسلح محسوب خواهد شد تا موقع نگذشته از فرصت استفاده نمائید.

در ایران ما چه میگذرد؟

دولت با صراحت لهجه شرط انجام انتخابات را اعزام نیرو به آذربایجان میداند و محافل آذربایجان نیز با حرارت عجیب و روشنی از ورود قوای دولتی بیمناک هستند. در شورای امنیت نماینده دولت طریقی برگزیده است که در مقابل فقط یک راه باقی میماند و آنهم " سمت جنگ " است.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۷۳ دوشنبه ۱۸ آذر ۱۳۲۵. ۱۹۴۶

وقت آن است که دولت یک برنامه اساسی برای کردستان در نظر گیرد!

تصمیم دولت قطعی شده بود آذربایجان میبایست تسلیم شود و یا با اعزام قوا و زدو خورد می بایست تسلیمش کرد. یکی از اشخاص که به امور لشکرکشی و نظامی وارد است معتقد بود که قوای دولتی باید از سه جهت عملیات خود را آغاز نماید:

یکی در جبهه مشرق به منظور تمرکز دادن و مشغول نمودن قوای دمکرات آذربایجان و یکی در غرب و حوالی بانه و سردشت به منظور سرگرم کردن نیروهای دمکرات کردستان و یک ستون قوی هم از حد فاصل قوای دو دمکرات یعنی از خط تکاب حمله قطعی و سریع آغاز نموده بدین ترتیب همکاری نیروهای دمکرات آذربایجان و کردستان را مانع شود و با سرعت در جهت میاندوآب . مراغه و تبریز پیش رود. زیرا گوینده در نظر میگرفت ممکن است نیروهای دمکرات کردستان به آذربایجان کمک نماید.

ولی بطوریکه سوابق عمل نشان میدهد هیچگاه دمکرات کردستان در جنگهایی که در آذربایجان بین قوای دولتی و دمکراتهای آذربایجان رخ داده همکاری ننموده و پیوسته سعی داشته است روابط حسنه خود را با قوای دولتی حفظ نماید. همین سوابق هم نشان میدهد که دمکرات آذربایجان از این نزدیکی دمکرات کردستان و دولت همیشه نگران بوده بطوریکه دفعه‌ای که یکی دو نفر از افسران ارتش از سقز مأمور شدند که به مهاباد

رفته راجع به موضوعهائی مذاکراتی بنمایند و تصادفا این مأمورین از خط میاندوآب رفته بودند از طرف دمکراتهای آذربایجان بازداشت و از طریق تبریز به تهران اعزام شده بودند.

این عمل باعث شد که جاده بین بوکان و مهاباد مرمت شود تا هنگامی که ضرورت ایجاب نماید افسرانی از پادگان کردستان به مهاباد بردند، بدون اینکه از منطقه نفوذ دمکراتهای آذربایجان عبور نمایند مستقیما از این راه بدون مانع رفت و آمد کنند.

این موضوع و نظایر آن نشان میدهد که اگر دست زورمندی برای حفظ سیاست خود مجبور نموده بود که احزاب دموکرات آذربایجان و کردستان با هم پیمانی منعقد نمایند اکراد هیچگاه به این پیمان باطنا مایل نبوده و حتی المقدور سعی داشته‌اند مناسبات خود را با دولت برقرار سازند.

اگر بطرز فکر و اوضاع جغرافیائی هم توجهی بنمائیم خواهیم دید که رژیم که می توانست مدتی در آذربایجان حکمرانی کند قابل انطباق با وضع مناطق کردنشین آن ایالت نبوده و چون اطمینان حاصل نمیشد که خواسته‌های آن رژیم در کردستان نیز اجرا گردد ناچار می بایست رسماً عنان اختیار این نواحی به حکومت آذربایجان سپرده شود.

قضیه آذربایجان و کردستان را باید از هم تفکیک نمود و پیشنهادهای مختلفی هم اغلب در این زمینه میدادیم ولی افسوس در آن موقع مشکلات سیاسی دولت را مجبور ساخت که پیمانی با آذربایجان منعقد نماید و با شناختن ایالت آذربایجان استانهای ۳ و ۴ را توأم ساخته مناطق کردنشین شمالی را جزو آذربایجان بداند.

اگرچه این اقدام سد محکم مناطق کردنشین آذربایجان را از پیش پای تبلیغات پان تورانیسم برمیداشت و آرزوهای ترکها را که نفوذ و تبلیغ در آذربایجان است بعمل نزدیک میکرد ولی فشار سیاست خارجی در آن موقع آنقدر موافقت نداشت که دولت با آذربایجان و با کردستان شمالی

با هر یک جداگانه کنار بیاید. زیرا کردها که در این نواحی اکثراً بصورت عشایری زندگی مینمایند به آسانی رژیم مورد نظر را قبول نمی نمودند. بنابراین تجارت عالیه آذربایجان بر آن ضروری شناخته میشد.

خلاصه آذربایجان در کنار ایران و دور از ایران گذرانید و حزب دمکرات آذربایجان فرصت یافت تا به طیب خاطر آنچه که میخواهد انجام دهد. در این مدت به جای اینکه مطابق ادعاهای سران آن عدالت اجتماعی و آزادیخواهی بسط داده شود می گویند قحبیع ترین اعمال اجرا گردید. بنحوی که مردم بیزار شدند و با یک هجوم قوای دولتی نیروهای ساختگی آذربایجان متلاشی شد.

اکنون نیروهای دولتی در میان احساسات بی سابقه‌ای از طرف اهالی آذربایجان به شهرها یکی پس از دیگری وارد میشوند. سران حزب عده‌ای فرار و عده‌ای از بیم انتقام ملت تسلیم قوای دولتی شده به زندان پناه برده‌اند.

حال دیگر قضیه آذربایجان را تمام شده باید پنداشت. زیرا هیئت های مختلفی برای تشکیلات اداری و سرو سامان دادن به اوضاع رهسپار آن حدود شده است.

نواحی کردنشین بر اثر تحولات ناشیه از جنگ، بر خلاف میل و آرزوی میهن پرستان کرد به دو قسمت تقسیم شده رابطه یکی با دیگری قطع گردیده بود اینک که دولت با اعزام قوا به آذربایجان بر اوضاع مسلط شده امیدواریم موضوعی را که چندین بار پیشنهاد نموده بودیم مورد توجه قرار داده " کلیه نواحی کردنشین غربی را تحت یک سازمان واحد بنام استان کردستان اداره نموده با اعزام هیئتی از کارشناسان و مطلعین برنامه‌های اصلاحی و ضروری تهیه و با استفاده از نیروهای ملی آنرا به مرحله اجرا و عمل بگذارد ".

پس از ورود ارتش به زنجان و استقرار نیروی نظامی در شهرستان مزبور ستون اعزامی به سوی میانه و تبریز حرکت نمود و پس از تصادم با نیروهای دموکرات به پیشروی ادامه میداد تا آقای شبستری رئیس انجمن ایالتی آذربایجان و آقای دکتر جاوید تصمیم انجمن را دائر به خودداری نیروهای دموکرات از مبارزه و ایستادگی در مقابل قوای نظامی به پیشگاه همایونی و آقای نخست وزیر اطلاع دادند و بلافاصله پس از وصول تلگراف مزبور فرمان همایونی به شرح زیر به فرمانده نیروی اعزامی (سرتیپ هاشمی) صادر و بوسیله ستاد ارتش ابلاغ گردید.

چون طبق تلگراف واصله انجمن ایالتی آذربایجان متوجه مضار برادرکشی و مقاومت در مقابل قوای نظامی شده، لذا ماجراجویان از مبارزه و ایستادگی در مقابل قوای نظامی بازداشته و حاضر برای تسلیم گردیدند. با در نظر گرفتن مراتب بالا امر میدهم قوای نظامی طبق اوامریکه از طرف ما ابلاغ خواهد شد بطرف مناطق آذربایجان حرکت نموده و با مراعات اصول نظامی و مقرارت سپاه گری خود پیشروی و با هم میهمان عزیز آذربایجان با کمال مهربانی و رافت رفتار نمائید و در صورتی تیراندازی و عملیات ماجراجویانه نسبت به آنها نشود بایستی فقط به گرفتن اسلحه و برقراری امنیت کامل اقدام و در صورتیکه اقدام به تجاوز و تعرض شود طبق وظایف نظامی خود رفتار نمایند.

ضمناً امر میدهم که فرماندهان مراتب رفتار و اعمال کلیه افراد ارتش، نگهبانی و شهربانی به‌دهه کوچکترین سوء رفتار و سوء حرکات آنها را به اشد طرق مواخذه و بازخواست نمایند و مسئولیت هر سوء جریانی در هر یک از مناطق بعهدہ فرماندهان مسئول بوده و به هیچ اسم و رسمی در صورت قصور و مسامحه از آنها صرف‌نظر نخواهد شد چه کلیه قوای تأمینیه هر

منطقه تحت اوامر فرمانده آن منطقه و بایستی کلیه اعمال قوای تامینیه ارتش ننگهبانی و شهربانی در زیر نظر دقیق او اداره شود.

پس از ابلاغ امریه فوق افسران و افراد ستونهای اعزامی به سوی تبریز حرکت و فرقه دموکرات بوضع شگفت انگیزی تسلیم و در ساعت ۷ و ۱۰ دقیقه رادیو تبریز اعلامیه سرتیپ هاشمی را با مفاد زیر منتشر نمود:

" به عموم هموطنان عزیز اطلاع میدهم که افسران و افراد ستونهای اعزامی به سلامت ساعت ۵ بعد از ظهر وارد تبریز شدند ستون اعزامی جناح چپ تحت فرماندهی سرهنگ مظاهری و ستون اعزامی جناح راست به فرماندهی سرهنگ بایندر به سلامت وارد تبریز شدند. ستون اعزامی قلب جبهه به فرماندهی سرتیپ هاشمی نیز بدون دادن هیچگونه تلفاتی وارد تبریز شده است بنابراین به هموطنان عزیز اطمینان میدهد که افسران و افراد ارتش اعزامی بدون دادن هیچگونه تلفاتی صحیح و سالم وارد تبریز شده و اکنون مشغول حفظ انتظامات شهر میباشند."

از طرف فرمانده ستون اعزامی - سرتیپ هاشمی

به قراریکه رادیو تبریز بعدا اعلام داشت آگهی نیز از طرف آقای سرهنگ شقاقی منتشر گردیده که اداره شهربانی و ننگهبانی که در تحت اختیار نامبرده است از مردم خواهش دارد از ازدحام و اجتماع خودداری و به کسب و کار مشغول شوند و ضمنا تذکر داده که اگر کسی دست درازی به مال مردم کند به دادگاه زمان جنگ جلب و مجازات خواهد شد.

بهرحال پس از اینکه بعزل و مبنای سیاسی فرقه دموکرات آذربایجان بدین ترتیب تسلیم و ارتش وارد آذربایجان گردیده دولت برای رفع نگرانی وسائل حرکت آذربایجانی های مقیم تهران را فراهم و ضمنا از کشت و کشتارهایی که متاقب تسلیم فرقه شروع شده بود شدیدا جلوگیری و به اغلب اختلافات داخلی خاتمه داده بطوریکه پس از حصول توافق و استقرار امنیت قطعی در منطقه مزبور ارتش مورد ستایش مقام همایونی واقع گردید

و دستخط ملوکانه که به افتخار رئیس ستاد ارتش صادر شده بدین نحو ابلاغ گردید.

سرلشکر رزم آراء رئیس ستاد ارتش شاهنشاهی

روز ۲۰ آذر در تاریخ ارتش ایران بیادگار خواهد ماند زیرا ارتش وظیفه خود را که جانبازی و فداکاری در راه میهن است به بهترین طریقی انجام داد. لازم میدانم در این روز از زحمات طاقت فرسا و شبانه روزی شما که در راه سازمان صحیح و تعلیمات کامل بخصوص روحیات میهن پرستانه و وظیفه شناسی ارتش تحمل نموده‌اید قدردانی و رضایت خود اظهار نمایم. و تیمسار رزم آراء نیز ضمن معروضه پاسخ دادند:

اعلیحضرتا:

مفتخرا به عرض پیشگاه همایون شاهنشاه میرساند. دستخط مبارک زیارت و از اینکه خدمات ارتش و اقدامات ناچیز غلام مورد پسند و توجه قرار گرفته بزرگترین افتخار است.

ولی در مقابل میهن عزیز و نسبت به شخص اعلیحضرت همایون شاهنشاهی آنچه افسران و افراد خدمت نمایند کم و ناچیز محسوب میگردد چه کشوری که ما را در دامان مهر و محبت خود پرورانده منتظر است در چنین مواقع سخت و دشواری جان خود را نثار نمائیم.

سرلشکر. علی رزم آراء

به افسران و درجه داران ارتش نیز به تناسب درجات و مدالهای اعطاء گردید و بدین ترتیب ارتش مورد ستایش واقع شد.

خبرنگاران خارجی نیز نظیر مخبر " نیویورک تایمز " چندین بار نظر و مشاهدات خود را از رادیو تبریز اعلام و به دشواریهایی که در آذربایجان وجود داشته و روش فرقه دموکرات اشاراتی نمودند. این خبرنگاران که

بیشتر از نظر سیاسی اخبار آنان قابل توجه و اهمیت است فرار سران فرقه دموکرات گرفتاری بیریا و کبیری و احساسات مردم آذربایجان را توصیف و اطلاع دادند و ضمناً گفتند که مردم تبریز مجسمه ستارخان را که یادگار فرقه دموکرات بود از خشم و غضبی که نسبت به آنها داشتند خراب کرده و به جای آن عکس شاه را گذاشته‌اند.

برای اطلاع اداره دارائی کردستان

از مریوان می نویسند در مدت یک سال سهمیه شکر و چای مردم داده نشده فقط بوسیله پادگان مقادیری به بیگزادگان داده‌اند. آیا مردم " بنده زاده" از اجناس انحصاری سهمی ندارند فقط سهم به بیکزاده‌ها میرسد یا آنها هم سهمی دارند و ممکن است با دریافت سهم شکر از خوردن خرما می‌کنند چندی راحت شوند؟

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۷۴ دوشنبه ۲۵ آذر ۱۳۲۵. ۱۹۴۶.

در ایران ما چه می‌گذرد؟

نیروهای دولتی پس از ورود به مرکز آذربایجان در سراسر منطقه مزبور مستقر و نیروهای فدائی را پخش و پار نموده گرچه این امر غیر مترقی تلقی شد و منبع تعبیرات و تفسیرات عجیب سیاسی نیز قرار گرفت معذالک ارتش و دولت از این پیروزی مورد ستایش قرار گرفتند.

جناب آقای نخست وزیر از جریانات سیاسی اخیر کشور و قضایای آذربایجان صحبت و تصریح نمودند که انتخابات آزاد شروع خواهد شد و حزب دمکرات کاندیدای خود را هرگز تحمیل نخواهد کرد.

بیانیه آقای دکتر مصدق وکیل اول تهران در دوره چهاردهم و اعلام خطر ایشان و همینطور بیانیه کمیته حزب توده ایران و تصریح اینکه در انتخابات شرکت نخواهد کرد.

بیانات آقای نخست وزیر در شب پنجشنبه

ایامی که مقدرات و سرنوشت کشور و ملت ایران بازیچه افراد ماجراجو و عزیزان بی جهت یا متولیان بی ثمر و مغرض گردد سپری شده است. دیگر برای کشور و ملت ایران مقدور نیست که مصائبی را مانند فجایع و حوادث ناگوار یکسال اخیر آذربایجان تحمل کند و همه هموطنان عزیز میدانند که از یکسال قبل در آذربایجان ظاهراً در زیر نقاب و عنوان آزادیخواهی و درخواست اصلاحات ولی باطنا با نیاتی زیان بخش دست به چه حرکات و اعمال ناهنجاری زده شد.

آنان در تبلیغات خود کوشش می نمودند که خود را اصلاح طلب و مترقی و متکی به مردم آذربایجان معرفی کنند و عملیات مخالف قانون و انتظار خود را اصلاحات وانمود نمایند. آنها مدعی بودند که در ظرف یکسال سلطه غیر قانونی خود بر آذربایجان مصدر خدماتی نسبت به ترقی و آبادی آذربایجان و رفاه و آسایش اهالی شده‌اند و حتی به این درجه که در تصدی خود به امور آذربایجان خودشان را از مأمورین و منتخبین دولت و افسران ارتش ارجع و اصلح می شمردند و با اینگونه عناوین و ادعای خودستایانه کوشش میکردند که از اطاعت اوامر دولت و پذیرفتن نیروی دولت و مأمورین مرکز سرباز زنند. اگرچه اصول خرابکاری آنان بر دولت و بر عموم تا حدی روشن بوده و واضح بود که مظالم و ستمکاری آنان در مورد اکثر اهالی آذربایجان تا چه حد است.

ماجراجویان با اصرار عجیبی کوشش داشتند که زبان فارسی و ملی ایران را از عهد زرتشت و کانون ایران دوستی از آذربایجان عزیز و پرافتخار که در طول سه هزار سال تاریخ عضو لاینفک و جاویدان ایران بوده و خواهد بود برانند و رابط فرهنگی و ملی باستانی ما را از آذربایجان قطع کنند و جدائی و افتراق در میان سر و پیکر بوجود آورند و هیچ فرد ایرانی حساس نیست که قلب خود را از این نیرنگ جفاکارانه آنان جریحه‌دار نیافته باشد.

این اشخاص به عذر و عنوان کمک به کشاورزان املاک مالکین و مردم را به خلاف قوانین انتزاع نمودند و به هوس و اراده خود جمع کثیری از اهالی آذربایجان را از هستی ساقط و از وطن و خانه و زاد و بوم خود آواره ساختند و به کشاورزان آذربایجان نیز خدمتی که مدعی بودند ندادند.

و به عکس شیرازه نظم زندگانی فلاحین و زحمتکشان یک منطقه وسیع کشور را از هم پاشیدند و در نتیجه عملیات مخالف قانون و فجایع دسته مزبور خسارت هنگفت به عایدات دولت و دارائی و اموال موجود کشور در آذربایجان وارد آمد و همچنین خسارت جانی و مالی بسیاری به اهالی بیگناه و مردم زحمتکش کشور متوجه گردید.

نهب اموال مردم و قتل نفوس بیگناه گسیختگی کلیه رشته‌های زندگانی عمومی دربرگیری و آوارگی جمع کثیری از سکنه آذربایجان شهادت سربازان و نگهبانان ما همه این جرایم و جراحات سخت ثمرات تلخ و زهرآگین ماجراجوئی است که در نقاب دموکراتیک بر چهره خود زده‌اند ولی سوء اعمال و رفتار آنان فضای کشور را مسموم و نفرت عمیق ملت ایران را برای همیشه نسبت به این قبیل عناصر جلب کرده است.

امروز که دولت به جلوگیری آنان توفیق حاصل نموده و با بقاء یک وظیفه قطعی نایل گردیده است ناچار است که دیگر به هیچ وجه مقدرات و سرنوشت مردم کشور را نگذارد بازیچه نفع طلبی و خودپرستی و اغراض خصوصی مفسده جوین قرار گیرد و همچنین سعی و اهتمام به نفع اینجانب آنست که برای ترمیم خرابیهائی که در آذربایجان به آن صورت تأسف انگیز بوقوع پیوسته است از هرگونه وسیله و قدرتی استفاده شود و در ادعاده آسایش مردم وطنپرست و غیور و حساس آذربایجان که بدین درجه ستم زده گشته‌اند از تمامی قوای ملی و مملکتی کمک گرفته شود.

(خلاصه‌ای از بیانات نخست وزیر)

خبر سقز

به مناسبت ورود نیروی ارتش به آذربایجان روز ۱۳۲۵/۹/۲۰ جشن و چراغانی برپا بوده است.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۷۵ دوشنبه ۲ دیماه ۱۳۲۵. ۱۹۴۶.

سرنوشت بارزانیان

دو سه روز است ملا مصطفی بارزانی و چند نفر دیگر از سران بارزان به تهران وارد شده‌اند و محل اقامت آنان باشگاه لشکر ۶ بوده و به قرار اطلاع روز گذشته نیز واردین ملاقاتی از جناب آقای نخست وزیر بعمل آورده‌اند. اکنون سرنوشت این افراد که در حدود ۱۲ تا ۱۵ هزار نفر می باشند در دست دولت است.

بارزانیان از هنگامیکه در ۱۴ ماه و چند روز پیش خاک عراق را ترک نموده و به ایران پناه آورده‌اند و در قسمتهای گردنشین آذربایجان اقامت داشتند و در تمام این مدت دست به مال و جان و ناموس کسی دراز نکرده بلکه در نهایت انضباط از روسای خود اطاعت نموده بطوریکه می توان آنان را بهترین نمونه افراد منظم عشایر دانست.

در هنگام عزیمت قوای دولتی به سمت مهاباد برخلاف آنچه در دو سه روز اخیر در بعضی از جراید خوانده میشد اکراد بطور کلی و بارزانیان بالخصوص عکس العمل و مقاومتی نشان نداد و مشکلی برای ورود نیروهای نظامی فراهم نساختند بلکه با نهایت جدیت کوشش نمودند که از هرگونه تماسی که حادثه کوچکی فراهم سازد جدا جلوگیری بعمل آورند. نه جنگی در آن نواحی روی داده و نه کسی کشته یا زخمی شد.

پس از ملاقاتهایی که چه سران حزب دمکرات کردستان و چه ملا مصطفی از فرمانده لشکر کردستان نمودند مقدمات ورود نیرو فراهم شد و چند

روز بعد عموم بارزانیان تسلیم دولت شدند و بطوریکه می بینیم اکنون هم ملا مصطفی به تهران آمده است.

در روزهای اول ورود نیروهای دولتی با نهایت مسالمت با اهالی رفتار میشد و در تمام مدتی که راجع به آذربایجان صحبت و گفتگو بود نامی از نواحی کردنشین آن ایالت به میان نمی آمد. این سکوت خود معمائی بود که فقط گذشت زمان می توانست آنرا حل نماید. زیرا با گذشتن چند هفته برنامه دولت و تصمیمش راجع به این مناطق معلوم می گشت.

حال از گوشه و کنار شنیده میشود که چند نفری تحت نظر و عدهای بازداشت شده‌اند و در نظر است که موضوع بارزانیان هم جداگانه مورد مطالعه قرار گیرد. بنابراین موضوع کردستان را اکنون می توان به دو فصل تقسیم نمود:

فصل اول: تصمیم دولت در باره نواحی کردنشین آذربایجان و سازمانهای آن.

در این موقع که عدهای گمان میکنند دولت ممکن است دست به شدت بزند از رویه مسالمت آمیز استفاده نموده با توجه به نیازمندیهای عمومی محیط دوستی و نزدیکی فراهم سازد. شدت عمل در این نواحی هیچوقت به صلاح مملکت نبوده و نخواهد بود.

فصل دوم: موضوع بارزانیان.

در مورد بارزانیان دولت باید یکی از دو اقدام ذیل را بنماید:

۱. اعاده بارزانیان به اوطان خود پس از اطمینان و بدست آوردن عفو عمومی برای آنان از دولت عراق.

۲. سکونت دادن بارزانیان در یکی از مناطق کردستان و پذیرفتن آنان به تابعیت ایران.

اکراد از آنجائیکه به حسن نیت جناب آقای نخست وزیر اطمینان دارند و امیدوارند ایشان به این دو فصل توجه مخصوصی مبذول فرموده و در ضمن نواحی دیگر کردستان را هم در اصلاحات ضروری از نظر دور ندارند.



نشسته از راست: ملا مصطفی بارزانی، سرهنگ غفاری

ایستاده از راست: ؟، میر حاج

عکس: از کتاب " زندگی سیاسی قوام السلطنه " تألیف: جعفر مهدی نیا
انتشارات پانوس چاپ چهارم سال ۱۳۷۵

قابل توجه جناب اشرف آقای نخست وزیر

بطوری که تاکنون متذکر شده‌ایم و اخیرا سران اکراد عملا به ثبوت رسانیدند توده کرد به واسطه بهره که از ایرانی الاصلی در عروق آنان به ودیعه گذارده شده هیچگاه از راه راست که ایران پرستی است منحرف نشده و ذاتا آشوب طلب و ماجراجو نبوده و نیستند چنانچه پاره‌ای اوقات اظهاراتی بنمایند جز شکایت از عمل خلافاکارانه مأمورین ناصالح چیز دیگری نباید تلقی نمود.

بدبختانه چون شکایت آنان برای رسیدگی به همان عده احاله میشد و آنان نیز مجبور بودند از نظر استحکام و تأمین مقام خود شکایت حقه اکراد لباس دیگری بپوشانند این بود در پیشگاه اولیای امقه بطرز نامطلوبی جلوه میدادند در این موقع که بحمدالله زمام امور در کف با کفایت شخص شخیص جناب اشرف آقای قوام قرار گرفته و ما مطمئن هستیم علاوه براینکه در نظر شخص معظم الیه "کرد، ترک، لر، عرب، فارس" یکسان هستند ولی چون اکراد در دوره حکومت گذشته محرومیت‌های فوق العاده کشیده‌اند توجه ویژه به آنان و نواحی کردنشین دارند. اینک بنابر ارادت و ایمانی که به جناب اشرف دارم نکات چندی را برای مزید اطلاع معظم الیه به عرض میرسانم.

اولا: در این موقع که مناطق کردنشین بیش از هر ایالت و ولایت محتاج به اصلاح و تحبیب می باشند خوب است کلیه مناطق کردنشین را یک استان قرار داده و بوسیله یک نفر استاندار مجرب که از هر حیث امتحان صحت عمل و وطن پرستی داده باشد اداره شود.

ثانیا: یک هیئت بازرسی که مرکب از اعضاء عالی مقام و پاکدامن "ارتش، فرهنگ، کشور، دارائی، دادگستری و چند نفر محلی باشد با اختیارات تایم به آنان سامان اعزام و از روی بیغرضی به عملیات گذشته و ثروت کارمندان کلیه ادارات لشکری و کشوری و بومی و غیر بومی " اعم از رئیس و رسیدگی

یعنی اموال منقول و غیر منقول فعلی آنان را با روز اول شهریور ماه ۱۳۲۰ مقایسه نموده تا معلوم شود مازاد آنها از کجا و به چه نحو بدست آورده‌اند. ولی بشرط اینکه پس از اثبات جرم شر مجرم را از سر این ملت سیه‌روز کم کرده و به مجازات برسانند و دیگر به هیچ عنوان و تشبثی آنان را به مأموریت مناطق کردنشین نفرستند.

نه اینکه مانند بعضی از مأمورین که با هزار خون جگر از محلی به واسطه عمل خلافکارانه عوض شده و مجدداً در اثر پشت هم اندازی و اقداماتی به همان محل مراجعت و اینک فعال مایشاء و به تعقیب رویه ناجوانمردانه سابق که اذیت و تولید اشکال برای ساکنین حوزه مأموریت خود می باشد ادامه می‌دهد.

ثالثاً: هیئتی کارشناس و مطلع مرکب از چند نفر مأمور صالح مرکز و معتمدین محل تشکیل شود تا برنامه‌های اصلاحی و ضروری که با موقعیت آن سامان وفق دهد تهیه و هرچه زودتر به مرحله عمل و اجرا بگذارند. بلکه از این راه این قوم ستم‌دیده عقب مانده پیش افتاده و به مراحم مبذوله دولت امیدوار شوند.

فعلاً به این مختصر اکتفا نموده بعداً نظریات بیشتری که داریم به عرض خواهیم رسانید.

حسنعلی آزموده اردلان

هفته پیش در ایران ما چه گذشت؟

قضیه انتخاب استاندار برای آذربایجان نیز تا جاهای باریکی کشیده شد. در ابتدا آقای صادقی نماینده مجلس چهاردهم نامزد استانداری بودند ولی از انتصاب ایشان بعلل و جهاتی بعداً خودداری شد و آقای منصورالملک که مرد برجسته و زیرکی است متفق القول جهت استانداری آذربایجان منتخب گردید.

موضوع تظاهراتی نیز از طرف احزاب سیاسی مختلف برعلیه انتخابات بعمل آمد و شاید تا روز شروع انتخابات تحولات سیاسی دیگری نیز حتی در اندیشه و گفتار و اوضاع سیاسی تهران مشاهده گردد.

انجمن روزنامه‌نگاران به افتخار (آزاد شدن آذربایجان) جشنی ترتیب و از افسران ارشد ارتش و جمعی روزنامه‌نویسان دعوتی بعمل آورده بودند و تیمسار سرلشکر رزم آراء ضمن بیانات خود از تهجیزات عظیم ارتش آذربایجان سخن راندند و تذکر دادند " اگر دو سال دیگر بر قضیه آذربایجان میگذشت و تهران تکان نمیخورد میدید ایران با چه وضعی روبرو میشد".

صدور بیانیه کمیته مرکزی حزب توده نیز که از اتهامات منتسبه حزب را تبرئه و مفاصد و اوضاع سیاسی اخیر ایران را تجزیه و تحلیل میکند. از مسائل مهم هفته محسوب میگردد.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۷۶ دوشنبه ۹ دی ماه ۱۳۲۵. ۱۹۴۶.

هیئت نمایندگان کردستانیان در تهران

روز پنجشنبه گذشته هیئتی به ریاست جناب آقای آیت الله مردوخ از سنج به تهران وارد گردید تا مراتب سپاسگزاری و مسرت و شادمانی قاطبه کردستانیان را از موفقیتی که در حل موضوع آذربایجان نسیب دولت گردیده به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و رئیس محترم دولت معروض دارد و ضمناً با عرض شمه‌ای از اوضاع رقت بارکردستان استدعا نماید که مردم رنجدیده آن سامان از این پس مورد الطاف مخصوص ذات شاهانه و توجه خاص دولت قرار گیرند.

اعضای این هیئت عبارتند از: آقایان آیت الله مردوخ. آقای ملا محمد صدیق مجتهدی (امام جمعه). ملا عبدالمجید اصولی مدرس. ملا احمد

مدرس . ملا محمد سعید متولی فاتح . احمد کمانگر . مهدی سنندجی . یحیی مردوخ (نمایندگان مالکین) و آقای رحیم زاده (از طرف بازرگانان) .

در کردستان چه میگذرد؟

بازداشت اشخاص و سران حزب دمکرات کردستان شروع شد . به قراریکه میشنویم در حدود ۳۰۰ نفر بازداشت شده‌اند .

آقای صدر قاضی نماینده سابق مهاباد نیز در تهران بازداشت و به مهاباد اعزام گردیده است .

هیئتی از سنندج به تهران آمده تا برای عرض امتنان از موفقیت دولت در مسئله آذربایجان حضور شاه شرفیاب گردند .

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۷۷ دوشنبه ۱۶ دی ماه ۱۳۲۵ . ۱۹۴۷

دستگیری قاضی محمد

اسارت ۱۳۰۰ نفر از اکراد و ۳۳ افسر، تاکنون ۳۰۰۰ تفنگ، ۵۰۰ قبضه تفنگ خودکار، ۱۰۰ مسلسل هوائی بدست نیروی دولتی افتاد . ستونهای تحت فرماندهی سرتیپ همایونی که مأمور اشتغال (تکاب تا شاهین دژ) . (سقز تا مهاباد) . (مهاباد تا سردشت) بودند در شاهین دژ با ۱۲۰۰ نفر در سقز با ۴۰۰۰ نفر در سردشت با ۱۳۰۰ نفر از فدائیان مصادف میشوند و قبل از اینکه نیرو به مهاباد وارد شود، سربازخانه‌ها غارت میکردند و پس از ۵ روز زدوخورد (از ۱۶ تا بیست آذر) اکراد متفرق میگردند .

بالنتیجه قاضی محمد دستگیر و تحت نظر قرار میگیرد . تاکنون سه هزار تفنگ برنو، ۵۰۰ قبضه تفنگ خودکار، صد قبضه مسلسل سنگین ضد هوائی، مقداری خمپاره‌انداز، دو توپ ۷۵، سیصد هزار فشنگ بدست نیروی دولتی می افتد و ۱۳۰۰ نفر به اسارت درمی آیند . در میان آنها ۳۳ نفر افسر دیده میشود که ۷ نفرشان تهرانی هستند . در طی زدوخورد ۲

سرباز مقتول ۵ نفر مجروح میشوند که یکی از مجروحین گروهبان
 "حسامی" میباشد.

دستگیری قاضی محمد
و اسارت ۱۲۰۰ نفر از اکراد و ۳۳ اسیر
 تاکنون ۳۰۰۰ تنک - ۵۰۰۰ قبضه اسلک خودکار -
 ۹۰۰ مسلسل هوایی بدست نیروی دولتی افتاده
 مملوهای است فرمادهی سرلشکر مهابادی که مأمور اطفال
 (نکاب ناخامین در) - (سفر نا مهاباد) - (مهاباد آسیر شده)
 بوده در ناخامین در با ۱۲۰۰ نفر در سفر نا ۵۰۰۰ نفر در
 سرده است با ۱۳۰۰ نفر از اکراد مصادف میشوند و اکراد
 نیرو مهاباد وارد نمود سربازخانه ها غارت میگردد و پس از
 ۵ روز زردار خورده (از ۱۶ تا بیست آذر) اکراد بطریق
 میگردد.
 بالنتیجه قاضی محمد دستگیر و تحت نظر قرار میگردد
 تاکنون سه هزار تنک آبرو - ۵۰۰۰ قبضه تنک خودکار - سه
 قبضه مسلسل سنگین ضد هوایی - مسموم آری خیابان انداز -
 دو توپ ۷۵ - سیم هزار تنک بدست نیروی دولتی می افتد
 و ۱۳۰۰ نفر با اسارت در هم آینه در میان آنها ۳۳ نفر اسیر
 داده میشود که ۷ نفر اکراد نهرانی هستند در طی روز ۲۰ خرداد
 سرباز مقتول ۵ نفر مجروح میشوند که یکی از مجروحین گروهبان
 حسامی میباشد

منبع: روزنامه مرد امروز شماره ۸۸ سال ۱۳۲۵. ۱۹۴۶

هفته پیش در ایران ما چه گذشت؟

آقای دکتر مصدق در طی اعلامیه منتشره اخیر خود می نویسد " هر کس به حزب دمکرات رأی دهد با دست خود طوق بندگی را بگردن ملت بسته است ". احزابی نظیر حزب " مردم " ، " ایران " که ارزش اجتماعی دارند نسبت به این جریانات معترضند، حزب توده ایران که شاخص احزاب ایران است انتخابات را تحریم نموده است.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۷۸ دوشنبه ۲۳ دیماه ۱۳۲۵. ۱۹۴۷.

انتخابات کردستان

در مهاباد: در این شهرستان هنوز وضع انتخابات کاملاً روشن نیست. عده‌ای در مرکز مشغول دوندگی هستند، چند نفری هم در محل تلاش مینمایند ولی گویا اینطور قسمت کرده‌اند که کرسی وکالت مهاباد را به جای سقز به آقای محمد آقا عباسی به جبران خساراتی که دیده بدهند. ولی چیزی که مسلم است این است که در محل در میان مردم کسی مشغول فعالیت نیست بلکه آنهاییکه خود را برای نشستن بر کرسی نمایندگی حاضر کرده‌اند کلیه تلاششان این است که کسب موافقتی از مقامات دولتی بنمایند.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۷۹ دوشنبه ۳۰ دیماه ۱۳۲۵. ۱۹۴۷.

آبروی امضای خود را نبرید

از همان هنگامی که اولین شماره روزنامه کوهستان منتشر شد در تلگرافاتی که از نواحی مختلفه میرسید ما به این موضوع پی بردیم که اغلب مردم بدون توجه مطالبی را امضاء می نمایند که برخلاف عقیده خودشان است خوب به خاطر داریم در یک موضوع تلگرافی امضاء شده بود که برخلاف واقع از شخصی تعریف کرده بودند و یکی از امضاکنندگان ضمن مراسله‌ای به ما نوشته بود که امضائی که در ذیل فلان تلگراف کرده‌ام به خواهش

چند نفر بوده خواهش دارم به آن ترتیب اثر ندهید زیرا برخلاف واقع است.

یک نمونه دیگر عبارت از تلگرافهایی است که می آورند و مردم مجبور به امضای آن می کنند. البته وقتی چنین تلگرافی برسد به رعایت احترام امضاکنندگان چاپ می کنیم ولی چون خواننده که مطلع بر اوضاع باشد آن تلگراف را بخواند فوراً متوجه می شود که اجباری است.

نظیر این تلگرافها را هم زیاد چاپ کرده ایم. ضمناً این مدت بارها این موضوع را یادآوری نمودیم که بی جهت از کسی تعریف نکنید و آبروی خط و امضای خود را نبرید هرچه را بر آن عقیده دارید امضاء کنید.

ولی این روزها که بازار تلگراف رواج دارد و عده ای از هر جا بی خبر گمان می کنند همین تلگرافی به امضای چند نفر رسید فوراً چون آیه آسمانی مورد قبول واقع خواهد افتاد.

لازم میدانیم مجدداً یادآوری کنیم که دقت نمائید آلت دست دیگران نشوید و مطالبی را که برخلاف واقع و برخلاف عقیده شماست به خواهش یا به اجبار امضاء نکنید.

البته آن کسی که در مقابل چنین امضاها پولی دریافت میدارد از این یادآوری برکنار است. زیرا عقیده و حیثیت خود را فروخته و چیزی برایش باقی نمانده که برای نگاهداری آن مراقبتی لازم داشته باشد. ولی کسانی که دارای حیثیت هستند باید در نگاهداری حیثیت و آبروی خود قدری دقت نمایند.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۷۹ دوشنبه ۳۰ دی ماه ۱۳۲۵. ۱۹۴۷.

هفته پیش در ایران ما چه گذشت؟

انتخابات دوره پانزدهم مجلس ایران نیز بدین نحو که خود ناظر آن هستیم قریب به پایان است. از مبادی انتخابات و چگونگی و کیفیت آن به خوبی مطلعند، سرنوشت مجلس پانزدهم نیز این بود انتخاب کردن و منتخب بودن بوضع شگفتی افتاده بود و مجلس نیز قطعا معجون ناگواری خواهد گردید، مردم حکومت و مجلس صالحی را که میتواند به همه آشوب و پریشانیها خاتمه دهد از جان طالبند ولی آیا این حافظین جدید قانون اساسی می توانند بنام شامخ فناء فی الازادی برسند یا خیر؟

در کردستان چه میگذرد؟

محاكمه برخی از سران حزب دمکرات کردستان پایان یافته و بطوریکه میشنویم آقایان قاضی محمد، صدر قاضی و سیف قاضی محکوم به اعدام گردیده ولی اجرای رأی دادگاه موکول به وصول دستور مرکز شده است.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۸۰ دوشنبه ۷ بهمن ماه ۱۳۲۵. ۱۹۴۷

توجه دولت به ایلات و عشایر

هفته گذشته عده‌ای از روسای ایلات و عشایر دعوت شده بودند تا در مراسم جشنی که در دانشکده افسری، در پیشگاه اعلیحضرت همایونی برپا شده بود حضور یابند. در میان این مدعیون عده کثیری از روسای عشایر و مشایخ کرد از مهاباد، سقز، بانه، تیلکوه، مریوان و اورامان و غیره دیده می شدند و اکثریت آنها را کسانی تشکیل میداد که برای اولین بار پایتخت ایران را دیدن نموده بودند. اگر از سالیان پیش این رویه معمول می بود که هر چند وقت یکبار سران عشایر و کسانی که در سخت‌ترین شرایط زندگی، در راه حفظ مرزهای ایران جان بازی میکنند به تهران آمده و مرکزیان صمیمانه از آنها پذیرائی میکردند و اگر همیشه تماس نزدیک و مستقیمی بین مرکز و مرزنشینان دورافتاده میبود قطعا رشته مودت و برادری چنان

استحکامی میداشت که هیچ قدرتی قادر به سست نمودن و یا گسستن آن نمی شد.

این نمایندگان که امروزه در تهران هستند اندکی با اوضاع مرکز آشنا خواهند شد و پذیرائیهای صمیمانه‌ای که از طرف دولت از آنها بعمل می آید یادگارهای خوشی در خاطر آنها باقی خواهد گذاشت. دولت باید در نظر بگیرد که برای شروع در شهرهای مهاباد، سقز، سنندج دبستانهای عشایر فوراً ایجاد گردد.

در این دبستانهای شبانه‌روزی اولاً عشایر و ایلات طبق برنامه مخصوص و منظم و تحت سرپرستی مربیان دلسوز و آگاه تربیت شوند، تربیت در موسسات شبانه‌روزی فرهنگی از یک طرف فرزندان آنان را به زیور علم و دانش آراسته و از طرف دیگر آنها را به زندگانی نوینی آشنا و مانوس خواهد داشت. هفته گذشته عده‌ای از مشایخ و روسای عشایر و طوایف کرد از طرف ستاد ارتش به تهران دعوت شده بودند که در مراسم جشن سده و اعطای سر دوشی دانشکده افسری که در پیشگاه اعلیحضرت همایونی بعمل آمد حضور یابند. آقایانی که دعوت شده بودند به شرح ذیل می باشند:

از مهاباد

آقای مام عزیز امیر عشایری . مامش

آقای محمود آقا ایلخانی . آقای حاجی بایزید آقا ایلخانی . آقای عبدالله ایلخانی زاده . آقای کریم بایزیدی . آقای بایزید عباسی . آقای علی عباسی . آقای اسمعیل عباسی .

آقای ابراهیم سالاری . آقای عبدالله بایزیدی . آقای سلیم آقا اجاق . علی آقا جوانمردی . آقای رحمن تیموری .

آقای بایزید عزیزی . کاک الله حسنی . آقای پیروت محمدی . رسول محمدی

آقای عبداللہ قادری . مامش

آقای قادر قهرمانی . آقای ابراہیم قهرمانی . آقای معروف سلطانی

از مشایخ و تجار

آقای شیخ آقائی . ملا خلیل . شیخ عبدالرحمن شمس الدینی . قاضی مکر

آقای سید رئوف قاضی مکر

آقای رحمت شافعی . بازارگان

از طوایف سقز

آقای قادر انوشیروانی . آقای عبداللہ انوشیروانی . حاجی محمد وکیلی . آقای

محمد سلطانی . آقای رضا کلہر . آقای محمود سلطان پناہ . آقای صالح

سلطان پناہ . آقای رشید دیوانی

از بانہ

آقای عزت احمدی . آقای رحمن احمدی . آقای رشید احمدی

از تیلکوه

آقای محمد حبیبی . آقای مظفر حبیبی . آقای علی ہمہوہیسی . محمد فاتحی

از کوماسی

آقای فرج بیگ زنوزی . آقای فائق بیگ شہبازی . محمد صالح رشیدی

از اورامان و مریوان

آقای محمد شریف بیگ آلمانہ . عبداللہ بیگ ولہژیری . سید احمد شیخ

الاسلامی . شیخ احمد کنہہ پوشی . محمد علی بیگ بیلہ . عبداللہ بیگ دزلی

از گلہباغی

آقای یحیی امینی . محمد علی امیر حسنی . احمد پیشکاری نماینده
کدخدایان

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۸۱ دوشنبه ۱۴ بهمن ۱۳۲۵ . ۱۹۴۷

احمد کمان

فارغ التحصیل
گرد آورنده مجموعه های قوا

وکیل پایه ۱ داد

مجیددا به تهران مراجعت و دفتر و
سرای لاله زار دائر و برای قبول و انجام ا
ساحر است.

- ۱ - کلیه دعاوی مدنی و کیفری در
- ۲ - کارهای ثبتی و تجاری
- ۳ - امور تعدیل مال الاجاره ها
- ۴ - کارهای مربوط به وزارتخانه ها و
- ۵ - مشاوره حقوقی
- ۶ - تنظیم قرار دادهای بازرگانی

۶۴-۲

آگهی حصرو

تقی رشیدیان درخواستی به دادگاه
بلاولاد متوفی وارث منحصر به یک زوج (لقا
بوده لقا نیز فوت کرده غیر از محمد صدیق
وارث فقط تقی پدرش میباشد برای تبدیل
سندج بنام خود صدور گواهی حصرو ارائه
در روزنامه مجلس و کوهستان درج اگر ک
یاسری دارد از نشر اولین آگهی تاسه ماه
صادر میشود.

رئیس دادگاه بخش کرد

۵۷ - ۲

آگهی حصرو

آقای دشتی و کائنات از طرف بانو م
بخش کردستان تقدیم که بانو فخرالملوک
فوت نموده وارث او منحصر به ستوره خا
عباس - علی - امین - کریم آزاد یو
شفا نامه برای استفاده وراث از کلیه تر
خواستار شده لذا مراتب سه بار متوالی در
درج می نماید اگر کسی واخواهی یا وصیت
تاسه ماه باین دادگاه مراجعه والا گواهی
رئیس

۵۶ - ۲

آگهی حصرو

مهدم خانم ابوبکری درخواستی
لطف الله ابوبکری مقیم سندج فوت نموده
وسه پسر (فیض الله - خلیل - محمد شریا
شهریه به ملک - زرین تاج - آئینه شم
و گواهینامه برای استفاده از کلیه تر
خواستار شده لذا مراتب سه بار متوالی در
درج میشود اگر کسی واخواهی یا وصیت
آگهی تاسه ماه باین دادگاه مراجعه و
رئیس

۵۵ - ۲

ازاورامان و مریوان

آقای محمد شریف بیگ آلمان

- « عبدالله بیگ وله زیری
- « سید احمد شیخ الاسلامی
- « شیخ احمد کهنه پوشی
- « محمد علی بیگ بیله
- « عبدالله بیگ وزلی

از گلباغی

آقای یحیی امینی

- « محمد علی امیر حسینی
- « احمد پیشکاری لمانده کدخدایان

دعوت از نمایندگان عشایر و ایلات و مشایخ کرد

مفتی گذشته عده ای از مشایخ و
روسای عشایر و طوایف کرد از طرف
ستاد ارتش بطهران دعوت شده بودند
که در مراسم جشن سده و اعطای سر
دوشی دانشکده افسری که در پیشگاه
اعلیحضرت هایونی بعمل آمد حضور
یابند. آقایانی که دعوت شده بودند
بشرح ذیل می باشند.

از مهاجرات

- آقای مام عزیز امیر عشایری مامش
- « محمود آقا ایلهانی دهبوگری
- « حاجی بایزید آقا ایلهانی
- « هید ش ایلهانی زاده
- « کریم بایزیدی
- « بایزید عباسی
- « علی عباسی
- « اسمعیل عباسی
- « ابراهیم سالاری
- « هیداه بایزیدی
- « سلیم آقا اجاق
- « علی آقا جوانردی
- « رحمن تیموری
- « بایزید هزیزی
- « کاک الله حسینی
- « بیروت محمدی
- « رسول محمدی
- « عبدالله قادری
- « قادر قهرمانی
- « ابراهیم قهرمانی
- « معروف سلطانی

از مشایخ و تجار

- آقای شیخ آقایی
- « ملا خلیل
- « شیخ عبدالرحیم شمس الدینی
- « قاضی مکرری
- « سید رفوف قاضی مکرری
- « رحمت شانی بازرگان

از طوایف سقز

- آقای قادر اوشیروانی
- « عبدالله اوشیروانی
- « حاجی محمد و گیلی
- « محمد سلطانی
- « رضا کلهر
- « محمود سلطان پناه
- « صالح سلطان پناه
- « رشید دیوایی
- « محمد سلطانی

از باله

- آقای هرت احمدی
- « رحمن احمدی
- « رشید احمدی

از تیلکوه

- آقای محمد حبیبی
- « مظفر حبیبی
- « علی هه و پسی
- « محمد فاتی

از گوماسی

- آقای فرج بیگ زووری
- « نازق بیگ همبازی
- « محمد صالح رشیدی

بل به امضای ۳۷۵ نفر از
طوایف کرده است
شرف آقای قوام السلطنه
رهستان - اهالی دولت غوام
ایندی مشروطیت و تاسیس
ملی فاقد نمایندگی قانونی
در نتیجه تحویل مدتی که
های سلف باین شهرستان
از کاروان ترقی بازمانده
سایل اولیه زندگی و این
مانی مید تربیت بورگان
صورت خرابه در آمده
قاپسه با کوچکترین بخش
آن نیست. توجه به وجود
رایج موقع که آزادی
ف ذات اشرف مکرور
بیانیه و اعلامیه و عده شده
در نظر گرفته اند که
رئی از طرف خود انتخاب
ناسفاته اشخاص مشکوک
ی از جمله آقای غلامحسین
برکت غت هندان که
ت بوسایل دلالانی که
به و بنگاه دایر کرده اند
بالک نفع پرست مشغول
قصه دارد سبب حق
اهالی موجب شده
نده جوئی مبارزه و
ست عموماً در مسجد
حضرت اشرف که در
های دوره زامداری
ان پایگاهی رفیع
ما کنند دست این
جامه گروس که
کیل ندارد دور
جمعه در درجه اول
در درجه دوم که
می هشتاد هوار
د برسمیت شناخته
مراجعی که لازم
ب است تکمیل و
ت مشغول فرمایند.
از وجوه اهالی

قوام السلطنه...
مفسلات جذاب
بابات و انتخاب
ملی اویستند
لال طاهری که
و میهن پرست
آرزوی هشتاد
نهایت درجه
سی مایه فخر
ادی خواهان
یله تشکرات
و پیروزی این
از خداوند
برای - بانو
- کلهر -
- حسین -
سی مسعودی
الی - احمد
یله - اکبر
ی سلیم پور
جامه پور -
لند پسرگی



تهران: گردهمایی عشایر "کرد" ۱۳۲۵/۱۱/۱۵

ایستاده از چپ: ۱. علی آقا علیار (امیر اسعد) ۲. محمود آقای ایلخانیزاده
 ۳. ملا خلیل گور عمر (با کمر بند سفید) ۴. شیخ عبدالرحیم شمس برهان
 ۵. شیخ محسن قاضی مکرری ۶. سرهنگ حسن پاکروان
 عکس از کتاب: ساجبلاغ مکرری (مهاباد) در آئینه‌ی اسناد تاریخی، تألیف:
 فریدون حکیم زاده

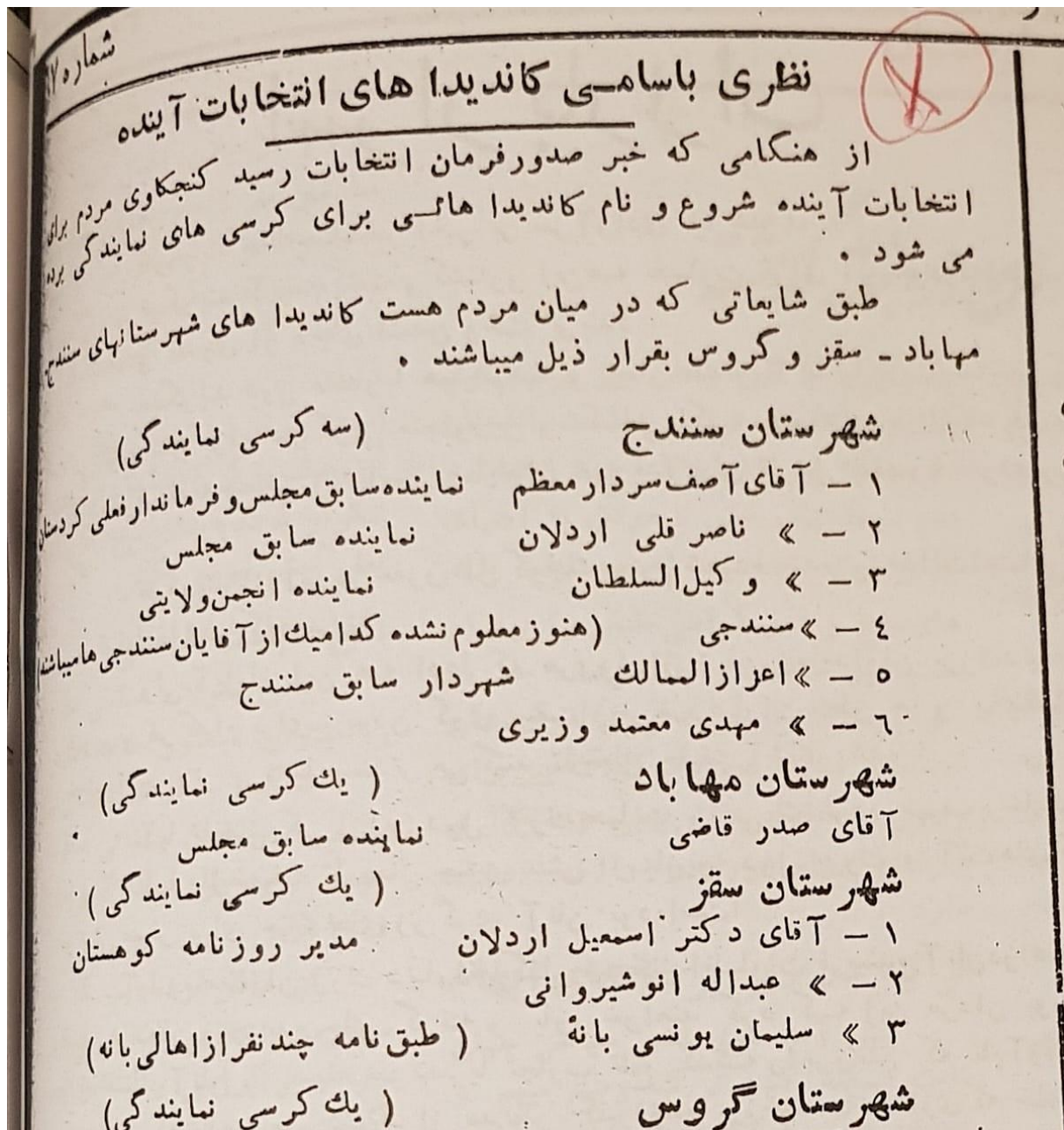
بازگشت روسای عشایر

اوایل هفته گذشته عده‌ای از روسای عشایر کردستان که به تهران دعوت شده بودند پس از پذیرائیهای گرمی که از طرف ستاد ارتش از آنان بعمل آمده بود به محلهای سکونت خود مراجعت نمودند.

در روزهای آخر توقف خود در تهران عده‌ای از آنها مستقماً به اداره روزنامه مراجعه و عده دیگر بوسیله نامه‌هایی از این مسافرت و بازدیدها اظهار خرسندی نموده و مخصوصاً تقاضا نموده بودند که ما بنام آنها از توجهات مخصوص و تفقادات ذات شاهانه سپاسگذاری کرده و از مراجع رئیس محترم دولت و مهربانی و مهمانوازی وزارت جنگ و ستاد ارتش اظهار امتنان و تشکر نمائیم.

جای بسی خرسندی است که مدعوین مرزنشین با خاطری شاد تهران را ترک گفته و با امیدواریهایی به آینده همه به سوی دیار خود رهسپار میگردند در حالیکه توجهات خاص دولت را از نزدیک مشاهده نموده‌اند بخود نوید میدهند که در اوقاتی هم که در مسکن خود مشغول زندگانی هستند دولت آنها را فراموش نخواهد کرد و دیگر دچار عفریتهای چپاولگر نخواهند شد.

از حقایقی که در این مسافرت برای آنها روشن شده یکی این است که دریافته‌اند اشخاصی برای گرم نمودن بازار خود و برای برقراری سلطه نفوذ و قدرت خویش خود را بین آنها و دولت ظاهراً بنام وطن پرستی واسطه قرار داده ولی در عین حال هم به آنها هم به دولت خیانتها نموده‌اند.



[طبق این سند آقای صدر قاضی دوباره خود را کاندیدا مردم مهاباد برای نمایندگی دوره پانزدهم مجلس شورای ملی می کند. (کوهستان شماره ۷۷ آبانماه). آقای صدر قاضی طبق گزارش روزنامه کوهستان در دیماه سال ۱۳۲۵. ۱۹۴۷ در تهران دستگیر و به مهاباد اعزام میشود. آقای صدر قاضی در زندان هستند که ۱۸ نفر از علماء، اعیان، مالک، تجار و کسبه مهاباد نامه ای برای قوام السلطنه می فرستند که به جای آقای صدر قاضی، میرزا رحمت شافعی جایگزین وی در مجلس شورای ملی شود.]

کاندیدای نمایندگی مهاباد

مقام معظم جناب اشرف نخست وزیر محبوب ایران آقای قوام السلطنه
دامت عظمنه رونوشت

اینجانبان امضاء و مهر کنندگان ذیل اهالی مهاباد و اطراف از ته دل نظر
به اینکه آقای رحمت شافعی شخصی صدیق و میهن پرست و درستکار
انگاشته معرفی می نمائیم و همه اوقات عملاً صلاح دولت و ملت را بر
مصالح خود مقدم داشته و نسبت به مقاصد و مصالح این ملت ستمدیده
بصیر و بر همه رحجان دارد و از هر حیث کفایت و دانش و صالح و امین
می باشد ملت شهرستان مهاباد و اطراف شخص آقای رحمت شافعی را به
نمایندگی مجلس شورای ملی دوره پانزدهم انتخاب مینمائیم و این ملت از
حسن انتخاب خودشان را موفق و سعادتمند میدانند.

امیدواریم آقای رحمت شافعی دست رد به سینه تقاضای این ملت نزده و
خودشان را رسماً به کاندید دوره پانزدهم معرفی فرمایند.

به امضای ۱۸ نفر علماء و اعیان و مالک و تجار و کسبه....

مصطفی بلوری

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۸۲ دوشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۲۵. ۱۹۴۷

اظهار امتنان اهالی کردستان

رونوشت: حضور حضرت حجت الاسلام آقای آیت الله مردوخ

رونوشت: روزنامه کوهستان

اهالی این شهرستان از اینکه هیئت اعزامی مورد تفقد ذات شاهانه و جناب اشرف آقای نخست وزیر محبوب واقع شده بی نهایت سپاسگذار، مراتب شاه پرستی و دولت خواهی را مستقیماً به پیشگاه مبارک ملوکانه عرض، امیدوارم بیش از پیش در پیشرفت امور فرهنگ پروری و مصالح این سامان موفقیت حاصل فرمائید.

به امضای ۸۶ نفر از طبقات مختلفه

مسافرت آقای ناصر خان قشقائی به تهران

مسافرت آقای ناصر خان قشقائی رئیس ایل قشقائی وارد تهران شد. آقای عماد السلطنه فاطمی استاندار فارس در معیت ایشان بوده و آقای قشقائی با آقای نخست وزیر ملاقاتهایی خواهند نمود و قطعاً در باره اوضاع فارس و وضع ناگوار آنجا و اختلافاتی که میان دولت و ایلات مسلح جنوب وجود دارد گامهای مثبتی برداشته میشود.

این مسافرت گرچه در نظر بعضی توأم با نقشه‌های عجیبی است ولی در نظر و پیش چشم دسته‌ای دیگر بیشتر مربوط به انتخابات فارس است که تاکنون جز در جهرم در نقطه دیگر شروع نشده است و مربوط به تسلیم اسلحه عشایر فارس می باشد.

پناهندگان

بارزانیان اکرادی هستند که به ایران یعنی مهد پرورش اکراد پناهنده شده‌اند. در اخبار هفته پیش مطالبی خوانده میشد که حاکی از این بود وضعیت بارزانیها در نواحی غربی مهاباد که اکنون محل اقامت آنان است رضایت بخش نیست. انعکاس این اخبار هم کم و بیش در افکار عمومی تأثیرهایی نموده برخی آنها ساده و عادی و دسته‌ای نمونه ماجراجوئی و غارت پنداشته و شاید فقط مقامات دولتی باشند که از جریان حقیقی آن مستحضر باشند. شنیدیم چندی پیش ملا مصطفی و چند تن از افسران به تهران آمدند و در لشکر دوم چندی اقامت گزیدند و در این مدت اقامت مذاکراتی با مقامات دولتی داشته‌اند که متأسفانه از آن اطلاعی کسب نشد.

قطع نظر از مذاکرات فیما بین وضعیت بارزانیها بطور خلاصه این است که پس از یک سلسله جنگهایی در خاک عراق اینان که کرد ولی تبعه دولت عراق می باشند به ایران آمدند و اکنون پناهنده به دولت ایران شده‌اند. دولت عراق سران آنها را محکوم به اعدام نموده بنابراین راه برگشت آنان به عراق مادام که عفو عمومی بدست نیاورند مسدود است یعنی اگر بروند و تسلیم شوند اعدام خواهند گردید.

بنابراین توقف در ایران و پناهنده شدن به کشوری که مهد پرورش اکراد بوده تنها راهی است که آنان برای نجات خود میدانند.

افراد بارزانی که بدین ترتیب اکنون در خاک ایران بسر می برند از پیر و جوان زن و مرد، خرد و بزرگ در حدود چهارده پانزده هزار نفرند. اینان دارائی و تمولی ندارند. امرا معاشی ندارند، اغنام و احشامی ندارند ولی بشرند و محتاج به لوازم زندگی هستند و تا جان در بدن دارند باید تلاش کنند قوت لایموتی به دست بیاورند.

جمیعتی به این کیفیت برای ادامه حیات خود ناچار است مهمان باشد و یا سربار قطعی است وقتی که چنین جمیعتی در ناحیه‌ای مدتی توقف کرد

هر قدر هم بی آزار و بردبار باشد مزاحمتی برای مهمانداران خود فراهم میسازد و بطوریکه گفتیم چون نمیتوانند به مسکن اصلی خود برگردند ناچار تا تکلیفی برایشان روشن شود در همان مناطقی که هستند سکونت نمایند.

اکثر افراد بارزانی مسلح هستند اکثرا تیراندازهای خوب و مردان جنگی میباشند. دارائی آنها همان سلاحی است که دارند و آنرا جز برای حفظ جان و ناموس خود برای چیز دیگر بکار نمی برند. میشنویم اختلاف نظری که فعلا حاصل شده خودداری بارزانیها از تسلیم اسلحه است.

خلع سلاح در داخله مملکت امری است مسلم و قطعی ولی این امر را همه جا یکسان و یکنواخت نمی توان اجرا نمود بلکه اجرای آن با موقعیت و تناسب هر ناحیه متفاوت است.

امروز بارزانیها بیم دارند از اینکه سلاح خود را یکمرتبه بر زمین بگذارند زیرا نمیدانند سیاست عمومی دنیا بعد با آنها چه معامله خواهد کرد. ولی دولت که میداند نسبت به آنها نظر مساعدی دارد باید طوری اقدام کند که آنها اطمینان کامل حاصل نمایند مثلا با اعزام هیئتی نزد آنان نظر مساعد دولت ابلاغ گردد و برای اسکان آنها منطقه مساعدی با وسایل فراهم گردد.

قطعا وقتی که اینطور عمل شد آنها مطمئن شده و در قبال این اقدامات دولت ، سلاح را بر زمین خواهند گذاشت و بدین ترتیب هم آنها به منظور خود رسیده یعنی جا و مکانی برای زندگانی پیدا کرده اند و هم نظر دولت یعنی خلع سلاح عملی خواهد گردید.

به نظر ما نه تنها از لحاظ رعایت اصول بشریت این راه صحیح و اساسی است بلکه از نظر مصالح ملی ما هم جلب قلوب اکراد برای ایران بسیار مفید و مهم است.

امیدواریم دولت نیز اهمیت موضوع را از نظر دور نداشته و از وجود این عده پناهندگان برای آباد نمودن یک ناحیه از کردستان استفاده نماید.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۸۳ دوشنبه ۵ اسفند ۱۳۲۵. ۱۹۴۷

یک مقاله خواندنی از تایمز لندن

۲۱ ژوئیه ۱۹۴۷

ایران سرزمینی که دریای نفت همیشه خاک آن را می‌لرزاند.

اشکالات موجود که در سال ۱۹۴۶ یعنی یکسال قبل برای ایران پیش آمد کرده بود عبارت بودند از تجزیه قسمت مهم آذربایجان ایران که در سمت شمال غربی و مرز ایران و روسیه واقع شده و نیز عدم توانایی دولت ایران از خروج نیروهای شوروی مقیم آن کشور پس از گذشتن موعد مقرر، طغیان ایالت بختیاری و قشقائی در نواحی جنوب غربی و جنوب انقلابات و اعتصابات متوالی و متشنج کننده کارگران کارخانجات شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران در آبادان و مناطق نفت خیز و بالاخره طغیان و تهدید فرقه دموکرات آذربایجان که تقریباً در اواخر سال گذشته و فتنه‌انگیزی آن دسته از ماجراجویان در دسامبر ۱۹۴۶ در همان سال، اغتشاشی هم از طرف یک عده از کردهای بارزانی که جزء اکراد عراق بوده و بنابه دعوت قاضی محمد در حوالی مهاباد قبیله خود را متفرق ساخته بودند روی داد که بر مشکلات دولت مرکزی ایران بمراتب افزوده بود. بالاخره سال ۱۹۴۶ با تمام این بدبختیها و مشکلات دست از سر ایران برداشت و جای خود را به سال ۱۹۴۷ داد و این سال قدرت حکومت مرکزی افزون شد، طغیانها خوابید و کردهای بارزانی به عراق رانده شده و مخالفین دولت با فرار و یا معدوم شدند. قاضی محمد و طرفداران یاغی و مخالف دولت از بین رفتند. در همان مواقع بود که حکومت مرکزی دست بکار منهدم ساختن اساس آلوده فرقه دموکرات آذربایجان که فرقه‌ای کمونیست مسلک بود به اضافه حزب توده ایران هم که صد در صد متقابل به چپ بود از آن

پشتیبانی کرد. قوا به آن سرزمین گسیل گشت و طرفداران فرقه انقلابی به شوروی پناهنده شدند. حزب جدیدالتاسیس دموکرات ایران به رهبری نخست وزیر شروع به فعالیت کرد و رقیب آن حزب، حزب توده بود چون یارای مقاومت نداشت دست از فعالیت کشید و در انتخابات شرکت نکرد. ندای فتح در انتخابات نصیب حزب دموکرات ایران شد.



قاضی ها بدار آویخته شدند و مخصوصا دست آنها را باز گذاشته اند تا انشاالله تبارک و تعالی (بر سر وزراء، وکلاء، مدیرکل ها و قاضی های خائن و مجرم مملکت بکوبند)

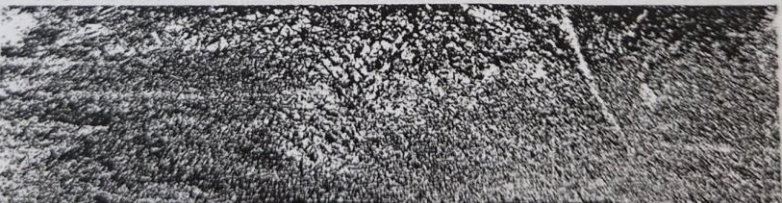
منبع: روزنامه مرد امروز شماره ۱۱۹ سال ۱۳۲۶. ۱۹۴۶

[illegible][illegible]

دای خوسرویی و حالت خردی که
است عاقل و با لایق است و اگر
میخواهد را استقامت را میباید داشت و
نوشی کرده با رعایت و رعایت
مراقبت با هر گونه تعلقات نباید
کرد.

[illegible]

حزب دموکرات
ایران حاضر نشد
بافرقه دموکرات
جبهه واحد
تشکیل دهد

[illegible][illegible][illegible][illegible]

فولادی نوشت:

وطن پرستان پس توانستند نیر کشتی
فرجامان را ایران سیر و نه و تاجیه
در سایر ایلات و ولایات سیر و
نمودند و فرجامان نوروز و مسوغ
باشد.

در تمام قلمرو ایران تحولاتی
کنترل دقیق قلمرو بود و وسیله ای
از این روش بر پایه سیرال پیدا کرد
که به تدریج فرجامان را از ایران
و قلمرو سیرال و وحدت کشور و
مالی خود مسئولیت و با
سویب از امر و عدم قیود
بسیار و به تدریج سیرال
فرجامان را از ایران و

[illegible][illegible]

فرقه ی ماه
ی مذاکره
با یهوده!

نماینده
در تهران
کردام

[illegible]

انجمن عالیہ اسلامیہ دارالعلوم دیوبند کے زیر اہتمام
 منعقد ہونے والے سیمینار میں مولانا محمد رفیع الدین
 صاحب نے خطاب کیا۔ ان کے خطاب کا خلاصہ درج ذیل ہے۔
 مولانا صاحب نے کہا کہ اسلام کے پیغام کو
 دنیا بھر میں پھیلانے کے لیے مسلمانوں کو
 اپنی ذمہ داری سمجھنی چاہیے۔ انہوں نے کہا کہ
 اسلام کے پیغام کو دنیا بھر میں پھیلانے کے لیے
 مسلمانوں کو اپنی ذمہ داری سمجھنی چاہیے۔
 انہوں نے کہا کہ اسلام کے پیغام کو دنیا بھر میں
 پھیلانے کے لیے مسلمانوں کو اپنی ذمہ داری
 سمجھنی چاہیے۔ انہوں نے کہا کہ اسلام کے پیغام
 کو دنیا بھر میں پھیلانے کے لیے مسلمانوں کو
 اپنی ذمہ داری سمجھنی چاہیے۔ انہوں نے کہا کہ
 اسلام کے پیغام کو دنیا بھر میں پھیلانے کے لیے
 مسلمانوں کو اپنی ذمہ داری سمجھنی چاہیے۔

صدر قاضی را اعدام میکنند و صدرالاشراف سر از پا درازتر...

صدر قاضی را اعدام میکنند و صدرالاشراف سرازیا درازتر و با گردن شتر مرغی خود خواب صدارت می بیند. نظر بمراتب لیاقت و شرافت و درستی صدرالاشراف یک قطعه مدال سبیل از طرف آقای سهیلی به او اعطا میشود. (نقل از فوق العاده مرد امروز پس از القای امتیاز).

اعدام سیف قاضی و قاضی محمد و صدر قاضی در مهاباد اثر عمیقی در افکار عمومی داشت و مخصوصاً اجرای اشد مجازات در باره "صدر قاضی" که دارای شهرت بدی نیست و میگویند مرد متدین و خوبی بوده بیشتر مردم را به این سؤال وامیدارد که اگر صدر قاضی بعنوان خیانت به کشور باید اعدام شود، پس نسبت به صدرالاشراف که هم به مملکت خیانت کرده هم به اصول مشروطیت و قوانین کشور، و هم موجد و باعث و بانی تمام این خیانتها و نهضت آذربایجان است چه تنبیه و مجازاتی باید اعمال نمود.

من تصدیق میکنم که چون صدرالاشراف امتیاز روزنامه "مرد امروز" را ملغاء نمود، دشمنی با او در خون و روح من برای همیشه باقی خواهد ماند. ولی آیا همین عمل او از نظر قانون اساسی و اصول مشروطیت جرم عمومی نبود و مستحق مجازات نیست. صدرالاشراف به تمام شکایات و نارضایتیها مخصوصاً فریاد آذربایجانیها از ظلم و تعدی مأمورین بی اعتنائی کرده و جواب منفی داد. در تهران بقدری با احزاب چپ بخشونت و وحشیگری رفتار کرد و سر دکتر "کشاورز" را که وکیل مجلس بود شکست و خلاصه کاری کرد که آنها را در نظر جامعه و حتا در نظر مردم دنیا مظلوم و ذیحق معرفی نمود تا نهضت آذربایجان ایجاد شد و آنهمه نکبت و بدبختی که نمونه کوچک آن مسئله کردستان بود ببار آورد.

این مظهر عزرائیل پس از آن همه جنایت و خیانت همینکه اوضاع را نامساعد دید گورش را گم کرده با چمدانهای قیمتی و عشق طنازی برای سبک کردن استخوانهای لغنتی خود به عتبات و مصر و فلسطین رفت و امروز که نسبتا هوای داخلی آرام شده دوباره مانند اجل معلق سر از تهران درآورده و مشغول به توطئه برعلیه نخست وزیر و طرح نقشه‌های خیانت و جنایتهای جدید می باشد!

اشخاصی که به تاریخ زندگی این عنصر کثیف و جانی آشنایی دارند، میداند که در تمام صفحات آن جزء حق کشی، جزء جنون، جنایت، خیانت و دزدی و رشوه‌خواری و جزء فساد و نکبت و بی شرافتی هیچ چیز وجود ندارد. من شخصا نشان خواهم داد که به اسم یک ایرانی نخواهم گذاشت این رب التوع نکبت و زذالت از تعقیب و مجازات ایمن گردد.

منبع: روزنامه مرد امروز شماره ۱۰۲ سال ۱۳۲۶. ۱۹۴۶

و صدراعظمی سرافرازا درازتر

و با کردن شعری خود خواب صدارت می‌بیند



«نظر بر ارباب لیات و شرافت و درستی صدراعظمی بگفتنه مدال
سهیل از طرف آقای سهیلی باو اعطاء میشود»
اقل از فوق‌الذکر مرده امروز پس از انانی امتیاز»

اهدام سب قاضی و قاضی محمه و صدراعظمی در مقام اشرافیت و انکار
مردمی داشت و مخصوصاً اجرای اشد مجازات در باره صدراعظمی که دارای
شهرت بدی است و می‌گویند مرد متدین و خوبی بوده بیشتر مردم را به این
مستوال را میدارد که اگر صدراعظمی بنوع خیانت بکشد باید اعدام شود پس
نسبت به صدراعظمی که هم بساکت خیانت کرده هم باصول مشروطیت و این
کشور، هم موجب و باعث و بانی تمام این خیانتها و نهضت آذربایجان است
چه تنبیه و مجازاتی باید اعمال شود.

مع تصدیق میکنم که چون صدراعظمی امتیاز و رفاه مرده امروز را ملقب
شود، دشمنی با او در خون و روح مع برای همیشه باقی خواهد ماند ولی آری این صراحت
الانظرفا این اساسی و اصول مشروطیت جرم عمومی بوده و مستحق مجازات نیست
صدراعظمی بنام شکایات و ناراضیها مخصوصاً غریبه آذربایجانها
الظلم و تعدی مأمورین بی اعتنائی کرده و جواب منفی داد. در تهران به‌دور با
احزاب چپ به‌شکرت و وحشیگری رفتار کرده و سر دگر گشاور و زرا که رگبار مجلس
بود شکست و خلسه کاری کرد که آنها را در نظر جامعه و حتی
در نظر مردم دنیا مظلوم و ذبیح معرفی نمود تا نهضت آذربایجان ایجاد شد
و آنچه انکت و بدبختی که دونه کوچه آن مسئله گریه‌ستان بود ببار آورده
این مظهر عذرا و اهل پس از آنچه جنایت و خیانت عینکه اوضاع را نا
مساحه دید گورش را کم کرده با چنانهای فحشی و منه طنز برای
سبک کردن استخوانهای لعنتی خود به عتبات و مصر و فلسطین رفت و
امروز که نسبتاً هوای داخلی آرام شده دو باره مانند اهل مشرق سراف
طهران در آورده و مظلوم‌بسته و به‌دور علیه مستعوز و طرح شده‌های
خیانت و جنایت‌های جدید می‌باشد

احساسیکه به تاریخ زنده گی این عنصر کثیف و جانی آشفته‌داره
میدانده که در تمام صفحات آن جز حق کفایت، جز جنون، جنایت، خیانت
و دزدی و رعب و خوراک و جز فساد و فحش و بی‌شرافتی هیچ چیز دیده
ندارد من همسانشان غوامه داد که باسم به ایرانی لغوام گذاشته‌ایم
و به‌التووع نکبت و ذلالت از عقب و مجازات این کرده.

خون قاضی محمد بوی نفت میداد

[متأسفانه صفحات ۱ و ۴ خوانده نمیشوند]

بقیه از صفحه ۴

عده‌ای از افسران متهمین را مقصر و واجب القتل دانسته و برخی آنان را اغفال شده و مستحق عفو میدانستند.

زمانی که هیئت دادگاه تجدیدنظر و مدعی‌المعوم و منشی محکمه و وکلای مدافع متهمین که آنان نیز از طرف محکمه و از تهران مأمور شده بودند وارد مهاباد شده متجاوز از ۸۰ شبانه روز بود که محکمه بدوی صحرائی سه نفر قاضی‌ها را محکوم به اعدام نمود بود.

این حکم محکمه بدوی زیاد متهمین و زمامداران حکومت خودمختار کردستان را نگران ننموده بود و اطمینان داشتند که محکمه تجدیدنظر نظامی که در تهران تشکیل خواهد شد آنان را یا تبرئه و یا اینکه مدت زندانی محکوم نموده و آینده نیز آثار این حکم مرتفع خواهد شد.

اما وقتی که هیئت افسران از تبریز مأمور تشکیل محکمه در مهاباد شده و هیئت محکمه تجدیدنظر تحت ریاست سرهنگ عطائی و دادستانی سرهنگ نکوزاده تشکیل و سروان صلح جو و سروان نبوی هم به وکالت مدافع متهمین از طرف دادگاه همین شدند. نگرانی و وحشت متهمین رو بتزاید گذارده و جلسات دادگاه صورت دیگری بخود گرفت.

اتهامات منتسبه به "محمد قاضی" صدر فرقه کومله و رئیس حکومت خودمختار کردستان، یکی قیام مسلحانه برعلیه دولت مرکزی و دیگری عقد قرارداد نفت با بیگانگان نسبت به اراضی نفت خیز کردستان به تناسب

۵۱ سهم و ۴۹ سهم بود و دیگری توهین به ارتش و حکومت مرکزی بود که در یکی از مجالس سخنرانیهای خود گفته بود که موقعیت ارتش ایران و قوای مرکزی با این شعر مصداق دارد:

پیرمردی ز نزع می نالید پیرزن صندلش را می مالید

اتهام دیگر محمد قاضی دستور قتل و حریق خانه مأمورین محلی بود که به اتهام این امور در محکمه بدوی محکوم به اعدام شده و چون تقاضای تجدیدنظر نموده بود تمام این امور منتسبه در محکمه تجدیدنظر مطرح رسیدگی بود.

اتهامات سیف قاضی هم کمتر از اتهامات محمد قاضی نبود و مشتمل بر همان اتهامات و شرکت و یا معاونت وی بود.

اما اتهامات صدر قاضی برادر محمد قاضی و نماینده مجلس دوره ۱۴ عبارت از بعضی از مراسلات و نامه‌هایی بود که [؟] دیگر توهین در آن نامه‌ها اشاره به تحریک و توطئه برعلیه قوای مرکزی و مقاومت و جاسوسی بود.

نکته که زیاد افسران محکمه را عصبانی نموده بود توهینی بود که در یکی از نامه‌های خود نوشته و اشاره کرده بود که زبان حال ارتش ایران این شعر می باشد:

اگر سر بسر پشت بدشمن دهیم از آن به که یکفن بکشتن دهیم

بقیه در صفحه ۱۱

منبع: روزنامه مرد امروز شماره ۱۰۷ سال ۱۳۲۵. ۱۹۴۶.



در روز واقعه هنگام سحر در روشنی صبحدم و در سایه روشن نور شفق
سه جسد بی جان در هوا معلق بود.

خون قاضی محمد بوی نفت میداد

من شاهد تشنجات روح گذار صدر قاضی و نعرهای گوشخراش سیف
قاضی بودم.

روزنامه مرد امروز شماره ۱۰۷، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۲۶. ۱۹۴۷.

کردستان مستقل! کردستان جمهوری...

کردستان مستقل! کردستان جمهوری. نقشه‌های قاضی محمد. وزیر جنگ کردستان هر ماه یک دفعه بباکو میرفت. تا بندر بوشهر جزو کردستان بود. چرا روزنامه نامه مردم. شهباز. ایران ما نوحه‌سرائی میکنند.

بدار کشیدن قاضی محمد و صدر و سیف قاضی کاخ آمال مزدوران اجنبی را که گمان میکردند این خائنین به مجازات نخواهند رسید و باز به محض حصول فرصت آلت اجرای مقاصد شوم دیگران خواهند شد یکباره فرو ریخت و ترس آنکه روزی گریبان نجس آنان نیز گرفتار پنجه عدالت و قانون خواهد شد و بزه‌خواران سفره بیگانگان را سخت به جنب و جوش انداخت و ناگزیر ساخت اراجیفی بهم بافته با نشر آن دل سایر همکاران خائن را گرم و بساط بی شرمی را باین وسیله نگذارند از هم بپاشد و به این منظور پس از وصول خبر اعدام خیانیکاران مذکور نوحه‌سرائی از طرف روزنامه‌های مزدور آغاز گردید.

و حتی روزنامه "شهباز" جسارت را به جائی رساند که قاضی محمد (به قول روزنامه ایران ما) حضرت قاضی محمد را فرشته و مجازات‌کنندگان آنها را جانی خطاب و با کمال بی شرمی به مقدمات ملی هتاکي نمود و نوشت که این افراد شریف! جز خدمت به ایران و همکاری با مقامات دولتی نظر دیگری نداشته‌اند. برای اینکه مردم از حقایق بیشتر اطلاع حاصل نمایند روزنامه "تهران مصور" لازم دانست چند مدرک اساسی را برای اطلاع هم میهنان منعکس و به این وسیله نیات باطنی قاضی ها و همدستان بیشراف آنها را روشن سازد.

منبع: روزنامه تهران مصور شماره ۱۹۸ صفحه ۱۷ سال ۱۳۲۶. ۱۹۴۶

[آنچه در این شماره روزنامه تهران مصور نوشته شده دور از حقیقت است. این روزنامه وابسته به دربار پهلوی بود و همچنانکه دیدیم آنها بودند که سرسپرده و نوکر بیگانه و عوامل اجنبی بودند، نه قاضی محمد و یارانش]

کردستان مستقل! - کردستان جمهوری - نقشه های قاضی محمد - وزیر جنگ کردستان هر ماه یک دفعه بساگو میرفت - تابندربوشهر جزو کردستان بود - چرا روزنامه مردم - شهباز - ایران مانو حه سرائی میکنند

بدار کشیدن قاضی محمد و صدر و سیف قاضی کاخ آمل مزدوران اجنبی را که گمان میکردند این خائنین بجازات نخواهند رسید و باز به معنی حصول فرصت آلات اجرای مقاصد شوم دیگران خواهند شد يك باره فرو ریخت و ترس آنکه روزی گریبان نجس آنان نیز گرفتار پنجه عدالت و قانون خواهد شد ریزه خواران سفره بیگانگان را سخت جنب و جوش انداخت و ناگزیر ساعت اراجپلی بهم بافته با نشر آن دل سایر همکاران خائن را گرم و بساط بسی خری را باین وسیله نگذارند از هم بپاشد و باین منظور پس از وصول خبر اعدام خیانت کاران مذکور نوحه سرائی از طرف روزنامه های مزدور آغاز گردید .

و حتی روزنامه شهبازجسارت را بجای رسانید که قاضی (محمد) بقول روزنامه ایران (محضر: قاضی محمد) را فرشته و مجازات کنندگان آنها را جانی خطاب دیا کمال بی شرمی به مقدسات ملی هتاکي نمود و نوشت که این افراد شریف! جز خدمت به ایران و همکاری با مقامات دولتی نظردیگری نداشته اند، برای اینکه مردم از حقایق بیشتر اطلاع حاصل نمایند روزنامه تهران مصور لازم دانست چندمدرک اساسی را برای اطلاع هم میهنان منکس و باین وسیله نیات باطنی قاضی ها و همدستان یسرف آنها را روشن سازد .



جناب حاج باباشیخ نخست وزیر
جمهوری مستقل کردستان که در کوبا
در تبریز محبوس و منتظر خت محاکمه
می باشد



نقشه کردستان مستقل که شامل نیمی از ایران - ترکیه - عراق میشود
و با خطوط مخصوصی حدود آن مشخص گردیده در این نقشه که متأسفانه فقط
به دریای سیاه راه ندارد کردستان مستقل را از جنوب بغلیج فارس و از غرب به
مدیترانه متصل کرده و تمام مناطق نقطه خیز جنوب و غرب ایران را تا حدود بندر
بوشهر به کردستان مستقل اختصاص داده و خوب معلوم میدارد که مقصود اصلی
ایجاد کنندگان کردستان مستقل و تجزیه آن از ایران چه بوده است.



قاضی محمد و ملا مصطفی بارزانی
بارزانیها برای تقویت قوای کردهای
متجاسر از طرف قاضی محمد به ایران
دعوت شدند و ملا مصطفی از طرف قاضی
محمد بدرجه ژنرالی ارتش کرد برقرار
گردید.



حضرت قاضی محمد در حال رؤه گرفتن از ارتش کرد در حالیکه عده ای
از پیرمردان کرد با ایجاد رد خدمت قاضی هستند .



قاضی محمد با هیئت وزرای خود در اولین کابینه ای که به نخست وزیری
حاج باباشیخ تشکیل گردید

روزنامه تهران مصور شماره ۱۹۸ صفحه ۱۷ سال ۱۳۲۶. ۱۹۴۶

درگذشت شادروان ستوان "آیتی"

بطوریکه از کردستان اطلاع میدهند ستوان "آیتی" فرزند حضرت آیت الله مردوخ در اثر اصابت تیر سخت مجروح و برای عمل جراحی به کرمان حرکت داده میشود. پس از ۲۴ ساعت ستوان "آیتی" دارفانی را وداع گفته جسد آن مرحوم به سنندج نقل و با تشریفات نظامی به خاک سپرده میشود.

توقیف نامه کوهستان یا آرزوی مرتجعین سقز

مرتجعین سقز از پیش آمد اخیر آذربایجان و رفتن ارتش به مهاباد فوق العاده سوء استفاده برده و با شتاب و دستبرد هرچه تمامتر مشغولند که طبقه‌ای از جوانان روشنفکر اینجا که بیچاره‌ها از همه چیز و همه جا بیخبر و در اقلیت واقعند به تهمت انتساب و تمایل به حزب دمکرات کردستان و غیره قیام برعلیه دولت ترسانیده و به انواع دسایس و تهدیدات و تحریکات درصدد خفه نمودن احساسات آنها برآمده و میخواهند به زور و فشار تابع آراء پوسیده خودشان بنمایند.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۸۴ دوشنبه ۱۲ اسفند ۱۳۲۵. ۱۹۴۶

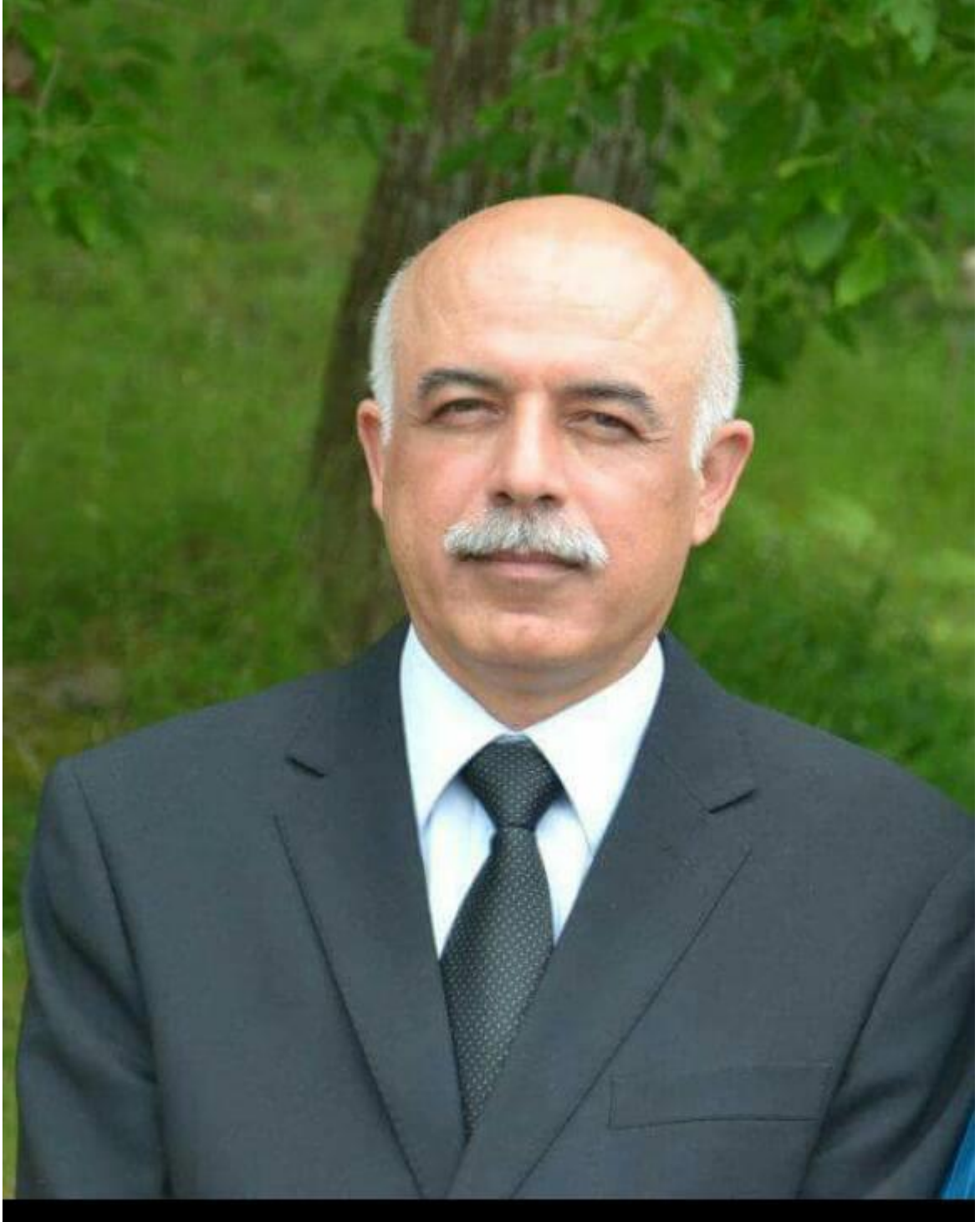
منابع:

۱. نامه هفتگی کوهستان شماره (۸۴ . ۱) به کوشش: صدیق صالح ، رفیق صالح ، سلیمانیه بنیاد ژین سال ۲۰۱۰
۲. رۆژنامه‌ی کوردستان مهاباد ۱۳۲۴ . ۱۹۴۶ به کوشش: رفیق صالح و صدیق صالح، سلیمانیه بنیاد ژین سال ۲۰۰۷
۳. نامه هفتگی کوهستان (۱۳۲۳ . ۱۳۲۵)
۴. ساوجبلاغ مکر، مهاباد در آئینه‌ی اسناد تاریخی ، تالیف: فریدون حکیم زاده
۵. جمهوری کردستان، نوشته: حامید گوهری، ترجمه از زبان کردی به فارسی حسن ماورانی سال ۲۰۱۳
۶. جمهوری ۱۹۴۶ کردستان نوشته: ویلیام انگلتون، ترجمه: سید محمد صمدی
۷. حوسین زیرینگه‌ران (فرووه‌هر) به رپوایه‌تی وینه، هه‌سه‌ن قازی . راهی که تاریخ پیمود! نوشته: رشاد مصطفی سلطانی سوید سال ۱۳۹۶ . ۲۰۱۷
۸. زندگی سیاسی قوام السلطنه تالیف: جعفر مهدی نیا، انتشارات پانوس چاپ چهارم سال ۱۳۷۵
۹. میرزا احمدخان قوام السلطنه تحقیق و نگارش: دکتر باقر عاقلی انتشارات جاویدان چاپ دوم ۱۳۷۷
۱۰. اسرار محاکمه قاضی محمد و یارانش، تألیف: دکتر رحیم سیف قاضی، گردآوری و ترجمه: محمد رضا سیف قاضی چاپ دوم ۱۳۸۰
۱۱. مانگ و ۲۰ رۆژ به‌خته‌وه‌ری کۆماری خودمختاری کوردستان ۱۹۴۶ . ۱۹۴۷ نووسین و ئاماده‌کردنی: سمایی ماملی

- . تلگرام سایت "پنگه‌یه‌ک بو میژوو"
- . صفحه فیسبوک خانم پروانه احمدین
- . صفحه فیسبوک آقای حسن قاضی
- . صفحه فیسبوک آقای موحیب مهابادی
- . صفحه فیسبوک آقای جمال نجاری
- . صفحه فیسبوک فاروق فرهاد

توجه:

عکس روی جلد (صفحه ۱) تبریز ۲/۳/ ۱۳۲۵. ۱۹۴۶ از راست: پیشوا
قاضی محمد، پیشه‌وری، محمد حسین خان سیف قاضی، برگرفته از
سایت اینترنتی.



فاروق فرهاد